

۴۴۸

کیهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۱۳ تا ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۹۱۴



دولار و تصویر سیاه اقتصاد ایران

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۴ (۴۴۸)

جمعه ۱۳ تا ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۲
۲ تا ۸ فوریه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london

روابط عمومی:
info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london

سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴	سرمقاله - عفریت جنگ همزاد عفریت جمهوری اسلامی / الاله بقرات
۴-۵	تیترا هفته - دلار و تصویر سیاه اقتصاد ایران ... / روشنگر آسترکی
۶-۷	شاهزاده رضا پهلوی: جمهوری اسلامی باید سرنگون شود؛ ارتش آزاد بیخوش ایران ... /
۷	علی خامنه‌ای: خدا به ملت ایران رحم کرد که انقلاب شد! پهلوی‌ها بارو و حانیون ... /
۸	بنس استولتبرگ دبیر کل ناتو: رژیم ایران در داخل سر کوبنگر و در خارج ... /
۹	دو پیشنهاد روی میز بایدن: «حمله به تأسیسات نظامی در داخل ایران» و ... /
۱۰-۱۱	کتاببگزار؛ «بلند آسمان جایگاه من است» ... /
۱۱	کار تاژیسیم در سیاست ... / خیراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۱) ... /
۱۴	و بیام بر نر رئیس سی آی ای: جمهوری اسلامی گستاخ تر شده ... /
۱۵	نگاه غرب به ایران از دیدگاه امیر طاهری ... /
۱۵	آمریکایک شبکه مالی تأمین کننده میلیون هاد دلار پول برای «سپاه قدس» و ... /
۱۶-۱۷	متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (بخش پایانی) ... /
۱۸	اعدام چهار زندانی سیاسی به اتهام «محراب» و «جاسوسی برای اسرائیل» ... /
۱۹	خطر اعدام یک شهروند معتزض؛ دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی ... /
۲۰-۲۲	نماینده کی سیاسی «ایده لیبرال» و «زندگی معمولی» چه پیش از ۵۷ و چه ... / الاله بقرات
۲۲-۲۳	تلاش دولت برای کاهش قیمت ارز ... /
۲۴-۲۵	۸ سال زندان برای بازرگان ایرانی به جرم پولشویی و قاچاق انسان ... /
۲۵	اقتدار شاهانه در اروندرود ... /
۲۵	حوثی ها و دنیا ... / کارتون های بهنام محمدی
۲۶	روپترز: منابع دولتی سوریه کشته شدن تعدادی از مستشاران سپاه پاسداران در ... /
۲۶-۲۷	چند کشته و زخمی در حمله به پایگاه های «سپاه قدس» در دمشق ... /
۲۷	قطع بودجه «آر و ا» به اتهام دخالت شماری از کارکنان آن در جنایت حماس ... /
۲۸	ادعای وبسایت splash24: کشتی «پهپاد بر» سپاه پاسداران ... /
۲۸-۲۹	آمریکایک ویر بتانیا شبکه «ناجی شریفی» و دستیارانش را به اتهام ... /
۲۹	بهره برداری شرکت های کشتیرانی چینی از بحران در دریای سرخ ... / احمد رفعت
۳۰	سه کشته و شماری مجروح در حمله پهپادی گروه های نیابتی وابسته به ... /
۳۱	پایگاه خبری «آکسوس» دستور بایدن حمله به شبه نظامیان مورد حمایت ... /
۳۲	آمریکایک شبکه مالی تأمین کننده میلیون هاد دلار پول برای «سپاه قدس» و ... /
۳۲-۳۳	جمهوری اسلامی «تست موشک بالستیک» در پوشش پرتاب «ماهواره ترابا» را ... /
۳۳	پرتاب سه ماهواره باموشک بالستیک «سیمرغ» یک روز پس از هشدار اروپا ... /
۳۴-۳۵	ائتلاف دریایی «گروه ۱۵۳» نتوانسته حملات حوثی ها را متوقف کند ... /
۳۵	حملات گسترده شبه نظامیان حوثی به کشتی هادر دریای سرخ ... /
۳۶-۳۷	«سامانه مردمی نظارت بر فضای مجازی»؛ راهکار جدید سرکوب شهر وندان ... /
۳۷-۳۸	تلاش آموزش و پرورش برای تبدیل مدرسه به مکتب: بدون کفش وارد شوید! ... /
۳۸-۳۹	دستاوردهای تپاه جمهوری اسلامی؛ پدیده «بازنشستگان دوشغله» در جامعه ... /
۴۰	ترک تحصیل دختران به دلیل عدم دسترسی به امکانات آموزشی ... /
۴۱	بنزین ۸۰۰۰ تومانی در راه است؟ ... /
۴۲	پدیده خودکشی نوجوانان دانش آموزی و بی اعتنایی وزارتخانه آموزش و پرورش ... /
۴۳	سیربازان هم به جگرگه بهشت اجباری بچه دار شدن پیوستند ... /
۴۴	کمای نظام سلامت قابل احیان نیست؛ بیمارستان های ورشکسته و بیماران ناتوان از ... /
۴۵	کارگران گروه ملی فولاد اهاواز دوباره اعتصاب کردند ... /
۴۶	«یونیفرم ما» انیمیشن کارگردان ایرانی نامزد دریافت اسکار شد ... /
۴۶-۴۷	دریای مازندان می میرد از بس که جان ندارد ... /
۴۷	ناترازی آب با زبان دراز! ... / کارتون های بهنام محمدی
۴۸	مدیرکل اسبق اتباع وزارت کشور: مهاجرین افغانستانی به دلیل منع قانونی، سرمایه های ... /
۴۹	پایتخت در تسخیر ساختمان های نایمن ... /
۵۰	نورمردی ماه هم افزایش یافت؛ نور ماهانه به ۶/۲ درصد رسید ... /
۵۱	مسأجران سرگردان در بازارگران اجاره؛ وام بی خاصیت و نا کارآمد ... /
۵۲-۵۳	ایران بیش از دیگر کشورهای خاورمیانه تحت تاثیر تغییرات آب و هوایی است ... /
۵۳	توقیف یک کشتی با پرچم استرالیا در خلیج فارس توسط نیروی دریایی سپاه ... /
۵۴	«بحران قدرت خرید» در ایران؛ اقسام متوسط هم در تله فقر گرفتار شده اند ... /
۵۵	بازارهای مختلف ایران تحت تاثیر قیمت بالای ارز ... /
۵۶-۵۷	خبرهای کوتاه ... /
۵۸	پشت جلد - عکس هفته / ۴۵ سال پس از ورود خمینی به تهران و چند حقیقت در یک تصویر

بازنشر

بازنشر



دلار و تصویر سیاه اقتصاد ایران

سرمقاله

عفریت جنگ همزاد عفریت جمهوری اسلامی

این روزها سایه‌ی همیشگی جنگ که با وقوع انقلاب اسلامی آسمان ایران را همواره پوشانده، با تشدید حملات موشکی و اقدامات نظامی در دریای سرخ که اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار داده سنگین‌تر از همیشه است. ضربه علیه اقتصاد جهانی چیزی نیست که غرب آن را برای مدت طولانی تحمل کند. در این میان، شاید وقتی احتمال جنگ بیش از هر زمانه‌یست، بیشتر هم می‌بایست بر راهکاری اصرار کرد که بارها از سوی



شاهزاده رضا پهلوی تکرار شده.

وی به تازگی نیز در یک نشست از مردم ایران به عنوان «داوودهای زمان» و «ارتش آزادیبخش» نام برد و با اشاره به «احساس تنهایی» خود در سال‌های دور، از باور به اراده مردم گفت: «وقتی این نسل هنوز متولد نشده بود می‌دانستم یک روز آنها به دنیا خواهند آمد و این روز فرا خواهد رسید... من باور داشتم ایرانی‌ها از همه اقوام و ادیان همانطور که قبل از انقلاب در کنار هم در صلح زندگی می‌کردند، روزی دوباره آزاد خواهند شد و بار دیگر ملتی خواهیم بود متحد و متعهد به آزادی‌های بنیادی و احترام به حقوق همه شهروندانمان.» به همین دلیل «وقتی منافع کلیدی دنیا وابسته به آزادی و ثبات در ایران است، پس باید حداکثر حمایت را از ما به عمل بیاورند.»

این حمایت یعنی در هم کوبیدن بازوهای نیابتی و غیرنیابتی تروریستی و شبه‌نظامی جمهوری اسلامی در منطقه، قطع شریان‌های اقتصادی آن به اشکال مختلف، قطع مرادده با لایبکران و پایان دادن به «دیپلماسی» ناکام و همزمان پشتیبانی تمام‌عیار از مردمی که ارتش آزادیبخش مبارزات خودند و همچنین تقویت جریان و شخصیتی که همواره حامی مردم بوده و مردم نیز حامی او هستند.

با مباحثات و مذاکره و لایبگری و پول رساندن به جیب رژیم ملایان و پاسدارانش، جمهوری اسلامی نه «مهار» و نه تضعیف بلکه گستاخ‌تر شده و بدون اینکه مسئولیتی بپذیرد، جهان را به جنگ کشانده است.

عاقله‌ترین راه پیشگیری از جنگ و یا پایان دادن به جنگ افروزی، برای جلوگیری از گسترش مردم و تخریب کشورها، تضعیف و ساقط کردن مسببان آن است. فرصتی که از سال ۸۸ خورشیدی بارها در ایران پیش آمد اما غرب سیاست مباحثات با جنگ‌افروزان را بر حمایت از مردم صلح‌جو ترجیح داد.

در خیزش ملی اخیر نیز نه مردمی که به خاک و خون کشیده شدند و یا ایرانیان مدافع دموکراسی، بلکه دولت‌های غربی با بستن چشم و گوش خود به شعارهای صریح و تمایلات روشن مردم، با حرکات نمایشی یا دوباره چشم امید به «خندق» و درون نظام دوختند و یا خود را مشغول افراد و گروه‌های ماجراجو کردند، و آلتزاتیو واقعی برقرارکننده صلح و زندگی عادی در ایران و خاورمیانه را نادیده گرفتند.

حالا پس از یک سال، بر بستر همان سیاست‌ها، مجبور به جنگ شده‌اند! «سر مار» و «افعی» و «ژدها» و «جالوت» (گولیات/ گالیات) و یا «چشم اختاپوس» به این معنی است که در ایران است چرا که «ارتش آزادیبخش» و «داوودها»-ی که سال‌هاست علیه آن مبارزه می‌کنند نیز در ایرانند.

*داوود علیه جالوت



● آرام نگه داشتن وضعیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ترندهای جمهوری اسلامی برای کشاندن اندک مردم حامی نظام به پای صندوق‌های رأی انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی است که قرار است ۱۱ اسفند برگزار شود.

قیمت دلار در حالی طی ۱۰ روز نخست بهمن کانال ۵۰ هزار تومان را پشت سر می‌گذاشت که بانک مرکزی تنها با حرف‌درمانی و خبردرمانی به دنبال کاهش قیمت‌ها بود. رئیس بانک مرکزی نیز به فعالان بازار ارز درباره کاهش ناگهانی قیمت‌ها هشدار می‌داد.

در این میان بازار طلا و سپس بازار سرمایه متأثر از افزایش قیمت دلار دچار تحول شدند؛ قیمت‌ها در بازار طلا صعودی شد و بازار سرمایه با ریزش روبرو گشت.

وزارت اقتصاد نیز اعلام کرد که دولت سیزدهم در همه روزهای پر التهاب دو سال گذشته هیچگاه حمایت از بازار سرمایه را رها نکرده است، هرچند نوسان در این بازار امری طبیعی و بدیهی محسوب می‌شود، اما دولت بر اساس قولی که به فعالان این بخش داده هرگز اجازه تکرار اتفاقات سال ۹۹ را در بورس نخواهد داد و اکنون آنچه در بازار بورس در حال روی دادن است، بخشی از ذات این نهاد بوده و دلیل بر شکست برنامه‌های دولت برای رونق تالار شیشه‌ای نیست.

در ادامه وزارت اقتصاد مدعی شده که با استمرار سیاست مالی و پولی دولت در بودجه سال آینده و حفظ آرامش و ثبات در اقتصاد، سرمایه بجای ورود به بازارهای موازی به سمت بازار سرمایه و بخش‌های مولد حرکت می‌کند.

رسیدن دلار به مرز ۶۰ هزار تومان در روز سه‌شنبه دهم بهمن‌ماه با واکنش‌هایی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز روبرو شد و دیگر بازارهای ایران را هم تحت تأثیر قرار داد. معاملات در بازار موبایل و لوازم خانگی قفل و قیمت‌ها در بازار اتومبیل با افزایش چشمگیری روبرو شد بطوری که طی تنها چند روز قیمت اتومبیل‌های وارداتی بطور میانگین ۷.۱ درصد، قیمت محصولات داخلی بطور میانگین ۲۰ میلیون تومان معادل ۲.۳ درصد و اتومبیل‌های مونتاژی ۲۹ میلیون تومان معادل ۱.۸۷ درصد افزایش ←

بازار ارز ایران در هفته دوم بهمن‌ماه یکی از متلاطم‌ترین دوره‌های نوسان قیمت در سال ۱۴۰۲ را پشت سر گذاشت و ارزشهای رایج در بازار ایران رکوردهای جدیدی ثبت کردند.

در اوج افزایش قیمت‌ها در روز سه‌شنبه دهم بهمن‌ماه دلار به مرز ۶۰ هزار تومان رسید. پوند بریتانیا یک رکورد تاریخی در تاریخ اقتصاد ایران ثبت کرد و به بیش از ۷۳ هزار تومانی رسید. درهم امارات، کانال ۱۶ هزار تومانی را فتح کرده و یورو در آستانه ورود به کانال ۶۴ هزار تومانی قرار گرفت.

دلار ۶۰ هزار تومانی هرچند سبب امنیتی شدن جو بازار ارز و تکاپوی بانک مرکزی برای کاهش قیمت‌ها شد اما شوک‌هایی در دیگر بازارهای ایران ایجاد کرد که آثار مستقیم و غیرمستقیم آن با تاکتیک‌های تیم اقتصادی دولت قابل پنهان کردن و پاک کردن نخواهد بود.

محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی و دیگر مقامات اقتصادی دولت رئیسی در ماه‌های گذشته بارها مدعی شدند که دولت توانسته در سال ۱۴۰۲ «ثبات» را به بازار ارز ایران بازگرداند و از افزایش قیمت‌ها در این بازار جلوگیری کند. آمارهای اقتصادی اما نشان می‌دهد میانگین قیمت دلار در ۸ ماه نخست امسال نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۴۴ درصد افزایش یافته است.

با اینهمه افزایش قیمت دلار در هفته‌های گذشته و پس از آغاز درگیری حماس و اسرائیل سرعت یافت و تداوم تنش‌آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه، همچنان قیمت دلار را صعودی نگه داشت. در آخرین روزهای دی‌ماه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خاک سوریه و عراق و سپس پاکستان را مورد حمله پهپادی و موشکی قرار داد و پاکستان نیز در اقدامی متقابل، بامداد پنجشنبه ۲۸ دی‌ماه شش نقطه در ۸۰ کیلومتری عمق خاک ایران را هدف موشک‌های خود قرار داد و ضرب‌آهنگ افزایش پرسرعت قیمت ارز آغاز شد.

→ قیمت داشتند.

در چنین شرایطی دولت، طبق عادت همیشگی، با امنیتی کردن موضوع «ارز» و همچنین ارزپاشی بانک مرکزی تلاش

کارشناسان اقتصادی همچنین پیش‌بینی کرده بودند که تا پایان سال دلار می‌تواند به مرز ۶۰ هزار تومان برسد چرا که منابع ارزی در دست دولت ناچیز است و سیاست ارزپاشی



کرده قیمت‌ها در بازار را کاهش دهد. به نظر می‌رسد دستوراتی هم به رسانه‌های داخلی داده شده بطوری که با وجود پشت سر گذاشتن هفته‌ای به شدت پرتنش در بازار ارز، وضعیت بازار ارز و اثرات آن بر دیگر بازارها در شماره پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۲ تا لحظه تنظیم این گزارش هیچ جایی نداشت.

ارزپاشی تبلیغاتی و انتخاباتی!

جمهوری اسلامی بطور ویژه در تلاش است تا قیمت دلار در بازار آزاد را به ۵۰ هزار تومان بازگرداند. مقامات دولتی مدعی هستند افزایش روزهای گذشته قیمت ارز با اقدامات «دشمن» صورت گرفته است. سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت مدعی شده که «دشمن فضایی را طراحی کرده تا در اقتصاد تکانه‌هایی ایجاد کند و به مردم فشار بیاورد» و «آمریکایی‌ها گفته‌اند که هدف‌گذاری روی اقتصاد ایران است.»

ادعاهایی مشابه از سوی روزنامه «کیهان» چاپ تهران نیز مطرح شده. این روزنامه در مطلبی درباره افزایش قیمت ارز نوشت «افزایش قیمت دلار به خاطر جو سازی است!» کیهان تهران همچنین مدعی شد که «چند کانال تلگرامی، در حال کنترل بازار ارز کشور هستند.»

پذیرش ادعای روزنامه «کیهان» به معنای «عمق نفوذ دشمن» در اقتصاد ایران است بطوری که «چند کانال تلگرامی» توانسته‌اند نهادهای مهمی چون بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارتخانه‌ها و بطور کلی هیئت دولت را «بی‌خاصیت» کنند!

اینهمه در حالیست که کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی حتی پیش از جهش دهه نخست بهمن‌ماه تأکید کرده بودند که قیمت دلار که بانک مرکزی با ترفندهای مختلف تلاش در محدود نگه داشتن آن است، دارای حباب بوده و قیمت واقعی دلار در بازار آزاد ایران حتی تا ۷۰ الی ۸۰ هزار تومان است.

قابل توجه اینکه آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد قیمت کالاها و ۷۰ درصد قیمت خدمات، ۹۰ درصد مخارج سرمایه‌گذاری و تقریباً قیمت همه کالاهای وارداتی بطور مستقیم و هماهنگ با نرخ دلار آمریکا تعیین می‌شود. به بیان دیگر دلار آمریکا مبنای قیمت‌گذاری حدود ۸۰ درصد (مخارج) اقتصاد جمهوری اسلامی در ایران است.

چیره‌شدن واقعیت‌های تلخ اقتصادی بر تاکتیک‌های حکومت

دولت اگرچه در کاهش قیمت‌ها در بازار ارز در روزهای آینده موفق خواهد بود اما باید تأکید کرد این روند «مقطعی» است چرا که وضعیت اقتصاد کلان و تصمیمات و سیاست‌گذاری اقتصادی تغییری نخواهد کرد.

برای نمونه وضعیت ارزی کشور، برخلاف ادعای دولت و حامیان، آنطور که جمهوری اسلامی رویاپردازی می‌کرد بهبود نیافته است. درست در روزهایی که قیمت ارز با شتاب در حال افزایش است، وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی از «نرسیدن» پول‌های بلوکه شده به کشور خبر داد.

احسان خاندوزی سه‌شنبه گذشته گفته بود که «درباره دسترسی به منابع ارزی ایران در قطر، با وجود تعهد طرف غربی، تاخیرهایی وجود دارد. ال‌سی اول گشایش شده اما سایر ال‌سی‌ها با تأخیر مواجه شده است. امیدوارم با مذاکرات صورت گرفته، این تأخیر برطرف شود.»

از سوی دیگر در حالی که کسری تجاری در بخش غیرنفتی یکی از عوامل اصلی ناترازی ارزی و درآمدی دولت است، گزارش‌ها نشان می‌دهد تراز تجاری کشور به منفی ۱۴ میلیارد دلار رسیده است. بر اساس آمارهای گمرک از آغاز سال تا پایان دی ماه سال جاری، ایران ۴۰ میلیارد و ۴۷۰ میلیون دلار صادرات غیرنفتی در برابر ۵۴ میلیارد و ۳۶۰ میلیون دلار واردات داشته است.

تراز منفی تجاری در بخش غیرنفتی، عدم دسترسی جمهوری اسلامی به منابع ارزی بلوکه شده، فضای پرتنش در سیاست خارجی و معلق ماندن مذاکرات هسته‌ای با غرب، همگی از عوامل بحران‌زا در ماه‌های پیش رو هستند. این در حالیست که لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ نیز با کسری در اجرا روبروست. تحقق منابع درآمدی گنجانده شده در بودجه، از جمله درآمدهای مالیاتی که دولت عنوان «پایدار» را بر آنها گذاشته، با ابهام فراوان روبرو هستند. هزینه‌های متنوع حکومتی از جمله بودجه اختصاصی به نهادها و سازمان‌هایی چون صداوسیما حکومت نیز توسط دولت و مجلس افزایش یافته است. اینهمه بودجه‌ای ناتراز را رقم خواهد زد.

دولت برای جبران کسری بودجه راهکار و پتانسیلی غیر از استقراض و افزایش نقدینگی در دست ندارد؛ راهکاری که بطور مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش تورم منجر خواهد شد. در حالی که پیش‌بینی می‌شود موفقیت دولت در ثابت نگه داشتن قیمت ارز موقتی باشد و کسری بودجه نیز بار توری به اقتصاد وارد کند، ماه‌های آینده باز هم روزگار تشدید گرانی و مشکلات معیشتی بر دوش خانوارهای کم‌درآمد و متوسط خواهد بود.

جمهوری اسلامی که مدت‌هاست تاکتیک مدیریت کوتاه‌مدت بحران‌های اقتصادی را در دستور کار دارد، حتی اگر تا نیمه اسفند امسال و برای گذراندن کم‌حاشیه‌تر انتخابات نمایشی و تصویب بودجه، بتواند قیمت ارز را کنترل کند، اما نمی‌تواند در بلندمدت بر بحران‌هایی که متأثر از واقعیت‌های تلخ اقتصادی است چیره شود و باز هم مردم ایران مجبورند هزینه ساختار ناکارآمد حکومت و اثرات آن بر اقتصاد و معیشت را پرداخت کنند.

روشنگ آسترکی

در بازار که از ابتدای امسال در دستور کار بانک مرکزی قرار داشته با مقاومت بازار روبرو شده و واقعیت‌های اقتصادی امکان چیره شدن بر «درمان‌های موقت» بانک مرکزی را دارند.

در این میان تلاش بانک مرکزی با کاهش قیمت ارز در روزهای پایانی سال نیز اقدامی قابل پیش‌بینی بود. از یکسو دولت رئیسی طی ماه‌های گذشته به دلیل سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی و تنگ‌تر کردن فضای اقتصادی و معیشتی مورد انتقاد قرار داشت. دامنه انتقادات به دولت حتی به هواداران و حامیان کشیده شده و از نمایندگان مجلس که تا چند ماه پیش تمام‌قد در حمایت از دولت سیزدهم بودند تا رسانه‌های اصولگرایی که در زمان انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل کابینه، همه پتانسیل خود را پشت سر دولت گذاشته بودند، موضعی انتقادی از عملکرد اقتصادی دولت دارند. طبیعی است که در چنین شرایطی دولت نخواهد هزینه بیشتری علیه خود ایجاد کند.

از سوی دیگر در روزهایی که لایحه بودجه سال آینده با وجود کسری عملی و درآمدهای ناپایدار در حال بررسی است، لجام‌گسیختگی در بازار ارز و اثرات منفی آن در دیگر بازارها نیز می‌تواند فشار به نمایندگان مجلس در رابطه با تصویب لایحه بودجه را افزایش دهد؛ بدون شک دولت به هر قیمتی از بروز چنین چالشی جلوگیری خواهد کرد.

از همه مهم‌تر اینکه دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار است یک ماه دیگر در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار شود و تا کنون جمهوری اسلامی برای گرم کردن تئور انتخابات کاملاً شکست خورده است. افزایش قیمت ارز به دلیل اثرات مستقیم بر افزایش قیمت کالاها و خدمات در کشور به معنای ریزش بیشتر جمعیتی حداقلی است که به هر دلیل ممکن است در انتخابات شرکت کنند. آرام نگه داشتن اوضاع اقتصادی یکی از مهم‌ترین ترفندهای جمهوری اسلامی برای کشاندن اندک مردم حامی نظام پای صندوق رأی است.

شاهزاده رضا پهلوی در موزه «تالرنس» لس آنجلس: جمهوری اسلامی باید سرنگون شود؛ ارتش آزادیبخش ایران «مردم» هستند



شاهزاده رضا پهلوی در موزه «تالرنس» در شهر لس آنجلس / بهمن ۱۴۰۲

کردم، خودم تجربه شخصی آن را داشتم و عزیزانم را از دست داده‌ام. شما به دنبال پاسخ و راه حل می‌گردید، به دنبال صلح می‌گردید، امشب اینجا هستیم تا به شما یادآوری کنم اگر تمام دنیا چشم به روی تروریسم ببندد و به مردم یهود پشت کند اما ملت ایران در کنار شما هستند و شما را در آغوش می‌گیرند.»

وی در ادامه با اشاره به افزایش یهودستیزی در دنیا عنوان کرد: «وقتی شما پوستر پاره شده نام گروگان‌های اسرائیلی را می‌بینید به یاد بیاورید که ایرانی‌ها دقیقاً شبیه کاری را که بعد از ۱۱ سپتامبر کردند، یعنی اتحاد و همدردی خودشان را با همه جانباختگان نشان دادند. وقتی شما ستاره داوود را می‌بینید که به آتش می‌کشند به یاد بیاورید که ایرانی‌ها از بی‌احترامی به پرچم اسرائیل خودداری می‌کنند و همیشه در صف اول تظاهرات این پرچم را در کنار پرچم ایران بالا می‌گیرند. وقتی شما می‌بینید به اسم «مقاومت» به زنانی که گروگان گرفته شده‌اند تجاوز می‌شود به یاد بیاورید که ایرانی‌ها حقیقت پشت آن را می‌دانند، زیرا آنها با وجود جمهوری اسلامی دقیقاً از همین سرنوشت رنج می‌برند. وقتی شما تمام این نفرت‌پراکنی‌ها را می‌بینید و احساس می‌کنید هیچ جایی را ندارید که به آن پناه ببرید و جایی را ندارید که خانه شما باشد، به یاد بیاورید که شما بخشی از ملت ایران هستید. ما هم‌زمان شما هستیم که خانه‌مان را با شما شریکیم. ما ایرانی‌ها یک خانه مشترک داریم و آنهم سرزمین‌مان است. وقتی حس می‌کنید جایی را ندارید که به آن پناه ببرید، به خانه‌ی خودتان فکر می‌کنید، هرکسی که بخواهد بین ما ایرانی‌ها تفرقه‌افکنی کند و جدایی بیندازد ما به عنوان یک ملت سکولار و دموکراتیک اجازه این کار را نخواهیم داد. ما همین خوشامد را به دوستان یهودی غیرایرانی خودمان هم می‌گوییم. مردم ایران در این دوران تاریخ در کنار شما ایستاده‌اند. اگرچه ما با مردم اسرائیل یک ملت نیستیم اما یک تاریخ باستانی مشترک داریم و آن را فراموش نکرده‌ایم.»

تاریخی- مذهبی یهود «داوود مردم ایران» معرفی می‌کند و رو به حضاران در سالن می‌گوید باور دارد که ایالات متحده باید در مقابل رژیم ایران بایستند و از داوود مردم ایران حمایت کند. شاهزاده رضا پهلوی در آغاز سخنرانی خود با قدردانی از حضاران و برگزارکنندگان نشست به واقعه هولوکاست و کشتار یهودیان توسط آلمان نازی اشاره کرد و گفت: «به اینجا برگشتم تا تنها چند روز بعد از روز یادبود جهانی واقعه هولوکاست گفتگویی مهم را پیش ببرم. خوشحالم که با جامعه یهودی و به ویژه با هم‌زمان یهودی ایرانی در اینجا حضور دارم. چهار ماه بعد از نسل‌کشی «هفت اکتبر» [توسط حماس] ما آنهایی را که جان خود را از دست داده‌اند و خون‌شان بر زمین ریخته شده فراموش نخواهیم کنیم. جنایات علیه یهودیان هنوز هم در حال تکرار است. وقتی در بنای یادبود آنها راه می‌رویم یاد جنایت‌هایی می‌افتیم که بطور ویژه یادآور جنایاتی است که توسط عاملان یک رژیم جنایتکار صورت گرفت؛ رژیمی که غرب تلاش می‌کند با آن مماشات کند. نتیجه این مماشات در گذشته به قیمت جان شش میلیون یهودی تمام شد که بسیاری از آنها شهروندان غیرنظامی و نظامیان جوان بودند. متأسفانه مماشات با رژیم‌های تشنه خون به عنوان یک گزینه سیاسی همچنان از سوی دولت‌ها ادامه دارد و مردم بیشتری جان‌شان را به دلیل نفرت‌پراکنی همین رژیم‌ها از دست می‌دهند. اجازه بدهید مستقیم با جامعه ایرانیان یهودی صحبت کنم؛ برای بیش از چهار دهه این رژیم بطور ویژه شما و رهبران و جامعه شما را هدف قرار داده و متأسفانه این وضعیت تا امروز هم ادامه دارد.»

«مردم ایران با الهام از میراث کوروش کبیر کنار یهودیان ایستاده‌اند»

در ادامه شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به درد و رنج‌های توصیف‌ناپذیر خانواده جانباختگان جنایت‌های جمهوری اسلامی گفت: «می‌دانم دوستان و عزیزانی دارید که روده شده‌اند، درد شما را می‌شناسم چون خودم آن را تجربه

هم‌زمان با افزایش درگیری‌ها در خاورمیانه، سازمان «نه به یهودستیزی» با همکاری مرکز «سیمون ویزنتال» روز سه‌شنبه ۳۰ ژانویه (دهم بهمن‌ماه) نشست با موضوع «امیدها و آرزوهای مردم ایران و اسرائیل» در موزه «تالرنس» (مُدارا) شهر لس آنجلس برگزار کرد. شاهزاده رضا پهلوی سخنران این نشست بود که با حضور جامعه یهودیان ایرانی- آمریکایی برگزار شد.

در آغاز نشست جرج هارونیان از ایرانیان یهودی سرشناس آمریکا و از بنیانگذاران وبسایت «نه به یهودستیزی» ضمن خوشامدگویی شاهزاده رضا پهلوی را با الهام از آموزه‌های تاریخی- مذهبی یهود «داوود مردم ایران» معرفی کرد و رو به حضاران در سالن گفت که باور دارد که ایالات متحده باید در مقابل رژیم ایران بایستند و از داوود مردم ایران حمایت کند.

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی خود گفت: «ایرانی‌ها با الهام از میراث کوروش کبیر در کنار مردم اسرائیل ایستاده‌اند و از شما حمایت می‌کنند... وقتی حس می‌کنید جایی را ندارید که به آن پناه ببرید به خانه خودتان فکر می‌کنید. هرکسی که بخواهد بین ما ایرانی‌ها تفرقه‌افکنی کند و جدایی بیندازد ما به عنوان یک ملت سکولار و دموکراتیک اجازه این کار را نخواهیم داد. ما همین خوشامد را به دوستان یهودی غیرایرانی خودمان هم می‌گوییم. مردم ایران در این دوران تاریخ در کنار شما ایستاده‌اند.»

«جمهوری اسلامی باید سرنگون شود؛ ارتش آزادیبخش نیز میلیون‌ها ایرانی هستند که برای آزادی خود و برقراری صلح در منطقه با جان خویش بهای آن را می‌پردازند. این یعنی نهایت فداکاری و مطمئن هستیم که آنها به هدف‌شان خواهند رسید.»

«برای ما ایرانی‌ها از قبل روشن بود که جمهوری اسلامی چشم اختاپوسی است که با بازوهای خود همه منطقه را کنترل می‌کند. تلاش برای مماشات با این جالوت بی‌حاصل است بعد از بیش از چهار سال وقت آن رسیده به داوود فرصت دهیم. مردم ایران داوود زمان هستند که در مقابل جالوت ایستاده‌اند.»

«با توجه به چنین آمدگی و رویکردی وقتی منافع کلیدی دنیا وابسته به آزادی و ثبات در ایران است، باید حداکثر حمایت را از ما به عمل بیاورند. من روی شما اعضای ایرانیان خارج کشور حساب می‌کنم و می‌خواهم برای تقویت این کارزار آزادی به ما پیوندید.»

هم‌زمان با افزایش درگیری‌ها در خاورمیانه، سازمان «نه به یهودستیزی» با همکاری مرکز «سیمون ویزنتال» روز سه‌شنبه ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴ (دهم بهمن ۱۴۰۲) نشست با موضوع «امیدها و آرزوهای مردم ایران و اسرائیل» در موزه «تالرنس» (مُدارا) شهر لس آنجلس برگزار کرد.

سخنران این نشست که با حضور جامعه یهودی و ایرانی- آمریکایی‌ها برگزار شد شاهزاده رضا پهلوی بود که عنوان کرد، رسیدن به صلح و ثبات در خاورمیانه و امنیت و رفاه برای مردم آن منطقه مستلزم تغییرات اساسی دموکراتیک در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در آغاز نشست جرج هارونیان از ایرانیان یهودی سرشناس آمریکا و از بنیانگذاران وبسایت «نه به یهودستیزی» ضمن خوشامدگویی شاهزاده رضا پهلوی را با الهام از آموزه‌های

رحم کرد که این انقلاب رخ داد!« علی خامنه‌ای در دیدار با شماری از کارکنان نظام به آنها گفت: «هضم شدن و حل شدن در فرهنگ کفر و استکبار، قبل از پهلوی‌ها شروع شد، از دوران قاجار شروع شد، شروع‌کننده هم همین وابستگان دربار و پادشاهان و شاهزاده‌های فاسد و مفتخور و تنبل و بیکاره و فاسدالاخلاق بودند؛ اینها فرهنگ غربی را گرفتند و با نفوذی که در جامعه داشتند، یعنی نفوذ مالی و قدرتی و پولی و مانند اینها به تدریج در بین مردم رایج کردند. نوبت به پهلوی‌ها که رسید، به اوج رساندند این فساد را، این بیماری مسری را، برای اینکه بتوانند کشور را به معنای واقعی کلمه به قدرت‌های غربی وابسته و آویزان بکنند.»

وی سپس در یک سخنرانی طولانی بار دیگر به پهلوی‌ها حمله کرد و گفت: «انگلیسی‌ها رضاخان را که یک روزی جزو قزاق‌های محافظ سفارت انگلیس بود برداشتند آوردند بزرگش کردند، بلندش کردند، به او قدرت دادند، اطرافش یک تعدادی روشنفکر وابسته را نشانند و کاشتند و این وضعی را که در دوره‌ی رضاخان پیش آمد... ضدیت با دین، ضدیت با اسلام، ضدیت با استقلال، ضدیت با حجاب، ضدیت با مجالس عزاداری، ضدیت با روحانیت راه انداختند. در دوره‌ی رضاخان یکجور، در دوره‌ی بعد از رضاخان هم یکجور دیگر؛ حرکت این بود.»

خامنه‌ای در ادامه در ادعایی عجیب و غریب و متضاد با زندگی واقعی مردم و کشور افزود: «واقعاً خدا به ملت ایران رحم کرد که این انقلاب رخ داد! و آلا با آن وضعی که اینها داشتند پیش می‌رفتند، وضع کشور ما خیلی خیلی بدتر از همه‌ی کشورهای وابسته‌ای که ما می‌شناسیم می‌شد. انقلاب آمد جلوی این را گرفت؛ انقلاب اسلامی، با یک اقدام قاطع، جلوی این حرکت به سمت سقوط مطلق را گرفت و کشور را نجات داد.» وی همچنین مدعی شد در دوره پهلوی هویت، موجودیت و تاریخ ملت ایران در حال نابودی بود که انقلاب اسلامی جلوی آن را گرفت!

بخش پایانی سخنرانی علی خامنه‌ای مربوط به وضعیت منطقه و جنگ در غزه بود. وی برای چهارمین بار پس از آغاز جنگ در غزه با انتقاد از مسئولان کشورهای اسلامی منطقه از آنان خواست «شریان‌های حیاتی رژیم صهیونیستی را قطع کنند.» تقاضایی که تا کنون مورد اعتنای هیچکدام از کشورهای عربی و اسلامی قرار نگرفته است.

وی در این بخش گفت: «مسئولان کشورهای اسلامی گاهی اجتماع می‌کنند حرفی می‌زنند، گاهی مصاحبه‌ای می‌کنند یک چیزی می‌گویند، [اما] کاری که باید بکنند انجام نمی‌گیرد، اعلان می‌کنند که باید آتش‌بس انجام بگیرد؛ خوب آتش‌بس دست شما که نیست، آتش‌بس دست آن خبیث است، دست آن دشمن است، و نمی‌کنند. شما می‌نشینید چیزی را تصویب می‌کنید که در اختیار شما نیست. چیزهایی هست که در اختیار شما است، آنها را تصویب نمی‌کنید؛ آن چیست؟ قطع شریان‌های حیاتی رژیم صهیونیستی؛ این در اختیار شما است!»

رهبر جمهوری اسلامی در پایان به رهبران کشورهای مسلمان منطقه که روابط خود با اسرائیل را با وجود جنگ در غزه ادامه دادند گفت: «شما می‌توانید [به اسرائیل] کمک نکنید، پشتیبانی نکنید، ارتباط سیاسی و اقتصادی را قطع کنید؛ این کارها را می‌توانید بکنید. این، آن دشمن را تضعیف خواهد کرد، او را از میدان خارج خواهد کرد؛ این کار دست شما است؛ این را تصویب کنید. متعرض این می‌شوید، یک چیزی را تصویب می‌کنند که در اختیارشان نیست!» ساعاتی پس از این سخنرانی، علی خامنه‌ای به مناسبت سالگرد روزهای منتهی به «انقلاب اسلامی» در بهمن ۱۳۵۷ به مقبره روح‌الله خمینی رفت و فاتحه‌خوانی کرد.

علی خامنه‌ای: خدا به ملت ایران رحم کرد که انقلاب شد! پهلوی‌ها با روحانیون، اسلام، حجاب و مجالس عزاداری ضدیت داشتند

● یک هفته پس از اجرای حکم اعدام و قتل‌های فراقضائی دست‌کم شش شهروند معترض و زندانی سیاسی و در شرایطی که سایه‌ی همیشگی جنگ بر فراز ایران بیش از پیش سنگین شده و نرخ دلار در بازار آزاد به بیش از ۶۰ هزار تومان رسیده، رهبر جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۱ بهمن‌ماه در یک سخنرانی مدعی شد «خدا به ملت ایران رحم کرد که این انقلاب رخ داد!»

● «انگلیسی‌ها رضاخان را بزرگش کردند، بلندش کردند، به او قدرت دادند، اطرافش یک تعدادی روشنفکر وابسته را نشانند و کاشتند و این وضعی را که در دوره‌ی رضاخان پیش آمد... ضدیت با دین، ضدیت با اسلام، ضدیت با استقلال، ضدیت با حجاب، ضدیت با مجالس عزاداری، ضدیت با روحانیت راه انداختند. در دوره‌ی رضاخان یکجور، در دوره‌ی بعد از رضاخان هم یکجور دیگر.»

● «واقعاً خدا به ملت ایران رحم کرد که این انقلاب رخ داد؛ و آلا با آن وضعی که اینها داشتند پیش می‌رفتند، وضع کشور ما خیلی خیلی بدتر از همه‌ی کشورهای وابسته‌ای که ما می‌شناسیم می‌شد. انقلاب آمد جلوی این را گرفت؛ انقلاب اسلامی، با یک اقدام قاطع، جلوی این حرکت به سمت سقوط مطلق را گرفت و کشور را نجات داد!»



علی خامنه‌ای / چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲

یک هفته پس از اجرای حکم اعدام و قتل‌های فراقضائی دست‌کم شش شهروند معترض و زندانی سیاسی و در شرایطی که سایه‌ی همیشگی جنگ بر فراز ایران بیش از پیش سنگین شده و نرخ دلار در بازار آزاد به بیش از ۶۰ هزار تومان رسیده، رهبر جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۱ بهمن‌ماه در یک سخنرانی مدعی شد «خدا به ملت ایران

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه به حضور ایرانی‌ها در کنار مردم اسرائیل در تظاهرات سراسر دنیا اشاره کرد و گفت: «ایرانی‌ها با الهام از میراث کوروش کبیر در کنار مردم اسرائیل ایستاده‌اند و از شما حمایت می‌کنند. سال گذشته بعد از بازگشت از اسرائیل در مصاحبه‌ها گفتیم همانطور که کوروش به یهودیان بابل در بازسازی معبدشان کمک کرد، ما ایرانی‌ها هم یک معبد داریم که رژیم شرور و خونخوار جمهوری اسلامی آن را اشغال کرده است. معبد ما ایران است. دوستان، ما یک دشمن مشترک داریم؛ به واقع رژیم شرور جمهوری اسلامی علیه هر دو ملت عزیز ایران و اسرائیل جنگ به راه انداخته است اما دولت‌های غربی تلاش می‌کنند با چنین رژیم شیطانی مماشات کنند و رژیم نیز همچنان به تخریب و نابودی در سراسر منطقه و به پشتیبانی از تروریست‌ها ادامه می‌دهد و گروه‌انگیزی می‌کند، از حماس و جهاد اسلامی در غزه گرفته تا حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن و شبه‌نظامیان در عراق. کل منطقه بهای مماشات غرب با رژیم ایران را پرداخت می‌کند. وقتی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند، وقتی برای مبادله گروگان‌ها پول‌های هنگفت می‌پردازند، فقط رژیم ایران را ستاختر می‌کنند و مشوق آن می‌شوند.»

علیه «جالوت» به «داوود» فرصت دهیم

در ادامه این سخنرانی رضا پهلوی به تشریح شرایط منطقه پرداخت و توضیح داد: «باید برای همه تا الان روشن شده باشد که برای ما ایرانی‌ها از قبل روشن بود که جمهوری اسلامی چشم اختاپوسی است که با بازوهای خود همه منطقه را کنترل می‌کند. تلاش برای مماشات با این جالوت بی‌حاصل است بعد از بیشتر از چهل سال وقت آن رسیده به داوود فرصت دهیم.»

«داوود زمان ما مردم ایران هستند»

وی ادامه داد: «دوستان من، مردم ایران داوودهای زمان ما هستند و آنها دارند بهای این وضعیت را می‌پردازند؛ نه فقط برای خودشان بلکه برای همه مردم خاورمیانه و همه دنیا. آنها با وجود بیش از چهار سال زندگی تحت حکومت وحشت رژیم نه تنها دل‌سرد نشدند بلکه برای رسیدن به آزادی تلاش مضاعف می‌کنند. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود؛ ارتش آزادیبخش نیز میلیون‌ها ایرانی هستند که برای آزادی خود و برقراری صلح در منطقه با جان خویش بهای آن را پرداخت می‌کنند. این یعنی نهایت فداکاری و مطمئن هستم که آنها به هدف‌شان خواهند رسید. اکنون ما می‌توانیم در این نبرد از آنها حمایت کنیم، کنار نشینیم و تماشاگر نباشیم؛ من بیش از چهار دهه است کنار نشستم تا منتظر معجزه باشم. برای چندین سال شاید احساس تنهایی می‌کردم اما امروز نسل Z در ایران پا به عرصه گذاشته است.»

شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با نسل‌های جوان و آزادخواه ایران افزود: «وقتی این نسل هنوز متولد نشده بود می‌دانستم یک روز آنها به دنیا خواهند آمد و این روز فراخواهد رسید. آن زمان من فقط امید نداشتم که این زمان فرا خواهد رسید بلکه به آن باور داشتم. من به باور و اراده مردم ایران ایمان دارم. من باور داشتم ایرانی‌ها از همه اقوام و ادیان همانطور که قبل از انقلاب در کنار هم در صلح زندگی می‌کردند، روزی دوباره آزاد خواهند شد و بار دیگر ملتی خواهیم بود متحد و متعهد به آزادی‌های بنیادی و احترام به حقوق همه شهروندانمان.»

وی در پایان تأکید کرد: «با توجه به چنین آمادگی و رویکردی وقتی منافع کلیدی دنیا وابسته به آزادی و ثبات در ایران است، پس باید حداکثر حمایت را از ما به عمل بیاورند. من روی شما اعضای ایرانی‌های پهلوی خارج کشور حساب می‌کنم و می‌خواهم برای تقویت این کارزار آزادی به ما بپیوندید.»

ینس استولتنبگ دبیرکل ناتو: رژیم ایران در داخل سرکوبگر و در خارج تهاجمی و عامل بی‌ثباتی منطقه است



جلسه وزیر خارجه و وزیر دفاع آمریکا با دبیرکل ناتو

فرا تر نمی‌روم... همانطور که اشاره کردم، این پاسخ مناسب می‌تواند چند سطحی باشد، می‌تواند در مراحل مختلف باشد و در طول زمان ادامه پیدا کند.»

وزیر خارجه آمریکا ادامه داد: «در عین حال، بطور کاملاً جداگانه، ما تلاش کرده‌ایم تا گروه‌ها را از غزه بازگردانیم و در عین حال یک وقفه طولانی در جنگ ایجاد کنیم، و این تلاش چپ‌زیست که در حال حاضر بسیار بسیار فعالانه البته با کمک شرکای خود در قطر و مصر و همچنین اسرائیل دنبال می‌کنیم.»

در ادامه استولتنبگ در پاسخ به بی‌بی‌سی درباره منطقه و ایران گفت: «[رژیم] ایران مسئول بی‌ثبات کردن کل منطقه و تهدید ثبات و امنیت در خاورمیانه است. در داخل کشور سرکوبگر و در خارج تهاجمی است. ما این را در حملات گروه‌های نیابتی مختلف، گروه‌های تروریستی که ایران از آنها حمایت می‌کند، دیده‌ایم. این نشان می‌دهد خطر تشدید تنش‌ها تا چه اندازه زیاد است و بنابراین من از تلاش‌های ایالات متحده برای مقابله با این خطرات استقبال می‌کنم. این مهم است که بدانیم روسیه و [رژیم] ایران اکنون بیشتر در حال همسویی هستند. روسیه روز به روز بیشتر به پهنادهای ایران وابسته می‌شود - آنها در واقع کارخانه جدیدی در روسیه بر اساس فناوری پهنادی جمهوری اسلامی ساخته‌اند و در مقابل روسیه فناوری پیشرفته در اختیار ایران قرار می‌دهد و اینهمه نشان می‌دهد که چگونه رژیم‌های استبدادی بهم نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند، و تنها پاسخ به آن این است که متحدان ناتو، همه کشورهایی که به دموکراسی اعتقاد دارند، باید مانند ما در ناتو کنار هم بایستند.»

اظهارات مقامات ارشد آمریکا و همچنین دبیرکل ناتو نشان می‌دهد غربی‌ها فعلاً اصراری به نشان دادن واکنش سخت به اقدامات رژیم ایران علیه منافع خود ندارند با اینهمه برخی تحلیلگران معتقدند در صورتی که تهران به همین رویه ادامه دهد تغییر موضع غربی‌ها و دخالت نظامی نیروهای ائتلاف محتمل است. چنانکه در سال ۲۰۱۱ در مورد لیبی اتفاق افتاد.

آمریکا مهم است، بنابراین حمایت از اوکراین در خدمت منافع ایالات متحده است. برای بخش کوچکی از هزینه‌های دفاعی سالانه، ایالات متحده به اوکراین کمک کرده است که بخش عمده‌ای از ظرفیت رزمی روسیه را بدون آسیب رساندن به یک سرباز آمریکایی از بین ببرد.»

آیا آمریکا در آستانه جنگ قرار دارد؟

بلینکن و ینس استولتنبگ در بخش دیگری از این کنفرانس به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند. خبرنگار بی‌بی‌سی پرسید: «آقای وزیر، شما در کنفرانس دیروز به واکنش چند مرحله‌ای اشاره کردید. آیا ایران را مستقیماً مسئول می‌دانید؟ آیا آمریکا را در حال جنگ یا در آستانه جنگ می‌دانید؟ و هر واکنشی چه تأثیری بر توافق آتش‌بس گروه‌ها خواهد داشت، که به ما گفته می‌شود در مرحله پیشرفته قرار دارد؟ و آقای دبیرکل، دیدگاه ناتو در مورد خطر درگیر شدن ایالات متحده در درگیری مستقیم با ایران چیست؟ این برای سایر اولویت‌های ناتو، از جمله اوکراین، چه معنایی دارد؟ آیا ناتو و سایر متحدانش، از جمله اتحادیه اروپا، می‌توانند در صورت نیاز حمایت از اوکراین را بدون ایالات متحده ادامه دهند؟»

بلینکن: ما به دنبال درگیری با ایران نیستیم

بلینکن در پاسخ گفت: «حمالتی که از ماه اکتبر علیه نیروهای ما در عراق و سوریه انجام شده توسط گروه‌هایی بوده که با [رژیم] ایران همسو هستند و در واقع توسط [حکومت] ایران پشتیبانی و تأمین مالی و تجهیز می‌شوند... اشاره می‌کنم که حضور نیروهای ما در عراق و سوریه هیچ ربطی به غزه ندارد، هیچ ربطی به درگیری هفت اکتبر ندارد. آنها در منطقه مستقر شدند که داعش دوباره فعال نشود... همانطور که اشاره کردم، ما به دنبال درگیری با ایران نیستیم، ما به دنبال جنگ با ایران نیستیم، اما از پرسنل خود دفاع کرده و خواهیم کرد و هر اقدام لازم را برای این کار انجام خواهیم داد، از جمله پاسخ بسیار شدید به حمله اخیر؛ من از چیزهایی که رئیس جمهور گفت

دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در کنفرانس خبری مشترک با بلینکن وزیر خارجه آمریکا گفت: «رژیم ایران به بی‌ثبات کردن منطقه ادامه می‌دهد و از گروه‌های تروریستی پشتیبانی می‌کند... رفتار تهران به ما یادآوری می‌کند که جهان بدون قانون چگونه است، غیرقابل پیش‌بینی و خطرناک؛ دنیایی که در آن برقراری امنیت بیش از پیش ارزش پیدا می‌کند.»

آنتونی بلینکن در این کنفرانس گفت: «من می‌توانم استدلال کنم که دست‌کم از سال ۱۹۷۳ و حتی پیش از آن وضعیتی به خطرناکی شرايطی که امروز در سراسر منطقه با آن روبرو هستیم ندیده‌ایم.»

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد: «ما به دنبال درگیری با ایران نیستیم، ما به دنبال جنگ با ایران نیستیم، اما از پرسنل خود دفاع کرده و خواهیم کرد و هر اقدام لازم را ای این کار انجام خواهیم داد.»

در ادامه استولتنبگ درباره وضعیت منطقه و ایران گفت: «[رژیم] ایران مسئول بی‌ثبات کردن کل منطقه و تهدید ثبات و امنیت در خاورمیانه است. در داخل کشور سرکوبگر و در خارج تهاجمی است... این مهم است که بدانیم روسیه و [رژیم] ایران اکنون بیشتر در حال همسویی هستند... رژیم‌های استبدادی بهم نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند، و تنها پاسخ به آن این است که متحدان ناتو، همه کشورهایی که به دموکراسی اعتقاد دارند، باید مانند ما در ناتو کنار هم بایستند.»

دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه ۲۹ ژانویه (نهم بهمن‌ماه) در یک کنفرانس خبری مشترک در واشنگتن درباره تحولات بین‌المللی از جمله تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه و نقش جمهوری اسلامی در بحران‌سازی‌های منطقه‌ای صحبت کردند و به پرسش خبرنگاران در مورد این مسائل پاسخ دادند.

آنتونی بلینکن در این کنفرانس گفت: «من می‌توانم استدلال کنم که دست‌کم از سال ۱۹۷۳ و حتی پیش از آن وضعیتی به خطرناکی شرايطی که امروز در سراسر منطقه با آن روبرو هستیم ندیده‌ایم.»

ژنرال ینس استولتنبگ نیز با اشاره به کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن گفت: «ما می‌بینیم که [رژیم] ایران به بی‌ثبات کردن منطقه ادامه می‌دهد و همچنین مسئولیت حمایت از تروریست‌هایی را که در دریای سرخ به کشتی‌ها حمله می‌کنند بر عهده دارد. رفتار تهران به ما یادآوری می‌کند که جهان بدون قانون چگونه است، غیرقابل پیش‌بینی و خطرناک؛ دنیایی که در آن برقراری امنیت بیش از پیش ارزش پیدا می‌کند.»

پیروزی روسیه در جنگ اوکراین رژیم‌های ایران و کره شمالی را گستاخ می‌کند

وی در ادامه رو به بلینکن گفت: «من از دیپلماسی خستگی‌ناپذیر شما، برای جلوگیری از تشدید بیشتر جنگ در غزه، تلاش‌های شما برای کاهش درد و رنج انسانی و تلاش سخت شما برای یک راه حل مسالمت‌آمیز استقبال می‌کنم... از جنگ وحشیانه روسیه علیه اوکراین دو سال گذشته است؛ پیروزی روسیه باعث گستاخی رژیم ایران، کره شمالی و چین خواهد شد. این برای امنیت اروپا و برای امنیت

دو پیشنهاد روی میز بایدن: «حمله به تأسیسات نظامی در داخل ایران» و «هدف قرار دادن مستقیم مقامات جمهوری اسلامی»



اسماعیل قاآنی فرمانده «سپاه قدس» و حسن سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد قاسم سلیمانی

● بعد از کشته و زخمی شدن تعدادی از نظامیان آمریکایی مستقر در اردن در حمله پهبادی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی، دولت بایدن به شدت از سوی سناتورها و نمایندگان هر دو حزب ایالات متحده برای اقدام مستقیم علیه منشاء اصلی این حملات یعنی جمهوری اسلامی زیر فشار قرار گرفته است.

● بر اساس گزارش «بلومبرگ» یک سناریوی مطرح شده از طرف پنتاگون حمله موضعی به نقاطی در داخل ایران بدون مسئولیت‌پذیری از طرف آمریکا است.

● یک فرد آشنا با مواضع ایالات متحده، که خواست نامش فاش نشود، به بلومبرگ می‌گوید: «واضح است حمله‌ای که منجر به کشته شدن آمریکایی‌ها می‌شود، نیازمند پاسخی قوی‌ترست».

بعد از کشته و زخمی شدن تعدادی از نظامیان آمریکایی مستقر در اردن در حمله پهبادی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی، دولت بایدن به شدت از سوی سناتورها و نمایندگان هر دو حزب ایالات متحده برای اقدام مستقیم علیه منشاء اصلی این حملات یعنی جمهوری اسلامی زیر فشار قرار گرفته است.

چندین سناتور از بایدن خواسته‌اند مامشات با رژیم ایران کنار بگذارد و برای تأمین امنیت نیروهای آمریکایی در منطقه علیه جمهوری اسلامی دست به «اقدام سخت» بزند. در حمله پهبادی به پایگاه آمریکایی‌ها در اردن که یکشنبه شب ۲۸ ژانویه (هشتم بهمن‌ماه) رخ داد دست‌کم سه نظامی آمریکایی کشته شده و به بیش از ۳۴ نظامی دیگر آسیب وارد آمد. ساعاتی پس از این حمله مقامات ارشد آمریکا در کاخ سفید جلسه امنیتی برگزار کردند. در این جلسه و همچنین خارج از کاخ سفید از سوی اعضای کنگره برای اینکه چه پاسخی مناسب اقدامات جمهوری اسلامی علیه نیروی‌های آمریکاست پیشنهادات و سناریوهای مختلفی مطرح شد.

هدف قرار دادن نقاطی در داخل ایران

بر اساس گزارش «بلومبرگ» که ۲۹ ژانویه (نهم بهمن) منتشر شد، یک سناریوی مطرح شده از سوی پنتاگون، وزارت دفاع ایالات متحده، حمله موضعی به نقاطی در داخل ایران بدون مسئولیت‌پذیری از طرف آمریکا است. یک فرد آشنا با مواضع ایالات متحده، که خواست نامش فاش نشود، به بلومبرگ می‌گوید: «واضح است حمله‌ای که منجر به کشته شدن آمریکایی‌ها می‌شود، نیازمند پاسخی قوی‌ترست». بلومبرگ می‌نویسد: «یکی از احتمالات، اقدام علیه رژیم ایران بدون پذیرفتن مسئولیت از سوی آمریکاست که می‌تواند بدون ارسال پیامی روشن، به ایران حمله کند. دولت بایدن همچنین می‌تواند مستقیماً مقامات ایرانی را هدف قرار دهد، همانطور که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سال ۲۰۲۰ دستور کشتن سردار قاسم سلیمانی را در بغداد صادر کرد».

در این گزارش آمده «صرف نظر از نتیجه، این حمله پیامدهای زیادی برای جو بایدن خواهد داشت. او می‌خواهد عاملان حمله را مجازات کند و [رژیم] ایران را از اقداماتش در منطقه باز دارد. اما انجام این کار می‌تواند ایالات متحده را در تقابل مستقیم با رهبری تهران قرار دهد، رهبری که از زمان حمله حماس در منطقه بیش از پیش گستاخ شده و

تحریک‌آمیز جمهوری اسلامی از حد فعلی عبور نکند دولت بایدن باید از مباران ایران خودداری کند، [اما] واضح است که باید برای بیش از آنچه تا کنون برای عقب راندن تجاوزات [رژیم] ایران انجام داده، اقدام کند. هر قدر هم که انجام این کار برای کاخ سفید سخت باشد، باید دست‌کم یک صفحه از روی کتاب دولت ترامپ اقتباس شود. در سال ۲۰۲۰، ارتش آمریکا از حمله پهبادی در عراق برای کشتن سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استفاده کرد. این امر باعث نشد که نیروی قدس به حمایت از شبه‌نظامیان در سراسر منطقه ادامه دهد، اما به گفته ناظران شدت حملات علیه منافع آمریکا را کاهش داد.»

طبق معمول وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرد که گروه‌های شبه‌نظامی منطقه از جمهوری اسلامی دستور نمی‌گیرند. نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد «ایران هیچ ارتباطی با حملات به نیروهای آمریکایی در اردن و درگیری میان ارتش آمریکا و شبه‌نظامیان ندارد.»

رابرت مالی مسئول پیشین وزارت خارجه آمریکا در امور ایران که شش ماه قبل مجوز امنیتی وی به دلیل سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده باطل و از کار برکنار شد، اوایل آذرماه ۱۴۰۱ در مصاحبه با نشریه «فارین پالیسی» گفته بود «جو بایدن گفته در صورت شکست دیپلماسی و فشار و تحریم‌ها، آماده است با استفاده از گزینه نظامی [علیه جمهوری اسلامی ایران] به عنوان آخرین راه موافقت کند.» همزمان حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی ادعا کرده «هیچ‌کسی جرأت تعرض به ایران را ندارد» این در حالیست که برخی ایرانی‌ها معتقدند این رژیم بدون برخورد سخت و نظامی سر جای خود نخواهد نشست و برخی دیگر نیز بر این باورند که رژیم بر اساس محاسباتی برای حفظ خود، به دنبال تحمیل یک جنگ به کشور است و احتمالاً آن را مانند جنگ هشت ساله علیه عراق «نعمت» و «برکت» ارزیابی می‌کند.

حملاتی را در عراق و پاکستان انجام داده است.»
تلافی حملات با پاسخی ویرانگر

پس از عملیات مرگبار حماس علیه اسرائیل در «هفت اکتبر» دست‌کم ۱۶۰ بار پایگاه‌های آمریکایی در منطقه هدف حملات موشکی و پهبادی قرار گرفته‌اند. در این مدت مقامات ارشد آمریکایی بارها ادعا کردند که «ما عاملان این حملات را پاسخگو می‌کنیم» اما در عمل واکنش مؤثری به آن نشان ندادند.

در واکنش به کشته شدن نیروهای آمریکایی در اردن، سناتور جمهوریخواه تام کاتن در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تنها پاسخ به این حملات باید تلافی ویرانگر علیه نیروهای تروریستی وابسته به رژیم ایران باشد... هر چیزی کمتر از این، مُهر تأیید بر ترسو بودن جو بایدن است.»

میچ مک‌کانل رهبر جمهوریخواه سنای ایالات متحده نیز کشته شدن نظامیان آمریکا را نتیجه‌ی «شکست در بازدارندگی دشمنان آمریکا» دانست و گفت: «ما نمی‌توانیم به این تجاوز خشونت‌آمیز با تردید و اقدامات سطحی پاسخ دهیم... اکنون تمام جهان به دنبال نشانه‌هایی هستند که رئیس‌جمهور نشان دهد واقعاً رئیس‌جمهور است و آماده است که از قدرت آمریکا استفاده کند تا رژیم ایران را مجبور به تغییر رفتار کند. دشمنان ما گستاخ شده‌اند.»

سناتور دموکرات باب مندز در حساب کاربری خود در «ایکس» می‌نویسد «ایالات متحده باید یک بازدارندگی قوی در برابر جمهوری اسلامی و نیابتی‌ها ایجاد کند تا از تکرار این حوادث جلوگیری شود.»

هدف قرار دادن مقامات ارشد جمهوری اسلامی

روزنامه «نیویورک تایمز» که در دو سال نخست ریاست جمهوری جو بایدن موافق سیاست مامشات و معامله با مالا بود اکنون به صف منتقدان بایدن پیوسته است. این روزنامه در واکنش به کشته شدن نیروهای آمریکایی در اردن در گزارشی پیشنهاد هدف قرار دادن مقامات ارشد جمهوری اسلامی را مطرح کرده و می‌نویسد: «اگر اقدامات

کتابگزاری؛ «بلند آسمان جایگاه من است»؛ روایت سپهبد محمد حسین مهرمند از دستاوردهای نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی تا پیامدهای شوم انقلاب اسلامی

● سپهبد خلبان محمدحسین مهرمند آخرین فرمانده تاکتیکی نیروی هوایی شاهنشاهی ایران مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و خاطرات خود از دوران خدمت در ارتش ایران را در کتابی با عنوان «بلند آسمان جایگاه من است» گردآوری کرده است.

● کتاب در طول ۱۲ سال نگاشته شده که بخشی از آن شامل خاطرات نویسنده و معرفی خود و خانواده و روایاتی از دوران خدمت در ارتش از جمله دوران فرماندهی در پایگاه شاهرخی و دیدارهایش به عنوان یک افسر با محمدرضا شاه پهلوی است.

● وی در بخشی از این کتاب روایت می‌کند «همیشه به امور فرهنگی علاقمند بودم. دو باب دبستان در پایگاه شاهرخی داشتیم و اتوبوس می‌فرستادیم تا از روستاهای اطراف بچه‌ها را به پایگاه بیاورند. آنها با بچه‌های پرسنل همه با هم در یک مدرسه درس می‌خواندند و حتی روزانه نزدیک به دو تومان جیره غذایی داشتند... هفته‌ای یکبار برایشان فیلم سینمایی نشان می‌دادیم به شرطی که اول بروند حمام بگیرند! بعد می‌آمدند فیلم را می‌دیدند و با اتوبوس به روستایشان باز می‌گشتند».

سپهبد خلبان محمدحسین مهرمند آخرین فرمانده تاکتیکی نیروی هوایی شاهنشاهی ایران مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و خاطرات خود را از دوران خدمت در ارتش ایران در کتابی با عنوان «بلند آسمان جایگاه من است» گردآوری کرده است. ناشر این اثر «شرکت کتاب» و سرآغاز آن بخش‌هایی از سخنرانی ویکتور هوگو شاعر و داستان‌نویس مشهور فرانسوی در مجمع قانونگزاری فرانسه در ۱۵ ژانویه ۱۸۵۰ است. جایی که می‌گوید «برای پی‌ریزی جامعه‌ای بکوشیم که در آن جای کشیش در کلیسای خود باشد و جای دولت در مراکز کار خودش. نه حکومت در موعظه مذهبی کشیشان دخالت کند و نه مذهب به بودجه و سیاست دولت کاری داشته باشد.»

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران در حالی که ده‌ها تن از مقامات ارشد نیروهای مسلح ایران اعدام شدند، صدها تن از افسران و پایوران ارتش شاهنشاهی تن به تبعید اجباری دادند. دشواری‌های زندگی در غربت سبب شد بسیاری از آنها عمده وقت و توان خود را صرف گذران امورهای زندگی کنند و کمتر فرصت برای نگارش آثاری داشته باشند که بتواند به عنوان انتقال تجربه در دسترس نسل‌های تازه قرار گیرد. از این نظر می‌بایست محمدحسین مهرمند را ستود که با همین انگیزه تدوین و چاپ کتاب را به پایان رساند. برای آنهایی که در مراکز آکادمیک ارتش تحصیل کرده‌اند، از رنگ‌بندی تا انتخاب نمادها و حتا فونت متن یادآور کتاب‌ها و مجلاتی است که در انتشارات دانشگاه افسری ارتش در خیابان سپه روبروی مجلس شورای ملی منتشر می‌شد. کتاب در ۱۲ سال نگاشته شده که بخشی از آن شامل خاطرات نویسنده و معرفی خود و خانواده و روایاتی از دوران خدمت در ارتش از جمله دوران فرماندهی در پایگاه شاهرخی و دیدارهایش به عنوان یک افسر با محمدرضا شاه پهلوی است. تیمسار مهرمند در بخش نخست، هوایماها و هلی‌کوپترهایی را که به تدریج با هدف مدرن‌سازی ارتش ایران برای نیروی هوایی و هوانیروز خریداری شد، معرفی کرده است. این بخش از کتاب راهنمای جامعی است برای



بازدید والا حضرت شه‌ریار شفیق از ستاد تاکتیکی در شهر شیراز. از سمت چپ: تیمسار اردلان رئیس کارخانجات الکترونیک زیر نظر تیمسار طوفانیان، شه‌ریار شفیق با لباس نیروی دریایی، سپهبد مهرمند و معاون وی و در آخر تیمسار آروندی فرمانده پایگاه سی ۱۳۰

وی در بخشی از این کتاب نقل می‌کند «همیشه به امور فرهنگی علاقمند بودم. دو باب دبستان در پایگاه داشتیم و اتوبوس می‌فرستادیم تا از روستاهای اطراف بچه‌ها را به پایگاه بیاورند. آنها با بچه‌های پرسنل همه با هم در یک مدرسه درس می‌خواندند و حتی روزانه نزدیک به دو تومان جیره غذایی داشتند. من این دو تومان را به باشگاه افسران دادم که همان غذای گرم بین روزی را که افسران می‌خورند بچه‌های روستاها هم همان روز بخورند... هفته‌ای یکبار برایشان فیلم سینمایی نشان می‌دادیم به شرطی که اول بروند حمام بگیرند! بعد می‌آمدند فیلم را می‌دیدند و با اتوبوس به روستایشان باز می‌گشتند».

خرابکاری همافران

در فصلی از این کتاب که مرتبط با وضعیت آشفته ایران در دوران انقلاب ۵۷ است نویسنده اشاره می‌کند که تیم‌های خرابکار در پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش شش فروند هوایمیای فانتوم را از بین بردند یا با دستکاری روی فرامین و سیستم‌های کنترل آنها را زمینگیر کردند. تیمسار مهرمند اشاره می‌کند که بخشی از این خرابکاری‌ها از جانب همافران بود. او توضیح می‌دهد: «همافران در مقایسه با افسران حقوق و مزایای بالایی داشتند اما ناتوانی‌شان در کسب درجه‌های نظامی افسران در طول خدمت موجب شد تا گروهی از آنها در راستای منافع شخصی و صنفی با انقلاب اسلامی همراه شوند و آسیب شدیدی به نیروی هوایی ارتش و کشور وارد سازند. آسیبی که پس از چهاردهه هنوز جبران نشده است.» او همچنین اشاره می‌کند که همافران طرفدار خمینی علاوه بر شرکت در تظاهرات دست به ترور افسران ارتش زدند. سپهبد بقراط جعفریان فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز در استان خوزستان از جمله افسران بلندپایه‌ای بود که همافران هوانیروز وی را ترور کردند.

نویسنده در این کتاب در فصل‌های مختلف بر اساس مشاهدات خود به بیان دیدگاه‌هایش در مورد وضعیت ایران در واپسین ماه‌های منتهی به انقلاب ۵۷ نیز ←

مورخان که چگونه نیروی هوایی ارتش ایران که حدود یک قرن از تشکیل آن می‌گذرد مدرن شد.

هوایماهای جنگنده و هلی‌کوپترهایی که پیش از انقلاب به خدمت ارتش ایران درآمدند از بهترین خریدهای دوران خود بودند. ارزش این خریدها وقتی بیشتر مشخص شد که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ روح‌الله خمینی ایران را درگیر جنگ با عراق کرد اما فرزندان مدافع میهن با همان تجهیزات و آموزش‌هایی که در دوران ارتش شاهنشاهی دیده بودند از تمامیت ارضی کشور دفاع کردند.

سی سال خدمت در نیروی هوایی ارتش

تیمسار مهرمند طی ۳۰ سال خدمت در نیروی هوایی و پرواز با اقسام هوایماها نقش بسزایی در تعلیم خلبانان جوان داشت. بخشی از دغدغه‌های وی اما فراتر از تخصص پرواز، مربوط به اصول مدیریت و توسعه بود. بر همین اساس چه در دورانی که به عنوان معاون پایگاه چهارم دزفول خدمت می‌کرد و چه در دورانی که به عنوان فرمانده پایگاه استراتژیک شاهرخی در همدان منصوب شد توسعه عمرانی زیرساخت‌های فنی و رفاهی برای پرسنل تا اهالی مناطق اطراف پایگاه را جزو اولویت‌های کار خود قرار داد. از روایت‌های تیمسار محمدحسین مهرمند کاملاً پیداست که افسران در دوران پهلوی در رده فرماندهی علاوه بر مسئولیت‌های سازمانی، انگیزه‌های شاخصی برای مشارکت در توسعه زیرساخت‌های کشور و خدمت‌رسانی به مردم در حوزه‌های مضاعف نیز داشتند.

تیمسار مهرمند به عنوان فرمانده پایگاه شاهرخی خدمات زیادی به پرسنل و اهالی آن مناطق داشت. از ایجاد گلخانه در سرمای شهر همدان و تأسیس گردشگاه و زمین ورزش برای پرسنل و خانواده‌های آنها تا تأسیس پمپ بنزین و پرورش سگ‌های شین‌لو برای تقویت پاسداری از پایگاه و تجهیز واحد درمانی و اورژانس پایگاه و ارتقاء وضعیت آسایشگاه سربازان.

تحصیل بچه‌های روستاها در مدارس پایگاه همدان

کارتاژیسم در سیاست

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۳) اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ خیراندیش (احمد احرار)

با نشر



از چپ به راست ژاک شیراک، آنا بوتلا، برناردت شیراک و خوزه ماریا آزنار - فوریه ۲۰۰۰

شناخت چهره‌ها از زوایای گوناگون. ژاک شیراک یکی از رهبرانی است که «آزنار» پانزده صفحه از کتاب خود را به تصویر وی اختصاص داده است. نخستین دیدار آن دو در سال ۱۹۸۹ رخ می‌دهد. در کنگره حزب RPR در «آرکاشون» فرانسه.

RPR یا اتحاد برای جمهوری، حزبی است که ژاک شیراک تأسیس کرد و آن را سنگر مبارزه سیاسی خود، به‌ویژه در برابر حزب سوسیالیست به رهبری فرانسوا میتران قرار داد. آزنار که حزب پوپولر PP را در اسپانیا رهبری می‌کرد به‌عنوان مدعو در کنگره RPR حضور یافته بود و چنان که می‌نویسد در این نخستین برخورد مجذوب شخصیت جاذب ژاک شیراک می‌شود: «رهبر دست راستی‌های فرانسه قول داد که از من در مقابل رقیب محافظه‌کارم حمایت کند. این ژست او را هرگز فراموش نمی‌کنم». آغاز خوش آشنایی با این حال مانع نمی‌شود که «آزنار» چهره شیراک را چنین ترسیم کند: «بیشتر تندخو تا بردبار و فکور. بیشتر جذاب تا جدی و عبوس. بیشتر دینامیک تا سلیم و آرام و برخوردار از استعداد زیاد فطری برای دفاع از هر آنچه منافع خود به حساب می‌آورد». او سپس به سفر شیراک در سال ۱۹۹۹ - ۵ سال پس از آشنایی نخستین - به اسپانیا اشاره می‌کند و می‌نویسد: «شیراک تا آن زمان اسپانیا را به‌درستی نمی‌شناخت و زیبایی کشور بزرگ ما متحیرش کرده بود». در همان سفر، میزبان نیز به یکی دیگر از خصوصیات میهمان خود پی می‌برد: «پر خور و دله! من هرگز کسی را ندیده‌ام که با چنین اشتباهی بی پایان غذا بخورد. وقتی غذاهای اسپانیول را چشید و به مذاقش خوش آمد یک آشپز اندلسی را به پاریس برد تا به سرآشپز کاخ الیزه پخت و پز غذاهای اسپانیایی بیاموزد!»

بعدها، کم‌کم روابط آزنار و شیراک به برودت می‌گراید و علت عمده‌اش موضعگیری شیراک در برابر سیاستهای جرج بوش است که درباره او، نخست‌وزیر پیشین اسپانیا، با ستایش زیاد می‌نویسد: «بلندایش را تاریخ خواهد شناخت». به عقیده آزنار، ژاک شیراک علاقه‌ای به رابطه اروپا با آمریکا ندارد و اگر پا بدهد برای تضعیف آمریکا با هر کس دست اتحاد می‌دهد!

فکسی رسیده است از یک ایرانی مقیم نورماندی (فرانسه) عطف به مقاله مندرج در شماره گذشته: «آقای خیراندیش، مرقوم فرموده بودید آن طور که مسیو شیراک از آقا سید محمد خاتمی در روی پلکان کاخ الیزه استقبال کرد و او را در آغوش کشید، اگر کسی از خلق و خوی ایشان آگاه نبود تصور می‌کرد اجدادش از قزویین به فرانسه مهاجرت کرده‌اند. اراقتند که سالهاست در فرانسه زندگی می‌کنم و مکرر شاهد این قبیل در آغوش کشیدن‌ها و خوش و بش‌های مصلحتی رجال سیاسی این کشور، مخصوصاً رئیس جمهور کنونی آن بوده‌ام، می‌خواهم عرض کنم اجداد ایشان نه از قزویین، که از کارتاز به فرانسه کوچیده‌اند و این خصیصه را از اهل کارتاز به‌ارث برده‌اند که در نظر آنها هیچ چیزی که موجب نفعی می‌شد قبیح نبود...»

با سپاس از این تذکر و ارشاد، عرض می‌شود که اگر در دنیای سیاست این خصیصه را معیار تبارشناسی قرار دهیم کم‌نبوده‌اند و نیستند رجال سیاسی فرانسوی و غیر فرانسوی، شرقی و غربی، دیروزی و امروزی، دست چپی و دست راستی که ناگزیر باید آنها را اخلاف و اعقاب و ورثه اخلاقی اهل کارتاز به‌شمار آورد. یکی از آنها، فی‌المثل میرزا آقاخان نوری، صدر اعظم اوایل عهد ناصری و جانشین میرزا تقی‌خان امیرکبیر است که می‌گفت «اگر مصلحت اقتضا کند ریشم را تا قبضه در ماتحت الاغ فرو می‌کنم و وقتی خرم از پل گذشت می‌شویم، آب می‌کشم و گلاب می‌زنم!»، هکذا رئیس کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام که او نیز در این طریقت پیرو آئین میرزا آقاخان و سنت کارتاز است. رجال سیاسی، هر کدام تعدادی ماسک در دسترس دارند: ماسک غم، ماسک شادی، ماسک همدلی، ماسک همدردی... که به اقتضای مناسبت از آنها استفاده می‌کنند و چهره واقعی‌شان را، تا وقتی این ماسک به کنار نرفته است، کمتر کسی می‌تواند شناسایی کند. همین روزها اتفاقاً «خوزه ماریا آزنار» نخست‌وزیر پیشین اسپانیا کتابی انتشار داده است حاوی خاطرات و حسیاتش از برخورد و آشنایی با چهل رهبر جهان در طول دو دوره زمامداری خود. عنوان کتاب «تصویرها و نیم‌رخ‌ها» است یا در حقیقت

پرداخته است. وی در بخشی از این کتاب می‌نویسد: «خروج محمدرضا پهلوی و رفتار نیروهای انتظامی در مقابل شورش‌های سراسری باعث شد همافران مخالف نظام شاهنشاهی در برخی از پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش جرأت پیدا کنند و پس از استماع نوارهای سخنرانی خمینی در اعتراض‌های خیابانی علیه نظام شاهنشاهی در سطح شهرها و یا مجتمع‌های سازمانی نیروی هوایی ارتش در پایگاه شرکت کنند.»

انجمن‌های اسلامی داخل پایگاه‌ها

بر اساس یادداشت‌های تیمسار مهرمند، پرسنلی که با انقلاب اسلامی همراه شدند و با روح‌الله خمینی «بیعت» کردند، انجمن‌های اسلامی را در پایگاه‌های مختلف نیروی هوایی ایجاد کرده بودند. انجمن‌هایی که وظیفه آنها ایجاد خفقان و سرکوب افسران و اسلامی‌سازی پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش بود. وظیفه دیگر این انجمن‌ها تصمیم‌گیری درباره وضعیت تمامی افسران نیروی هوایی بود و اینکه چه کسانی باید برای بازداشت، اخراج و حتا اعدام به حاکم شرع و یا دادگاه‌های انقلاب معرفی می‌شدند.

مطالعه این کتاب می‌تواند برای افسران و پرسنلی که پس از انقلاب به استخدام ارتش جمهوری اسلامی درآمدند ارزش مضاعف داشته باشد زیرا در جایی که حکومت تلاش می‌کند با روایت‌سازی‌های دروغ واقعیت‌های تاریخ را تحریف کند، تیمسار مهرمند به عنوان یکی از چهره‌های خوشنام نیروی هوایی صادقانه و فروتنانه مشاهدات خود از وضعیت نیروی هوایی و آثار شوم انقلاب اسلامی را به تصویر کشیده است.

تبعید اجباری

سپهبد مهرمند در بخش دیگری از این کتاب به تبعید اجباری و ورود خود به آمریکا می‌پردازد. وی نقل می‌کند: «پسر بزرگم در کالیفرنیا یک استودیو درواقع یک سالن بدون اتاق خواب داشت و هر پنج نفر ما به مدت سه ماه در آنجا زندگی کردیم. من از ایران تنها چهار هزار دلار به همراه داشتم که کفاف چند ماه بیشتر را نمی‌داد. مجبور بودم به دنبال کار بگردم و خوشبختانه در دیدار و بازدید از کارخانه نورثروپ در قسمت برنامه‌ریزی F-5 مشغول به کار شدم و هر دو پسر هم آنجا مشغول به کار شدند.»

بخش پایانی این کتاب به آلبوم کم‌نظیری از عکس‌های تیمسار مهرمند در دوران خدمت و همچنین زندگی شخصی وی اختصاص دارد. هر کدام از عکس‌ها با شرحی که درباره آنها داده شده، جذابیت بیشتری پیدا کرده‌اند. در همین بخش از کتاب یادی از سپهبد حسین رستگار از نخبگان بهایی ارتش شده است که آخرین پست وی در ارتش ایران «فرماندهی لجستیک» بود. این در حالیست که در ارتش جمهوری اسلامی فقط مسلمانان که التزام به ولایت فقیه دارند استخدام می‌شوند.

سپهبد مهرمند همچنین عنوان کرده که «تیمسار رستگار بعد از انقلاب اسلامی همراه با چند نفر دیگر از افسران عالی‌رتبه بهایی با بازنشستگی اجباری کنار گذاشته شدند. در خرداد ۱۳۵۹ به دستور وزارت دفاع حقوق بازنشستگی تیمسار رستگار و ۱۳۰ نفر دیگر از پرسنل بازنشسته بهایی ارتش قطع شد.»

حسین رستگار در نهایت ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ از زندان اوین به جوخه اعدام سپرده شد. وی در وصیت‌نامه خود نوشته بود: «در این لحظه خدا را شاهد می‌گیرم و همه نزدیکان خانوادگی و همکاران سابق اداری گواه هستند که در طول خدمت با صداقت و درستکاری و شیوه مردمی خدمت کرده‌ام.» کتاب «بلندآسمان جایگاه من است» از معدود آثار افسران و پایوران سابق ارتش شاهنشاهی در تبعید است و مطالعه آن به علاقمندان این حوزه توصیه می‌شود.

و بدین گونه بود که من، غافلگیرانه وزیر شدم!

تا آن روز صبح که تفضلی مرا به منزل علم برد نمی دانستم مدتی است در باره ادغام دو وزارتخانه و سپردن آن به من مطالعه می شود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلاً باشد.

● چون لباس «ژاکت» نداشتم در روز معرفی دولت جدید ژاکتی را که از دکتر کنی قرض گرفته بودم به تن کردم و شرفیاب شدم

● شما در ۳۰ بهمن ۱۳۴۱ به عنوان وزیر اقتصاد معرفی شدید. چطور شد که ناگهان شما را انتخاب کردند؟ ناگهان می‌گویم به دلیل آنکه شما خارج از حکومت و دولت بودید. در جای دیگری بودید. مضافاً قبل از آن، اگر اشتباه نکنم، وزارت اقتصاد به آن معنی وجود نداشت. یک وزارت بازرگانی وجود داشت که در کابینه اول علم، تا آنجائی که من می‌دانم، غلامحسین جهانشاهی وزیر بازرگانی بود و یک وزارت صنایع و معادن که طاهر ضیائی وزیر بود. بعد این دو، از قرار معلوم، ادغام می‌شوند. چرا و چگونه ادغام می‌شوند؟ و شما در این زمینه چه نقشی داشتید؟

– علت اینکه این دو وزارتخانه را شاه و دولت علم تصمیم گرفتند که یکی بکنند این بود که در جلسات شورای اقتصاد که در حضور شاه بود اختلاف شدیدی بین وزیر وقت صنایع و معادن طاهر ضیائی و وزیر وقت بازرگانی غلامحسین جهانشاهی رخ داد. اینها طرز فکری مطلقاً متضاد همدیگر داشتند. طاهر ضیائی به عنوان وزیر صنایع به شدت می‌خواست از صنایع موجود آن روز حمایت بکند و جهانشاهی بیشتر توجهش به بازرگانان و صادر کنندگان و وارد کنندگان بود. بنابراین دیدش با دید طاهر ضیائی یکی نبود و این گاهی باعث مشاجره در حضور اعلیحضرت می‌شد. ولی پشت سر این واقعیت قضیه این بود که هیچکدام از این دو، راه حلی هم برای خروج از رکود و این وضع بسیار ناگوار اقتصاد موجود ارائه نمی‌دادند.

● اختلاف اینها بر سر برداشتهای مختلف از به راه انداختن مسأله اقتصاد بود یا بر سر turf که داشتند، یکی در وزارت بازرگانی، یکی در صنایع و معادن؟



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۱)

خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

زن فرانسوی داشتیم. بعد هم که خودش به ایران برگشت، پس از داستان سرپرستی‌اش، گاهی وقتی می‌رفتم منزلش و او را می‌دیدم. علم به دستور اعلیحضرت به آقای تفضلی مراجعه کرد که چه کسی بین دانشجویانی که در اروپا درس خواندند می‌شناسد که کار اقتصادی بداند و بتواند این کار را اداره بکند. او هم خیلی قاطع گفته بود که فلانی می‌تواند. بنابراین چند ماهی بود که اینها در باره من صحبت می‌کردند. ولی من مطلقاً نمی‌دانستم. تنها در یک مورد یک دفعه جهانگیر تفضلی اشاره‌ای کرد که خیلی برای من تعجب‌آور بود. منزلش بودم و به او گفتم جهانگیر آموزگار دفتر اقتصادی در آمریکا درست کرده و من با او تماس گرفتم و با او صحبت کردم که دلم می‌خواهد بروم به آمریکا. تفضلی گفت که خیلی باعث تأسف من است و من نفهمیدم چرا باعث تأسف او بود.

● حرف دیگری نزد؟

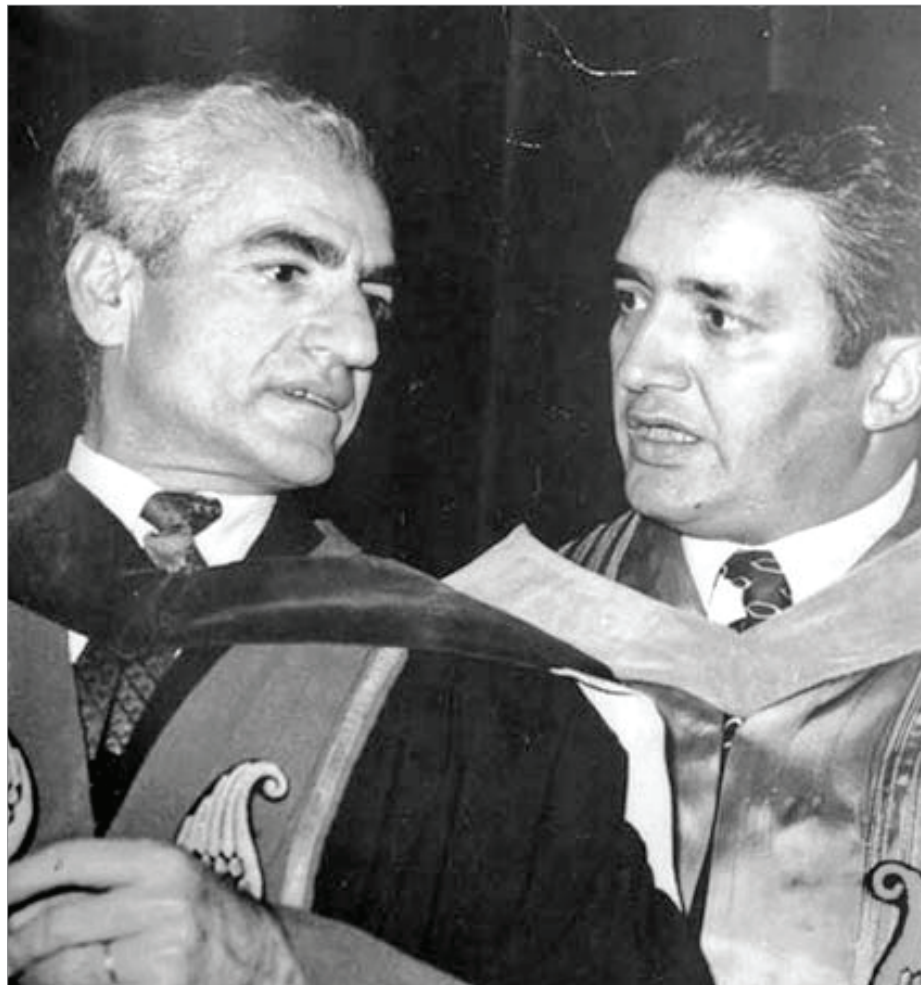
– حرف دیگری نزد. ولی بعد به خاطر اینکه بین مرحوم انتظام در شرکت نفت و عبدالحسین بهنیا دوستش که وزیر دارائی بود اختلاف افتاد که حقوق عالیخانی را کی بدهد، من به آمریکا نرفتم. در تهران بودم تا اینکه روزی احسان نراقی به من زنگ زد و گفت که امروز دولت استعفا داده. تنها واکنش من این بود که برای چه این کار را می‌کنند. خوب، اینها که می‌روند یکی شبیه خودشان را می‌آورند سرکار. این تنها تفسیری بود که در این باره کردم. باز هم می‌گویم خبری نداشتم که دولت استعفا داده، ولی نراقی به من گفت همه در شهر می‌دانند. شب خوابیده بودم که تلفنم زنگ زد و تفضلی با روش معمولی آن وقت خودش که همیشه می‌خواست مرموز صحبت کند، گفت می‌خواستم از تو خواهش بکنم که فردا صبح ساعت ۸ بیائی منزل آقای علم.

– بیشتر این دومی. یعنی ایده خیلی دقیقی هم نداشتند که چگونه می‌بایست اقتصاد کشور را جلو ببرند و از رکود بیرون بیاورند. هدف اصلی برای دولت این بود که چگونه اقتصاد از رکود بیرون بیاید. برنامه تثبیت اقتصادی با همت کسانی که در بانک مرکزی بودند پیش برده شد، بخصوص یک نفر را اسم ببرم، دکتر رضا مقدم، قائم مقام بانک مرکزی، که یکی از اساسی‌ترین مهره‌هایی بود که تثبیت اقتصادی را در کشور با لجاجت و سرسختی اجرا کرد. او کار خودش را می‌کرد. ولی این دو نمی‌دانستند چه کار باید بکنند. به اندازه کافی آگاهی نداشتند در شرایط کنونی چه چیزهایی لازم است و چه راهی باید بروند. هر کدام فقط سعی می‌کرد که مشتری خودش را حفظ بکند، یکی طبقه صنعتگر و دیگری طبقه بازرگان. بنابراین شاه و علم به این نتیجه رسیده بودند که این دو وزارتخانه را یکی بکنند که این تضاد و تعارض از بین برود. بعد هم به دنبال این بودند که چه کسی را بیاورند که این کار را انجام بدهد. شاه مایل بود یک نفر را بیاورند که تحصیلکرده آمریکا نباشد، زیرا در چهارچوب انقلاب سفید و برنامه اصلاحات اجتماعی می‌خواستند به دولت رنگ غیر آمریکائی بدهند. بنابراین، به مرحوم جهانگیر تفضلی، که قبلاً سرپرست دانشجویان ایرانی در اروپا بود و من هم از همان زمانی که اروپا بودم با او آشنا شده بودم، رجوع کردند.

جهانگیر تفضلی را من اولین بار هنگامی که برای مسافرت کوتاهی به لندن رفته بودم یک روز دیدم و مرا به ناهار دعوت کرد. در پاریس دو مرتبه مرا با خاتم و همراه دو نفر دیگری که هر کدام در رشته خودشان خیلی موفق شدند، دعوت کرد، یکی دکتر علی اصغر خوشنویس بود که یکی از برجسته‌ترین پزشکان ایران شد و دو سال بعدش جایزه آکادمی پزشکی فرانسه را برد، و یکی هم ابوالقاسم سعیدی نقاش. تفضلی خیلی خوب می‌دانست که ما دوستهای بچگی خیلی نزدیک هم هستیم و هر سه هم



که رأی بدهند. مطلقاً تازگی داشت. هر گونه تبلیغاتی علیه رأی دادن برای اصلاحات ارضی بکنند، از نقطه نظر من که به چشم خودم دیدم مردم چه علاقه‌ای به این رأی گیری داشتند درست نیست. یعنی دیدم که مردم رأی می‌دهند. وقتی که رفتیم به شرکت، یک صندوق در سرسرای شرکت نفت گذاشته بودند، ولی چون باران خیسیم کرده بود رفتیم دفترم که بارانی را بگذارم. ابراهیمی که اتاقش کنار اتاق من بود سرش را کرد توی اتاق من گفت رأی دادی؟ گفتم نه،



علینقی عالیخانی با محمد رضا شاه در دانشگاه تهران

آمدم بارانیم را بگذارم و بعد بروم رأی بدهم. ولی این مرد، که اهل هیچ‌گونه تظاهری نبود، به من گفت بسیار کار بدی کردی. به خاطر اینکه ترا دیدند پائین، و تو نمی‌توانستی یک دقیقه تحمل خیسگی را بکنی؟ اول رأیات را بدهی بعد بیائی باران‌ات را آویزان کنی؟ زود برو پایین رای بده. من و تو باید برای دیگران سرمشق باشیم. گفتم می‌خواهم این کار را بکنم. منظورم این است که او مردی بود که من فوق‌العاده برایش هم احترام داشتم و هم دوستش داشتم و آن مرد به من تبریک گفت. بعد رفتیم پهلوی باقر مستوفی و بعد به مرحوم عبدالله انتظام زنگ زدیم و مطابق ادبی که در سنت ایرانی است از او اجازه خواستیم. این مرد واقعاً بری خیلی‌ها آموزگار بود. به من گفت خیلی خوشحالم. مقداری تعارف کرد. بعد گفت من یک توصیه می‌کنم. طوری رفتار بکن که روزی که کار دولتی را ترک کردی مردم رفتارشان را با تو تغییر ندهند. این تنها حرفی است که به تو می‌زنم. بعد دیگر بنده پرت شدم در دریای زندگی دولتی.

(ادامه دارد)

دیگر چی؟ گفتم هیچی. ولی، به‌رحال، برایم خیلی هم عجیب و هم هیجان آور بود. با تفضلی بیرون آمدم. از تفضلی پرسیدم که آقا این جریان را شما چرا به من نگفتید؟ گفت نمی‌شد بگویم. ولی من خودم هم به عنوان وزیر اطلاعات معرفی می‌شوم. حالا باید برویم بنشینیم کار بکنیم. البته علم به من گفت که بعد از ظهر باید برویم حضور اعلیحضرت. پرسیدم ژاکت دارید؟ گفتم نخیر، ژاکتم کجا بود. گفت شاید قواره دکتر علینقی

در این زمان تفضلی در کابینه علم وزیر نبود؟
— هنوز وزیر نبود. گفتم من منزل آقای علم را بدل نیستیم. چون علم را فقط یک بار دیده بودم چند ماه پیش از آن در کنفرانس نفتی «اکافه» که در شرکت نفت تشکیل شده بود و من مسئول برگزاری این کنفرانس بودم، جزو شرکت نفتی‌هایی که به علم معرفی کردند من هم معرفی شدم. ولی من علم را نمی‌شناختم. تفضلی وقتی دید نه علم را می‌شناسم و نه با آدرس منزلش آشنا هستم، گفت بیا با هم برویم. برای آنکه من بتوانم صبح زود بلند شوم اول بروم منزل تفضلی، که خارج از وقتی بود که معمولاً من بلند می‌شدم، چون در شرکت نفت کار ما دیر شروع می‌شد، به تلفنچی شرکت نفت تلفن کردم و گفتم من صبح باید بروم مسجد سلیمان و مرا ساعت پنج و نیم صبح بیدار کن. او هم ساعت پنج و نیم بیدارم کرد که هواپیما دیر نشود. من رفتم منزل تفضلی و از تفضلی پرسیدم که جریان چه هست. گفت نمیدانم و باید دو تائی‌مان برویم پهلوی علم برای اینکه دولت عوض شده، من خودم هم در دولت خواهم بود. خامش هم آمد به من تبریک گفت. گفتم تبریک برای چی؟ گفت من نمی‌دانم، ولی می‌دانم پستی را برایت در نظر گرفته‌اند. به‌رحال، رفتیم پهلوی علم. صبح نسبتاً زودی بود. گمان می‌کنم هفت و نیم تا هشت بود. دیدم علم نشسته، خیلی مودب با من صحبت کرد. گفت ما تصمیم گرفتیم وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع و معادن را یکی بکنیم و شما بشوید مسئول این دو وزارتخانه. آیا قبول می‌کنید و اسم وزارتخانه را چی بگذاریم؟ گفتم اسم وزارتخانه را بگذارید وزارت اقتصاد. قبول کردند هم با کمال میل. برای من یک افتخاری است ولی در همان ثانیه‌ها، شاید کمی پیشتر از آن، چون درست نمی‌دانستم از من چه می‌خواهند، چون کار خیلی بزرگی به نظرم می‌آمد، و من مقداری فکر کرده بودم و مقداری هم غافلگیر شدم، چون چنین چیزی را فکر نمی‌کردم، پیش خودم گفتم شاید آنها برنامه خاصی دارند و می‌خواهند یک جوان جاه طلبی بیاید، ۶ ماه یک کار عوضی را انجام بدهد، بعد هم کاسه کوزه‌ها را سرش بشکنند.

● یعنی شما مشکوک بودید به اینکه چرا آنجا هستید؟

— بله، چون تفضلی به من هیچ توضیح نداده بود. به علم گفتم که من فقط از شما دو سؤال دارم. در واقع یک سؤال دارم و یک شرط. گفت چی هست؟ گفتم سؤال من این است که شما یک برنامه اقتصادی دارید که می‌خواهید بدهید دست من برایتان اجرا بکنم؟ گفت نه آقا جان، ما می‌خواهیم شما به ما برنامه بدهید. با روش مخصوص خودش گفت ما می‌خواهیم شما دکتر شاخت ایران باشید. گفتم که اما شرط من این است که من هر کسی را بخواهم بتوانم بیاورم و هر کسی را که بخواهم بتوانم بیرون کنم. اگر این شرط مرا قبول نکنید نمی‌توانم این کار را قبول بکنم. از شما خیلی متشکرم، الان هم بر می‌گردم به شرکت نفت و در آنجا هم کسی به من ایراد نخواهد گرفت که چرا دیر آمدم. بنابراین، می‌روم سر جایم می‌نشینم کارم را می‌کنم. واقعاً هم خیلی کار داشتم. حالا در پرانتز باید بگویم در همان موقع دستگاه روابط عمومی، که زیر دست امیر عباس هویدا بود، برنامه‌ای داشتند که آموزگاران و دبیرهای دبیرستانها را آشنا بکنیم با صنعت نفت، و از من خواسته بودند که نطق مفصلی در باره صنعت نفت ایران بکنم و نطقم را تقریباً تمام کرده بودم و فردای همان روز می‌بایستی نطق می‌کردم.

بنابراین گفتم بر می‌گردم می‌روم سرکارم. علم گفت نه، هر کسی را بخواهی می‌توانی بیاوری و یا بیرون کنی. گفت

کنی که قرار بود معاون نخست وزیر شود، به من بخورد. او یک ژاکت اضافی داشت و خودش هم باید می‌آمد. خلاصه با یک بدبختی یک چیزی تنمان کردیم که برویم هیأت وزیران و بعد هم معرفی بشویم حضور اعلیحضرت. ولی من هیچ گونه آمادگی نداشتم برای این کار. بعد از این ملاقات رفتم به شرکت نفت که کاغذهایم را جمع بکنم. در این ضمن در شرکت نفت همه خبر شده بودند. باقر مستوفی را دیدم. یک دوست بسیار خوب داشتم که بعد شد معاون وزارت کشور و چند ماه بعدش مرد، مهندس محمد ابراهیمی، که یکی از عزیزترین دوستهای من بود و مرد خیلی خیلی بزرگواری بود. ابراهیمی اولین کسی بود که فهمیده بود و آمد در اتاق مرا بوسید. برایم خیلی جالب بود، به خاطر اینکه روز ۶ بهمن که برای اصلاحات ارضی رأی گیری می‌کردند، برای من روز خیلی خاطره‌انگیزی بود. از منزلم که بیرون آمدم، از خانه‌ای که اجاره کرده بودم نزدیک دروازه شمیران، متوجه شدم مردم توی صف ایستاده‌اند. یک کمی باران می‌آمد، ولی مردم ایستاده بودند

ویلیام برنز رئیس سی آی ای: جمهوری اسلامی گستاخ تر شده کلید امنیت اسرائیل و منطقه حل مشکل ایران است



بازدید علی خامنه‌ای از پروژه‌های پهبادی و موشکی سپاه پاسداران / دی ماه ۱۴۰۲

وقتی بایدن بُردل در قدرت است به ما می‌خندد. به گزارش «نیوزمکس» کاتن در برنامه «Hugh Hewitt's podcast» تأکید کرد که رژیم ایران و گروه‌های تروریستی وابسته به آن از رئیس جمهور «ضعیف و بزدل» سوء استفاده می‌کنند. وی توضیح داده «حکومت ایران از ضعف‌های بایدن برای پیشبرد استراتژی خود سوء استفاده می‌کند و به ما می‌خندد... بایدن به رژیم ایران به چشم یک حکومت عادی نگاه می‌کند. او خیال می‌کند اگر به آنها امتیاز بدهد و با آنها مامشات کند رژیم ایران دست از تنش‌آفرینی بر می‌دارد و خاورمیانه آرام می‌شود... اما اینطور نیست. جمهوری اسلامی ۴۵ سال است که دشمن آمریکا است.»

سناتور کاتن در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «ما باید دوره ۱۱ ساله شکست اوپاما- بایدن را کاملاً معکوس کنیم و رژیم ایران را به همان شکلی که هست ببینیم، دشمنی شیطانی که نمی‌توان آن را مهار کرد؛ تنها در درازمدت می‌توان آن را شکست داد. این باید سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی باشد.»

کاتن که خود سابقه خدمت در ارتش آمریکا دارد می‌گوید: «هیچ کمبودی در اهدافی که بتوانیم آنها را از بین ببریم و پیامی برای آیت‌الله ارسال کند نداریم... ما قطعاً باید همه پایگاه‌ها و کشتی‌ها و اماکن استقرار نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار دهیم... اما اهداف دیگری نیز وجود دارد که فشار زیادی بر جمهوری اسلامی وارد می‌کند... به عنوان مثال، پالایشگاه‌های آنها؛ زیرا این یک گلگاه بزرگ در اقتصاد ایران است، همچنین واحدهایی که توسط سپاه پاسداران اداره و کنترل می‌شوند؛ همان کسانی که با کشتن آمریکایی‌ها ثروتمند می‌شوند.»

ناظران پیش‌بینی می‌کنند ادامه مامشات با رژیم ایران نتیجه‌ای جز گستاخ‌تر شدن حکومت و عوامل تروریستی آن ندارد. چنانکه تا کنون نیز سیاست‌های بایدن برای ارفاق به ملاها نتیجه معکوس داشته و بر شدت جنایات و تهدیدات و بحران‌ها در داخل و خارج ایران افزوده است.

شدن سه آمریکایی در اردن در بیانیه‌ای اعلام کرد که «تنها پاسخ به این حملات باید تلافی ویرانگر علیه نیروهای تروریستی وابسته به رژیم ایران باشد... هر چیزی کمتر از این، مُهر تأیید بر بُردل بودن جو بایدن است.»

شمار زیادی از سناتورها و نمایندگان مجلس در آمریکا به ویژه در حزب جمهوریخواه واکنش مناسب در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی را «اقدام مستقیم» علیه رژیم ایران می‌دانند. حتی برخی دموکرات‌ها نیز بر لزوم تغییر سیاست دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی تأکید دارند اما در شرایطی که بسیاری از تحلیلگران تشدید بحران در خاورمیانه و ضربه‌پذیری ایالات متحده در منطقه را نتیجه سیاست‌های غلط جو بایدن و دستیارانش می‌دانند همچنان در بالاترین رده‌های امنیتی تصمیم نهایی در مورد نحوه مواجهه با رژیم ایران تصمیم نهایی گرفته نشده است.

ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا، سیا (CIA)، در یادداشتی که ۳۰ ژانویه (۱۱ بهمن ماه) در نشریه «فارین افرز» (مسائل بین‌المللی) منتشر شد، نوشت «کلید امنیت اسرائیل و منطقه در حل مشکل ایران است... رژیم ایران با به راه افتادن این بحران گستاخ‌تر شده و به نظر می‌رسد آماده است تا با آخرین نیابتی‌های منطقه‌ای خود به جنگ ادامه دهد آنهم در حالی که همزمان برنامه اتمی خود را گسترش می‌دهد و تداوم تهاجم روسیه را نیز ممکن می‌سازد. در ماه‌های پس از هفتم اکتبر، حوثی‌ها به عنوان یک گروه شورشی متحد رژیم ایران در یمن، شروع به حمله علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ کردند و خطر گسترش جنگ در جبهه‌های دیگر نیز همچنان وجود دارد.»

وی با اشاره به بحران‌های خاورمیانه تأکید کرد «ایالات متحده بطور انحصاری مسئول حل هیچیک از مشکلات آزردهنده در خاورمیانه نیست اما بدون رهبری فعال ایالات متحده هیچیک از این بحران‌ها را نمی‌توان مدیریت کرد، چه رسد به پیدا کردن راه حل.»

از سوی دیگر سناتور تام کاتن تأکید دارد رژیم ایران تا

● در آمریکا بین مقامات عالی‌رتبه بر سر اینکه واکنش مناسب به رژیم ایران چه باشد اختلاف اساسی وجود دارد و در مورد نحوه مواجهه یا برخورد با جمهوری اسلامی به جمع‌بندی مشترک نرسیده‌اند.

● بسیاری از تحلیلگران تشدید بحران در خاورمیانه و ضربه‌پذیری ایالات متحده در منطقه را نتیجه سیاست‌های غلط جو بایدن و دستیارانش می‌دانند اما همچنان در بالاترین رده‌های امنیتی دولت میل به معامله و «تعامل» با ملاها به عنوان گزینه اصلی برای برون‌رفت از بحران منطقه غلبه دارد.

● ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا، سیا (CIA)، در یادداشتی که ۳۰ ژانویه (۱۱ بهمن ماه) در نشریه «فارین افرز» (مسائل بین‌المللی) منتشر شد، نوشت «کلید امنیت اسرائیل و منطقه در حل مشکل ایران است... رژیم ایران با به راه افتادن این بحران گستاخ‌تر شده و به نظر می‌رسد آماده است تا با آخرین نیابتی‌های منطقه‌ای خود به جنگ ادامه دهد.»

● سناتور تام کاتن تأکید دارد رژیم ایران تا وقتی بایدن بُردل در قدرت است به ما می‌خندد. به گزارش «نیوزمکس» کاتن در برنامه «Hugh Hewitt's podcast» تأکید کرد که رژیم ایران و گروه‌های تروریستی وابسته به آن از رئیس جمهور «ضعیف و بزدل» سوء استفاده می‌کنند.

● «بایدن به رژیم ایران به چشم یک حکومت عادی نگاه می‌کند. او خیال می‌کند اگر به آنها امتیاز بدهد و با آنها مامشات کند رژیم ایران دست از تنش‌آفرینی بر می‌دارد و خاورمیانه آرام می‌شود... اما اینطور نیست. جمهوری اسلامی ۴۵ سال است که دشمن آمریکاست.»

شدت حملات گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه علیه منافع آمریکا و متحدانش با وجود همه هشدارهای بین‌المللی در حال افزایش است. در حالی که طی سه ماه پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» بیش از ۱۵۰ بار پایگاه‌های آمریکا در منطقه هدف حملات موشکی و پهبادی عوامل منطقه‌ای رژیم ایران قرار گرفته، دولت بایدن و شرکای بین‌المللی آمریکا نتوانسته‌اند حتی شدت حملات به پایگاه‌های آمریکا و کشتی‌های تجاری را کاهش دهند.

در یکی از تازه‌ترین حملات گروه‌های نیابتی سه نظامی آمریکا در پایگاه «برج ۲۲» اردن کشته شده و بیش از ۴۰ نفر آسیب دیدند که هفت نفر از آنها به دلیل شدت جراحات به بیمارستان منتقل شدند.

مقامات ارشد آمریکا همگی مدام تکرار می‌کنند که جمهوری اسلامی بطور مستقیم حملات علیه منافع آمریکا و همچنین کشتی‌های خارجی را هدایت می‌کند اما پاسخ متناسبی برای مجازات رژیم ن داده‌اند.

هرچند دولت بایدن در سال ۲۰۲۰ روابط خود با جمهوری اسلامی را بر اساس مامشات با هدف «احیای برجام» آغاز کرد و با نادیده گرفتن تحریم‌ها امتیازات قابل توجهی به حکومت داد اما از این رویه نتیجه مطلوبی نگرفت. با اینهمه همچنان بر ادامه همان سیاست ناکام اصرار می‌شود. در آمریکا بین مقامات عالی‌رتبه بر سر اینکه واکنش مناسب به رژیم ایران چه باشد اختلاف اساسی وجود دارد. به عنوان مثال سناتور جمهوریخواه تام کاتن بعد از کشته

نگاه غرب به ایران از دیدگاه امیر طاهری

کانون فرهنگی پارس (کانون ایران سابق) جمعه ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴ میزبان امیر طاهری روزنامه‌نگار بین‌المللی و تحلیلگر سیاسی بود. شمار زیادی از هموندان کانون و ایرانیان علاقمند حضور یافتند تا به سخنان وی گوش دهند. امیر طاهری در مورد بُعد تاریخی نگاه غرب به ایران صحبت کرد. در ارتباط با ضرورت بررسی ابعاد دیگری از این موضوع، امیر طاهری قول داد که در جلسه‌ای دیگر در مورد بُعد فلسفی رابطه ایران و غرب و به ویژه شیفتگی ایرانیان به افکار سقراط صحبت کند. کیهان لندن گزارشی همراه با گفتگو با امیر طاهری و برخی از حاضران در این برنامه تهیه کرده است.



ویدئو

آمریکا یک شبکه مالی تأمین‌کننده میلیون‌ها دلار پول برای «سپاه قدس» و حزب‌الله را تحریم کرد



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از برگزاری راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» حوالی میدان «آزادی» (شهید) ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

همکاری می‌کردند. یکی دیگر از شرکت‌های تحریم شده «یارا» نام دارد و مستقر در لبنان است که با استفاده از کشتی‌های تحریم شده، بخش عمده‌ای از فروش کالاهای ایرانی به رژیم سوریه را تسهیل کرده. رژیم سوریه میلیون‌ها دلار به شرکت «یارا» پرداخت کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین شرکت «هیدرو» مستقر در لبنان را تحریم کرده است. این شرکت که تجهیزات حفاری اجاره می‌دهد با تسهیل ارسال کالاهای ایرانی به ارزش صدها میلیون دلار به سوریه، در تأمین مالی «سپاه قدس» مشارکت دارد. شرکت «هیدرو» تحت مدیریت مقامات ارشد سپاه قدس فعالیت می‌کند. در نتیجه این تحریم‌ها، کلیه اموال و دارایی این افراد تحت کنترل آمریکا مسدود می‌شود و شرکت‌ها و اشخاصی که با این افراد معامله کنند مشمول تحریم‌های آمریکا می‌شوند. منابع آمریکایی می‌گویند این تحریم‌ها بخشی از اقدامات بایدن به تلافی حملات موشکی گروه‌های نیابتی به پایگاه‌های آمریکا است. این در حالیست که برخی تحلیلگران معتقدند چنین تحریم‌هایی نتوانسته رژیم ایران را مهار کند به ویژه آنکه خود دولت بایدن نیز در مواردی بر عدم رعایت تحریم‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی چشم پوشیده است.

می‌کرده‌اند در فهرست تحریم‌ها قرار داد. طبق بیانیه وزارتخانه خزانه‌داری آمریکا «این شبکه صدها میلیون دلار درآمد حاصل از فروش کالاهای ایران را از جمله به دولت سوریه انتقال داده و یکی از منابع اصلی تأمین مالی برای ادامه فعالیت‌های تروریستی سپاه و حزب‌الله و پشتیبانی از دیگر سازمان‌های تروریستی در سراسر منطقه بوده است». برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، می‌گوید: «اقدام امروز بر عزم ما جهت جلوگیری از بهره‌برداری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های تروریستی نیابتی آن از سیستم تجارت بین‌المللی برای تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده خود تأکید می‌کند... ایالات متحده به اقدامات خود برای شناسایی و مختل کردن این طرح‌های غیرقانونی ادامه خواهد داد». طبق اطلاعات اعلام شده، شرکت «میرا» مستقر در ترکیه، کالاهای ایرانی را در بازار جهانی خریداری و حمل و نقل کرده و به فروش می‌رساند. فردی به نام «علی قصیر» مستقر در ایران به فعالیت‌های شرکت «میرا» نظارت می‌کرد و سود حاصل از فروش این شرکت را در نهایت با حزب‌الله تقسیم می‌نمود. فرد دیگری به اسم «محمد امیر الجویکی» از مقامات مالی حزب‌الله و «ابراهیم طلال الاویر» مدیرعامل و مالک «میرا» با نام مستعار «ابراهیم آقاوغلو» با این شبکه

● شرکت «میرا» مستقر در ترکیه و دو شرکت «بارا» و «هیدرو» مستقر در لبنان و همچنین یک فرد لبنانی به اتهام «حمایت مالی» و تأمین پول برای «سپاه قدس» و حزب‌الله در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند. طبق اطلاعات اعلام شده، شرکت «میرا» کالاهای ایرانی را در بازار جهانی خریداری و حمل و نقل می‌کرده و به فروش می‌رسانده است. فردی به نام «علی قصیر» مستقر در ایران به فعالیت‌های شرکت میرا نظارت می‌کرد و سود حاصل از فروش این شرکت را در نهایت با حزب‌الله تقسیم می‌نمود. ● شرکت «هیدرو» که تجهیزات حفاری اجاره می‌دهد با تسهیل ارسال کالاهای ایرانی به ارزش صدها میلیون دلار به سوریه، در تأمین مالی «سپاه قدس» مشارکت دارد. شرکت «هیدرو» تحت مدیریت مقامات ارشد سپاه قدس فعالیت می‌کند. در میان تنش‌های رو به افزایش منطقه، دولت بایدن روز چهارشنبه ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن‌ماه) تحریم‌های جدیدی را علیه شبکه‌های مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان اعلام کرد. دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا یک فرد و سه نهاد مستقر در لبنان و ترکیه را که از نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله حمایت مالی

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید (بخش پایانی)

سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

کشور نفوذ زیادی دارند. و این یک دارایی عظیم است که می‌توان در نتیجه این همگرایی به دست آورد. چگونه می‌توانید آن نقش را بازی کنید بدون اینکه شخصی باشید که همه این نیروها را دعوت به همکاری و هماهنگی می‌کند؟ بنابراین اگر من یک عامل در این فرآیند باشم، آن اینست که بتوانم تا جایی که ممکن است همه را به دور میز مذاکره بیاورم و این ائتلاف را گسترش دهم. این کاریست که من انجام می‌دهم.

● فکر کنم اکنون می‌توانید همه را برای آوردن به پشت میز مذاکره هماهنگ کنید...
- این کاریست که اکنون انجام می‌دهم.

● فکر کنم این اتفاق می‌افتد...
- من این مسئولیت را برای این فرآیند به سوی انتقال بر عهده می‌گیرم. اینجا من آدم شما هستم و حاضرم این نقش را ایفا کنم و این کار را خواهم کرد. اما این بدان معنا نیست که شما پیشاپیش مرا در یک بسته‌بندی قرار می‌دهید و می‌گویید پس نتیجه نیز همین است. من نمی‌دانم نتیجه چه خواهد بود. و حتی پس از آنهم اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم نمی‌توانیم جوابی بدهیم. همه اینها با این فرض است که ما می‌توانیم به آن نقطه‌ای برسیم که در نهایت مردم بتوانند تعیین کنند که شکل نهایی چیست، و سپس آن جایگزین را عملی کند. و بعدش، آیا آن جایگزین، نامزدی دارد که بتواند آن را نمایندگی کند؟ خب، ما پیش از آن مرحله هستیم و می‌توانیم به آنجا برسیم و همانطور که گفتم، نمی‌دانم کی این اتفاق می‌افتد. آیا الان که من هنوز ۶۵ ساله هستم یا قرار است وقتی که ۸۰، ۸۵ ساله شدم اتفاق بیفتد؟! من که نمی‌دانم چقدر طول می‌کشد! واقع‌بینانه حرف بزنیم، هیچکدام از ما نمی‌توانیم چقدر طول می‌کشد. اما شما همچنان این سوال را می‌پرسید که آیا قرار است خانواده‌ام را به آنجا برگردانم یا نه. چون خودتان هم به این فکر می‌کنید که آیا می‌توانید به کشورتان برگردید یا نه. همه ما دوست داریم که بتوانیم به کشورمان برگردیم و اگر امکانش باشد بتوانیم در آنجا زندگی کنیم. و من واقعا این را می‌بینم که می‌توانیم رفت و آمد داشته باشیم. لازم نیست ما را در یک مکان سنجاق کرد. ما نمی‌توانیم از این موضوع بگذریم زیرا، صادقانه

عنصری که با آنها موافق هستیم، اشتراک داشته باشیم، اما حداقل عنصری وجود دارد که می‌توانیم بر سر آنها به توافق برسیم: حقوق بشر، یک سیستم سکولاردموکراسی با جدایی دین و دولت و اعتقاد به تمامیت ارضی ایران. اینها حداقل شرایط لازم و کافی برای یک ائتلاف گسترده هستند. و هنوز در اینجا نیست که ما بخواهیم شکل نهایی رژیم آینده را با گفتن اینکه کی طرفدار پادشاهی است و کی طرفدار جمهوریست تعریف کنیم. این موضوع در شرایط فعلی بی‌ربط است. اما اینکه آیا ما دموکرات هستیم، آیا به نتیجه‌ی یک روند سکولاردموکراتیک اعتقاد داریم، آیا تعداد ما به اندازه کافی هست تا بتوانیم یک ائتلاف گسترده تشکیل دهیم که کشور را در این مسیر هدایت کنیم؟ اینها اولین سؤالاتی است که باید به آنها جواب بدهیم. به این ترتیب در حال حاضر که داریم صحبت می‌کنیم، دستور کار و برنامه من این است که باید از تشکیلات‌های سیاسی کلاسیک ایران یا گروه‌ها و سازمان‌هایی که در چارچوب اپوزیسیون هستند فراتر برویم.

من بیشتر به عنوان یک ائتلاف از نیروها به آن نگاه می‌کنم. عناصر این ائتلاف می‌توانند فرد باشند، گروه و احزاب و سازمان‌ها باشند، ترکیبی از همه اینها؛ اما می‌بایست ائتلافی از داوطلبان و مشتاقان coalition of the willing باشد. به عبارت دیگر ائتلافی از افراد و جریانات داوطلب که مایل‌اند بخشی از راه حل باشند در مقابل آنهایی که همچنان بخشی از مشکل هستند و تعدادی از آنها وجود دارند.

سؤال این است که چقدر می‌توانیم به اندازه کافی یک ملت بحران‌زده را بسیج کنیم که بتواند جایگزین/آلترناتیو این رژیم باشد نه فقط برای مصرف داخلی بلکه به جامعه بین‌الملل نیز نشان دهد چون بارها از سیاستمداران و قانونگذاران اینجا و در اروپا و جاهای دیگر شنیده‌ام که می‌گویند خب، آلترناتیو چیست؟ اپوزیسیون کجاست؟ اپوزیسیون کجاست؟ پاران و فلان و بهمان. چیزی که من گفتم اینست که نگاه کنید، گفتگوهای خوبی وجود دارد. پیشرفت خوبی در این زمینه وجود دارد. و یکی از عوامل کلیدی برای این پیشرفت این است که اکنون ما قشر جدیدی نیز داریم که تا حال بخشی از معادله نبودند و اینها اصلاح‌طلبان قبلی هستند که دیگر بر این باور نیستند که این سیستم قابل دوام است و ممکن است اکنون راهی برای همگرایی با ما پیدا کنند و در داخل

یک ائتلاف بزرگ از داوطلبانی که می‌خواهند بخشی از راه حل باشند

● اولین بار است که می‌شنوم این را بیان می‌کنید. برای من به عنوان یک مخاطب حالا مسئله اینست که چطور این را تفسیر کنم. اما فکر می‌کنم که خودتان بطور رسمی این در را برای مردم باز کردید که شما را برای این کار در نظر بگیرند! دست‌تان را بالا بردید و گفتید من چی؟! پس این به مردم هم اجازه می‌دهد که حرف‌شان را بزنند و بخواهند رأی بدهند و بپرسند که نظر شما درباره این آدم چیست! شما می‌توانید فردی باشید که پشت درهای بسته پشتیبان و حامی و یک فرد استراتژیک بوده و این می‌تواند در را به روی هر رویدادی باز کند. مردم می‌توانند درباره این صحبت کنند که چگونه می‌توانیم اکنون متحد شویم تا مطمئن شویم که این تبدیل به واقعیت می‌شود؟ فکر می‌کنم این اولین مرحله بود. البته این نظر من بود و من در جایگاهی که شما خودتان را شفاف و واضح می‌بینید به شما احترام می‌گذارم.

- می‌دانید، فکر می‌کنم برای اینکه کسی به عنوان عاملی برای تغییر دموکراتیک فعالیت می‌کند باید یک میانجی صادق و بی‌طرف باشد. شما باید بالاتر از منازعه باشید. نمی‌توانید از یک سیستم در مقابل یک سیستم دیگر دفاع کنید. شما باید اجازه دهید که فرآیند دموکراتیک تعیین‌کننده نهایی آن باشد. بنابراین آنچه در اینجا می‌خواهم بگویم این است که من خودم را در بهترین راهی می‌بینم که بتوانم به فرآیند پس از فروپاشی رژیم کمک کنم، تا این فرآیند را با دو چیز تسهیل کنم: الف، اینکه مطمئن شویم که ما یک دولت انتقالی مناسب داریم چراکه در هر حال امور کشور در حالی که مشغول کار بر روی تنظیم قانون اساسی هستیم باید بطور موقت مدیریت شود؛ و [ب] در بهترین و سریع‌ترین زمان ممکن لوازم تعیین و انتخاب افرادی که ایرانیان را نمایندگی می‌کنند جهت شرکت در مجلس مؤسسان تدارک ببینیم. زیرا وقتی الان به نیروهای سکولاردموکراتیک ایران نگاه کنید ما در هر نکته‌ای با هم موافق نیستیم و این عادیست. ما جمهوریخواه داریم، پادشاهی‌خواه داریم، ایده‌های مختلف داریم. اما این ایده که چگونه می‌توانیم ائتلاف مناسبی داشته باشیم که بتواند در یک دستور کار مشترک با یک دشمن واحد که در مقابل ماست، یعنی رژیم، مقابله کند، ما نمی‌توانیم بر سر حداکثر

بگویم، زندگی من در چهل سال گذشته اینجا در آمریکا بوده. بچه های من اینجا زندگی می کنند، دوستانم اینجا زندگی می کنند. همه کسانی که می شناسم اینجا هستند...

● در مورد آنها هم بی انصافی است...

- ... اگر قرار باشد برگردم، چرا بر می گردم؟! از جنبه ای انسانی مطرح می کنم...

● صد درصد...

- نگاه کنید، من یک انسانم... منظورم اینست که تظاهر کردن و قرار گرفتن در یک جبهه آسان است و این باعث گمراهی مردم می شود؛ من ترجیح می دهم بهای صداقت و شفافیت را بپردازم تا تظاهری که حقیقت را نمی گوید...

● من برای شما احترام فوق العاده قائلم. نمی دانید چقدر

به اینکه شما در مواضع خود رک و صریح هستید احترام می گذارم. چون این همان موقعیتی است که من هم به آن فکر می کنم، خوب، در ۲۰ سالگی خیلی عالی؛ ۳۰ سالگی و ۴۰ سالگی هم بسیار خوب؛ پنجاه سالگی؟! بعد از ۳۰ سال؟! بچه هایم؟ باید آنها را متقاعد کنم؛ ۴۳، ۴۴ سال؛ همسر؛ و جاهایی که می روید و جایی که زندگی می کنید، مدارس، سیستم، و همه اینها. و بعد می بینم هیچ تمایلی برای بازگشت ندارم. این ناعادلانه ترین کار با همسر آمریکایی ام خواهد بود که شما او را ملاقات کردید و اهل هیوستون است و همینطور چهار فرزندم که به زندگی در اینجا عادت کرده اند. اما دوست دارم برای یک ماه آنها را ببرم. دو ماه، سه ماه آنجا بمانم و برگردم. نمی دانم چه آهنگ هایی گوش می دهید اما وقتی وارد می شدید، من داشتم به «لالایی» و یکن گوش می کردم... یا وقتی به معین گوش می دهم: «دلم میخواد به اصفهان برگردم» یا «بگو که کسی گل نفرستد به خانه»؛ می دانید، وقتی به اینها گوش می دهید فکر می کنید باید به آنجا بروید. من به کنسرت بزرگی رفتم از داریوش که فکر می کنم با مواد مخدر مشکل داشت و بعد ترک کرد و فالوئر میلیونی دارد. سیامک ثابت ایمانی باجناق من که با خانواده اش در خارج کشور است، مرا به این کنسرت برد. ده سال پیش بود. داریوش حرف جالبی زد؛ گفت: می خواهم عذرخواهی کنم چون هیچک از شما هرگز مرا به مراسم عروسی دعوت نکردید، برای اینکه موسیقی من دلگیرکننده بود. من هرگز به عروسی های شما دعوت نشدم چون من از آن آهنگ هایی که شما مرا به عروسی هایتان دعوت کنید نداشتم و عذرخواهی می کنم. ولی من می خواستم به عروسی های شما بیایم... بعد گفت: یک لحظه اجازه بدهید تا با جوان ها در اینجا صحبت کنم؛ به فارسی می گفت و سیامک همه را برابرم ترجمه می کرد. گفت: مطمئن شوید که گرگ جوان در شما از گرگ پیری که یک روزی خواهید شد مراقبت می کند. عجب حرفی! چون گرگ جوان گرسنه است. گرگ جوان می خواهد برود تمام دنیا را بگیرد. ولی گرگ جوان همزمان باید از گرگ پیری مراقبت کند که روزی خواهیم شد. میل من برای رفتن به آنجا و نشان دادن آنجا به بچه هایم خوب است. خاطره و میل من برای رفتن به آنجا در این نهفته که آخرین سفر تعطیلات والدینم قبل از طلاق به اصفهان بود! شما آنچه را که فکر می کنید می گوید و بسیاری از مردم حالا دید بهتری دارند تا ببینند که شما در کجا ایستاده اید... - برای تکمیل این بحث باید بگویم طوری که من خودم را فردا در ایران می بینم، بدون شک در یک کاخ لعنتی نیست که به هر شکلی، چه ریاست جمهوری چه سلطنت گرفتار شده باشم. شاید به نوعی چیزبست که برای چهل سال از من گرفته شده که بجای اینکه بتوانم کشورم را اداره کنم مجبور به زندگی در تبعید شده ام. اما من خودم را خیلی

بیشتر در چیزهایی می بینم که واقعاً به آنها علاقه دارم. برای داشتن محیط زیست پاک چه می توان کرد؟ برای رفع برخی مشکلات چه کنیم؟ چه حوزه هایی از نیازها هست که من می بینم و می توانم تأثیرگذار باشم و از همه شبکه های افرادی که می شناسم آنها را به کشور بیاورم و اینجور کارها را انجام بدهم. به چهار گوشه ایران بروم و واقعاً آن را از نزدیک ببینم. این چیزبست که من دوست دارم بتوانم انجام دهم تا اینکه با یک دسته بوروکرات دور یک میز بنشینم و تصمیمات اجرایی بگیرم. افراد زیادی می توانند این نقش را بر عهده بگیرند. اگر به سادگی بتوانم مشعل را به نسل بعدی منتقل کنم، فکر می کنم بیشتر از وظیفه ام انجام داده ام.

بنابراین می دانید ایرانی ها نباید فقط به من به این دلیل نگاه کنند که من نماینده آینده آنها هستم به این معنا که انگار همه چیز روی من می چرخد. درواقع، فکر می کنم که این نگاه به ملت خدمت نمی کند. چون دوباره شما دیدگاه را از پایین به بالا متوجه می کنید و آن یک نفر که آن بالا نشست! این اصلاً نه دستور کار من است و نه هدف من. اما اگر در ابتدا به کسی نیاز دارید که جهت را ثابت نگه دارد و آن را در مسیر درست قرار دهد، این به اندازه کافی منصفانه است.

من از قبل خیلی کارها انجام دادم. اما نه به این دلیل که سود شخصی از آن دارم. فکر می کنم افراد زیادی هستند که می توانند کشور را در این چارچوب اداره کنند. جنبه های خاصی وجود دارد که فکر می کنم شاید توانایی های منحصر به فردی دارم که می توانم آنها را انجام دهم. سوال واقعی هرچه فکر می کنم این است که بهترین استفاده از شخصی به نام رضا پهلوی و تجربه ای او چیست که هموطنانم باید درباره آن تأمل کنند؟ واقعاً همین است. چون اگر من مجبور باشم بقیه عمرم را متعهد باشم که به آنها کمک کنم تا آنها وارد عرصه سیاست شوند که از نظر دوره نمایندگی محدود است؛ که چی؟ من برای چهار سال در این دوره هستم، بعدش چی؟ بعد هم پرسش بعدی می آید، نفر بعدی کیست؟ این موضوع نباید در مرحله اول مطرح باشد. این چیزبست که من سعی می کنم بگویم. اما این در حال حاضر بسیار پایین تر از مرحله ی دورتر است. سوال باید این باشد که او اکنون چه می کند؟ حالا نقش او چیست؟ و من سعی می کنم توضیح دهم که نقش من در حال حاضر چیست. و تنها نقشی که می توانم داشته باشم اینست که بگویم، هموطنان ایرانی، چه سلطنت طلب باشید و چه جمهوریخواه، چه محافظه کار یا سوسیالیست، هر که هستید، هر کجا هستید، ما فقط می توانیم یک برنامه مشترک برای آزادی خود داشته باشیم و هنگامی که اختلاف نظر داریم، اجازه بدهید در مجلس قانون اساسی [مجلس مؤسسان] نمایندگان شما درباره آن بحث کنند و معیار نهایی هم صندوق رأی است. بالاترین خط مجلس است و تنها ساز و کار سنجش اراده مردم، صندوق رأی است. به همین سادگی. آیا الان این را در ایران داریم؟ نه. آیا ما می توانیم آینده خود را بدون این مراحل تعیین کنیم؟ نه. پس بیایید اول به وضعیتی برسیم که آن مکانیسم ها را داشته باشیم؛ زیرا تنها راهی است که می توانیم استدلال کنیم که آینده خود را در یک فرآیند دموکراتیک واقعی تعیین خواهیم کرد.

● شاهزاده، همین الان اگر این را از ایالات متحده

تماشا می کنم، و ایرانی هستم، با تماشا کل این موضوع و صحبت هایی که داشتیم، چکار می توانم بکنم؟ اگر این را با وی پی ان در ایران تماشا می کنم، چه جوان باشم یا میانسال و یا پیرتر، چکاری می توانم انجام دهم؟ اگر دارم «منوتو» تماشا می کنم یا هر رسانه دیگری در هر جایی، چکار می توانم برای پیش بردن این کار انجام دهم؟ چطور می توانم کمک کنم؟ - امروز نسل Z ایرانیان نسل جوان ایران مطمئن هستم

به شدت تحت تأثیر مثبت و تشویق قرار خواهند گرفت به نسبت هم نسلان خود در آمریکا یا جاهای دیگر. آنها واقعا در یک هدف و چشم انداز مشترک با هم مرتبط هستند و می دانند که در کار با یکدیگر هم افزایی دارند و با هم کار می کنند. یک روز ممکن است شرکای تجاری شوند، یک روز ممکن است شریک شوند، روزی ممکن است بتوانند برای انجام هر کاری در یک پروژه ارتباط برقرار کنند. و من فکر می کنم که پیام من به جهان خارج برای مخاطبانی که این برنامه را تماشا می کنند، به ویژه جوانان در این کشورها، اینست که شما نمی توانید تصور کنید که چقدر تأثیرگذار است چه در رسانه های اجتماعی فعال باشید و چه در هر امکان دیگری برای برقراری ارتباط به وسیله هر چیزی که بتوانید این ارتباط را برقرار کنید. در آنطرف ایرانی ها صدای شما را خواهند شنید. جوانان ایرانی شما را دنبال خواهند کرد و می شنوند که چه می گوید و می خواهند با شما ارتباط برقرار کنند. چون بزرگترین مشکل ما این است که این مانع [رژیم جمهوری اسلامی] را داریم، مانند آنچه که در دوران «برده آهنین» [رژیم کمونیستی اتحاد شوروی و بلوک شرق] بود، که ایرانیان را از بقیه دنیا جدا می کند. و هر بار که ما مثلاً در همین «زن زندگی آزادی» دیدیم که چقدر همبستگی با آن نشان داده شد، نمی دانید چقدر به جوانان ایرانی که در خیابان ها با رژیم می جنگند، امید و شهادت بخشیده است. بنابراین فکر می کنم امروز نمی توانیم مثل زمان انقلاب ۵۷ صحبت کنیم. آن زمان وسایل ارتباطی و یا شنیداری از کشور بسیار کم بود. همین الان که صحبت می کردیم شما برخی فیلم هایی را که ما از ایران دیدیم نشان دادید. از کجا تهیه کردید؟

● رسانه های اجتماعی...

- دقیقاً. بنابراین ما نمی توانیم بهانه ای داشته باشیم که نمی دانیم چه اتفاقی می افتد چون آنجا خارج است. و آنچه جالب است این است که گاهی اوقات دولت ها یا مقامات دولتی به نظر می رسد که حتی چنین ویدئوهایی را ندیده اند. آنچه می خواهم بگویم این است که اگر به قدرت مردم ایمان داشته باشیم، در نهایت مردم هستند که تصمیم گیرندگان را مجبور به اقدام می کنند. خواست، تغییر می دهد؛ خواست به آپارتاید پایان می دهد. خواست به تعصب و هر چیز دیگری که در دستور کار است پایان می دهد و قدرت مردم را به ویژه در عصر کنونی رسانه های اجتماعی نباید دست کم گرفت. فکر می کنم اهرم نهایی برخی سناتورها و نمایندگان کنگره نیستند که مشتاق درک آنچه هستند که می خواهم برای آنها توضیح دهم. در نهایت سیاستمداران به دنبال نفع خودشان و یک چیز هستند؛ اینکه دوباره انتخاب شوند. و چه کسی باید آنها را انتخاب کند؟ مردم! این همان پیامی است که من به یک شهروند آمریکایی و به رای دهندگان ایرانی آمریکایی دارم. من می گویم مطمئن شوید که رای شما شمرده می شود. و به عنوان ایرانی اگر می خواهید از هموطنان خود حمایت کنید، وظیفه ی شماست که بر سیاستمداران محلی یا نمایندگان فدرال خود فشار بیاورید تا در سمت درست معادله قرار بگیرند. بنابراین واقعاً، پیام من اینجاست، استفاده از رسانه های اجتماعی به بهترین شکل، زیرا ابزاری کلیدی برای بسیج و برای سازماندهی پیام و برای امید دادن است، زیرا زمانی که ملت امیدوار شود، آن زمان است که از امید به باور تغییر می کند. و این به نظریه توانمندسازی من برمی گردد. از لحظه ای که مردم شروع به این باور کنند که واقعاً می توانند این کار را انجام دهند، آنوقت است که در نهایت تغییر واقعاً اتفاق می افتد.

● ولیعهد، از این گفتگو بسیار لذت بردم و بسیار سپاسگزارم.

- من هم سپاسگزارم (پایان)

اعدام چهار زندانی سیاسی به اتهام «محرابه» و «جاسوسی برای اسرائیل»



حتی براساس موازین خود جمهوری اسلامی هم رعایت نشد و تایید حکم اعدام این چهار زندانی توسط دیوان عالی در حالی بود که آنها از حق دسترسی به وکیل و همچنین حق ملاقات و حتی تماس تلفنی با خانواده‌های خود محروم بودند. کمپین دفاع از این ۴ زندانی سیاسی نیز با ابراز تاسف از این اعدام‌های ضدانسانی نوشت: «این جنایت بی‌پاسخ نخواهد ماند و مبارزات ما جدی‌تر از پیش ادامه خواهد داشت.» این چهار جوان ایرانی اول تیر ۱۴۰۲ در یکی از روستاهای اطراف ارومیه توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند. وزارت اطلاعات یک ماه پس از دستگیری این چهار نفر در اطلاعاتیه‌ای مدعی شد که «یک تیم عملیاتی مرتبط با موساد که از مسیر اقلیم کردستان عراق به صورت غیرقانونی وارد کشور شده و قصد انجام عملیات هم‌گذاری در یک کارخانه تولید تجهیزات وابسته به وزارت دفاع اصفهان را داشتند، قبل از عملیات دستگیر شدند.»

همزمان خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن اعلام خبر بازداشت این افراد مدعی شده بود شبکه‌ای از افراد وابسته به اسرائیل که قصد انجام عملیات خرابکارانه در ایران را داشتند توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی نیز دو بار ویدئوهایی از اعترافات اجباری این چهار زندانی منتشر کردند. فعالان حقوق بشر تأکید کرده بودند که این اعترافات اجباری بوده و زیر شکنجه‌های شدید جسمی و روحی از این زندانیان گرفته شده است. خانواده‌های آنها نیز در گفتگو با رسانه‌های خارج ایران تأیید کرده‌اند که این اعترافات زیر شکنجه گرفته شده است.

همزمان با پرورده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و پخش اعترافات اجباری این زندانیان، عبدالله مهدی دبیرکل حزب «کومله» در گفتگو با «بی‌بی‌سی فارسی» مدعی عضویت آنها در حزب خود شده و گفته بود: «آنها از اعضای ما بودند و از اعضای خوب ما هم بودند.»

مسعود شمس‌نژاد وکیل این چهار زندانی ماه گذشته در شبکه «ایکس» نوشته بود «از زمانی که وکالت خانواده‌های این چهار زندانی را قبول کردم، متأسفانه نه موکلینم از حقوق خود برخوردار بودند و نه من. تنها روی کاغذ و دوندگی بی‌سرانجام بوده، فرایند دادرسی و محکومیت نهایی اعدام را عادلانه و منصفانه نمی‌دانم.»

این چهار زندانی را تنها نگذارید و به آنها جلوی زندان اوین بپیوندید از شما خواهش می‌کنم؛ تنها امید ما شما مردم غیور هستید که همیشه یار و یاور ما بودید.»

همسران سه زندانی دیگر نیز طی روزهای گذشته با پیام‌های مختلف از نهادهای بین‌المللی درخواست کمک کردند تا مانع اعدام این زندانیان سیاسی شوند. جمهوری اسلامی اما مثل همیشه بی‌اعتنا به اعتراضات و همچنین استدلال وکلا مبنی بر ناکافی و مبهم بودن مستندات و ناعادلانه بودن روند دادرسی عزم خود را جزم کرده تا زندانیان سیاسی و عقیدتی را که سال گذشته و یا در سال‌های پیشتر مانند اسیران به گرگان گرفته، در قتل‌های فراقضائی به جوخه اعدام بسپارد. اعدام این چهار زندانی سیاسی با واکنش گسترده فعالان سیاسی و نهادهای حقوق بشری روبرو شد.

شاهزاده رضا پهلوی با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس» با اشاره به جنگ‌افروزی‌های رژیم در منطقه نوشته که «جمهوری اسلامی همزمان علیه مردم ایران و جهان اعلام جنگ کرده است. این رژیم در جنگش علیه مردم ایران، ساعتی قبل چهار زندانی دیگر را اعدام کرد. و در اعلام جنگش با جهان، سه سرباز آمریکایی را در اردن از طریق تروریست‌های نیابتی خود کشت و ده‌ها تن دیگر را زخمی کرد. برای این معضل، تنها یک راه حل وجود دارد: کمک به ملت ایران در مبارزه‌شان برای رهایی از رژیم اسلامی، و پایان دادن به جنگ و درگیری.»

سازمان حقوق بشر ایران اعدام این چهار زندانی سیاسی را محکوم کرده و از جامعه جهانی خواسته تا سکوت خود را در برابر این اعدام‌ها را بشکنند. محمود امیری مقدم، مدیر این سازمان گفته که «این چهار زندانی بر اساس اعتراف زیر شکنجه و بدون دادرسی عادلانه صورت گرفته و قتل فراقضائی محسوب می‌شود که خامنه‌ای و قوه قضائیه نظام فاسد جمهوری اسلامی باید در قبال این قتل‌ها مورد پاسخگویی قرار گیرند.» او در ادامه خواهان واکنش جامعه جهانی شده و تصریح کرده که «کوچک‌ترین واکنش کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به اعدام‌ها، لغو سفر ندا النشیف معاون کمیساریا به ایران و گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی است.» سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو» نیز ضمن محکومیت شدید اجرای حکم اعدام این چهار زندانی سیاسی گرد اعلام کرد در پرورده این افراد، حداقلی از معیارهای دادرسی منصفانه

این چهار زندانی سیاسی از سوی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی به اتهامات واهی «محرابه» و «جاسوسی برای اسرائیل» متهم بودند.

مادران این چهار زندانی با نوشتن نامه‌ای به ندا النشیف، معاون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، خواستار کمک او برای جلوگیری از اعدام فرزندان خود و دیگر زندانیان محکوم به اعدام در ایران شده بودند.

همسر محمد فرامرزی پیشتر با انتشار ویدئویی گفته بود: «از مردم شریف و نجیب ایران می‌خواهم صدای همسرم محمد فرامرزی و دوستانش باشید و خانواده‌های این چهار زندانی را تنها نگذارید.»

چهار زندانی سیاسی به اتهام «محرابه و جاسوسی برای اسرائیل» صبح روز دوشنبه نهم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ در زندان «قزل‌حصار» کرج اعدام شدند.

محمد فرامرزی، وفا آذربار، پژمان فتحی و محسن مظلوم پژمان فاتحی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی و وفا آذربار چهار زندانی سیاسی که از سوی دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی به «محرابه» و «جاسوسی برای اسرائیل» متهم شده بودند، صبح امروز دوشنبه نهم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ اعدام شدند. مسعود شمس‌نژاد وکیل این چهار زندانی سیاسی صبح امروز در شبکه «ایکس» نوشت: موکلینم پژمان فاتحی، محسن مظلوم، وفا آذربار و محمد فرامرزی به وقت اذان اعدام اعدام شدند و این در حالیست که در هر دو دادنامه بدوی و فرجامی صادره تصریح شده بود که متهمین قبل از اجرای عملیات دستگیر شده‌اند، شاید رد اصطلاح قصاص قبل از جنایت شوخی بیش نبوده که به آن باور کرده‌ایم...» مادران این چهار زندانی نیز در روزهای گذشته با نوشتن نامه‌ای سرگشاده خطاب به ندا النشیف، معاون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، خواستار کمک او برای جلوگیری از اعدام فرزندان خود و دیگر زندانیان محکوم به اعدام در ایران شده بودند. ندا النشیف قرار است در روزهای دوم تا پنجم فوریه برابر با ۱۳ تا ۱۶ بهمن‌ماه به ایران سفر کند. خانواده این زندانیان بارها بر پرورده‌سازی نهادهای امنیتی علیه عزیزان خود تأکید کرده بودند. ماریا محمودی همسر محمد فرامرزی در ویدئویی از مردم یاری خواسته و گفته بود: «از مردم شریف و نجیب ایران می‌خواهم صدای همسرم محمد فرامرزی و دوستانش باشید و خانواده‌های

خطر اعدام یک شهروند معترض؛ دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی عباس دریس را رد کرد



عباس دریس و سه فرزندش

یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو» تبدیل شد.

دادگاه انقلاب بر اساس اعترافات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد.

وکیل این زندانی سیاسی پیشتر تأیید کرده بود که اعترافات موکلش در وزارت اطلاعات انجام شده و او در دادگاه و در حضور قاضی اتهامات را رد کرده و گفته در جریان آنچه در نيزارهای ماهشهر رخ داده به کسی شلیک نکرده و کسی را نکشته است. اما دادگاه بی‌اعتنا به این موضوع و با تکیه بر اعترافات اجباری و زیر شکنجه‌ی این شهروند او را به اعدام محکوم کرد.

عباس دریس (شلیشات) متولد سال ۱۳۵۹، متأهل و دارای فرزند است که تا پیش از بازداشت توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به کارگری مشغول بوده و سابقه فعالیت سیاسی نیز نداشته است. کفایه حزباوی همسر عباس دریس در زمان پیگیری پرونده همسرش پس از پیگیری‌های بسیار درباره پرونده او به نهادهای قضایی تهران مراجعه کرد و به او گفتند همسرش اعدام خواهد شد. کفایه حزباوی به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و پس از مدتی جان سپرد. فرشته تابانیان در اینباره گفته بود که «به همسر عباس دریس در تهران به دروغ گفتند که حکم اعدام او صادر شده و او به دلیل عدم آگاهی حقوقی، تصور کرده که حکم صادر شده متأسفانه ظرف یک هفته به دلیل سکنه جان باخت.» کاربران ایرانی هفدهم آذرماه ۱۴۰۰ برای حمایت از این شهروند زندانی توفان توییتری به راه انداختند که طی آن کاربران با استفاده از هشتگ‌های #عباس_دریس، #اعدام_نکنید و #SaveAbbas خواهان لغو مجازات اعدام او شدند.

قضایه، از پرونده عباس دریس برداشته شد. در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ و در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۹ آبان در ماهشهر اعتراضات گسترده‌ای از سوی مردم به ویژه در شهرک «چمران» برگزار شد و مردم توانستند جاده خروجی ماهشهر را ببندند. مأموران جمهوری اسلامی



معترضان را در نيزارهای نزدیک شهرک جراحی به رگبار بستند و مردم مسلح نیز به مقابله با آنها پرداختند. جمهوری اسلامی برای سرکوب شهروندان به سلاح‌های سنگین نظامی و دوشکا متوسل شد. به استناد برخی گزارش‌ها حدود ۱۰۰ شهروند در جریان این کشتار جان باختند.

عباس دریس و برادرش که هر دو ساکن شهرک «چمران» بودند پس از کشتار مردم در نيزارهای ماهشهر در یک پرونده‌سازی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شدند. آنها در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد در اقدامی عجیب اتهام آنها تغییر کرد و به «محاربه، اخلاق در نظم و مشارکت در قتل

● درخواست اعاده دادرسی پرونده عباس دریس از شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات آبان ۹۸ از سوی دیوان عالی کشور رد شده است.

● فرشته تابانیان وکیل عباس دریس: «همچنان تأکید و باور دارم که عباس دریس در قتل شهید صیادی هیچ نقشی نداشته است.»

● عباس دریس پدر سه کودک با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی بازداشت شد و همسرش نیز پس از شنیدن خبر محکومیت همسرش به اعدام به دلیل فشارهای روحی دچار سکنه مغزی شد و جان باخت.

دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی عباس دریس از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ در ماهشهر را رد کرده و بدین ترتیب حکم «اعدام» این شهروند معترض تأیید شده است.

درخواست اعاده دادرسی پرونده عباس دریس از شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات آبان ۹۸ از سوی دیوان عالی کشور رد شده است. با رد درخواست اعاده دادرسی حکم اعدام عباس دریس که در دادگاه بدوی صادر شده بود قابل اجرا خواهد بود.

فرشته تابانیان، وکیل عباس دریس روز یکشنبه هشتم بهمن‌ماه، در شبکه «ایکس» نوشت: «با وجود ایرادات فراوان به رای دادگاه بدوی، اعاده دادرسی موکلم عباس دریس در دیوان عالی کشور رد شد. موکلم به اتهام محاربه به اعدام محکوم شده بود.»

این وکیل دادگستری افزوده که «تقاضای اعمال ماده ۴۷۷ را کردیم که در دست بررسی است. همچنان تأکید و باور دارم که عباس دریس در قتل شهید صیادی هیچ نقشی نداشته است.»

بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی، در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع و قانون اساسی تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، شعبی خاص از دیوان عالی که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصص می‌یابد، به پرونده رسیدگی و رأی قطعی را صادر می‌کنند. حساب «برادران دریس» در شبکه «ایکس» هم با انتشار مطلبی نوشته که «دیوان عالی کشور پس از رد اعاده دادرسی، حکم اعدام عباس دریس به اتهام محاربه را تأیید کرده و جان او در خطر جدی است. پیشتر، حکم قصاص دریس در پرونده کیفری لغو شده بود و حکم اعدام تأیید شده، مربوط به دادگاه انقلاب است.»

پیش از این و در بیست و دوم آذرماه امسال فرشته تابانیان وکیل عباس دریس اعلام کرد که شعبه سوم دادگاه کیفری استان خوزستان، عباس دریس را به اتهام «قتل عمد و حمل و نگهداری اسلحه» به ۱۴ سال زندان محکوم کرده است. همین دادگاه، برادرش محسن دریس را به دو سال حبس محکوم کرد. محسن دریس، از بابت اتهام معاونت در قتل تیرنه و بابت اتهام نگهداری اسلحه به دو سال حبس محکوم شد. وکیل عباس دریس پیشتر در ۲۴ مهرماه نیز خبر داده بود که خانواده رضا صیادی، عضو یگان ویژه کشته شده در جریان واقعه کشتار نيزار ماهشهر به دیه رضایت دادند و در نتیجه، حکم قصاص پس از پذیرش دیه توسط قوه

نمایندگی سیاسی «ایده لیبرال» و «زندگی معمولی» چه پیش از ۵۷ و چه در «میدان براندازی» مشخص است: پهلوی!



زنان نماینده در مجلس شورای ملی

همیشگی آن است. در طول تاریخ و همه جای جهان همین بوده و در ایران نیز از نظر دلایل جایجایی‌های اجتماعی جز این نخواهد بود. از همین رو همبستگی ملی عملاً موجود برای براندازی می‌بایست آماده باشد تا در این فعل و انفعالات و جایجایی‌ها، بیشترین جذب را نه برای رهبری و هدایت خود، بلکه جهت انزواي رژیم و تنها گذاشتن آن از سوی خودی‌های دور و نزدیک آن از جمله هواداران جناحین‌اش داشته باشد. توجه می‌دهم که صحبت بر سر تبهکاران و جنايتکاران رژیم نیست بلکه خیل فعالان سیاسی و مدنی و روزنامه‌نگاران و هنرمندان و ورزشکاران و بدنه اداری اعم از کشوری و لشکری که به این نتیجه رسیده‌اند و یا می‌رسند که سودشان در ایران متحد و آزاد و آباد و بدون جمهوری اسلامی و یا هر نظام دینی و ایدئولوژیک و استبدادی دیگر است.

در این میان، آنکه در رژیم و حواشی امن آن پس از جنگ هشت ساله با عراق همواره «نگاه به شرق» داشته، اصولگرایی هستند که مردم تکلیف‌شان را با آنها از نظر فکری و سیاسی مدت‌هاست روشن کرده‌اند.

آنکه در رژیم و حواشی امن آن همواره «نگاه به غرب» داشته، اصلاح‌طلبان/اعتدال‌گرایان/تحولخواهان ... هستند که در حال حاضر بازوهای تبلیغاتی‌شان در خارج کشور هم بیشتر از داخل و میان مردم است و هم بیشتر از اصولگرایان فعال‌اند و مؤثر بر «غرب» (دست‌کم تا کنون) بوده‌اند! با اینهمه به همین دلیل که در داخل و میان مردم نامقبول شده‌اند، جایزه و نامه و پیام از زندان و تحرکات مشابه آنها ممکن است «نگاه غرب» را جلب کند اما نگاه مردم/جامعه را نه! و دیدیم که نکرد!

به نظر من، این جریان است که با واقعیتی که جامعه به آن تحمیل کرده، ظاهراً با عبور از موضوع «جمهوری» و «پادشاهی» (اینکه واقعی و استراتژیک یا نمایی و

که هدف روشن‌اش ترقی، و آزادی و تجدد شعارش بود). یکی از دلایل حملات بی‌امان و گاه بسیار سخیف علیه پهلوی‌ها و شخص شاهزاده نه تنها از سوی لشکر سایبری و وابستگان و هواداران رژیم، بلکه از سوی افراد و گروه‌های ظاهراً «مخالف» جمهوری اسلامی، آنهم گاهی با پوشش حمایت از مردم و «اتحاد» و «همبستگی»، همین تغییر دیسکورس/گفتمان از اصلاحات و استمرار به براندازی و ملی‌گرایی آزادخواهانه (لیبرال) است که جامعه بر اساس تجربه‌ی سنگین و خونین خود به آن رسیده است؛ حملاتی که هر دلیل ذهنی و ایدئولوژیک و عینی و مادی که داشته باشد، عین نتیجه‌ای که جمهوری اسلامی طی ۴۵ سال با هزینه میلیاردی و لشکر سایبری و غیرسایبری به دست آورد، در عمل به ضد خود تبدیل می‌شود!

این تغییر، صف‌بندی‌های ناگزیر را نیز مشخص می‌کند و به سود جامعه است چرا که ائتلاف جریانات سیاسی برای تقویت همبستگی ملی عملاً موجود در داخل و تبدیل آن به یک نیروی متشکل و متحد و هدفمند برای براندازی، با شفافیت صف‌ها ممکن می‌شود و نه با ادعاهای مبهم و مشت‌گره کرده و تکرار شعارهای احساساتی و عکس‌های یادگاری و یا نشان دادن چند فرد ناهمگون و بی‌مورد با افکار متناقض و متضاد و اهداف غیرشفاف در کنار شخصیتی که وزنه‌ی سنگین سیاسی و تاریخی و فرهنگی و محبوبیت ملی دارد. در هر صورت، همیشه می‌بایست هوشیار بود چرا که آن جریان و جناحینی که هنوز هم قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست دارند، با اطلاعات قطعاً بیشتر از من و شما از وضعیت رژیم و مردم (به دلیل رصد کردن مداوم جامعه بر اساس امکاناتی که آنها دارند و ما نداریم) تلاش خواهند کرد خود را با تغییر ناگزیر گفتمان‌ها تطبیق دهند. این تلاش در ذات فعل و انفعالات اجتماعی و بر اساس تشخیص منافع و تنازع بقاء صورت می‌گیرد که فرصت‌طلبی و ویژگی بارز و

تغییر گفتمان از اصلاحات و استمرار به براندازی و ملی‌گرایی آزادخواهانه (لیبرال) که مردم بر اساس تجربه‌ی سنگین خود به آن رسیده‌اند، صف‌بندی‌های ناگزیر را نیز مشخص می‌کند و به سود جامعه است چرا که ائتلاف جریانات سیاسی برای تقویت همبستگی ملی عملاً موجود در داخل و تبدیل آن به یک نیروی متشکل و متحد و هدفمند برای براندازی، با شفافیت صف‌ها ممکن می‌شود و نه با ادعاهای مبهم.

در این میان جریانی که جامعه واقعیت‌هایی را به آن تحمیل کرده، در نامه خانم «بهاره هدایت»، با ظاهراً عبور از موضوع «جمهوری» و «پادشاهی»، در پی تبیین «ایده لیبرال» به عنوان ایده‌ایست که ادعا می‌شود در ایران امروز «نمایندگی سیاسی روشنی» ندارد! و توصیه می‌کند وقتی این «نمایندگی سیاسی» پیدا شد یا به وجود آمد، باید مواظب بود تا در «سایر گروه‌های هم‌جوار» در «میدان براندازی» «ادغام» نشود.

این نوشته به نکات مبهم نامه خانم «بهاره هدایت» فعال سیاسی که از زندان اوین به «ایران وایر» ارسال و با عنوان «ما لیبرال‌ها کجای میدان براندازی ایستاده‌ایم؟» منتشر شده می‌پردازد. نامه‌ای که به نظر می‌رسد نه نظر یک فرد بلکه جریانیست که پیشینه‌ی آن به اصلاح‌طلبان/تحولخواهان ... می‌رسد که اکنون خود را در یک «میدان براندازی» می‌بینند یا تعریف می‌کنند که هدف‌اش «زندگی معمولی» است.

الاهه بقراط - نگاهی از ۹۶ تا امروز نشان می‌دهد که چه گفتمان/دیسکورس/مقوله‌ای از سوی جنبش اجتماعی به سیاسیون تحمیل شده و کدام جریانات و مقولات چنان منزوی و غیرقابل دفاع شده‌اند که زبان و بیان و مواضع سیاسی افراد و جریان‌ها را نیز تحت تأثیر و تغییر، اعم از باور یا تظاهر و موج‌سواری، قرار داده است.

از جمله:
اضافه شدن واژه‌ی «ملی» در برخی بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها
فاصله گرفتن از انقلاب ۵۷
فاصله گرفتن از دو نیروی اسلامگرا و چپ‌گرای شریک در انقلاب ۵۷ و مدافع آن

اعتراف به ارتجاعی بودن انقلاب ۵۷
رد/انکار «نگاه به شرق»
قبول/تأیید «نگاه به غرب»
فاصله گرفتن از مناقشه‌ی جمهوری و پادشاهی
تمرکز بر برنامه و محتوای جریان‌های سیاسی
و مهم‌تر از همه: براندازی!
و موارد دیگر (خوانندگان گرامی می‌توانند تکمیل کنند).

روشن شدن صف‌ها
اینهمه با توجه به سال‌ها سلطه‌ی بلامنازع نظام و جناحین‌اش در داخل، و لابی‌گران و تبلیغاتی‌هایش در خارج، بسیار بسیار مهم و برخلاف تبلیغات رژیم و برخی بازوهای پیدا و پنهان آن، بسیار مثبت و امیدوارکننده است چرا که هیچ جنبش و انقلابی بدون مقوله‌ی مشخص ذهنی و تفکر روشن به جایی نمی‌رسد (اعم از ارتجاعی مثل ۵۷ که هدف روشن‌اش حکومت اسلامی، و «خمینی‌عزیزم بگو تا خون بریزم» شعارش بود، یا مترقی مانند انقلاب مشروطه

تاکتیکی است، نمی‌دانم)، در پی تبیین «ایده لیبرال» به عنوان ایده‌ایست که ادعا می‌شود در ایران امروز «نماینده‌ی سیاسی روشنی» ندارد! و توصیه می‌کند وقتی این «نماینده‌ی سیاسی» پیدا شد یا به وجود آمد، باید مواظب بود تا در «سایر گروه‌های همجوار» «ادغام» نشود: «آنچه که کماکان نمایندگی سیاسی روشنی ندارد، ایده‌ی لیبرال است. به عبارتی ایده لیبرال تعین سیاسی مستقلی در میدان براندازی پیدا نکرده است به نحوی که هوادارانش بتوانند با سایر گروه‌های همجوار درون این میدان ائتلاف کنند، اما در آنها ادغام نشوند.» (از نامه خانم بهاره هدایت فعال سیاسی که از زندان اوین به «ایران وایر» ارسال و با عنوان «ما لیبرال‌ها کجای میدان براندازی ایستاده‌ایم؟» منتشر شده است).

این نوشته به نکات مبهم این نامه می‌پردازد.

جریانی که در «میدان براندازی» به دنبال صف خود است
مخاطب نمی‌داند درک نویسنده از «ایده لیبرال» چیست. توضیحاتی هم که داده شده روشن‌تر نیست.

اگر درک از «لیبرال» و «لیبرالیسم» همان باشد که در علم سیاست و فرهنگ سیاسی رایج است و با آزادی فردی و اجتماعی پیوند ناگسستنی دارد، در اینصورت ادعای مربوطه درباره اینکه «تعین مستقلی در میدان براندازی پیدا نکرده» و «نماینده‌ی سیاسی روشنی ندارد» نادرست و یا از روی سهو و خطا و یا ناآگاهی است و یا اینکه علم کردن یا لاابوشانی جریانیست که اگرچه یکسری مواضع درست به دلیل واقعیت جامعه و تجربه و تمایلات مردم به آن تحمیل شده، و طبیعتاً مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گیرد، اما خود را جریانی غیر از جریانات موجود در «میدان براندازی» می‌داند و یا قلمداد می‌کند و می‌پرسد «ما لیبرال‌ها در کجای میدان براندازی»، که مدت‌هاست به گفتمان مسلط در برابر جمهوری اسلامی و بیش از دو دهه اصلاح‌طلبی تبدیل شده، «ایستاده‌ایم» و در پی مشخص کردن این «جا» تلاش می‌کند.

از آنجا که پیشینه‌ی این «ما» به جناحی از جمهوری اسلامی می‌رسد، می‌توان این فرض را داشت که منظور از «ما» بخشی از اصلاح‌طلبان سابق/ تحولخواه/ ... است که افرادی اکنون خود را اگرچه در «میدان براندازی» می‌بینند، ولی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خود را با هیچ‌کدام از نیروهای موجود از جمله اصلی‌ترین نیروی آن که نیروی ملی‌گرای هوادار مشروطه و پهلوی است و از چهار دهه پیش بانی گشودن این «میدان» در برابر «خندق» جمهوری اسلامی بوده، تعریف کرده و بازایند. میدانی که تجربه‌ی جامعه نیز سرانجام مردم را به آن کشانده و سراسر کشور را در بر گرفته است.

این «ما» خود را متعهد به «سه‌گانه تصمیم‌گیری سیاسی (ادراک عمومی- عملگرایی- اخلاق) معرفی می‌کند، که البته هر سه مفاهیمی بسیار گسترده و قابل تعبیر و تفسیر هستند. «ادراک عمومی» و «اخلاق» بسیار کشدار و کلی هستند و «عملگرایی» نیز البته با درکی واژگونه در صدر سیاست اصلاح‌طلبان قرار داشته تا استمرار نظام و سهم بردن خودشان از «سفره انقلاب» را توجیه کنند. هر اندازه «عملگرایی» در اصلاحات با چانه زدن و کوتاه آمدن و مباحثات و داشتن و یافتن حاشیه‌ی امن در جمهوری اسلامی و برخورداری از پارتی و رانت‌های مختلف آن از داخل تا خارج قابل درک و مشاهده بود و هست، اما به همان اندازه مشخص نیست «عملگرایی» در «میدان براندازی» به چه معنی و در برابر و یا در مناسبات با کیست! با نظامی که «میدان براندازی» قصد ساقط کردن آن را دارد؟ با مردم و

جامعه؟ یا با نیروهای موجود در «میدان براندازی»؟ و یا با همه اینها؟!

به هر روی این جریان، (تکرار می‌کنم: جریان است که خود را «ما» می‌نامد و نه صرفاً یک فرد یا یک فعال سیاسی) بر اساس آنچه در نامه توضیح داده شده، «آرتناتیو» را نیرویی می‌داند که «در وهله اول غربگرا باشد؛ منحصراً به این معنی که ایده سیاسی‌اش را بر روی ضدیت با غرب بنا نکرده باشد.»

این در حالیست که تمام ضدانقلاب جمهوری اسلامی از همان روز نخست غربگرا بوده! حکومتی که جمهوری اسلامی بجایش نشسته، غربگرا بوده! مردم امروز ایران و نسل‌های جوان و خود «میدان براندازی» غربگرا هستند! (به شعارهای معروف و رفتارهای شاخص مردم مراجعه شود). پس مخاطب این «ما»، این «جریان» کیست؟ خودی‌های بلاتکلیف که هنوز در میدان اصلاحات هستند؟ خودی‌های غیرخودی مانند اصولگرایان و جریانی در مقامات کشوری و لشکری که بلاتکلیف‌اند یا روسوفیل نیستند و نگاه‌شان به شرق نیست؟ قشر معروف به خاکستری؟

این جریان بجای «نگاه به شرق»، «نگاه به غرب» را توصیه می‌کند و مهم‌ترین تکیه‌گاه «ایده لیبرال»‌اش نیز همین غربگرایی است. آنچه با «ایده لیبرال» و «زندگی معمولی» در این نامه توضیح داده می‌شود اما در عمل همانست که تا پیش از انقلاب ۵۷ در ایران که با شرق و غرب، هر دو، روابط حسنه داشته، جریان داشته است. با این تأکید که نگاه اصلی تا پیش از جمهوری اسلامی، به خود ایران و تاریخ و فرهنگ و میراث معاصر خود کشور بوده است.

به این ترتیب «میدان براندازی» که با ضدانقلاب اسلامی و مخالفان انقلاب ۵۷ و دموکراسی‌خواهان طرفدار ملی‌گرایی گشوده شد، اساساً با «ایده لیبرال» و برای یک «زندگی معمولی» مانند دوران پهلوی باضافه دستاوردهای نوین چهار دهه گذشته شکل گرفته است و این را مردم با شعارها و رفتار خود در فضای واقعی و مجازی سال‌هاست به نمایش گذاشته‌اند.

نیروی اصلی این میدان نیز نه فرد من و شما و ایشان و این یا آن گروه، بلکه جامعه است و شاخص‌ترین ایده‌ی آن که توانسته انحصار مقوله/ دیسکورس سیاسی جمهوری اسلامی و اصلاح‌طلبان را بشکند و خود را از جمله به نویسنده‌ی نامه و جریانی که وی مدافع آنست تحمیل کند، ملی‌گرایی لیبرال، یعنی جریان و عملکرد پهلوی، است! تنها جریانی که پیشینه و کارنامه‌ی صد ساله و مثبت در خدمتگزاری ملت و مملکت دارد. اینکه این کارنامه و خدمات با نیروی ارتجاعی سرخ و سیاه به شدت مورد حمله قرار گرفت، مسئولیت‌اش با خرابکاران و تخریب‌کنندگان است و نه با آنان که کشور را آزاد و آباد کرده‌اند!

جامعه ایران قبل از ۵۷ هم «زندگی معمولی» به عنوان «خواستهای محوری ایده لیبرال» داشته و هم از حقوق شهروندی، برای نمونه، از حق رأی زنان آنهم پیش از دموکراسی سوئیس برخوردار بوده است!

در تمام سال‌های مبارزه با جمهوری اسلامی نیز، «ایده لیبرال» مرکز ثقل تلاش برای پس‌گرفتن «زندگی معمولی» بوده است و نه اینکه تازه بعد از ۴۵ سال آنهم پس از شعارهای روشن و شفاف دی ۹۶ به بعد و خیزش ملی ۴۰۱، ما به دنبال کشف یا به وجود آوردنش در «میدان براندازی» باشیم!

کمی درباره ائتلاف

در عین حال، اگر «خواستهای محوری ایده لیبرال» را رسیدن به «زندگی معمولی» بدانیم، این چیز است که بین

همه جریان‌های برانداز مدافع دموکراسی مشترک است و معلوم نیست نگرانی از «ادغام» این ایده یا این جریان به چه معنی است. مگر اینکه کلمه «لیبرال» فقط یک اسم و عنوان برای مشخص کردن جریانی باشد که گویا در حال حاضر در «میدان براندازی» نیست و اگر هست، عناصرش پراکنده‌اند و باید خود را جمع و جور کنند و مواظب باشند که در «گروه‌های همجوار» «ادغام» نشوند؛ یعنی جریانی که مایل به ائتلاف با دیگر براندازان است ولی صف خود را دارد یا می‌خواهد صف خود را داشته باشد تا... تا چه شود؟! اگر موضوع بر سر ائتلاف است، که روشن است در هر ائتلافی، جریان‌ها و گروه‌ها با توافق بر سر چند اصل معین برای رسیدن به هدف معین با حفظ استقلال و اختلافات، تفاهم و توافق می‌کنند. مناسبات بین آنها را آن چند اصل و این تفاهم و توافق تعیین می‌کند. اساساً ائتلاف بین نیروهای مختلف و متفاوت است و نه نیروهای عین هم! اما می‌بایست سر اصول و بنیادهایی اشتراک نظر و اشتراک منافع داشته باشند.

در این میان، «ائتلاف» و «ادغام» دو مقوله‌ی جدا هستند مگر اینکه هراس از «ادغام» و توصیه به جلوگیری از آن، تلاش برای داشتن قدرت جهت تأثیرگذاری بر مخرج مشترک و نیروی ائتلاف باشد! اینهم در ائتلافی که بر اساس چند اصل معین و هدف مشخص شکل گرفته، بی‌معنی است! ائتلاف یعنی بر اساس اصول مورد قبول، پیش بردن حرف مشترک و عمل مشترک برای هدف مشترک! مگر اینکه منظور پیش‌بینی و محکم‌کاری برای مرحله‌ی پس از رسیدن به هدف مشترک باشد. اینهم در حال حاضر بی‌معنی است؛ چون تحركات اجتماعی به شدت پویا هستند و طبق برنامه و خواست و اراده افراد و جریانات پیش نمی‌روند.

به این ترتیب از نظر عقاید و نظرات و اهداف آینده، نه تنها «میدان براندازی یکپارچه نیست» بلکه ائتلاف نیز با وجود اشتراک بر سر نجات ایران از جمهوری اسلامی، قطعاً از نظر دیدگاه‌ها «یکپارچه» نیست و در آن می‌توانند (نه اینکه الزاماً و باید) طیف‌های مختلف سیاسی که نجات‌خانه برایشان مهم‌تر از هر موضوع دیگریست، شرکت داشته باشند و این آینه و بازتاب بخشی از همان تکثر و پلورالیسم است که کمتر جریانی مدعی آن نیست. روشن است که یک ائتلاف برای نجات «میهن» و خانه مشترک می‌تواند با مشارکت نیروهای ملی و دموکرات شکل بگیرد که می‌توانند راست یا چپ و جمهوریخواه یا پادشاهی‌خواه باشند.

کمی درباره چپ و راست و افراطیون آنها

پس مسئله‌ی جریانی که نویسنده نامه با عنوان «ما لیبرال‌ها» از آن نام می‌برد بر سر چیست؟ بر سر «چپ افراطی» و «راست افراطی» که چند بار در نامه این فعال سیاسی تکرار می‌شود؟

این افراطیون چه جریاناتی را در «میدان براندازی» شامل می‌شوند؟

آن نیروهایی که ۴۵ سال در قدرت و حاشیه‌ی قدرت جا خوش کرده و دست به جنایت و خیانت نیز آورده‌اند، چپ‌اند یا راست؟!

نیروهایی که «خندق» را تشکیل داده‌اند چپ‌اند یا راست؟ افراطی‌اند یا میانه‌رو؟

اصلاح‌طلبان و هواداران‌شان چپ‌اند یا راست؟! وقتی از انقلاب ۵۷ دفاع می‌کنند، میانه‌رو هستند یا افراطی؟! اینها مسائلی هستند که می‌توان درباره‌شان روزها و سال‌ها گفت و نوشت بدون اینکه هیچ تأثیری در واقعیات جامعه داشته باشند چرا که تمامی این مفاهیم برای کمک به درک واقعیات عملاً موجود هستند و نه اینکه ←

واقعیت را بر اساس این مفاهیم بازتعریف کرد و یا طور دیگری فهمید.

در عین حال، راست و چپ هرچه به «میان» نزدیک می‌شوند، در عناصر و ایده‌هایی با هم اشتراک نظر و منافع پیدا می‌کنند و همانطور که جناح راست چپ‌ها با جناح چپ راست‌ها نزدیک است، افراطیون چپ و راست نیز از نظر شیوهی تفکر و عملکرد در فضای کژوی ایده‌ها بهم نزدیک می‌شوند اگرچه ظاهراً متضاد یکدیگرند. مقایسه‌ی شیوهی تفکر و عملکرد عینی فاشیسم و کمونیسم برای درک این موضوع سودمند است. در همین ارتباط می‌بایست به این نکته توجه داد که اسلامگرایان که با بنیان‌های فکری به شدت ضد آزادی در طبقه‌بندی راست افراطی به سوی فاشیسم یعنی بطور کامل خارج از «دایره لیبرال» قرار می‌گیرند، مورد حمایت برخی چپ‌ها و چپ‌های افراطی هستند! نگاهی به دموکراسی‌ها نشان می‌دهد که مردم و جمعیت رأی‌دهندگان که عضو احزاب مختلف نیستند (اعضای احزاب در جوامع باز و دموکراسی‌ها کسر بسیار کوچکی از رأی‌دهندگان را تشکیل می‌دهند) ممکن است با ایده‌ها و برنامه‌هایی از احزاب مختلف موافق باشند. به این معنی که تفکر جمعیت و منافع آنها را نمی‌توان در چارچوب احزاب محدود کرد. شهروندان ممکن است از نظر محیط زیست مثلاً با سبزها، از نظر امنیت و رفاه با راست‌ها و از نظر عدالت اجتماعی با ایده‌های چپ موافقت داشته باشند. از همین روست که از اواخر قرن بیستم احزاب چپ و راست برای به دست آوردن آرای مردم با حفظ میانی خود، مجبور به سر دادن شعارها و اجرای برنامه‌هایی شده‌اند که تا پیش از آن در انحصار دیگری بوده است. به این ترتیب، چه چپ و چه راست و چه میانه، همگی ادعای خدمت و خدمتگزاری به ملت و مملکت در کشورهای خود دارند. اینهمه در حالیست که لیبرال و لیبرالیسم و آزادی و آزادیخواهی در یک جامعه و نظام حقوقی مبتنی بر اصول دموکراسی، محتوای آنست. چپ و راست و میانه در چنین نظامی، لیبرال و آزادیخواه هستند و از آزادی یکدیگر محافظت می‌کنند زیرا می‌دانند آزادی خودشان در گرو آزادی دیگرست. حتی یکسری گروه‌های افراطی چپ و راست که در جوامع باز غرب حضور دارند و فعالیت هم می‌کنند، از آنجا که موجودیت‌شان در چارچوب لیبرال قوانین اساسی این کشورها تعریف می‌شود، وجود و فعالیت‌شان پذیرفته شده مگر اینکه خلاف قانون اساسی فعالیت کرده و یا جرمی مانند ترور و تخریب مرتکب شوند و یا منابع مالی مشکوک داشته باشند... که در اینصورت تحت پیگرد قضائی قرار خواهند گرفت و ممکن است به ممنوعیت آنها بیانجامد. با اینهمه تفکر و جامعه‌ی لیبرال تا جایی که ممکن است مخالف ممنوعیت افراطیون چپ و راست است تا بتوان بر حضور و فعالیت آنها نظارت داشت. روشن است که فعالیت افراد و گروه‌های مسلح چه چپ و چه راست، از آنجا که ربطی به اندیشه و فعالیت سیاسی ندارد و در چارچوب تروریسم و فعالیت‌های مشابه ضدامنیتی و ضدملی و جرائم جنایی قرار می‌گیرد، ممنوع است و با بالاترین مجازات‌ها روبرو می‌شود.

ضرورت شفافیت و صراحت برای درک متقابل

یکی از ایرادات جامعه سیاسی ایران عدم شفافیت است. گاهی عدم شفافیت از روی نقشه و هدفمند است. گاهی به دلیل فشار و سانسور است. در هر دو صورت راه برای تعبیر و تفسیر باز می‌شود. عدم شفافیت قطعاً به سود «ایده لیبرال» و «زندگی معمولی» و «ادراک عمومی- عملگرایی- اخلاق» و «میدان براندازی» و اینکه «ما لیبرال‌ها» بتوانند

خودشان را پیدا کنند نیست!

«ایده لیبرال» و لیبرالیسم بسیار فراتر از یک نامگذاری بر روی «من» یا «ما» یا یک گروه است. از همین رو درباره «ایده لیبرال» و نماینده نداشتن‌اش در «میدان براندازی» که در نامه خانم «بهاره هدایت» آمده، می‌توان دو برداشت داشت: یکی خوشبینانه، بریدن بخشی از اصلاح‌طلبان سابق و پیوستن آنها به براندازی برای آزادی و «زندگی معمولی» در ایران بدون جمهوری اسلامی (چه جمهوری چه پادشاهی)؛ که در اینصورت می‌بایست نیروی خود را در حمایت از خواست‌های مردم و تقویت میدان براندازی عملاً موجود که پیش از آگاه شدن این «ما» و پیوستن‌اش به صف مردم وجود داشته به کار بگیرند و به افشا و تضعیف جریان‌ی بردارند که به آن تعلق داشته و سبب استمرار نظام سرکوب و کشتار شده است. این را هم تشخیص بدهند که «ایده لیبرال» برای «زندگی معمولی» نه تنها نمایندگی سیاسی شاخصی دارد بلکه بر تجربه‌ی عینی و عملی در تاریخ معاصر ایران تا پیش از انقلاب ۵۷ متکی است.

دیگری بدبینانه، بخشی از اصلاح‌طلبان سابق که واقعیت براندازی و تمایلات جامعه به آنها نیز تحمیل شده در پی جایگاه خاص خودشان در میدانی هستند که نه تنها نقشی در شکل گرفتن آن نداشتند بلکه تا همین چند سال پیش به اشکال مختلف از جمله تشکیل «خندق»، مانع آن می‌شدند! ولی آنها نمی‌خواهند به «میدان براندازی» و مردم «پیوندند» بلکه قصد دارند به عنوان یک نیرو زیر عنوان «لیبرال»، جایگاهی خاص در این میدان و احتمالاً در «هدایت» و «رهبری» آن داشته باشند. جایگاهی که دو کلیدواژه «عملگرایی» و «زندگی معمولی» و ادعای اینکه «نمایندگی سیاسی در میدان براندازی» ندارد، سبب می‌شود تا مخاطب با تکیه بر تجربه، هوش و حواس خود را جمع کرده و با احتیاط برخورد کند.

واقع‌بینانه بودن هر یک از این دو برداشت را آینده نشان خواهد داد. در نهایت، این ابهامات و پرسش‌ها با اظهار نظر شفاف درباره سه اصل از سوی نیروهای مدافع دموکراسی که منافع ملت و مملکت را بالاتر از منافع و نمایش‌های شخصی و گروهی قرار داده و نه رو به غرب و خارجی‌ها بلکه رو به مردم ایران دارند روشن می‌شود. سه اصلی که می‌تواند اساس یک ائتلاف گسترده بین جریان‌های آزادیخواه ایران قرار گیرد و پیشتر بارها از سوی شاهزاده رضا پهلوی تکرار شده است: پایبندی به تمامیت ارضی ایران و حفاظت از آن پایبندی به یک قانون اساسی سکولار مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر

پایبندی به رأی مردم در تعیین نظام آینده ایران راستش، یک درس از تجربه درباره‌ی خود تجربه است! تجربه یعنی همین که هر بار نگفت حالا صبر کنیم ببینیم اینبار چه می‌شود یا چه می‌گوید یا عملکردش چیست... به قول معروف اگر چیزی شبیه مرغابی است و مثل مرغابی شنا می‌کند و مثل مرغابی صدا می‌دهد پس به احتمال زیاد مرغابی است. در این مورد نیز معرفی کردن «غربگرایی» و «زندگی معمولی» (یعنی قبل از ۵۷)، به عنوان «خواست‌های محوری ایده لیبرال» و بعد حواله دادن تحقق این ایده به جریان‌ی که گویا در «میدان براندازی» دارای «نمایندگی سیاسی» نیست یا هنوز آن را پیدا نکرده، آدم را بر اساس تجربه‌های مشابه به یاد مرغابی معروف می‌اندازد.

یک راهش اینست که یا ما قدرت تشخیص مرغابی را داشته باشیم و یا مرغابی خیلی شفاف و صریح خودش را معرفی کند! یک راه دیگرش اعلام شفاف و صریح پایبندی یا عدم پایبندی به سه اصل بالاست.

تلاش دولت برای کاهش قیمت ارز؛ از جو امنیتی در بازار تا ارزیابی بانک مرکزی

● کمبود منابع ارزی در دست بانک مرکزی برای ارزیابی در بازار، هرچند از سوی دولت تکذیب می‌شد اما وزیر اقتصاد طی سخنانی از عدم آزاد شدن منابع بلوکه شده ایران در قطر خبر داده است.

● با رکوردشکنی قیمت‌ها در بازار ارز، تلاش همه‌جانبه‌ای از سوی دولت برای کاهش قیمت‌ها از ظهر سه‌شنبه آغاز شده است.

● مقامات دولت حسن روحانی نیز به عنوان رقبای ابراهیم رئیسی از فرصت استفاده کرده و تلاش دارند از دلار ۶۰ هزار تومانی برای تخریب رقیب استفاده کنند.

قیمت دلار در حالی روز سه‌شنبه دهم بهمن‌ماه از مرز ۶۰ هزار تومان عبور کرد که موجی از انتقادات از سوی رقبای ابراهیم رئیسی متوجه دولت و بانک مرکزی شده است. بر اساس گزارش‌ها جو امنیتی بر بازار آزاد ارز حاکم شده و همزمان بانک مرکزی با ارزیابی تلاش دارد قیمت دلار را در روزهای آینده کاهش دهد.

روز سه‌شنبه دهم بهمن‌ماه قیمت ارز در بازار آزاد ایران رکوردهای تازه‌ای ثبت کرد و قیمت هر دلار آمریکا به بیش از ۵۹ هزار تومان رسید. پیوند بریتانیا یک رکورد تاریخی در تاریخ اقتصاد ایران ثبت کرد و به بیش از ۷۳ هزار تومانی رسید. درهم امارات، کانال ۱۶ هزار تومانی را فتح کرده و یورو در آستانه ورود به کانال ۶۴ هزار تومانی قرار گرفت. دلار ۶۰ هزار تومانی با واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شد. از جمله حسینعلی حاجی دلیگانی با انتقاد از عملکرد بانک مرکزی گفت: «رئیس کل بانک مرکزی باید به فوریت به موضوع افزایش نرخ دلار ورود کرده و تدابیر درستی را در این بخش اتخاذ کنند، چراکه اگر اقدامات لازم در مقطع ابتدایی جهش و صعود نرخ دلار صورت پذیرد و این موضوع درمان و نرخ دلار به وضعیت ۱۰ روز قبل بازگردد، حتماً تأثیرات آن برای بازار آسیب رسان خواهد بود، اما اگر افزایش نرخ دلار به ۶۰ هزار تومان ماندگار شود، طبیعتاً این موضوع همه وضعیت اقتصادی کشور را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «ماندگاری افزایش نرخ دلار به ۶۰ هزار تومان حتی می‌تواند قیمت کالاهایی که ارتباطی با دلار ندارد را افزایش دهد. همچنین این موضوع می‌تواند یک گرانی قیمتی در جامعه را رقم بزند، بنابراین دولت باید به سرعت به این موضوع ورود کند.» ذبیح‌الله اعظمی ساروئی عضو کمیسیون کشاورزی، دیگر نماینده مجلس است که در واکنش به افزایش قیمت دلار گفته «مردم و نمایندگان دولت‌مداران اقتصادی و سیاسی و نظارتی کشور انتظار دارند قیمت دلار را ثابت نگه دارند تا قیمت دیگر کالاهای اساسی از افزایش آن تأثیر نپذیرد، درواقع مانع از اثرگذاری مسائل سیاسی و منطقه‌ای بر قیمت ارز و به دنبال آن اقتصاد و معیشت مردم شوند.»

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی



افزوده که «به یقین بخشی از تولید در کشور مانند حوزه کشاورزی نیازمند واردات بذر، کود و سم و دیگر محصولات است، بنابراین تهیه این اقلام -که برای تامین معیشت مردم ضروری است- از قیمت ارز تاثیر می‌پذیرند، با هدف تامین معیشت مردم ضروری است اما بالا رفتن قیمت دلار به این مهم خدشه وارد می‌کند، ضمن آنکه بازار معطل دولت یا تعزیرات برای کنترل قیمت نخواهد شد و قیمت‌ها توسط خودشان بالا و پایین می‌شود.»

افزایش قیمت ارز به دلیل مشکلات موجود در اقتصاد کشور قابل پیش‌بینی بود اما در روزهای گذشته خبرهای سیاسی از جمله تنش‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی سبب تحریک بیشتر قیمت‌ها در بازار ارز شد. برخی تحلیلگران معتقدند خبرهایی درباره مواضع جدید دولت بایدن نسبت به جمهوری اسلامی سبب تحریک بیشتر در بازار ارز و طلا طی روز سه‌شنبه شده است.

بعد از کشته و زخمی شدن تعدادی از نظامیان آمریکایی مستقر در اردن در حمله پهبادی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی، مقامات ارشد ایالات متحده در کاخ سفید جلسه امنیتی برگزار کردند. در این جلسه و همچنین خارج از کاخ سفید از سوی اعضای کنگره برای اینکه چه پاسخی مناسب اقدامات جمهوری اسلامی علیه نیروی‌های آمریکاست پیشنهادات و سناریوهای مختلفی مطرح شد. بر اساس گزارش «بلومبرگ» یک سناریوی مطرح شده از طرف پنتاگون حمله موضعی به نقاطی در داخل ایران بدون مسئولیت‌پذیری از طرف آمریکا بوده است.

در همین حال گفته می‌شود که با فروکش کردن اخبار مربوط به کشته‌شدن سه سرباز آمریکایی در اردن و تهدید دولت آمریکا به واکنش متقابل، کاهشی خواهد شد. پیشتر نیز کارشناسان اقتصادی از احتمال رسیدن دلار به ۶۰ هزار تومان در هفته‌های پایانی سال خبر داده بودند. علت مطرح شده از سوی کارشناسان «افزایش تقاضا برای ارز در هفته‌های پایانی سال» و ناتوانی بانک مرکزی در ارزیابی متناسب با افزایش تقاضا بود.

کامران ندری اقتصاددان نیز در یادداشتی در وبسایت «خبر آنلاین» درباره ریشه افزایش قیمت ارز در روزهای گذشته نوشته که «نرخ ارز یکی از عوامل کلیدی در تعیین نرخ تورم در اقتصاد است و بانک مرکزی نیز در این مدت تمام تلاش خود را برای پایین آوردن نرخ رشد نقدینگی بکار گرفته و دیگر پایین آوردن نرخ رشد نقدینگی بیشتر از این خیلی سخت و دشوار است، با فرض اینکه اگر به سختی بتوانیم رشد نقدینگی را زیر ۲۵ درصد هم بیاوریم الان مسئله کلیدی برای اقتصاد و کنترل تورم مسئله مهار نرخ ارز است که بنظر می‌رسد فعلا مدیریت اینکار خیلی سخت و دشوار شده است.»

کامران ندری معتقد است که «ایران باید به نحوی بتواند بحث مناقشات منطقه ای و اتهامات ضد ایرانی را مدیریت و مهار کند تا جلوی تبعات منفی این فشارها گرفته شود.» این اقتصاددان افزوده که «الان، حتی تبلیغات رسانه‌های غربی درباره احتمال درگیری با ایران هم اوج گرفته، سوی اینکه آرزوی تدریجی غربی برای کشاندن ایران به باتلاق جنگ، محقق شود یا خیر، نکته پابرجا اینجاست که آمریکا و متحدان عربی آن، از تلاش برای تخریب سم بیشتر به دیپلماسی و تجارت ایران دست بر نخواهند داشت و متناسب با تشدید این تلاش‌ها، نرخ ارز هم تاثیر گرفته و صعودی خواهد شد و تنگنای مردم و اقتصاد کشورمان، فزون‌تر می‌شود.» کامران ندری تأکید کرده که تا زمان باقی است باید تدبیری گره‌گشا اندیشید و اجرایی کرد که البته در مقایسه با حتی چند ماه پیش، کار دشوارتری شده است.

شرایط را کنترل کنند.»

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده که پیش از این دلار افزایش بیشتری داشت اما با مدیریت نزولی شد لذا کنترل وضعیت در اختیار دولت است.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز در گزارشی نوشته سیاستگذار در تلاش است با ارزیابی تب تقاضا را کاهش دهد و به قیمت اسکانس آمریکایی ثبات ببخشد.

در این میان، مقامات دولت حسن روحانی نیز به عنوان رقبای ابراهیم رئیسی از فرصت استفاده کرده و تلاش دارند از دلار ۶۰ هزار تومانی برای تخریب رقیب استفاده کنند. عبدالناصر همتی رئیس پیشین بانک مرکزی در دولت حسن روحانی که خود نیز عملکردی نامطلوب در حفظ ارزش پول ملی داشت، در شبکه اجتماعی «اکس» نوشت: «وقتی به رغم تداوم تورم ۴۰ درصدی، دلار را دستوری و در نرخ‌های پائین تر از بازار تثبیت و مداخله در حاشیه بازار را، تحت عنوان نابازار، حذف کنید، طبیعی است که در شرایط تنش و نااطمینانی، مهار نرخ ارز دشوار شود. گواهی سپرده ۳۰ درصدی هم، با توجه به وضعیت بانک‌ها و بورس، راه حل نیست.»

محمدجواد آذری جهرمی از چهره‌های امنیتی نزدیک به اصلاح‌طلبان و وزیر پیشین ارتباطات در دو دولت حسن روحانی در کانال تلگرامی خود با اشاره به افزایش قیمت دلار نوشته که «شاید این روزها باید یادی کنیم از ادعاهای پرطمطراق برخی مجلس نشینان، صاحبان سخن و دولت‌مردان فعلی (بخوانید منتقدان و اوایلا کنندگان در دولت قیبل)، که با طرح نقدهایی مکرر بر تعاملات بین‌المللی دولت یازدهم و دوازدهم و بویژه برجام، این امید را برای برخی متدینین بوجود آورده بود که با تمام شدن دولت قیبل، مدینه فاضله ساخته می‌شود؛ زندگی طعم عسل می‌گیرد و مشکلات دود می‌شوند. (به گمانم فرصت به اندازه‌ی زمان به عمل آمدن یک بادمجان که می‌گفتند گذشته که هیچ، تا حالا چند مزرعه بادمجان به بار نشسته است!)»

محمدجواد آذری جهرمی در ادامه نوشته که «کاش یکی از همانها بگوید چه پاسخی برای متدینین و خانواده شهدا دارند؟ اینبار مقصر کیست؟ مگر نکتید تعامل بین‌المللی دولت قوی می‌خواهد و قوی یعنی ما ولاغیر؟ مگر دنبال سیاست همسایگی! نبودید؟ این بود حاصل همه‌ی حرف‌ها و قدرت‌ها؟ دلار چند است امروز؟»

کمیود منابع ارزی در دست بانک مرکزی برای ارزیابی در بازار، هرچند از سوی دولت تکذیب می‌شد اما وزیر اقتصاد طی سخنانی از عدم آزاد شدن منابع بلوکه شده ایران در قطر خبر داده است. این منابع حدود ۶ میلیارد دلار است که پیشتر در کره جنوبی مسدود بود و با توافق جمهوری اسلامی با دولت جو بایدن قرار بود با واسطه‌گری بانک‌های قطر به ایران منتقل شود.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه و در حالیکه دلار با سرعت در حال صعود بود اعلام کرد: «درباره دسترسی به منابع ارزی ایران در قطر، با وجود تعهد طرف غربی، تاخیرهایی وجود دارد. ال‌سی اول گشایش شده اما سایر ال‌سی‌ها با تأخیر مواجه شده است. امیدوارم با مذاکرات صورت گرفته، این تأخیر برطرف شود.» از سوی دیگر کانال تلگرامی «تحلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی» از توجه ویژه کاربران به افزایش قیمت ارز خبر داده و نوشته که «داده‌ها نشان می‌دهد که در تلگرام و توئیتر محتوای منتشر شده با کلیدواژه دلار به بالاترین میزان خود در یک ماه اخیر اخیر رسیده است. اما این افزایش حساسیت محدود به شبکه‌های اجتماعی نیست و همانطور که در نمودارها مشخص است، جستجوی گوگلی مردم راجع به دلار در همین امروز نیز به بالاترین میزان خود در هفته اخیر، و احتمالا یک ماه اخیر، رسیده است.»

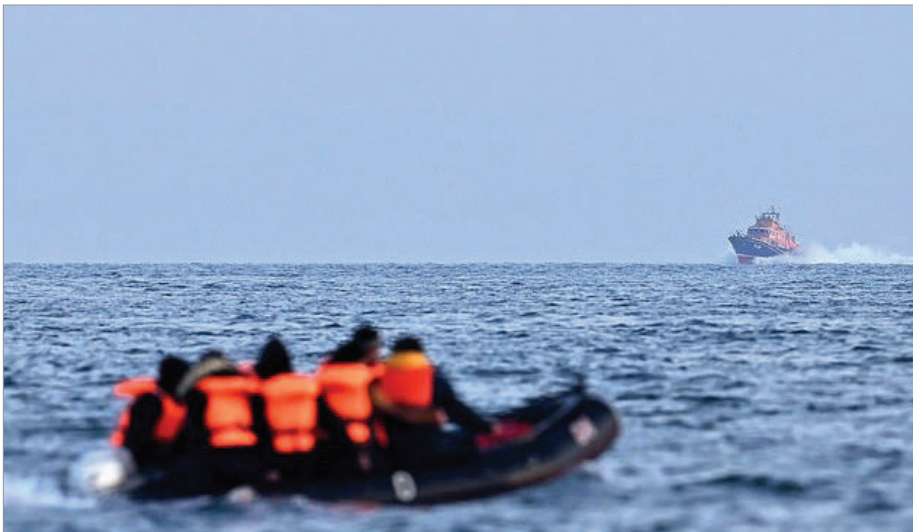
این گزارش افزوده که «این داده‌ها بیانگر افزایش حساسیت مردم به «دلار» و افزایش قیمت آن است که خود می‌تواند تبعات اقتصادی دیگری نیز داشته باشد.»

با رکوردشکنی قیمت‌ها در بازار ارز، تلاش همه‌جانبه‌ای از سوی دولت برای کاهش قیمت‌ها از ظهر سه‌شنبه آغاز شده است. بر اساس گزارش‌ها جو امنیتی بر بازار آزاد ارز حاکم شده و همزمان بانک مرکزی با ارزیابی تلاش دارد قیمت دلار را در روزهای آینده کاهش دهد.

در همین رابطه محمدرضا دشتی اردکانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی نیز عصر روز سه‌شنبه دهم بهمن‌ماه از فروکش کردن قیمت دلار با ورود و کنترل دولت طی روزهای آینده خبر داد.

محمدرضا دشتی اردکانی گفته که «قطعاً نوسانات بازار دلار فروکش می‌کند. اما مشکلی که در بحث اقتصادی و دلار وجود دارد حرکات کاذب در منطقه است که با توجه به ورود دولت و مجلس وضعیت دلار کنترل خواهد شد و مسئولین بانک مرکزی و دولت نیز در پی این هستند که

۸ سال زندان برای بازرگان ایرانی به جرم پولشویی و قاچاق انسان



اصغر قشالقیان معروف به «آقای جی»

به اموال مجرمانه است: « واضح است که بخشی از آن اموال از اعمال مجرمانه به دست آمده و در موارد متعددی، اصغر قشالقیان ۷۰ تا ۸۰ درصد آن را غیرقانونی می‌داند. اما به نظر ما او آشکارا می‌دانسته که این پول‌ها از راه‌های مجرمانه به دست آمده است.»

جان هورلوک وکیل قشالقیان در دفاع از او گفت: «وی هیچگونه محکومیت مرتبطی ندارد و در سال ۲۰۱۰ ورشکسته شده است.»

وی افزود: «همسر او در سال ۲۰۱۰ به بریتانیا آمده است. آنها دارای دو فرزند هستند. خانم قشالقیان کار نمی‌کند و از مزایای دولت استفاده می‌کند و با صدور حکم حبس همسرش که باید مدتی را در زندان بگذراند، سایر افراد رنج خانواده خواهند برد.»

مارتین گریفیث قاضی دادگاه، به قشالقیان گفت: «شما یک سازمان غیرقانونی خدمات پولی را اداره می‌کردید که سال‌ها قانونی بوده است. نقش شما این بوده که خدمات قابل اعتمادی ارائه دهید که در آن افرادی که قرار بود قاچاق شوند، پول‌های خود را به شما می‌دادند، شما به قاچاقچیان انسان اطلاع می‌دادید و سپس مردم، چه با قایق و چه با کامیون به بریتانیا منتقل می‌شدند.»

او افزود: «زمانی که آنها با خیال راحت برای درخواست پناهندگی یا به دست آوردن فرصت شغلی وارد بریتانیا می‌شدند، شما به قاچاقچیان انسان پول می‌دادید، منهای حق الزحمه کارتان. به همین دلیل این کار را برای سود خود انجام می‌دادید.»

به گفته قاضی «عبور از این کانال همراه با اطمینانی بوده که به هر دو طرف داده می‌شده تا باعث تسهیل عبور غیرقانونی آنها گشته و طرفین اعتماد کنند که پول‌شان از بین نخواهد رفت.»

قاضی دادگاه ادامه داد: «موقعیت و اعتبار شما در حدی بوده که اجازه داده راه قاچاق را هموار کنید. من باید نقش‌تان را مشخص کنم. شما شخص اصلی نیستید اما آنها قاچاقچیان انسان بودند و شما نقش مهمی در ایجاد اعتماد بین طرفین و جرمی که قرار بود اتفاق بیفتد، ایفا کردید.»

وی اضافه کرد: «نقش شما در یک دوره طولانی همین بود و باید گفت که به وضوح با خطر همراه بوده است. گاهی اوقات خطر جدی در کمین کسانی است که با

به او اعتماد کرده‌اند تا از طرف آنها معاملات مالی را انجام دهد. وی گفت: «آنان مرا تایید می‌کنند و می‌دانند که من گول‌شان نمی‌زنم زیرا پس از اتمام کار، پول‌شان را دریافت می‌کنند.»

پس از دستگیری قشالقیان، آژانس جنایی ملی، اماکن تجاری، انبار و خانه او در شرق لندن را تفتیش کرد و حدود ۵۰ هزار پوند پول نقد ضبط نمود.

افسران پلیس همچنین دفاتر مربوط به تراکنش‌ها را بازبایی کردند، در حالی که بازرسان مالی توانستند حدود ۶/۱ میلیون پوند پرداخت به حساب‌های بانکی او را اثبات نمایند.

همچنین شواهدی از یک مستند شبکه تلویزیونی ITV به دست آمد که در آن خبرنگاران مخفی به یک قاچاقچی انسان در شمال فرانسه نزدیک شدند که در مورد ارسال پول از طریق یک دلال به نام «آقای جی» - قشالقیان - صحبت می‌کرده است. این قاچاقچی انسان بعداً در فرانسه محکوم شد.

مارتین بیسگرو دادستان گفت: «پیگردهای قانونی دال بر این است که آقای قشالقیان جرم بسیار بزرگی مرتکب شده است. اینها جرائم سازمانیافته‌ای بوده‌اند که او در اجرای آنها نقش اصلی را ایفا کرده است.»

دادستان همچنین افزود: «اصغر قشالقیان چند تن از قاچاقچیان را می‌شناخته و افراد متقاضی را به قاچاقچیان انسان معرفی می‌کرده است. او پول افرادی را که به اینجا سفر می‌کردند نگه می‌داشته تا زمانی که آنها می‌رسیدند و آنگاه پول قاچاقچیان را پس از انجام کار پرداخت می‌کرده است. اما وی در تهیه و تدارک قایق‌های بادی با بدنه محکم یا کامیون‌ها شرکت نداشته است.»

دادستان اضافه کرد: «از نظر آسیب، لطمه ناشی از این تخلفات دو برابر است. اولاً خطر آسیب به سیستم مهاجرت بریتانیا. ثانیاً خطر آسیب به مهاجران قاچاق شده به این کشور.»

او ادامه داد: «ما باز هم اعلام می‌کنیم که جرائم مربوط به پولشویی با مجازات‌های شدید همراه است. محاسبه مقدار دقیق پول‌های کثیف که وارد سیستم مالی شده‌اند ساده نیست.»

البته دادستانی نگفته است که همه معاملات مربوط

تاجر ایرانی با نام مستعار «آقای جی» که برای باندهای قایق‌های کوچک غیرقانونی در سراسر کانال مانس از مجتمع اداری در منطقه «وودگرین» لندن پولشویی می‌کرد به هشت سال زندان محکوم شد.

اصغر قشالقیان به عنوان بانکدار با باندهای قاچاق انسان فعالیت می‌کرد.

این مرد ۴۸ ساله با استفاده از سامانه موسوم به «حواله» اقدام به انتقال پول می‌کرده است.

یک تاجر ایرانی با نام مستعار «آقای جی» که یک شرکت فرش را به ظاهر برای شستشوی میلیون‌ها پوند از باندهای غیرقانونی قایق‌های کوچک اداره می‌کرد، به هشت سال زندان محکوم شده است.

اصغر قشالقیان ۴۸ ساله، به عنوان بانکدار قاچاقچیان انسان عمل می‌کرد که ده‌ها هزار مهاجر غیرقانونی را در سراسر کانال مانس جایجا کرده است. او که برای همکاری‌اش در فرانسه به «آقای جی» معروف است، با استفاده از سیستم «حواله» پول‌های مربوطه را منتقل می‌کرده است. «حواله» یک پرتال غیررسمی برای ارسال وجوه از یک مکان به مکان دیگر از طریق ارائه دهندگانی است که به نام حواله‌داران شناخته می‌شوند، بدون توجه به ماهیت معامله و کشورهای درگیر.

قشالقیان شرکت خدمات پولی خود را از یک مجتمع اداری در «وودگرین» در شمال لندن و به عنوان یک واسطه قابل اعتماد اداره می‌کرد و از مهاجران یا خانواده‌های آنها پول‌ها را دریافت می‌نمود.

وی بعد از ورود مهاجران به کشور و گرفتن حق الزحمه هنگفت، پول را در اختیار باندهای تبهکار قرار می‌داده است. او پس از دو سال تحقیقات در فوریه ۲۰۲۱ توسط افسران آژانس جنایی ملی (NCA) دستگیر شد.

شواهد تلفنی نشان‌دهنده ارتباط وی با حداقل هشت مهاجر ایرانی است که با قایق یا کامیون وارد بریتانیا شده‌اند و درخواست پناهندگی کرده‌اند. بازرسان آژانس جنایی ملی، ضبط‌های مخفیانه‌ای از صحبت‌های تلفنی او با همکاری‌اش به دست آوردند که در آنها ادعان داشته ۷۰ تا ۸۰ درصد فعالیت آنها غیرقانونی بوده است.»

قشالقیان همچنین به خود می‌باید که باندهای قاچاق

اقتدار شاهانه در اروندرود



اروندرود به درازای ۸۱ کیلومتر مرز مشترک میان ایران و عراق به حساب می‌آید و کرانه‌های شرقی آن خاک ایران و کرانه‌های غربی جزو خاک عراق هستند. از زمان تسلط دولت عثمانی بر عراق، حاکمان عرب تمام اروندرود را ملک خود می‌دانستند و کوچکترین سهمی برای ایران در این رود مرزی قائل نبودند. لذا مرز میان دو کشور را نه میانه آب‌های رودخانه، بلکه ساحل شرقی آن یعنی خاک ایران تعیین کرده بودند.

در مرز ایران و عراق رودخانه‌ای با نام «اروندرود» واقع شده. این رودخانه از بهم پیوستن دو رود پرآب دجله و فرات در عراق و رود کارون در ایران پدید می‌آید. عرض این آبراه بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر است و عمقی تا حدود ۱۸ متر دارد که آن را برای کشتیرانی مناسب می‌کند.

طول این رود ۱۹۰ کیلومتر است و آب با طی مسیر شمال به جنوب در نهایت به خلیج فارس می‌ریزد. بخش‌هایی از

قایق‌های بادی از طریق کانال عبور می‌کنند. اگرچه پناهجویان مصمم هستند به هر شکل ممکن از کانال عبور کنند و وارد بریتانیا شوند.»

قاضی تأکید کرد: «قوه قانونگذاری انگلیس کمک به قاچاقچیان انسان را در تلاش برای به دست آوردن پول جرم دانسته و هیئت منصفه نیز متوجه فعالیت شما شده است. اغلب گفته می‌شود که مقامات مسئول باید به دنبال قاچاقچیان مردم باشند تا مانع عبور آنها از کانال شوند و متأسفانه شما نقش اساسی و مهمی در جلوگیری از انجام وظیفه مسئولان به عهده داشته‌اید.»

مارتین گریفیث ادامه داد: «این عمل به عنوان بخشی از کار یک گروه انجام شده که در آن برنامه‌ریزی و منفعت مالی وجود داشته و طبق مکان و زمان‌بندی مربوطه صورت گرفته است. مقامات سال‌هاست که از لزوم تعیین مجازات‌های سنگین حبس برای کسانی که دستگیر شده‌اند صحبت می‌کنند. شما شخص اصلی نبودید اما نقش مهمی در این جرائم داشته‌اید.»

همسر قشالقیان پس از اینکه دادگاه وی را به هشت سال زندان محکوم کرد به گریه پرداخت.

مارک هاوز فرمانده یکی از شعبات آژانس جنایی ملی گفت: «اصغر قشالقیان، به اعتراف خودش، مورد اعتماد باندهای جنایتکار سازمانیافته بوده تا پرداخت‌های آنان را انجام دهد و پول‌هایی را که از طریق سازماندهی گذرگاه‌های خطرناک توسط قایق‌ها در کانال مانس و کامیون‌های منطقه به دست آورده بودند، بشوید.»

وی تأکید کرد: «با انجام این کار، او اقدامات جنایتکارانه آنها را حمایت و تقویت کرده و با رضایت بخشی از سود به دست آمده را دریافت می‌کرده است. عبور غیرقانونی از کانال با قایق یا کامیون بسیار خطرناک است. متأسفانه در روزها و هفته‌های اخیر شاهد آن بودیم که می‌تواند عواقب مرگباری هم داشته باشد. به همین دلیل است که اخلال و از بین بردن باندهای دخیل در جرائم سازمانیافته مهاجرت و پناهجویی یک اولویت برای NCA به شمار می‌رود و هدف قرار دادن جریان‌های مالی آنها از طریق عواملی مانند قشالقیان تنها یکی از راه‌هایی است که ما در حال انجام آن هستیم.»

قشالقیان ساکن «ایست هم» اتهامات خود را تکذیب کرد اما توسط هیئت منصفه به جرم پنج مورد پولشویی و تسهیل مهاجرت غیرقانونی محکوم شد.

مایکل اوتلی رئیس واحد CPS (سرویس دادستانی سلطنتی بریتانیا) گفت: «اصغر قشالقیان آگاهانه یک تجارت خدمات پولی غیرقانونی را اداره می‌کرده تا به باندهای جنایتکار کمک کند افراد را به صورت غیرقانونی به بریتانیا بیاورند.» او افزود: «قاچاقچیان انسان با مهاجران آسیب‌پذیر و مستأصلی که به دنبال زندگی بهتر هستند، به عنوان کالا رفتار می‌کنند، و اغلب امنیت و حتی جان آنها را در معرض خطر برای سود خویش قرار می‌دهند. قشالقیان از طریق خدمات پولشویی خود به تأمین مالی و تسهیل جنایتکاران خطرناکی که از مهاجران سوء استفاده می‌کنند و امنیت مرزهای بریتانیا را برای منافع مالی خویش تضعیف می‌نمایند، کمک کرده است.»

وی تأکید کرد: «این پیگرد قانونی پیام روشنی دارد و آن اینکه دادستانی کل بریتانیا در کنار مجریان قانون، بطور خستگی‌ناپذیر برای کمک به از بین بردن این شبکه‌های جنایتکار که سعی در تسهیل مهاجرت غیرقانونی دارند، تلاش خواهد کرد.»

*منبع: دیلی میل

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

حوثی‌ها و دنیا



کیهان
KAPLAN LONDON

© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

رویترز:

منابع دولتی سوریه کشته شدن تعدادی از
مستشاران سپاه پاسداران در دمشق را تأیید کردند

تصویری از محل حمله هوایی اسرائیل به مقر «سپاه قدس» در جنوب دمشق

چند کشته و
زخمی در حمله به
پایگاه‌های «سپاه
قدس» در دمشق؛
«منابع خبری سپاه»:
مزرعه کشاورزی بود،
چهارپایان هدف قرار گرفتند!

● بطور دقیق مشخص نیست این حمله از سوی آمریکا و یا اسرائیل بوده است اما کانال‌های تلگرامی که اخبار مربوط به سپاه پاسداران را پوشش می‌دهند، گزارش دادند «اسرائیل یک ساختمان در محله سیده زینب دمشق» را هدف قرار داد.

● برخی منابع گزارش دادند محلی که هدف قرار گرفت «مرکز مستشاری ایران» بود.

● خبرگزاری «تسنیم» به نقل از «المیادین» گزارش داد اسرائیل با سه موشک یک مزرعه کشاورزی در اطراف منطقه زینبیه در جنوب دمشق را هدف قرار داده است!

● عمام هلالی خبرنگار خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی در دمشق به «شبکه خبر» گفت که در این حمله دو نفر کشته و شماری زخمی شدند.

● کانال تلگرامی «افسران جنگ نرم» در خبری نوشت: «گزارشات اولیه همچنین مدعی شهادت دو غیرنظامی و تخریب اموال برخی از شهروندان سوری و کشته شدن تعدادی از چارپایان در حمله هوایی عصر امروز ارتش رژیم صهیونیستی به حومه دمشق است».

● حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق ادعا کرده در این حمله «هیچ مرکز مستشاری جمهوری اسلامی هدف قرار نگرفت و هیچ مستشار ایرانی به شهادت نرسید».

● این حمله ساعاتی پس از آن صورت گرفت که «گروه‌های مقاومت اسلامی عراق» با پهباد تأسیسات نظامی در داخل اسرائیل را هدف قرار دادند.

بر اساس گزارش منابع منطقه‌ای، پایگاه‌های متعلق به نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب دمشق روز دوشنبه نهم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ هدف حملات هوایی قرار گرفتند.

بطور دقیق مشخص نیست این حمله از سوی آمریکا و یا اسرائیل بوده است اما کانال‌های تلگرامی که اخبار مربوط به سپاه پاسداران را پوشش می‌دهند، گزارش دادند «اسرائیل یک ساختمان در محله سیده زینب دمشق» را هدف قرار داد. محله شیعه‌نشین «سیده زینب» جایی است که بخشی از عوامل سپاه قدس در آن مستقر هستند و چندین ساختمان و مراکز مرتبط با سپاه پاسداران در این محل قرار دارد.

از این حمله ویدیوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که از شدت انفجار پیداست بار دیگر علیه اهداف مرتبط با جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی از «مهمات سنگین» استفاده شده است.

خبرگزاری «تسنیم» به نقل از «المیادین» گزارش

نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این حملات کشته شده‌اند، حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق در «ایکس» ادعا کرد در این حمله «هیچ مرکز مستشاری جمهوری اسلامی هدف قرار نگرفت و هیچ مستشار ایرانی به شهادت نرسید».

پایگاه‌های متعلق به نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب دمشق روز دوشنبه نهم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ هدف حملات هوایی اسرائیل قرار گرفتند.

خبرگزاری «تسنیم» به نقل از «المیادین» گزارش داد اسرائیل با سه موشک یک مزرعه کشاورزی در اطراف منطقه زینبیه در جنوب دمشق را هدف قرار داد! برخی منابع گزارش دادند محلی که هدف قرار گرفت «مرکز مستشاری ایران» بوده است.

کانال تلگرامی «افسران جنگ نرم» در خبری نوشت: «گزارشات اولیه همچنین مدعی شهادت دو غیرنظامی و تخریب اموال برخی از شهروندان سوری و کشته شدن تعدادی از چارپایان در حمله هوایی عصر امروز ارتش رژیم صهیونیستی به حومه دمشق است».

مؤسسه «دیده‌بان حقوق بشر سوریه» مستقر در لندن کشته شدن شماری از نیروهای سپاه در این حمله را تأیید کرده است. البته این نهاد که وابسته به مخالفان رژیم اسد است در بعضی موارد سابقه اغراق در تعداد تلفات نیروهای سپاه پاسداران دارد.

منابع وابسته به جمهوری اسلامی نیز طی سال‌های اخیر در موارد متعدد درباره کشته شدن نیروهای سپاه در سوریه و عراق سکوت کرده‌اند اما پس از چند روز پس از حملات جسد شماری از نیروهای موسوم به «مدافع حرم» شامل ایرانی‌ها و افغان‌ها (فاطمیون) در ایران تشییع شد.

● خبرگزاری رویترز دوشنبه شب ۲۹ ژانویه (نهم بهمن‌ماه) به نقل از منابع دولتی سوریه گزارش داد که در حمله هوایی به محله «سیده زینب» در جنوب دمشق تعدادی از «مستشاران ایرانی» کشته شدند.

● آمار دقیقی از تعداد تلفات این حملات گزارش نشد اما به نوشته رویترز «خبرگزاری سانا بعداً در وبسایت خود اشاره به کشته شدن مستشاران ایرانی را حذف کرد».

● در شرایطی که منابع عربی گزارش داده‌اند شماری از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این حملات کشته شده‌اند، حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق در «ایکس» ادعا کرد در این حمله «هیچ مرکز مستشاری جمهوری اسلامی هدف قرار نگرفت و هیچ مستشار ایرانی به شهادت نرسید».

خبرگزاری رویترز دوشنبه شب ۲۹ ژانویه (نهم بهمن‌ماه) به نقل از منابع دولتی سوریه گزارش داد که در حمله هوایی به محله «سیده زینب» در جنوب دمشق تعدادی از «مستشاران ایرانی» کشته شدند.

خبرگزاری رسمی رژیم سوریه «سانا» به نقل از یک منبع نظامی گزارش داد که «تعدادی از مستشاران ایرانی و تعدادی غیرنظامی در حمله اسرائیل که چندین نقطه در جنوب دمشق را هدف قرار داد، کشته شدند».

آمار دقیقی از تعداد تلفات این حملات گزارش نشد اما به نوشته رویترز «خبرگزاری سانا بعداً در وبسایت خود اشاره به کشته شدن مستشاران ایرانی را حذف کرد».

یک سخنگوی ارتش اسرائیل از اظهار نظر در مورد این انفجارها خودداری نمود.

در شرایطی که منابع عربی گزارش داده‌اند شماری از

قطع بودجه «آنروا» به اتهام دخالت شماری از کارکنان آن در جنایت حماس علیه اسرائیل



آژانس «آنروا» به‌عنوان بنیاد اصلی حمایت از پناهندگان فلسطینی در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد

جنگ برچیده شود و نهادها و سازمان‌هایی که واقعاً به دنبال کمک‌رسانی و صلح هستند جایگزین آن شوند. حسین الشیخ رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) گفت که کاهش حمایت از «آنروا» خطرات سیاسی و امدادی بزرگی را به همراه دارد. وی در «ایکس» نوشت: «ما از کشورهایی که اعلام کرده‌اند حمایت خود را از آنروا قطع کرده‌اند می‌خواهیم فوراً تصمیم خود را لغو کنند.» وزارت خارجه آلمان که یکی از حامیان اصلی «آنروا» است، از تحقیقات درباره این نهاد استقبال کرد و اعلام کرد که به شدت نگران اتهامات مطرح شده علیه کارمندان این آژانس است. آلمان خواسته لازارینی با تحقیق از کارکنان «آنروا» در مورد هر شکلی از خشونت و نفرت‌پراکنی که غیرقابل تحمل است شفاف‌سازی کند.

هلیل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» در «ایکس» نوشت «پنج روز پیش، یک گروه تلگرامی متشکل از سه هزار معلم آنروا در غزه را افشا کردیم که پُر از حمایت از کشتار حماس در هفت اکتبر بود؛ آنروا تردید دارد که آنها برایش کار می‌کنند! فساد سازمان ملل ما را تحقیر می‌کند. همین موضوع نشان می‌دهد که چگونه ادمین و اعضای این گروه واقعاً بخشی از آنروا هستند.»

مؤسسه «دیده‌بان سازمان ملل» نام شماری از افرادی را که در این گروه تلگرامی عضو «آنروا» بودند و مستقیم از حماس حمایت کرده‌اند افشا کرده است. بر اساس گزارش نهادهای امنیتی اسرائیل کارکنان «آنروا» با استفاده از وسایل نقلیه و امکانات آن سازمان در حمله «هفت اکتبر» مشارکت داشتند.

آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای اطلاع داد که تمامی کارکنان «آنروا» که در اقدامات تروریستی دخیل هستند مجازات خواهند شد و سازمان ملل آماده همکاری با مقامات مربوطه است. با اینهمه وی خواستار ادامه کمک‌رسانی به این سازمان از سوی دولت‌های تأمین‌کننده بودجه شده است.

قطع شدن بودجه سازمان «آنروا» با انتقاد رژیم ایران و روسیه و کشورهایی نیز روبرو شده که تا کنون هیچ سهمی در تأمین بودجه‌ی این نهاد نداشته‌اند!

● آمریکا، آلمان، فنلاند، هلند، کانادا، سوئیس، بریتانیا، استرالیا، اسکاتلند و ایتالیا کشورهایی هستند که کمک به این آژانس را موقتاً به حالت تعلیق درآورده و خواستار تحقیق در باره اتهامات مطرح شده در مورد شماری از کارکنان این نهاد شده‌اند.

● حدود ۴۴/۴ درصد از کل تعهدات ۱/۱۷ میلیارد دلاری به این آژانس در سال ۲۰۲۲ از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به وسیله کمیساریای اروپا تأمین شد که میزان آن به بیش از ۵۲۰ میلیون دلار می‌رسد. آمریکا نیز با سالانه ۳۰۰ میلیون دلار، یکی از اصلی‌ترین حامیان «آنروا» است. ● هلیل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» در «ایکس» نوشت: «پنج روز پیش، یک گروه تلگرامی متشکل از سه هزار معلم آنروا در غزه را افشا کردیم که پُر از حمایت از کشتار حماس در هفت اکتبر بود؛ آنروا تردید دارد که آنها برایش کار می‌کنند! فساد سازمان ملل ما را تحقیر می‌کند. همین موضوع نشان می‌دهد که چگونه ادمین و اعضای این گروه واقعاً بخشی از آنروا هستند.»

در پی ادعاهایی مبنی بر دست داشتن دست‌کم ۱۲ نفر از کارکنان «آژانس امداد و کاریابی سازمان ملل» (آنروا) در حملات تروریستی «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، چندین کشور بطور موقت پرداخت بودجه به این آژانس را متوقف کرده‌اند.

آمریکا، آلمان، فنلاند، هلند، کانادا، سوئیس، بریتانیا، استرالیا، اسکاتلند و ایتالیا کشورهایی هستند که کمک به این آژانس را موقتاً به حالت تعلیق درآورده و خواستار تحقیق در باره اتهامات مطرح شده در مورد شماری از کارکنان این نهاد شده‌اند.

گفته می‌شود شماری از کارکنان که متهم به مشارکت در حملات مرگبار حماس علیه شهروندان اسرائیل هستند اخراج شدند.

حدود ۴۴/۴ درصد از کل تعهدات ۱/۱۷ میلیارد دلاری به این آژانس در سال ۲۰۲۲ از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به وسیله کمیساریای اروپا تأمین شد که میزان آن به بیش از ۵۲۰ میلیون دلار می‌رسد. آمریکا نیز با سالانه ۳۰۰ میلیون دلار یکی از اصلی‌ترین حامیان این نهاد وابسته به سازمان ملل است. «آنروا» هشدار داده اگر کمک‌ها قطع شود با وجود بیش از دو میلیون آواره در غزه، این منطقه در آستانه قحطی قرار می‌گیرد. به گزارش رویترز، فیلیپ لزارینی مسئول «آنروا» تعلیق کمک مالی این سازمان را تعجب‌آور خوانده و گفته است این اقدام مجازات دست‌جمعی فلسطینی‌هاست و کمک‌های بشردوستانه در غزه را تهدید می‌کند.

وی توضیح داد که پس از تحقیقات اولیه تصمیم گرفته است قراردادهای برخی کارکنان که متهم به دخالت در حملات «هفت اکتبر» بودند فسخ شود تا از توانایی آژانس در ارائه کمک‌های بشردوستانه محافظت گردد.

لازارینی ماهیت دخالت این افراد در جنایت حماس را فاش نکرد اما گفت: «هر کدام از کارمندان آنروا که در اقدامات تروریستی دست داشته باشند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و پاسخگو خواهد بود.»

اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل اما با تشویق بیشتر به تعلیق کمک‌های مالی، گفت که «آنروا» باید پس از پایان

داد اسرائیل با سه موشک یک مزرعه کشاورزی در اطراف منطقه زینیه در جنوب دمشق را هدف قرار داد! برخی منابع گزارش دادند محلی که هدف قرار گرفت «مرکز مستشاری ایران» بوده است.

عصام هلالی خبرنگار خبرگزاری صداسیمای جمهوری اسلامی در دمشق به «شبکه خبر» گفت که در این حمله دو نفر کشته و شماری زخمی شدند.

حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق ادعا کرده در این حمله «هیچ مرکز مستشاری جمهوری اسلامی هدف قرار نگرفت و هیچ مستشار ایرانی به شهادت نرسید.»

کانال تلگرامی «افسران جنگ نرم» در خبری نوشت: «گزارشات اولیه همچنین مدعی شهادت دو غیرنظامی و تخریب اموال برخی از شهروندان سوری و کشته شدن تعدادی از چارپایان در حمله هوایی عصر امروز ارتش رژیم صهیونیستی به حومه دمشق است.»

این حمله ساعتی پس از آن صورت گرفت که «گروه‌های مقاومت اسلامی عراق» با پھیاد تأسیسات نظامی در داخل اسرائیل را هدف قرار دادند.



حمله به ساختمان‌های «سپاه قدس» در جنوب دمشق / بهمن ۱۴۰۲

آمار تلفات سپاه پاسداران در سوریه و لبنان پس از حملات تروریستی حماس علیه اسرائیل در «هفت اکتبر» افزایش یافت. سیدرضی موسوی مسئول پشتیبانی سپاه قدس در سوریه و حاج صادق امیدزاده مسئول اطلاعات نیروی قدس سپاه در این کشور به همراه دستیارانش از جمله کسانی هستند که در همین مقطع کشته شدند.

با اینهمه به نظر می‌رسد حکومت اهمیت چندانی برای کشته شدن نیروهای ارشد خود نیز قائل نیست. در همین ارتباط سردار پاسدار غلامرضا سلیمانی در نشست «شهادی اطلاعات سپاه» که دوشنبه نهم بهمن‌ماه در «دانشگاه انقلاب اسلامی» برگزار شد گفت: «شهادت تولیدکننده قدرت نرم ایران هستند.»

در این میان، تنش‌های نظامی در منطقه به سرعت در حال افزایش و گسترش است. کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اردن در حمله پهنادی شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی احتمال وقوع یک درگیری شدید در خاورمیانه و حتا اقدام مستقیم علیه جمهوری اسلامی را تشدید کرده است هرچند مقامات تهران با اصرار بر انکار مدعی هستند که دخالتی در این عملیات و عملیات مشابه ندارند.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه در یک نشست خبری تأکید کرد «پایان دادن به حملات رژیم صهیونیستی به غزه و آتش‌بس فوری، می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت آرامش به منطقه گردد.»

آمریکا و بریتانیا شبکه «ناجی شریفی» و دستیارانش را به اتهام «سرکوب فراملی» تحریم کردند



ناجی شریفی زیندشتی

● آمریکا و بریتانیا در اقدامی مشترک ۱۲ نفر را به دلیل «ارتباط با یک شبکه جنایتکار که به دستور وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران برای ترور مخالفان رژیم ایران در خارج برنامه ریزی کرده‌اند» تحریم کردند.

● طبق بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا شبکه زیندشتی علیه مخالفان جمهوری اسلامی اقدامات سرکوبگرانه فراملی متعددی را مرتکب شده است که شامل ترور و آدم ربایی می‌شود و هدف آنها ساکت کردن صدای منتقدان شناخته شده رژیم ایران بوده است.

● برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم، در اینباره می‌گوید: «تلاش‌های مستمر رژیم ایران برای هدف قرار دادن مخالفان و فعالان، نشان‌دهنده ناامنی عمیق رژیم و تلاش برای گسترش سرکوب داخلی ایران در سطح بین‌المللی است.»

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) و بریتانیا روز دوشنبه ۲۹ ژانویه (نهم بهمن‌ماه) در یک اقدام مشترک شبکه‌ای را که به دستور رژیم ایران اقدام به ترور مخالفان جمهوری اسلامی و فعالان سیاسی اپوزیسیون می‌کرد در فهرست تحریم‌ها قرار دادند.

این شبکه توسط یک قاچاقچی ایرانی مواد مخدر به نام «ناجی ابراهیم شریفی زیندشتی» رهبری می‌شود و به دستور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند.

طبق بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا شبکه زیندشتی علیه مخالفان جمهوری اسلامی اقدامات سرکوبگرانه فراملی متعددی را مرتکب شده که شامل ترور و آدم ربایی نیز می‌شود و هدف آن ساکت کردن صدای منتقدان شناخته شده رژیم ایران بوده است.

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، در اینباره می‌گوید: «تلاش‌های مستمر رژیم ایران برای هدف قرار دادن مخالفان و

ادعای وبسایت «splash24»: کشتی «پهپادبر» سپاه پاسداران آماده اعزام به آب‌های منطقه می‌شود



کشتی «شهید باقری» نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

که «splash24» در مورد کشتی «شهید باقری» منتشر کرده با تصویری که از آن موجود است مطابقت ندارد. بر اساس تصویری که از شناور مورد اشاره موجود است شکل بدنه آن بیشتر شبیه یک ناوشکن غیرحرفه‌ای است تا یک کشتی بزرگ با قابلیت حمل پهپاد. در واقع اطلاعات گزارش «splash24» در مورد اینکه آیا نام کشتی را درست معرفی کرده یا نه چندان دقیق نیست.

سپاه پاسداران شناورهایی را در اختیار دارد که قابلیت حمل پهپاد دارند. ناو «شهید رودکی» که اواخر آبان ۱۳۹۹ به نیروی دریایی سپاه پاسداران تحویل داده شد، یک کشتی باری بود که با تغییر کاربری به یک ناو پشتیبانی رزمی با قابلیت حمل پهپاد و موشک تبدیل شد. در اسفند سال ۱۴۰۱ «ناو شهید مهدوی» که یک کشتی فله‌بر بود نیز با تغییر کاربری تحویل نیروی دریایی سپاه داده شد.

شبکه سی‌ان‌ان امرداد ۱۴۰۰ به نقل از منابع امنیتی آمریکایی گزارش داد سپاه پاسداران یک کشتی به اسم «بهشاد» را برای جمع‌آوری اطلاعات در دریای سرخ مستقر کرده است. این کشتی جایگزین کشتی «سائویر» شد که چند ماه پیش از آن به یک مین دریایی اصابت کرده بود. گفته شد که اسرائیل برای مختل کردن مأموریت جاسوسی سائویر علیه آن اقدام کرده است.

منابع حکومتی ادعا کرده بودند مأموریت «سائویر» پشتیبانی از تکاوران دریایی جهت مقابله با دزدان دریایی بود!

حوثی‌ها بعد از حمله مرگبار حماس به اسرائیل در «هفت اکتبر» به بهانه حمایت از فلسطین و غزه حمله به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های خارجی در دریای سرخ و باب‌المندب را آغاز کردند. منابع غربی بارها اعلام کردند که سپاه پاسداران بطور مستقیم در این حملات دخالت دارد از جمله با ارائه اطلاعات کشتی‌ها به حوثی‌ها و ارائه تسلیحات (موشک و پهپاد) به آنها برای هدف قرار دادن شناورها؛ اما تهران مدعی است هیچ دخالتی در عملیات شبه‌نظامیان یمنی ندارد.

● وبسایت «splash24» روز چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) گزارش داد این کشتی حامل «پهپاد آماده حمله به کشتی‌ها» به ویژه در «دریای عرب» واقع در جنوب دریای عمان است.

● گروه ردیاب‌های تانکری و تصاویر ماهواره‌ای مؤسسه «پلنت‌لب» (Planet Labs) اطلاعات تازه‌ای درباره این کشتی منتشر کرده‌اند. بر اساس گزارش «splash24» جمهوری اسلامی کشتی کانتینری مورد نظر (شهید باقری) را سال ۲۰۰۰ از صنایع سنگین هیوندای تحویل گرفت.

برخی منابع خارجی گزارش دادند جمهوری اسلامی یک کشتی باری را به یک کشتی نظامی با قابلیت پرتاب پهپادهای رزمی تغییر کاربری داده و آماده اعزام آن به آب‌های منطقه است؛ کشتی کانتینری «شهید باقری» توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبدیل به یک کشتی رزمی با قابلیت حمل انواع پهپاد شده است.

وبسایت «splash24» روز چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن‌ماه) گزارش داد این کشتی حامل «پهپاد آماده حمله به کشتی‌ها» به ویژه در «دریای عرب» واقع در جنوب دریای عمان است.

گروه ردیاب‌های تانکری که سمیر مدنی آن را پیش می‌برد و تصاویر ماهواره‌ای مؤسسه «پلنت‌لب» (Planet Labs) اطلاعات تازه‌ای درباره این کشتی منتشر کرده‌اند.

اخیراً گزارش‌هایی درباره کمک‌های سخت‌افزاری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی به حوثی‌ها برای حمله به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها منتشر شده است.

بر اساس گزارش «splash24» جمهوری اسلامی کشتی کانتینری مورد نظر (شهید باقری) را در سال ۲۰۰۰ از صنایع سنگین هیوندای تحویل گرفت.

این کشتی اخیراً در کارخانه کشتی‌سازی ISOICO در غرب بندرعباس تغییر کاربری داده شده و اکنون تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

سپاه پاسداران عرشه این کشتی را عریض کرده و حدود ۱۷۰ متر باند پرواز روی آن ساخته که آن را تبدیل به یک ناوپهپادبر کرده است.

سمیر مدنی که در شش سال گذشته کشتی‌های ایرانی را از نزدیک ردیابی می‌کند، می‌گوید: «پیش‌بینی می‌کنیم پهپادبر باقری در نهایت به کشتی‌های تجاری در دریای عرب و در راه هند، آسیب برساند.»

برد کوپر فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا به آسوشیتدپرس گفت جمهوری اسلامی بطور «خیلی مستقیم» در حملات شیعیان حوثی یمن به کشتی‌ها دخالت دارد.

وی تأکید کرد که رژیم ایران آشکارا گروه‌های نیابتی خود را تأمین مالی و مجهز می‌کند و به آنها آموزش می‌دهد.

این مقام نظامی حملات اخیر به کشتی‌ها در خاورمیانه و دریای سرخ را بدترین حملات از زمان «جنگ نفتکش‌ها» در دهه ۱۹۸۰ خوانده است.

جنگ نفتکش‌ها به مجموعه عملیات نظامی در هوا و دریا بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ در خلیج فارس و در طول جنگ ایران و عراق گفته می‌شود که طرفین درگیر در این جنگ و نیروی دریایی آمریکا، علیه کشتی‌های تجاری و نظامی یکدیگر انجام می‌دادند.

در این میان اما باید به این نکته اشاره کرد که اطلاعاتی

بهره‌برداری شرکت‌های کشتیرانی چینی از بحران در دریا سرخ



دلیل خرید نفت از ایران و به دلیل اینکه جمهوری اسلامی امیدوار است در آینده سرمایه‌گذاری مستقیم چینی بیشتری را جذب کند، اهم بالقوه‌ای برای فشار بر رژیم ایران دارد، با اینهمه حاضر نیست در مقطع کنونی از آن استفاده کند. دلیل عدم استفاده چین از اهم فشار بر جمهوری اسلامی بیش از آنکه سیاسی باشد، اقتصادی است. بحران در دریای سرخ برای چین تا کنون منافع اقتصادی قابل توجهی داشته است. از زمان آغاز حملات حوثی‌ها در دریای سرخ نه تنها یک کشتی چینی مورد حمله قرار نگرفته است، بلکه فعالیت ناوگان تجاری این کشور در دریای سرخ افزایش قابل توجهی داشته است.

در حالی که شرکت‌های بزرگ کشتیرانی از دریای سرخ دور می‌شوند تا هدف موشک‌های حوثی‌ها قرار نگیرند، در لندن شرکت بیمه «لویدز» می‌گوید شمار کشتی‌هایی که با پرچم چین تردد می‌کنند بیش از گذشته به این مسیر روی آورده‌اند و در بندرهایی چون دوراله در جیبوتی، حدیده در یمن و یا جده در عربستان سعودی در این روزها پهلو می‌گیرند. به عبارت دیگر سهم کالاهای حمل شده توسط کشتی‌ها کانتینری چینی در دریای سرخ که تا قبل از آغاز این بحران ۱۵ درصد کل تجارت دریایی این مسیر بود در ماه ژانویه به ۲۸ درصد افزایش یافته است. چین از روابط نزدیک خود با جمهوری اسلامی که تعیین‌کننده سیاست‌های حوثی‌های یمنی است، بهره‌برداری تجاری و اقتصادی می‌کند.

یک منبع نزدیک به انصارالله به رسانه ایتالیایی «فورمیگه» گفته است «کشتی‌های روسی و چینی از اهداف آنها نیستند زیرا دولت‌هایشان از جنگ غزه از اسرائیل حمایت نمی‌کنند.» البته شرکت‌های کشتیرانی چینی که از این وضعیت در حال استفاده و بهره‌برداری هستند، عمدتاً شرکت‌های کوچک و تقریباً گمنامی مانند Transfar Shipping یا Hainan و Sea Legend هستند. Sea Legend از ابتدای ژانویه سرویس منظمی که هفت کشتی کانتینری را در بر می‌گیرد بین چین و ترکیه از مسیر دریای سرخ راه‌اندازی کرده است. شرکت چینی Cosco که چهارمین ناوگان بزرگ کشتیرانی جهان بحساب می‌آید ولی تصمیم گرفتند که دریای سرخ را دور بزنند تا بتوانند موقعیت خود را به عنوان یکی از غول‌های کشتیرانی جهان حفظ کنند.

● **انصارالله جمعه ۶ بهمن، با وجود حملات حوثی آمریکا و بریتانیا به برخی از ساختارهایش در یمن، با موشک یک ناو آمریکائی و یک نفتکش بریتانیائی را هدف قرار داد.**

● **درخواست آمریکا از چین برای فشار بر جمهوری اسلامی در راستای توقف حملات حوثی‌ها به ناوگان‌های تجاری در دریای سرخ تا کنون موفق نبوده است.**

● **سخنگوی انصارالله در گفتگو با یک رسانه ایتالیائی می‌گوید ما کشتی‌های چینی و روسی را هدف نمی‌گیریم.**

احمد رأفت - حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نظامی در دریای سرخ با وجود بمباران برخی ساختارهای انصارالله از سوی نیروهای آمریکائی و بریتانیائی همچنان ادامه دارد. جمعه ۶ بهمن ۱۴۰۲ فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا اعلام کرد که حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران یک موشک بالستیک ضدکشتی به سمت ناو یواس اس کارنی در خلیج عدن شلیک کردند و بریتانیا نیز از انفجار دو موشک در همین محدوده خبر داد. یک مقام آمریکایی که نامی او اعلام نشده، به خبرنگاری آسوشیتدپرس گفت شلیک به یواس اس کارنی، نخستین «حمله مستقیم» حوثی‌ها به یک ناو آمریکایی از زمان آغاز حملات انصارالله به کشتی‌ها در دریای سرخ به شمار می‌رود. همزمان نفتکش بریتانیائی «مارتین لواندا» نیز روز جمعه در پیامد حمله موشکی حوثی‌ها دچار آتش سوزی شد.

در روزهای گذشته «فاینشال تایمز» به نقل از یک مقام آمریکائی اعلام کرده بود که این کشور از چین خواسته است از نفوذ خود بر جمهوری اسلامی استفاده کرده و بخواهد که حوثی‌ها حملات خود در دریای سرخ را متوقف سازند. همین مقام البته می‌افزاید که چین تا کنون تنها چند بیانیه با لحن بسیار ملایم صادر کرده است و از هر اقدام دیگری خودداری کرده است. چهار منبع ایرانی و یک دیپلمات آگاه از مسائل سیاسی امارات متحده غربی نیز به خبرنگاری «رویترز» گفته‌اند جمهوری خلق چین از جمهوری اسلامی خواسته‌اند که در مهار حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ کمک کنند، در غیر اینصورت روابط تجاری تهران با پکن می‌تواند دچار اختلال شوند. گرگوری برو از گروه «اوراسیا» معتقد است که چین به

فعالان، نشان‌دهنده ناامنی عمیق رژیم و تلاش برای گسترش سرکوب داخلی ایران در سطح بین‌المللی است.» وی تأکید کرد: «ایالات متحده در کنار متحدان و شرکای بین‌المللی خود از جمله بریتانیا به مقابله با سرکوب فراملی رژیم ایران ادامه خواهد داد و از همه ابزارهای موجود برای توقف این تهدید به‌ویژه در خاک آمریکا استفاده خواهد کرد.» در این بیانیه به ربوده شدن جمشید شاره‌مهد فعال سیاسی ایرانی - آلمانی، ترور احمد ملا نیسی فعال هلندی - اهوازی در لاهه و ربودن روح‌الله زم روزنامه‌نگار اشاره شده است. وبسایت وزارت دادگستری آمریکا درباره این پرونده نوشت، «بر اساس اسناد دادگاه، از دسامبر ۲۰۲۰ تا مارس ۲۰۲۱، ناجی شریفی زندگشتی (۴۹ ساله)، دامیون پاتریک جان رایان (۴۳ ساله) و آدام ریچارد پیرسون (۲۹ ساله) در توطئه‌ای برای قتل دو نفر از ساکنان ایالت مریلند با یکدیگر توطئه کردند. متهمان که یکی از آنها مقیم ایران است، یک سرویس پیام‌رسانی رمزگذاری شده به نام «SkyECC» را برای استخدام افرادی مورد استفاده قرار می‌دادند که برای انجام قتل‌ها به ایالات متحده سفر می‌کردند تا درباره هویت و مکان قربانیان احتمالی صحبت کنند.»

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای گفت: «اعتقاد داریم افرادی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند در شبکه‌ای دست داشتند که اقداماتی را با هدف سرکوب فراملی از جمله ترورها و آدم‌ربایی‌های متعددی انجام داده‌اند و همچنین برای انجام عملیات‌هایی در ایالات متحده برنامه‌ریزی کرده‌اند.»

شماری از اعضای خانواده ناجی شریفی زندگشتی و همچنین یک افسر وزارت اطلاعات که گفته شده در برخی عملیات ناجی زندگشتی همکاری داشته در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. شهرام علی‌رضا تمرازه زاویه جکی، علی کوچک، علی اسفنجانی، رضا حمیدی راوری و محمدرضا ناصرزاده از افرادی هستند که توسط آمریکا و بریتانیا تحریم شده‌اند. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرده «شبکه شریفی زندگشتی با قتل در چندین کشور از جمله امارات متحده عربی، کانادا و ترکیه مرتبط بوده است.»

بریتانیا در بیانیه خود اعلام کرد «اعضای یگان ۸۴۰ سپاه پاسداران» انقلاب اسلامی به دلیل «توطئه ترور دو مجری تلویزیونی شبکه خبری ایران اینترنت‌نشال در خاک بریتانیا» در لیست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. این دو مجری «فرداد فرحزاد» و «سیمنا ثابت» هستند. جیمز کلورلی وزیر کشور بریتانیا نیز در واکنش به این تحریم‌ها عنوان کرد: «رژیم ایران تلاش کرده است تا دموکراسی ما را از طریق سرکوب تضعیف کند. ما در صورت لزوم به اقدامات خود برای محافظت از کشور، ارزش‌ها و آزادی بیان خود ادامه خواهیم داد... ما نمی‌توانیم اجازه دهیم رژیم‌های خارجی با جنایتکاران برای تهدید ما همکاری کنند. تحریم این شبکه‌های جنایتکار که برای رژیم ایران کار می‌کنند به آنها یادآوری می‌کند که ما به مقابله خواهیم پرداخت... اولویت من محافظت از مردم و دفاع از شیوه زندگی ما است و بریتانیا تهدیدهای رژیم ایران را تحمل نخواهد کرد.» دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا نیز در بیانیه خود نوشته است که «رژیم ایران و باندهای جنایتکار که به نمایندگی از آن فعالیت می‌کنند، تهدیدی غیرقابل قبول برای امنیت بریتانیا به شمار می‌روند... بریتانیا و آمریکا پیام روشنی ارسال کرده‌اند: ما این تهدید را تحمل نخواهیم کرد.» چند عضو شبکه ناجی شریفی آذرماه ۱۳۹۹ توسط سازمان اطلاعات ترکیه (میت) بازداشت شده بودند. تحقیقات در مورد این تیم تبهکار پس از ناپدید شدن «فرح‌الله کعبی» معروف به «حبیب اسید» رهبر پیشین «حرکت النضال» در ترکیه آغاز شده بود.

سه کشته و شماری مجروح در حمله پهپادی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی به پایگاه نظامی آمریکا در اردن



پایگاه آمریکا در اردن

حمله را با عملیات اسرائیل در غزه مرتبط دانست. وی به رویترز گفت: «کشتن سه سرباز آمریکایی پیامی به دولت آمریکا است که اگر کشتار بی‌گناهان در غزه متوقف نشود، باید با تمام ملت مقابله کند.»

لیندزی گراهام سناتور ارشد جمهوریخواه با انتقاد از سیاست‌های بایدن در قبال رژیم ایران تأکید کرده جمهوری اسلامی فقط زبان زور می‌فهمد باید «اهداف مهم در داخل ایران» هدف قرار بگیرد.

ژنرال چارلز براون رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در مصاحبه با شبکه ای‌بی‌سی گفت که آمریکا نمی‌خواهد درگیر جنگ با جمهوری اسلامی شود، اما «اگر درگیری گسترده‌تر با جمهوری اسلامی رخ دهد پاسخ خواهیم داد.»

ریک اسکات سناتور جمهوریخواه از ایالت فلوریدا نیز در واکنش به کشته شدن سه سرباز آمریکایی گفت رژیم ایران «آشکارا قدرت و عزم ایالات متحده را زیر سؤال می‌برد» و «بایدن باید به سیاست‌های مداخله‌گرانه جمهوریخواه سنا با ساعتی تأخیر میچ مک‌کانل رهبر جمهوریخواه سنا

ایالات متحده در واکنش به کشته شدن سه نیروی آمریکایی در اردن گفت: «شب گذشته، هزینه شکست در بازآرندگی دشمنان آمریکا بار دیگر در زندگی آمریکایی‌ها نمایان شد. ما نمی‌توانیم به این تجاوز خشونت‌آمیز با تردید و اقدامات سطحی پاسخ دهیم... اکنون تمام جهان به دنبال نشانه‌هایی هستند که رئیس جمهور نشان دهد واقعاً رئیس جمهور است و آماده است که از قدرت آمریکا استفاده کند تا رژیم ایران را مجبور به تغییر رفتار کند. دشمنان ما گستاخ شده‌اند.»

برخی منابع گزارش دادند پهپادهای آمریکایی تا نیمه‌های یکشنبه شب در آسمان عراق در حال گشت زدن بودند. در شبکه‌های اجتماعی نیز بسیاری کاربران صحبت از اقدام سخت آمریکا علیه جمهوری اسلامی می‌کنند اما در مقابل تعداد زیادی هم مطرح کرده‌اند که بایدن ترسو تر از آن است که به این سرعت واکنش نشان دهد.

ناعادانه» خواند و تأکید کرد: «ما همه کسانی را که مسئول این حمله هستند در زمان مناسب و به شیوه‌ای که انتخاب خواهیم کرد پاسخگو می‌کنیم.»

این اولین بار است که از زمان آغاز جنگ اسرائیل با حماس در غزه، نیروهای آمریکایی در خاورمیانه کشته می‌شوند.

یک مقام آمریکایی که نخواست نامش فاش شود، به رویترز گفت که دست‌کم ۳۴ نفر از پرسنل دچار «آسیب مغزی احتمالی» شدند. دو مقام مختلف گفتند که تعدادی از نیروهای آمریکایی مجروح شدند که برای درمان به خارج از پایگاه منتقل شدند.

یک مقام دیگر آمریکایی گفت: «پهپاد در نزدیکی پادگان اصابت کرده که در صورت تأیید، می‌تواند تعداد بالایی تلفات در پی داشته باشد.»

این حمله در حالی صورت گرفت که تنش‌ها بین ایالات متحده و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه در هفته‌های اخیر به سطوح جدیدی رسیده است. حوثی‌های یمن، در ماه اکتبر در اعتراض به جنگ اسرائیل با حماس در غزه، حمله به کشتی‌های خارجی در دریای سرخ را آغاز کردند.

حمله به پایگاه آمریکا در اردن ۴۸ ساعت پس از حمله موشکی حوثی‌ها به ناو «یواس. اس کارنی» در دریای سرخ انجام شد. ساعتی پس از این حمله «مقاومت اسلامی عراق» در یک بیانیه رسمی مسئولیت حمله به چهار پایگاه آمریکا در سوریه و عراق و تأسیسات دریایی اسرائیل را بر عهده گرفت اما در این بیانیه اشاره‌ای به پایگاه آمریکا در اردن نشده است.

سناتور جمهوریخواه تام کاتن در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تنها پاسخ به این حملات باید تلافی ویرانگر علیه نیروهای تروریستی وابسته به رژیم ایران باشد... هر چیزی کمتر از این، مهر تأیید بر ترسو بودن جو بایدن است.»

سامی ابوزهری، یکی از مقامات ارشد گروه شبه‌نظامی فلسطینی حماس مورد حمایت رژیم ایران، مستقیماً این

● جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد «در شرایطی که هنوز در حال جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی هستیم می‌دانیم گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی که در سوریه و عراق فعالیت می‌کنند پشت این حمله قرار دارند.»

● وی این حمله را «نفرت‌انگیز و کاملاً ناعادلانه» خواند و تأکید کرد: «ما همه کسانی را که مسئول این حمله هستند در زمان مناسب و به شیوه‌ای که انتخاب خواهیم کرد پاسخگو می‌کنیم.»

● سناتور جمهوریخواه تام کاتن در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تنها پاسخ به این حملات باید تلافی ویرانگر علیه نیروهای تروریستی وابسته به رژیم ایران باشد... هر چیزی کمتر از این، مهر تأیید بر ترسو بودن جو بایدن است.»

● ریک اسکات سناتور جمهوریخواه از ایالت فلوریدا نیز در واکنش به کشته شدن سه سرباز آمریکایی گفت رژیم ایران «آشکارا قدرت و عزم ایالات متحده را زیر سؤال می‌برد» و «بایدن باید به سیاست‌های مداخله‌گرانه جمهوری اسلامی» پایان دهد.

● لیندزی گراهام سناتور ارشد جمهوریخواه: جمهوری اسلامی فقط زبان زور می‌فهمد باید «اهداف مهم در داخل ایران» هدف قرار بگیرد.

در حمله شبانه پهپادی به پایگاه نظامی آمریکا در شمال شرق اردن نزدیک مرز سوریه که یکشنبه ۲۸ ژانویه روی داد، دست‌کم سه سرباز آمریکایی کشته و بیش از ۳۴ نفر آسیب دیدند.

به گزارش رویترز جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد «در شرایطی که هنوز در حال جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی هستیم می‌دانیم گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی که در سوریه و عراق فعالیت می‌کنند پشت این حمله قرار دارند.»

وی در بیانیه خود این حمله را «نفرت‌انگیز و کاملاً

پایگاه خبری «آکسیوس»: دستور بایدن حمله به شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی است!



گفتگوی جو بایدن با لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در کاخ سفید

داد که کاخ سفید در حال تلاش برای یک معامله گروگان‌ها بین اسرائیل و حماس بود که می‌تواند به آتش‌بس دو ماهه در غزه منجر شود.

ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) روز یکشنبه در پاریس جلساتی داشت و با نخست وزیر قطر و رؤسای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل و مصر دیدار کرد. مقامات دولت بایدن معتقدند که آتش‌بس در غزه کلیدی کاهش تنش‌های منطقه‌ای است.

آکسیوس در ادامه می‌نویسد جنگ غزه لرزه‌های شدیدی را در منطقه ایجاد کرده و ایالات متحده بطور پیوسته و بیش از پیش بطور مستقیم درگیر آن می‌شود.

شماری از تحلیلگران می‌گویند بعید است دولت بایدن علیه جمهوری اسلامی دست به اقدام مستقیم بزند اگرچه آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا گفت پاسخ به حمله [رژیم] ایران به سرbazان آمریکایی می‌تواند چندسطحی و در مراحل مختلف باشد، و در طول زمان ادامه یابد.

سابرینا سینگ سخنگوی وزارت دفاع آمریکا روز دوشنبه دهم بهمن‌ماه تأکید کرد «آمریکا هنوز به جمع‌بندی نهایی درباره اینکه حمله مگربار به نیروهای این کشور در اردن توسط چه گروهی انجام شده نرسیده و اطلاعاتی درباره اینکه این حمله به دستور ایران انجام شده باشد وجود ندارد.»

با اینهمه فضای ملتهب و افزایش اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در بازارهای مالی تأثیر گذاشته و قیمت دلار در ایران تا ۶۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. برخی منابع غیررسمی صحبت از «آماده‌باش» در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی می‌کنند و مردم می‌گویند بعید نیست در داخل ایران اتفاقی مانند درگیری و اقدام نظامی بیفتد.

مقامات آمریکایی گفتند که هنوز در حال کار برای تعیین دقیق این هستند که چه کسانی پهلپاد را به پایگاه آمریکا در اردن هدایت کردند و اینکه از سوریه هدایت شده یا از عراق.

به گفته منابع آگاه، در مورد آنچه در اردن گذشت و پاسخ مناسب به عاملان این حمله چندین جلسه در کاخ سفید برگزار شده است.

بایدن روز یکشنبه ۲۸ ژانویه در جریان رویدادی در کارولینای جنوبی پس از درخواست یک دقیقه سکوت برای سرbazان کشته شده، قول داد: «ما پاسخ خواهیم داد.»

در شرایطی که دولت بایدن در حال آماده شدن برای اقدام علیه گروه‌های نیابتی است، جمهوریخواهان به بایدن فشار می‌آورند تا مستقیماً به جمهوری اسلامی ضربه بزند. سناتور میچ مک‌کانل رهبر اقلیت سنا خواستار تحمیل «هزینه‌های جدی و فلج‌کننده» برای رژیم ایران شد. وی تأکید کرد «نه تنها برای گروه‌های نیابتی تروریست‌های خط مقدم، بلکه برای جمهوری اسلامی که به ریختن خون آمریکایی‌ها افتخار می‌کنند اقدام فلج‌کننده باید انجام داد.»

با اینهمه منتقدان استدلال می‌کنند که حمله به ایران و نیروهای آن بهای بسیار بالاتری نسبت به حمله به نیروهای نیابتی دارد، عواقب آن غیرقابل پیش‌بینی‌تر و بطور بالقوه پیامدهایش بسیار بیشتر خواهد بود.

بایدن همچنین با اعتراض دموکرات‌ها نیز مواجه است. برخی از آنها او را به دلیل عدم درخواست مجوز از کنگره برای حملاتی که ایالات متحده در هفته‌های اخیر علیه گروه‌های مورد حمایت رژیم ایران در عراق و یمن انجام داده است، سرزنش کرده‌اند.

حمله پهلپادی به پایگاه آمریکایی‌ها در اردن در حالی رخ

● پایگاه خبری «آکسیوس» در گزارشی نوشت دولت آمریکا در حال بررسی یک پاسخ علیه شبه‌نظامیان وفادار به جمهوری اسلامی است.

● کاخ سفید و پنتاگون امیدوارند اقدامات تلافی‌جویانه آنها برای مهار تهدیدات، احتمال جنگ را افزایش ندهد اما همزمان فشار برای اقدام جدی‌تر علیه رژیم ایران در کنگره آمریکا در حال افزایش است و به ویژه جمهوریخواهان بایدن را زیر فشار قرار داده‌اند.

● جان کربی مشاور شورای امنیت ملی کاخ سفید در اینباره می‌گوید: «ما به دنبال جنگ و حمله نظامی به ایران نیستیم. ما می‌دانیم که جمهوری اسلامی با حمایت از شبه‌نظامیان پشت این حمله قرار دارد، منابع مالی‌شان را تامین می‌کند و به آنها آموزش نظامی می‌دهد. ما پاسخ مناسبی به آن خواهیم داد.»

به گفته «منابع آگاه» جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده و دیگر مقامات ارشد آمریکا در باره «یک پاسخ قابل توجه» علیه شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی تبادل نظر می‌کنند. بایدن دستور داده واکنش به کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن اقدام علیه «شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی» باشد.

پس از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در حملات پهلپادی گروه‌های نیابتی به پایگاه «برج ۲۲» اردن فشار بر دولت بایدن برای اقدام مستقیم علیه جمهوری اسلامی به عنوان منشاء اصلی تهدیدات بر ضد منافع آمریکا شدیداً افزایش یافته است. حتا صحبت از این شده است که دو پیشنهاد روی میز بایدن قرار دارد: «حمله به تأسیسات نظامی در داخل ایران» و «هدف قرار دادن مستقیم مقامات جمهوری اسلامی.»

اما پایگاه خبری «آکسیوس» ۲۹ ژانویه (نهم بهمن‌ماه) در گزارشی نوشت دولت آمریکا در حال بررسی یک پاسخ علیه شبه‌نظامیان وفادار به جمهوری اسلامی است.

کاخ سفید و پنتاگون امیدوارند اقدامات تلافی‌جویانه آنها برای مهار تهدیدات احتمال جنگ را افزایش ندهد اما همزمان فشار برای اقدام جدی‌تر علیه رژیم ایران در کنگره آمریکا در حال افزایش است و به ویژه جمهوریخواهان بایدن را زیر فشار قرار داده‌اند.

جان کربی مشاور شورای امنیت ملی کاخ سفید در این باره می‌گوید: «ما به دنبال جنگ و حمله نظامی به ایران نیستیم. ما می‌دانیم که جمهوری اسلامی با حمایت از شبه‌نظامیان پشت این حمله قرار دارد، منابع مالی‌شان را تامین می‌کند و به آنها آموزش نظامی می‌دهد. ما پاسخ مناسبی به آن خواهیم داد.»

آکسیوس به نقل از یک مقام آمریکایی می‌نویسد: «ما جنگ نمی‌خواهیم، اما کسانی که پشت این حمله هستند باید پاسخ ما را احساس کنند.»

از زمان آغاز جنگ اسرائیل و حماس در «هفت اکتبر» بیش از ۱۵۰ حمله علیه نیروهای آمریکایی در منطقه انجام شده که بسیاری از آنها توسط شبه‌نظامیان طرفدار رژیم ایران در عراق و سوریه بوده است. حمله در اردن اولین اقدام نظامی است که سربازان آمریکایی در آن کشته شدند.

آمریکا یک شبکه مالی تأمین کننده میلیون ها دلار پول برای «سپاه قدس» و حزب الله را تحریم کرد



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از برگزاری راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» حوالی میدان «آزادی» (شهید) / ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

جمهوری اسلامی «تست موشک بالستیک» در پوشش پرتاب «ماهواره ثریا» را رد کرد

● یک هفته پس از پرتاب «ماهواره ثریا» در ایران با موشک بالستیک «قائم» توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دولت های انگلیس، فرانسه و آلمان با محکوم کردن این اقدام در بیانیه ای مشترک اعلام کردند «پرتاب هایی از این دست به ایران اجازه می دهد فناوری هایی را آزمایش کند که می تواند برای توسعه بیشتر برنامه موشک های بالستیک، که تهدیدی مهم برای امنیت منطقه ای و بین المللی است، استفاده کند».

● در این بیانیه تأکید شده «ما نگرانی های دیرینه ای در مورد فعالیت ایران در ارتباط با فناوری های موشک بالستیک داریم که قادر به -حمل سلاح هسته ای هستند. این نگرانی ها با ادامه تشدید تنش هسته ای ایران فراتر از همه توجیحات غیرنظامی معتبر تقویت می شود».

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی «مداخله جویی» انگلیس، فرانسه و آلمان را محکوم کرد و گفت: «دستیابی به پیشرفت های علمی و تحقیقاتی از جمله در حوزه هوافضا، حق مسلم و مشروع جمهوری اسلامی است».

یک هفته پس از پرتاب «ماهواره ثریا» در ایران با موشک بالستیک «قائم» توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سه دولت اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) با محکوم کردن این اقدام بار دیگر تکرار کردند که جمهوری اسلامی برای پرتاب این ماهواره از «فناوری ضروری برای توسعه سیستم موشکی بالستیک دوربرد» استفاده می کند. این دولت ها در بیانیه ای که ۲۶ ژانویه (ششم بهمن ماه) منتشر شد تأکید کردند جمهوری اسلامی با وجود «درخواست های مکرر بین المللی» برای توقف پرتاب بالستیک و پس از سال ها نادیده گرفتن محدودیت های سازمان ملل، همچنان به توسعه برنامه موشکی خود ادامه می دهد.

در این بیانیه همچنین آمده «پرتاب هایی از این دست به ایران اجازه می دهد فناوری هایی را آزمایش کند که می تواند برای توسعه بیشتر برنامه موشک های بالستیک، که تهدیدی مهم برای امنیت منطقه ای و بین المللی است، استفاده کند. ما نگرانی های دیرینه ای در مورد فعالیت ایران در ارتباط با فناوری های موشک بالستیک داریم که قادر به حمل سلاح هسته ای هستند. این نگرانی ها با ادامه تشدید تنش هسته ای ایران فراتر از همه توجیحات غیرنظامی معتبر تقویت می شود».

دولت های فرانسه، آلمان و بریتانیا اعلام کردند برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای متعهد به برداشتن «گام های دیپلماتیک» هستند و رژیم ایران را به خاطر فعالیت های بی ثبات کننده اش در منطقه و بین المللی پاسخگو نگه می دارند!

می کند... ایالات متحده به اقدامات خود برای شناسایی و مختل کردن این طرح های غیرقانونی ادامه خواهد داد.» طبق اطلاعات اعلام شده، شرکت «میرا» مستقر در ترکیه، کالاهای ایرانی را در بازار جهانی خریداری و حمل و نقل کرده و به فروش می رساند. فردی به نام «علی قصیر» مستقر در ایران به فعالیت های شرکت «میرا» نظارت می کرد و سود حاصل از فروش این شرکت را در نهایت با حزب الله تقسیم می نمود. فرد دیگری به اسم «محمد امیر الجویکی» از مقامات مالی حزب الله و «ابراهیم طلال الاویر» مدیرعامل و مالک «میرا» با نام مستعار «ابراهیم آقاواغلو» با این شبکه همکاری می کردند.

یکی دیگر از شرکت های تحریم شده «یارا» نام دارد و مستقر در لبنان است که با استفاده از کشتی های تحریم شده، بخش عمده ای از فروش کالاهای ایرانی به رژیم سوریه را تسهیل کرده. رژیم سوریه میلیون ها دلار به شرکت «یارا» پرداخت کرده است.

وزارت خزانه داری آمریکا همچنین شرکت «هیدرو» مستقر در لبنان را تحریم کرده است. این شرکت که تجهیزات حفاری اجازه می دهد با تسهیل ارسال کالاهای ایرانی به ارزش صدها میلیون دلار به سوریه، در تأمین مالی «سپاه قدس» مشارکت دارد. شرکت «هیدرو» تحت مدیریت مقامات ارشد سپاه قدس فعالیت می کند.

در نتیجه این تحریم ها، کلیه اموال و دارایی این افراد تحت کنترل آمریکا مسدود می شود و شرکت ها و اشخاصی که با این افراد معامله کنند مشمول تحریم های آمریکا می شوند. منابع آمریکایی می گویند این تحریم ها بخشی از اقدامات بایدن به تلافی حملات موشکی گروه های نیابتی به پایگاه های آمریکاست. این در حالیست که برخی تحلیلگران معتقدند چنین تحریم هایی نتوانسته رژیم ایران را مهار کند به ویژه آنکه خود دولت بایدن نیز در مواردی بر عدم رعایت تحریم های این کشور علیه جمهوری اسلامی چشم پوشیده است.

● شرکت «میرا» مستقر در ترکیه و دو شرکت «یارا» و «هیدرو» مستقر در لبنان و همچنین یک فرد لبنانی به اتهام «حمایت مالی» و تأمین پول برای «سپاه قدس» و حزب الله در فهرست تحریم های آمریکا قرار گرفتند.

● طبق اطلاعات اعلام شده، شرکت «میرا» کالاهای ایرانی را در بازار جهانی خریداری و حمل و نقل می کرده و به فروش می رساند است. فردی به نام «علی قصیر» مستقر در ایران به فعالیت های شرکت میرا نظارت می کرد و سود حاصل از فروش این شرکت را در نهایت با حزب الله تقسیم می نمود.

● شرکت «هیدرو» که تجهیزات حفاری اجازه می دهد با تسهیل ارسال کالاهای ایرانی به ارزش صدها میلیون دلار به سوریه، در تأمین مالی «سپاه قدس» مشارکت دارد. شرکت «هیدرو» تحت مدیریت مقامات ارشد سپاه قدس فعالیت می کند.

در میان تنش های رو به افزایش منطقه، دولت بایدن روز چهارشنبه ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن ماه) تحریم های جدیدی را علیه شبکه های مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان اعلام کرد.

دفتر کنترل دارایی های وزارت خزانه داری آمریکا یک فرد و سه نهاد مستقر در لبنان و ترکیه را که از نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب الله حمایت مالی می کرده اند در فهرست تحریم ها قرار داد.

طبق بیانیه وزارتخانه خزانه داری آمریکا «این شبکه صدها میلیون دلار درآمد حاصل از فروش کالاهای ایران را از جمله به دولت سوریه انتقال داده و یکی از منابع اصلی تأمین مالی برای ادامه فعالیت های تروریستی سپاه و حزب الله و پشتیبانی از دیگر سازمان های تروریستی در سراسر منطقه بوده است.» برابان نلسون معاون وزیر خزانه داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، می گوید: «اقدام امروز بر عزم ما جهت جلوگیری از بهره برداری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه های تروریستی نیابتی آن از سیستم تجارت بین المللی برای تأمین مالی فعالیت های بی ثبات کننده خود تأکید

پرتاب سه ماهواره باموشک بالستیک «سیمرغ» یک روز پس از هشدار اروپا در مورد تست موشک های دوربرد



پرتاب ماهواره از کوبر مرکزی ایران توسط موشک بالستیک «سیمرغ» / عکس: ایرنا

سبک وزن است که با هدف آزمایش زیرسامانه های توسعه یافته ماهواره ای طراحی و ساخته شده اند. ماموریت اصلی این ماهواره، بررسی صحت عملکرد ماهواره بر سیمرغ در تزریق چندگانه محموله های فضایی در مدار پایین زمین و ارزیابی عملکرد برخی از طراحی های جدید و قابلیت اطمینان فناوری های بومی در فضا است.

کانال های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران نوشته اند که مدیر این پروژه، محمد ندافی پور بود که دو سال پیش بر اثر کرونا از دنیا رفت و حالا اسم دخترش مهدا را روی این ماهواره گذاشته اند.

سه دولت اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) در بیانیه ای که ششم بهمن ماه منتشر شد با محکوم کردن این اقدامات بار دیگر تکرار کردند که جمهوری اسلامی برای پرتاب ماهواره از «فناوری ضروری برای توسعه سیستم موشکی بالستیک دوربرد» استفاده می کند.

در این بیانیه تأکید شده بود «ما نگرانی های دیرینه ای در مورد فعالیت ایران در ارتباط با فناوری های موشک بالستیک داریم که قادر به حمل سلاح هسته ای هستند. این نگرانی ها با ادامه تشدید تنش هسته ای ایران فراتر از همه توجیهات غیرنظامی معتبر تقویت می شود.»

یک هفته پیش از این، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه ای برای شناسایی شخصی به نام «حسین هاتفی اردکانی» جایزه ۱۵ میلیون دلاری تعیین نمود. گفته شده که وی دلال سپاه پاسداران است و از طریق شرکت های پوششی قطعاتی با کاربرد موشک بالستیک و همچنین سایر لوازم الکترونیک با کاربرد تسلیحاتی به ایران صادر کرده است.

رژیم ایران بدون توجه به هشدارهای دولت های غربی با اقدامات خود نسبت به بیانیه های تکراری آنها «دهن کچی» می کند اما دولت های غربی همچنان ترجیح می دهند با حکومت از راه های دیپلماتیک مباحثات کنند.

● جمهوری اسلامی ۲۴ ساعت پس از هشدار سه دولت اروپایی در مورد تست موشک های بالستیک در پوشش پرتاب ماهواره های علمی با یک موشک بالستیک «سیمرغ» سه ماهواره به فضا پرتاب کرد.

● خبرگزاری های حکومتی روز یکشنبه هشتم بهمن ماه گزارش دادند ماهواره «مهدا» به همراه دو نانوماهواره به مدار ۴۵۰ درجه پرتاب شد و با موفقیت در مدار قرار گرفت.

● کانال های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران نوشته اند که مدیر این پروژه، محمد ندافی پور بود که دو سال پیش بر اثر کرونا از دنیا رفت و حالا اسم دخترش مهدا را روی این ماهواره گذاشته اند!

● سه دولت اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) در بیانیه ای که ششم بهمن ماه منتشر شد با محکوم کردن این اقدامات بار دیگر تکرار کردند که جمهوری اسلامی برای پرتاب ماهواره از «فناوری ضروری برای توسعه سیستم موشکی بالستیک دوربرد» استفاده می کند.

● جمهوری اسلامی ۲۴ ساعت پس از هشدار سه دولت اروپایی در مورد تست موشک های بالستیک در پوشش پرتاب ماهواره های علمی، با یک موشک بالستیک «سیمرغ» سه ماهواره به فضا پرتاب کرد.

● خبرگزاری های حکومتی روز یکشنبه هشتم بهمن ماه گزارش دادند ماهواره «مهدا» به همراه دو نانوماهواره به مدار ۴۵۰ درجه پرتاب و با موفقیت در مدار قرار گرفت.

● گفته شد این برای نخستین بار است که سازمان فضایی جمهوری اسلامی با ماهواره بومی سه ماهواره داخلی را همزمان در مدار قرار می دهد.

● بر اساس اعلام این سازمان، مهمترین دستاورد در این پرتاب عملیات «تزریق چندگانه» بود.

● طبق گزارش مسئولان سازمان فضایی جمهوری اسلامی ماهواره «مهدا» با وزن ۳۲ کیلوگرم «از سری ماهواره های

در واکنش به این بیانیه تکراری، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز شنبه هفتم بهمن «مداخله جویی» انگلیس، فرانسه و آلمان را محکوم کرد و گفت: «دستیابی به پیشرفت های علمی و تحقیقاتی از جمله در حوزه هوافضا، حق مسلم و مشروع جمهوری اسلامی است» و «اینگونه اظهارات مداخله جویانه در پیشرفت های



پرتاب ماهواره «ثریا» با موشک بالستیک «قائم» اطراف شاهرود / دی ماه ۱۴۰۲

علمی و فناوری خللی ایجاد نخواهد کرد.»

ناصر کنعانی هشدار دولت های اروپایی در مورد تست موشک های بالستیک در پوشش پرتاب ماهواره توسط جمهوری اسلامی را «تفاسیر خودسرانه» دانست و گفت: «جمهوری اسلامی طبق موازین و مقررات بین المللی و در راستای تحقق حقوق خود به ویژه حق توسعه و پیشرفت، استفاده از فناوری های صلح آمیز در مسیر توسعه علمی-تحقیقاتی را برای خود مفروض و محفوظ دانسته و در این مسیر منتظر نظرات برخی کشورها که در صدد تحمیل آرا و اقدامات یکجانبه خود بر دیگران هستند، نخواهد بود.»

در میان تنش های منطقه، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شنبه ۳۰ دی ماه ۱۴۰۲ موشک بالستیک «قائم ۱۰۰» ماهواره «ثریا» را به فضا پرتاب کرد. همزمان ادعا شد این ماهواره که از پایگاه فضایی در کویر شاهرود پرتاب شد، به مدار ۷۵۰ کیلومتری زمین رسیده است.

همچنین سازمان فضایی جمهوری اسلامی اول بهمن اعلام کرد «ماهواره ثریا» نخستین سیگنال خود را نیز به زمین ارسال کرد.

پنج روز پس از پرتاب این موشک، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه ای برای شناسایی شخصی به نام «حسین هاتفی اردکانی» جایزه ۱۵ میلیون دلاری تعیین نمود. گفته شده است که وی دلال سپاه پاسداران است و از طریق شرکت های پوششی قطعاتی با کاربرد موشک بالستیک و همچنین سایر لوازم الکترونیک با کاربرد تسلیحاتی به ایران صادر کرده است.

ائتلاف دریایی «گروه ۱۵۳» نتوانسته حملات حوثی‌ها را متوقف کند؛ اروپایی‌ها «عملیات آسپیدز» را آغاز می‌کنند!



اصابت پهپاد حوثی‌ها به عرشه یک کشتی انگلیسی

کانال‌های منطقه‌ای از جمله قطر، حوثی‌ها را تحت فشار قرار دهد. اتحادیه اروپا نیز اعلام کرده راهبرد جدیدی را برای تقویت امنیت کشتی‌ها در دریای سرخ به اجرا خواهد گذاشت. در همین ارتباط جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه گفت که «انتظار می‌رود مأموریت دریایی اتحادیه اروپا برای محافظت از کشتی‌های تجاری در دریای سرخ در برابر حملات موشکی حوثی‌ها از ۱۹ فوریه آغاز شود.»

مأموریت «آسپیدز»: اروپایی‌ها به دنبال تقویت پدافند در دریای سرخ
جوزپ بورل پس از یک نشست غیررسمی با وزرای دفاع اتحادیه اروپا تأیید کرد: «امنیت دریایی در دریای سرخ طی هفته‌های گذشته بطور قابل توجهی بدتر شده و ما در حال تکمیل طرح یک عملیات دریایی جدید به منظور اقدام در حالت کاملاً دفاعی برای محافظت از کشتی‌های تجاری هستیم.» وی افزود: «هدف ما این است که حداکثر در ۱۹ فوریه «عملیات آسپیدز» را شروع کنیم؛ امیدوارم و مطمئن هستم که آن را اجرا خواهیم کرد.»

نام «آسپیدز» برگرفته از نام موشک «آسپید» است. به گزارش «یورو نیوز» تا کنون تنها پنج کشور عضو اتحادیه اروپا رسماً اعلام کرده‌اند که در این مأموریت شرکت خواهند کرد: بلژیک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا.

جزئیات زیادی از این مأموریت مشخص نیست و همچنین معلوم نیست رهبری این مأموریت عملیاتی با چه کشورهایی است و چه قابلیت‌هایی دارند و ستاد مرکزی این عملیات کجاست. یورونیوز مدعی شده فرانسه، یونان و ایتالیا برای نقش رهبری مطرح شده‌اند.

در مورد بلژیک و آلمان، تصمیم برای پیوستن به این مأموریت باید توسط قانونگذاران این کشورها تصویب شود، اما مقامات هر دو کشور مطمئن‌اند که مشارکت در این مأموریت به سرعت می‌تواند تأیید و تصویب شود. ←

همچنین بر اساس گزارش نهادهای امنیتی ایالات متحده، حوثی‌ها اطلاعات مربوط به تردد کشتی‌ها در دریای سرخ را از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دست می‌آورند. گزارش شده کشتی جاسوسی «بهشاد» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی که در دریای سرخ مستقر است نقش اساسی در هدایت حملات حوثی‌ها دارد. کشتی جاسوسی الکترونیک «بهشاد» در عمل شریک فعالیت‌های تروریستی سپاه پاسداران در دریاهاست.

جیسون برداسکی مدیر سیاست‌گذاری پروژه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) که رفت و آمد کشتی‌های وابسته به جمهوری اسلامی را رصد می‌کند از تحلیلگرانی است که به فعالیت‌های جاسوسی کشتی «بهشاد» اشاره کرده است. جمهوری اسلامی اصلی‌ترین تأمین‌کننده سلاح و مهمات برای حوثی‌هاست. در سال‌های اخیر نیروهای گشتی مستقر در آبراه‌های بین‌المللی بارها لنج‌ها و شناورهایی را حامل تسلیحات قاچاق به ارزش چند میلیون دلار متوقف کرده‌اند که مبدأ آنها ایران بوده است. اما برخی منابع غیررسمی می‌گویند که با افزایش نظارت‌های خارجی بر آب‌های بین‌المللی بخشی از مسیر تأمین تسلیحاتی حوثی‌ها تغییر کرده است. بطوری که بخشی از این تسلیحات از مسیر زمینی و از کویر عمان به یمن منتقل می‌شود. عوامل سپاه پاسداران بخش محدودی از تسلیحات را نیز از طریق جیبوتی به دست حوثی‌ها می‌رسانند.

هرچند دو پایگاه بزرگ نظامی آمریکا در جیبوتی قرار دارد اما قاچاقچیان در حجم محدود برخی قطعات حساس و راهبردی موشک و پهپاد را از همین مسیر برای حوثی‌ها ارسال می‌کنند.

ژاک نریا تحلیلگر سیاسی اسرائیلی و مشاور سابق اسحاق رابین به «آی ۲۴» می‌گوید: «این یک جنگ فرسایشی است. اگر شما ابتکار عمل را به دست نگیرید، حوثی‌ها همچنان به کشتی‌ها در دریای سرخ ضربه خواهند زد.»
آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا تلاش می‌کند از طریق

● براساس گزارش نهادهای امنیتی ایالات متحده، حوثی‌ها اطلاعات مربوط به تردد کشتی‌ها در دریای سرخ را از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دست می‌آورند. گزارش شده کشتی جاسوسی «بهشاد» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی که در دریای سرخ مستقر است نقش اساسی در هدایت حملات حوثی‌ها دارد. کشتی جاسوسی الکترونیک «بهشاد» در عمل شریک فعالیت‌های تروریستی سپاه پاسداران در دریاهاست.

● ژاک نریا تحلیلگر سیاسی اسرائیلی و مشاور سابق اسحاق رابین به «آی ۲۴» می‌گوید: «این یک جنگ فرسایشی است. اگر شما ابتکار عمل را به دست نگیرید، حوثی‌ها همچنان به کشتی‌ها در دریای سرخ ضربه می‌زنند.»

● جوزپ بورل پس از یک نشست غیررسمی با وزرای دفاع اتحادیه اروپا تأیید کرد: «امنیت دریایی در دریای سرخ طی هفته‌های گذشته بطور قابل توجهی بدتر شده و ما در حال تکمیل طرح یک عملیات دریایی جدید به منظور اقدام در حالت کاملاً دفاعی برای محافظت از کشتی‌های تجاری هستیم.»

● وی افزود: «هدف ما این است که حداکثر در ۱۹ فوریه «عملیات آسپیدز» را شروع کنیم؛ امیدوارم و مطمئن هستم که آن را اجرا خواهیم کرد.»

یک مقام آمریکایی به «فاکس نیوز» گفت که ایالات متحده یک موشک حوثی‌ها و چندین پهپاد انتحاری را که آماده پرتاب از یمن به سمت کشتی‌های خارجی بودند، چهارشنبه ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن ماه) هدف قرار داده است. این حملات پس از آن صورت گرفت که حوثی‌ها مدعی حمله به یک کشتی آمریکایی در خلیج عدن شدند. شرکت امنیت دریایی «امبری» اعلام کرد، موشکی که از یمن شلیک شده بود به یک کشتی تجاری در آب‌های ساحلی یمن اصابت کرد و باعث وقوع «یک انفجار» شد.

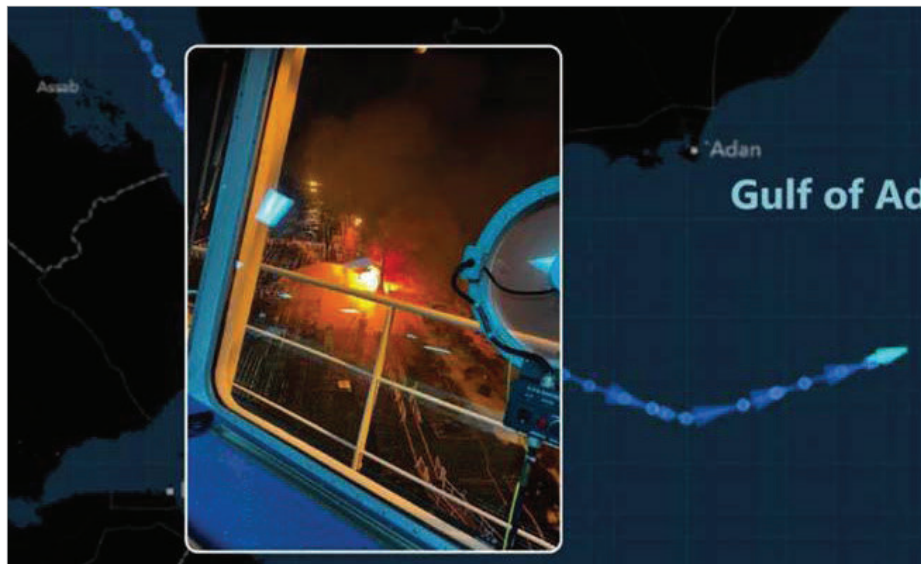
یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها اعلام کرد این موشک «مستقیم به کشتی» اصابت کرده است.

حملات حوثی‌ها به کشتی‌های خارجی و نفتکش‌ها در دریای سرخ باعث کاهش شدید حجم ترانزیت کالا در این منطقه شده و در مقایسه با ماه دسامبر ۲۰۲۳ عبور و مرور کشتی‌ها از این آبراه حدود ۳۹ درصد ماهش پیدا کرده است. آمریکا برای متوقف کردن حملات حوثی‌ها بجز تشکیل نیروهای ائتلاف موسوم به «گروه ضربت ۱۵۳» تلاش کرد از طریق دیپلماتیک از کانال چین کمونیست به جمهوری اسلامی برای مهار حوثی‌ها فشار بیاورد. اما با گذشت حدود سه ماه از آغاز این حملات پس از عملیات تروریستی و مرگبار «هفت اکتبر» توسط حماس علیه اسرائیل همچنان بی‌نتیجه مانده است.

ناوهای اعزامی به دریای سرخ مجهز به سیستم‌های پدافندی قدرتمند هستند و شمار زیادی از موشک‌ها و پهپادهای انتحاری را پیش از اصابت به کشتی‌ها در آسمان خنثی می‌کنند. با اینهمه پوشش پدافندی برای همه کشتی‌ها به دلیل وسعت منطقه ممکن نیست.

مقامات سیاسی و نظامی آمریکایی بارها تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی مستقیم در حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها دخالت دارد. حتا اعلام شد پهپادهایی که به سمت کشتی‌ها پرتاب می‌شود ایرانی و از نوع «شاهد» هستند.

حملات گسترده شبه‌نظامیان حوثی به کشتی‌ها در دریای سرخ اصابت موشک به ناو آمریکایی، نفتکش انگلیسی و چهار کشتی تجاری



تصویری از موقعیت نفتکش «مارین لوآندا» در خلیج عدن حین اصابت موشک و عرشه آن که مورد اصابت قرار گرفت

سی‌بی‌اس نیوز در گزارش خود تأکید کرده حمله به ناوشکن «یو.اس.اس کارنی» تنش‌ها در منطقه را در بزرگ‌ترین رویارویی در دریا که نیروی دریایی ایالات متحده در دهه‌های اخیر با آن روبرو بوده تشدید می‌کند.

یک مقام آمریکایی که نخواست نامش فاش شود گفت: «اولین بار است که حوثی‌ها مستقیماً به یک ناو ایالات متحده حمله می‌کنند.»

حملات مستقیم حوثی‌ها به ناوهای آمریکایی، تهاجمی‌ترین تشدید عملیات آنها در دریای سرخ از زمان آغاز جنگ اسرائیل و حماس است. ایالات متحده سعی کرده مواضع خود در مورد حملات حوثی‌ها را ملایم کند و گفته است «تعیین اینکه حوثی‌ها دقیقاً چه را هدف قرار می‌دهند دشوار است.»

ایالات متحده با همکاری بریتانیا چند دور عملیات علیه حوثی‌ها در یمن انجام داد اما در نهایت نیروهای ائتلاف هنوز با این سطح از واکنش نتوانستند حملات شبه‌نظامیان یمنی را متوقف کنند.

همچنین گزارش شده که در واکنش به حملات حوثی‌ها، نیروهای ائتلاف بار دیگر مواضعی در یمن را هدف حملات خود قرار دادند.

در بیانیه‌ای که یحیی سریع سخنگوی نظامی انصارالله منتشر کرد تأکید شده که حمله به کشتی‌های تجاری تا توقف جنگ در غزه ادامه پیدا می‌کند. وی مسئولیت حمله به نفتکش انگلیسی را به عهده گرفت.

آنها اعلام کردند: «در حمایت از ملت مظلوم فلسطین و در پاسخ به تجاوزات آمریکا و انگلیس به کشورمان، نیروی دریایی ارتش یمن نفتکش انگلیسی (MARLIN Luanda) را در خلیج عدن با تعدادی موشک مناسب هدف قرار داد که ضمن اصابت مستقیم به آن منجر به آتش گرفتن این نفتکش شد.»

مقامات غربی می‌گویند جمهوری اسلامی مستقیم در حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری دست دارد.

شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی جمعه ۲۶ ژانویه (ششم بهمن‌ماه) دست‌کم پنج کشتی در دریای سرخ و خلیج عدن را هدف حملات موشکی و پهپادی خود قرار دادند.

آنها بعد از حمله به دو کشتی کانتینربر یک موشک به ناو آمریکایی «USS Carney» شلیک کردند و چند ساعت بعد نفتکش انگلیسی «مارین لوآندا» (MARLIN LUAN-DA) را هدف قرار دادند. بر اساس تصاویری که خدمه این نفتکش منتشر کرده‌اند، موشک به عرشه این نفتکش اصابت کرد و باعث آتش‌سوزی شد.

همزمان خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد که یک نفتکش متعلق به گروه تجاری «ترافیگورا» که محموله‌ای از سوخت روسی را حمل می‌کرد، هنگام خروج از دریای سرخ مورد اصابت موشک قرار گرفت.

سخنگوی گروه تجاری «ترافیگورا» در بیانیه‌ای گفت که تجهیزات آتش‌نشانی برای مهار و کنترل آتش‌سوزی که در مخزن بار این کشتی ایجاد شده فراهم شده... ما همچنان با کشتی در تماس هستیم و وضعیت را به دقت زیر نظر داریم. کشتی‌های نظامی در منطقه برای ارائه کمک در حال انجام هستند.»

برخی منابع که عبور و مرور کشتی‌ها را رصد می‌کنند صحبت از اختلال و «ربودن سیگنال»‌ها در دریای سرخ می‌کنند. اکانت «تانکر تراکرز» گزارش داد روسیه در دو سال گذشته درگیر ربودن سیگنال‌های (موقعیت‌یاب خودکار) AIS از کشتی‌ها بوده است. همین اتفاق در یمن و ایران نیز گزارش شده. به عنوان مثال، سیگنال یک نفتکش سعودی از بالای کوهی در سمت عربستان در مرز با یمن روبرو شده است. شبکه سی‌ان‌ان گزارش داد که فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) گفت ناو آمریکایی پس از شلیک یک موشک بالستیک ضد کشتی از منطقه تحت کنترل حوثی‌ها در یمن، «اعلام خسارت کرده» اما فعلاً هیچ مصدومی گزارش نشده است.

● شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی جمعه ۲۶ ژانویه (ششم بهمن‌ماه) دست‌کم پنج کشتی در دریای سرخ و خلیج عدن را هدف حملات موشکی و پهپادی خود قرار دادند.

● حوثی‌ها بعد از حمله به دو کشتی کانتینربر یک موشک به ناو آمریکایی «USS Carney» شلیک کردند و چند ساعت بعد نفتکش انگلیسی «مارین لوآندا» (MARLIN LUANDA) را هدف قرار دادند. بر اساس تصاویری که خدمه این نفتکش منتشر کرده‌اند، موشک به عرشه این نفتکش اصابت کرد و باعث آتش‌سوزی شد.

● همزمان خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد که یک نفتکش متعلق به گروه تجاری «ترافیگورا» که محموله‌ای از سوخت روسی را حمل می‌کرد، هنگام خروج از دریای سرخ مورد اصابت موشک قرار گرفت.

● سی‌بی‌اس نیوز در گزارش خود تأکید کرده حمله به ناوشکن «یو.اس.اس کارنی» تنش‌ها در منطقه را در بزرگ‌ترین رویارویی در دریا که نیروی دریایی ایالات متحده در دهه‌های اخیر با آن روبرو بوده تشدید می‌کند.

● یک مقام آمریکایی که نخواست نامش فاش شود گفت: «اولین بار است که حوثی‌ها مستقیماً به یک ناو ایالات متحده حمله می‌کنند.» حملات مستقیم حوثی‌ها به ناوهای آمریکایی، تهاجمی‌ترین تشدید عملیات آنها در دریای سرخ از زمان آغاز جنگ اسرائیل و حماس است.

➔ زیمتیه مولر نماینده پارلمان آلمان و معاون پارلمانی وزیر دفاع این کشور پیش از نشست روز چهارشنبه با بورل به خبرنگاران گفت: «ما منتظر تصمیم شورا تا ۱۹ فوریه هستیم و می‌توانیم آن را با ارجاع سریع به پارلمان پیگیری کنیم. در صورت موافقت پارلمان، نیروی دریایی آلمان نیز در این مأموریت شرکت خواهد کرد. این نیرو هم‌اکنون در حال آماده شدن برای مشارکت احتمالی در این عملیات است.» در همین حال لودیویون دبباندرو وزیر دفاع بلژیک نیز گفت که مشارکت «ناوچه لوئیز ماری» که در حال حاضر در منطقه حضور دارد، احتمالاً بخشی از این مأموریت خواهد بود. مأموریت اتحادیه اروپا به شدت محدود به حفاظت از کشتی‌ها و رهگیری موشک‌ها خواهد بود؛ برخلاف ایالات متحده و بریتانیا که با هم چندین هدف حوثی‌ها را در دو نوبت جداگانه به عنوان بخشی از عملیات «نگهبان راه» بمباران کرده‌اند.

بورل تأکید کرد که قابلیت‌های درگیر در آسیدیدز «متناسب با تهدیدی است که با آن روبرو هستیم» و «ما هیچ عملیاتی را در خشکی انجام نخواهیم داد. در این مأموریت فقط دریا تحت پوشش قرار می‌گیرد.» وی با اشاره به عملیات تحت رهبری آمریکا افزود: «البته ما با سایر مأموریت‌ها نیز هماهنگ خواهیم کرد.»

اینهمه در حالیست که بعید به نظر می‌رسد این طرح اروپا بتواند اختلال در حرکت کشتی‌ها توسط حوثی‌ها را کاهش دهد. در واقع در طرح اروپا برای تأمین امنیت کشتی‌ها در دریای سرخ مناطق بیشتری تحت پوشش پدافندی ناوها قرار می‌گیرند اما این مأموریت منشاء حملات را که حوثی‌ها هستند خنثی نمی‌کند.

«سامانه مردمی نظارت بر فضای مجازی»

راهکار جدید سرکوب شهروندان از سوی وزارت ارشاد اسلامی



نماینده حاضر در صحن موافقت کردند. وبسایت «تجارت نیوز» پیش از این در گزارشی این ماده از برنامه هفتم توسعه را مورد نقد قرار داده و نوشته بود که «در صورت تصویب این ماده، همه پلت‌فرم‌های داخلی مورد استفاده مردم موظف می‌شوند جزئی‌ترین مسائل شخصی تک‌تک کاربران خود را، اعم از رفت‌وآمدهای درون و بیرون شهری، هر وسیله‌ای که خرید و فروش می‌کنند و حتی غذا و محصولاتی را که از سوپرمارکت سفارش می‌دهند، به صورت مستمر به این سامانه گزارش کنند.» «تجارت نیوز» اضافه کرد که اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این سامانه باید از داده‌های مرکز آمار ایران و اطلاعات کاربران در سکوهای داخلی تأمین شود. این گزارش افزوده بود ورود به حریم خصوصی کاربران، بی‌اعتمادی کاربران به سایت‌ها، اپلیکیشن‌ها و بطور کل پایگاه‌های دارای داده از جمله آسیب‌هایی است که تصویب این ماده و راه‌اندازی سامانه رصد سبک زندگی مردم به دنبال خواهد داشت. غلامرضا نوری قزلبچه از جمله نمایندگان مخالف این طرح بود که اخطار داد: «در این بند ذکر شده که به صورت برخط [آنلاین] سبک زندگی مردم و داده‌ها و اطلاعات افراد در یکجا رصد و پایش شود. اما در اصل ۲۵ قانون اساسی گفته شده [فقط] با حکم قانون این امکان وجود دارد.» این نماینده مجلس افزوده بود که «اگر اکنون ما اینجا قانونگذاری کنیم ممکن است امکان تجسس در اطلاعات شخصی افراد فراهم شود. اگر هدف آینده‌پژوهی باشد باید اطلاعات جمعی افراد مورد بررسی قرار گیرد و نباید بررسی لحظه به لحظه اطلاعات هر فرد صورت گیرد. با تکیه بر اطلاعات جمعی نیز می‌توان آینده‌پژوهی انجام داد.» طرح به اصطلاح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» یکی از مهم‌ترین طرح‌های جمهوری اسلامی در رابطه با محدود ساختن و سرکوب شهروندان در فضای مجازی است. این طرح با ادعای حمایت از کاربران

پیام‌رسان‌های داخلی، خارجی و شبکه‌های نمایش خانگی انتقادات جدی دارند.» او همچنین گفته همه «انسان رسانه‌ها و کانال‌های با بیش از پنج هزار عضو» باید در این سامانه ثبت شوند. او این اقدام را «گام مهمی» ارزیابی کرده است. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با بیان اینکه شورای عالی فضای مجازی در این باره مصوبه دارد، تصریح کرد: «بر همین اساس این اقدام الزام قانونی دارد و از طرفی هیئت نظارت بر مطبوعات، خبرگزاری‌ها و پیام رسانه‌ها نسبت به این موضوع هم مسئولیت دارد.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزوده این وزارتخانه «مسئولیت نظارت بر همه مجوزهایی که در فضای حقیقی برعهده دارد را در فضای مجازی نیز برعهده‌دار است، که از جمله آن می‌توان به حوزه نمایش خانگی اشاره کرد.» او در ادامه مدعی شده که «مردم از میزان نظارت بر حوزه نمایش خانگی گلایه دارند و البته باید توجه داشت در مورد این مسأله مشکل حقوقی وجود داشت؛ نظارت بر این حوزه را در مجموعه سازمان سینمایی متمرکز می‌کنیم که تحولی مهم خواهد بود.» رصد و سرکوب شهروندان در شبکه‌های اجتماعی سال‌هاست مورد توجه جمهوری اسلامی بود و به اشکال مختلف ادامه داشته است. از سال گذشته و پس اعتراضات جنبش ملی دستورات عملی و مصوبات بیشتری برای محدود ساختن فعالیت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی در دستور کار نهادهای مختلف حکومت قرار گرفت. نمایندگان مجلس شورای اسلامی آبان امسال راه‌اندازی سامانه‌ای را برای «رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» تصویب کردند. این مصوبه در جریان بررسی جزئیات لایحه برنامه هفتم توسعه مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با ۱۶۲ رأی موافق، ۱۰ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۰

وزیر ارشاد اسلامی با بیان اینکه «همه دلسوزان در مورد پیام‌رسان‌های داخلی، خارجی و شبکه‌های نمایش خانگی انتقادات جدی دارند» مدعی شده «در فضای مجازی مردم باید عهده‌دار امر نظارت باشند!» از سال گذشته پس از اعتراضات جنبش ملی دستورات عملی و مصوبات بیشتری برای محدود ساختن فعالیت شهروندان در شبکه‌های اجتماعی در دستور کار نهادهای مختلف حکومت قرار گرفت. طرح به اصطلاح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» یکی از مهم‌ترین طرح‌های جمهوری اسلامی در رابطه با محدود ساختن و سرکوب شهروندان در فضای مجازی است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از راه‌اندازی سامانه‌ای با عنوان «سامانه مردمی نظارت بر فضای مجازی» خبر داده که طی سه ماه آینده رونمایی و فعال می‌شود تا از این طریق نظارت بر عملکرد شهروندان در شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد. محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ در حاشیه حضور در مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری از راه‌اندازی «سامانه مردمی نظارت بر فضای مجازی» خبر داد و گفت: «این سامانه در سه ماه آینده رونمایی می‌شود و در همه حوزه‌ها می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم چرا که حکمرانی در حوزه فرهنگی در حال پوست اندازی است و از تصدی‌گری دستگاه‌های حاکمیتی به سوی میدان‌داری مردم حرکت می‌کنیم.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته «در دو سال گذشته در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه این سیاست را به خوبی جلو بردیم و در همه بخش‌ها تلاش می‌کنیم مسیر ورود موثر مردم به حوزه مدیریت فرهنگی را تسهیل کنیم.» محمدمهدی اسماعیلی مدعی شده که «در فضای مجازی مردم باید عهده‌دار امر نظارت باشند و برای ارتقای وضع موجود تلاش کنند» و افزوده که «همه دلسوزان در مورد

به کار گرفتن معلمان بازنشسته در کنار تلاش آموزش و پرورش برای تبدیل مدرسه به مکتب: بدون کفش وارد شوید!



قید می‌شود و مبلغ کمی بابت اضافه کار به آنها پرداخت می‌کنند، به همین دلیل به کار گرفتن این نیروها اولویت آموزش پرورش است. البته نیروهای بازنشسته خودشان را برای این مبلغ ناچیز گرفتار نمی‌کنند.

وی به مدرسان «طرح امین» اشاره کرد که بر اساس مجوز اخیر مجلس شورای اسلامی قرار است به عنوان نیروی حق التدریس مشغول به کار شوند: «طلبه‌ها و نورچشمی‌های نظام تا پارسل در بین نیروهای حق التدریس جایی نداشتند ولی ظاهراً قرار است بر اساس این تصمیم به عنوان معلم دینی یا قرآن به صورت حق التدریس تدریس کنند.»

این معلم ابراز امیدواری کرد که آموزش و پرورش جایی برای نیروهای خرید خدمات باز کند که چندین سال زحمت کشیدند و در زمینه تدریس تجربه‌های فراوانی دارند.

در همین ارتباط ۲۳ آذرماه وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده بود: «وزارت آموزش و پرورش ۲۰۰ هزار معلم نیاز داشته که برای جبران کمبود معلم امسال ۷۰ هزار نفر جذب شدند که در میان آنها ۵۸۰۰ نیروی جهادی و ۱۳۰۰ مربی قرآن بودند.»

مراد صحرائی با بیان اینکه با حضور طلاب در مدارس برنامه‌های تربیتی دانش‌آموزان دنبال می‌شود گفته بود: «۲۵ هزار نفر از طلاب جذب آموزش و پرورش شدند که این امر می‌تواند در راستای تقویت بنیه اعتقادی دانش‌آموزان موثر باشد.»

بدون کفش وارد شوید!

در این میان، در حالی که بسیاری از مدارس ایران در شهرهای بزرگ با کمبود امکانات آموزشی از جمله کمبود معلم مواجه هستند و در روستاهای کوچک هم اساساً چیزی به عنوان مدرسه با استانداردهای معمول

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی وزارت آموزش و پرورش را مجاز به استفاده از معلمان بازنشسته به صورت حق التدریس کردند.

● یک معلم مقطع دبیرستان ساکن کرج که از ده سال پیش به صورت خرید خدمات در یکی از مدارس این شهر تدریس می‌کند در این زمینه به کیهان لندن می‌گوید: «مدام از معلمین بازنشسته دعوت به کار می‌کنند چون ابلاغی که برای آنها صادر می‌شود بجای ۲۴ ساعت ۲۰ ساعت قید می‌شود و مبلغ کمی بابت اضافه کار به آنها پرداخت می‌کنند، به همین دلیل به کار گرفتن این نیروها اولویت آموزش پرورش است. البته نیروهای بازنشسته خودشان را برای این مبلغ ناچیز گرفتار نمی‌کنند.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی نوبت صبح شنبه ۷ بهمن‌ماه در جریان بررسی بخش هزینه‌ای لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور، با بند (خ) تبصره (۱۵) ماده واحده این لایحه موافقت کردند.

در بند (خ) تبصره (۱۵) ماده واحده این لایحه آمده است: «وزارت آموزش و پرورش در صورت نیاز، مجاز است نسبت به به‌کارگیری معلمان بازنشسته (تا ۲۴ ساعت در هفته) و افراد دارای سابقه خرید خدمتی و حق التدریس در وزارت آموزش و پرورش و آموزشیاران و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی، مدرسین طرح امین و معلمان قرآنی، به صورت حق التدریس اقدام نماید.»

یک معلم مقطع دبیرستان ساکن کرج که از ده سال پیش به صورت خرید خدمات در یکی از مدارس این شهر تدریس می‌کند در این زمینه به کیهان لندن می‌گوید: «مدام از معلمین بازنشسته دعوت به کار می‌کنند چون ابلاغی که برای آنها صادر می‌شود بجای ۲۴ ساعت ۲۰ ساعت

→ فضای مجازی اما برای محدودیت پلتفرم‌ها و رصد فعالیت اینترنتی شهروندان تدوین شده ولی به گفته برخی نمایندگان در حالی که در مجلس به تصویب قطعی نرسیده عملاً در حال اجراست.

در حالی که بر اساس آخرین اعلام رسمی بررسی طرح صیانت در مجلس شورای اسلامی مدت‌هاست متوقف شده، هفته گذشته مرتضی آقائهرانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و البته رئیس شورای مرکزی «جبهه پایداری» مدعی شد که طرح معروف صیانت در مراحل پایانی بررسی در مجلس است!

غلامرضا نوری قزلقه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی امروز در گفتگو با «اعتماد» گفته که «آخرین جلسه رسمی این کمیسیون که سیزدهمین جلسه نیز بوده، یک سال قبل تشکیل شده و یک سال قبل که همزمان با ارایه گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس بود و تنش جدی در جلسه کمیسیون پیش آمد.»

نوری قزلقه توضیح داده که «از آن زمان تا امروز هیچ جلسه دیگری در این باره تشکیل نشده البته تقلاهای زیادی برای تشکیل جلسه و ادامه بررسی طرح صورت گرفته که هم غیرقانونی و هم بی‌نتیجه بوده است.»

غلامرضا نوری قزلقه همچنین افزوده «بخش زیادی از محتوای طرح صیانت در حال حاضر توسط شورای عالی فضای مجازی مصوب شد و در حال اجراست و برخی مواد این طرح نیز در لایحه بودجه آمده و در حال بررسی است.» عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت همچنین تأکید کرده که «آنچه امروز اجرا می‌شود، مصوبه مجلس نیست و این کاهش سرعت و فیلترینگ گسترده و مواردی از این دست به خاطر شرایط اضطرار و براساس مقرره‌های نهادی هستند که «نهاد رسمی قانونگذاری» نیستند و اجرای خودشان نیز به منزله اجرای یک قانون نیست، چراکه در شرایط فعلی امکان اصلاح این بخشنامه‌ها و برگشت رویه وجود دارد.»

الاهه بقراط سردبیر «کیهان لندن» پیشتر در سرمقاله روز جمعه ۱۵ مهر ۱۴۰۱ کیهان لندن تأکید کرده بود که محدود ساختن اینترنت و رصد و سرکوب شهروندان در فضای مجازی تحت عنوان «طرح صیانت» یا هر اقدام دیگری نمی‌تواند از سقوط جمهوری اسلامی جلوگیری کند.

سردبیر کیهان لندن نوشته بود: «چند جنبش اجتماعی و انقلاب آزادیخواهی می‌شناسید که علت شکل گرفتن، وقوع و یا تداوم آنها به «اینترنت» وابسته باشد! البته وجود اینترنت آزاد و سریع یک امکان بی‌نظیر برای اطلاع‌رسانی و ارتباطات است. اما آیا اگر نباشد و یا محدود باشد، اطلاع‌رسانی و ارتباطات متوقف می‌شود؟! قطعاً نه! گذشته از اینکه همزمان راه‌های غلبه بر این محدودیت‌ها نیز همواره ارائه می‌شود.»

در این مطلب همچنین آمده بود که «در تمام زمانی که اینترنت نیز با همه محدودیت‌های تحمیلی در اختیار مردم بوده، سبب شکل گرفتن اعتراضات نشده که حالا با «طرح صیانت» و «اینترنت داخلی» و قطع آن از شبکه جهانی بتوان اعتراضات را خاموش کرد! تنها فایده‌اش برای رژیم این است که صحنه‌های سرکوب و جنایات آن شاید دیرتر منتشر شود!»

الاهه بقراط تأکید کرده بود که «طرح صیانت» شمشیر چوبین مقابله با اعتراضاتی است که علت شکل گرفتن و تداوم و فرا رویدن آن به یک انقلاب ملی، خود جمهوری اسلامی است! وگرنه اطلاع‌رسانی و ارتباطات بین مردم همانطور که در دوران پیش از اینترنت انجام می‌شده، باز هم از راه‌های موجود و ممکن انجام خواهد شد!

دستاوردهای تباه جمهوری اسلامی پدیده «بازنشستگان دو شغله» در جامعه‌ی زیر خط فقر

● به گفته عضو کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران با پدیده نوظهور «بازنشستگان دو شغله» بسیاری از بازنشستگان به سراغ مشاغل غیررسمی و کاذب در دوران استراحت خود رفته‌اند.

● سال‌هاست رقم تعیین شده در کمیته دستمزد هیچ تناسبی با خط فقر یا رقم هزینه سبد معیشت ندارد و همواره مبلغ تعیین شده زیر خط فقر قرار داشته است.

● یکی از عوارض فاصله زیاد میان دستمزد کارگران و هزینه‌های زندگی، فرار اقشار کارگری از بازار کار رسمی و اشتغال در مشاغل کاذب و یا مهاجرت کاری به کشورهای همسایه است.

درآمدهای ناچیز سبب بازگشت بازنشستگان به بازار کار شده تا شاید بتوانند ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی خود را تأمین کنند. در این میان پدیده جدید «بازنشستگان دو شغله» در بازار کار ایران ظهور کرده است.

علی دهقان کیا رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران با اشاره به رقم ناکافی و ناچیز حقوق بازنشستگان و مستمیری بگیران تأمین اجتماعی گفته در همین سال ۱۴۰۲ که هزینه سبد معیشت خانوار شهری حداقل ۲۰ میلیون تومان بود، بازنشستگان ۶ میلیون تومان به عنوان حداقل بگیر دریافت کردند.

در چنین شرایطی به گفته این فعال صنفی با پدیده نوظهور «بازنشستگان دو شغله» بسیاری از بازنشستگان تأمین اجتماعی به سراغ مشاغل غیررسمی و کاذب در دوران استراحت خود رفته‌اند.

این فعال صنفی تأکید کرده که «بازنشستگان ما امروزه برای بقای خود و خانواده خویش راهی جز این ندارند که باوجود این میزان مستمری، مشاغل غیررسمی، کاذب و امثال آن را داشته باشند و بسیاری ساعت‌ها با وضعیت جسمانی نامناسب رانندگی می‌کنند. این روزها مستمری یک سوم خط فقر، بازنشستگان ما را دو شغله کرده است.» رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران با تأکید بر اختلاف زیادی که میان رقم دستمزد و رقم حقوق بازنشستگی وجود دارد گفته که «فلسفه وجودی مستمری بازماندگان این بود که خانواده بازنشسته یا کارگر متوفی دچار آسیب‌های اجتماعی نشوند اما ما گزارشات بسیاری داریم که به دلیل مشکلات مالی ناشی از نامکفی بودن مستمری این خانواده‌ها نیز همگی دچار معضلات بزهکاری ناشی از مشکلات معیشتی شده و وارد فرآیند آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی ناگوار شدند. در چنین شرایطی کدام مقام و مسئول پاسخگوی چنین شرایطی است که فردی حقوق نیز دریافت کند اما به چنان

خبر داده و گفته بود مدیران مدارس باید برای نماز جماعت آموزش ببینند.

مشقات رفتن به مدرسه

این تغییرات همراه با فشار ایدئولوژیک در حالی با شتاب در مدارس کشور در حال اجراء است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی رفت‌وآمد دانش‌آموزان و معلمان مناطق دورافتاده به مدارس همچنان با دشواری انجام می‌شود و تاکنون خبرهای بی‌شماری از وقوع حوادث برای معلمان یا دانش‌آموزان در مسیر رفت یا برگشت از مدرسه منتشر شده است.

روزنامه هم میهن روز ۷ بهمن با انتشار گزارشی با



این مضمون به نقل از انور فرج‌زاده، معلم بازنشسته نوشت: «درصد بالایی از مدارس استان کردستان در مناطق کوهستانی واقع شده و جاده‌های این مناطق صعب‌العبور هستند. بیشتر معلمان این مناطق چاره‌ای جز تردد در این جاده‌ها ندارند به این معنی که صبح‌ها برای تدریس به مناطق روستایی می‌روند و بعد از پایان ساعت کاری، به محل زندگی خود در شهر بازمی‌گردند.»

علیرضا دمساز، یکی از معلمان استان کهگیلویه و بویراحمد نیز در این زمینه گفته است: «در این استان روستاهایی که مقطع متوسطه دارند، بسیار پراکنده‌اند و سختی‌های تردد به این مدارس، آمار ترک تحصیل دانش‌آموزان، به‌ویژه دختران را بالا برده است.»

هرچند کمبود کلاس درس در مناطق دورافتاده و استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان بیشتر است اما حتی در کلانشهرها و استان‌های مرکزی کشور هم جمهوری اسلامی نتوانسته کمبود کلاس درس را برطرف کند. از جمله دانش‌آموزان در منطقه دشتیاری استان سیستان و بلوچستان که دارای خطرناک‌ترین جاده‌های کشور است برای رسیدن به کلاس درس از بین گاندوها، رودخانه‌ها و جاده‌های خطرناک عبور می‌کنند.

جدا از مشکلات مرتبط به نوسازی مدارس فرسوده و وجود سداها کپور و کانکس برای تحصیل دانش‌آموزان در سال تحصیلی جاری بازماندن ۴ میلیون دانش‌آموز از تحصیل نیز یکی دیگر از مشکلات آموزش و پرورش در سال تحصیلی جدید اعلام شده است.

→ یک محیط آموزشی وجود ندارد، در راستای پیوند مدارس با مساجد که از برنامه‌های هدف‌گذاری شده آموزش و پرورش است، طرحی با عنوان «مدرسه بدون کفش یا مفروش» با شعار «مدرسه، خانه اول» در روستاهای منطقه مهربان آذربایجان شرقی در حال انجام است. انتشار این عکس، کلاسی بدون میز و نیمکت یادآور طرح «مدارس مسجدمحور» است که به‌طور حتم به کاهش بیشتر کیفیت آموزش در این مدارس منجر می‌شود.

به گفته یوسف جوادیان، سرپرست آموزش و پرورش منطقه مهربان، هفت مدرسه از ۳۳ باب مدرسه روستایی منطقه مهربان در مرحله اول این اقدام موکت‌بندی و فرش‌بندی شده است.

منعطف‌سازی محیط مدرسه، ایجاد حس آرامش، کاهش قسمتی از هزینه‌های نظافت مدرسه، آرامش صوتی محیطی، قدرت مانور، تحرک و انعطاف بیشتر دانش‌آموزان، رفع آلودگی و رعایت بهداشت محیط نیز از دیگر اهداف فرش و منعطف‌سازی محیط مدرسه، ایجاد حس آرامش، کاهش قسمتی از هزینه‌های نظافت مدرسه، آرامش صوتی محیطی، قدرت مانور، تحرک و انعطاف بیشتر دانش‌آموزان، رفع آلودگی و رعایت بهداشت محیط نیز از دیگر اهداف فرش و موکت‌بندی مدارس این منطقه به‌شمار می‌آید.

در همین ارتباط وزیر آموزش و پرورش ۲۲ دی‌ماه ارتباط مسجد و مدرسه را یک تکلیف دانسته و ادعا کرده بود که ۳۶۰۰ مسجد کشور با مدارس پیوند تنگاتنگ دارند!

به گفته رضا مراد صحرایی امسال برای ارتباط ۹ هزار مسجد دیگر هدف‌گذاری شده است.

اصغر باقرزاده معاون وزیر آموزش و پرورش نیز هفته نخست مهرماه به خبرگزاری «ایلنا» گفته بود که در کنار «محرم‌سازی» مدارس دخترانه باید فضایی ایجاد شود که در بیرون از مدرسه نیز حجاب را رعایت کنند.

محمدحسین پورثانی مدیرکل فرهنگی هنری اردوها و فضای پرورشی وزارت آموزش و پرورش نیز از اجرای طرح‌هایی در ارتباط با توسعه و ترویج فرهنگ «عفاف و حجاب» خبر داده و گفته بود: «طرح اردویی «مهر و ماه» با الگوی عفاف و حجاب آماده شده که تا ۲۴ ساعت بچه‌ها در یک اردوی محرم‌سازی شده شرکت می‌کنند.»

او از طرح دیگری با عنوان طرح «تربیت مربی زیست عقیفانه» به عنوان یکی دیگر از برنامه‌های آموزش و پرورش خبر داده و گفته بود که «در این طرح از هر استان ۴ نفر متناسب با شاخص‌های اعلام شده به تهران می‌آیند و دوره‌ای برگزار می‌شود تا این افراد مدرس طرح زیست عقیفانه شوند. همچنین طرح تقدیر از دانش‌آموزان دختر محجبه با هدف الگوسازی نیز از دیگر اقدامات است که در بحث توسعه فرهنگ عفاف و حجاب اجرا می‌شود.»

طرح «جت» نام طرح دیگری برای تحمیل فشارهای ایدئولوژیک بر دانش‌آموزان ایران است که به گفته محمدحسین پورثانی این طرح «با عنوان جهاد تبیین و با موضوع دختران اجرا می‌شود» و «دانش‌آموزان در این طرح کتاب بی‌پرده با حجاب را در مدرسه مطالعه می‌کنند تا با یکدیگر به یک اثر هنری برسند و یک هسته و گروه ویژه در مدارس ایجاد شود تا نسبت به مسئله حجاب در مدارس اقدام شود.»

در راستای اجرای اهداف ایدئولوژیک نظام در ماه‌های گذشته برنامه‌های جدیدی برای شستشوی مغزی دانش‌آموزان در دستور کار حکومت قرار گرفته است. یکی از این برنامه‌ها داشتن «زنگ نماز» در برنامه آموزشی مدارس است. میکائیل باقری مدیرکل قرآن آموزش و پرورش به تازگی از برگزاری اجباری نماز جماعت در مدارس ابتدایی

وضعیتی دچار شود که نتوان حتی شرح آن را بیان کرد؟»

او در ادامه افزوده که «بسیاری از بازنشستگان و بازنماندگان دقیقاً در همان شرایط دریافت مستمری اندک، اصلی‌ترین مخارج تهیه جهیزیه، هزینه دانشگاه و ازدواج فرزندان خود را دارند و چنین وضعیتی عملاً برای خانوارها کمرشکن خواهد بود.»

علی دهقان کیا همچنین گفته‌امی دانیم چگونه به مسئولان سخن بگوییم که در این زمینه باید به نحو دیگری عمل کنند و نمی‌دانیم چطور سخن بگوییم تا شاید به عده‌ای بر بخورد! دستمزدهایی زیر خط فقر موضوعی است که سال‌هاست از سوی فعالان کارگری و بازنشستگان تأمین اجتماعی مطرح می‌شود و از سوی دولت هم نادیده گرفته می‌شود.

رقم حداقل دستمزد که معیار پرداخت حقوق کارگران و بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی است از سوی کمیته‌ای با عنوان «کمیته دستمزد» در شورای عالی کار، از زیرمجموعه‌های وزارت کار، تعیین می‌شود. زمستان هر سال، اعضای این کمیته که متشکل از نمایندگان دولت، نمایندگان کارفرمایان و نمایندگان گزینشی به عنوان نمایندگان کارگران هستند رقم دستمزد سال بعد را مشخص می‌کنند.

سال‌هاست رقم تعیین شده در این کمیته هیچ تناسبی با خط فقر یا رقم هزینه سبد معیشت ندارد و همواره دستمزد تعیین شده زیر خط فقر قرار داشته است. ادامه این روند برای چند سال پیاپی سبب شده اقشار کارگری و همچنین بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی به زیر خط فقر رانده شده و هر سال هم بیشتر به فقر فرو بروند. امسال نیز در حالی نشست‌های کمیته دستمزد آغاز شده که فعالان کارگری و بازنشسته تلاش دارند شرایط دشوار معیشتی این قشر را توضیح داده و تلاش کنند رقم حداقل دستمزد متناسب با تورم تعیین شود. در سال ۱۴۰۲ رقم حداقل دستمزد برای کارگری که همه مزایای شغلی از حق اولاد تا حق مسکن را دریافت کند تنها برابر با ۸.۵ میلیون تومان بود. این در حالیست که رقم هزینه معیشت ماهانه برای یک خانوار سه تا چهار نفره در تهران حدود ۳۰ میلیون تومان و بطور میانگین در شهرهای دیگر ۲۰ میلیون تومان ارزیابی شده بود. این رقم به تازگی از سوی کارشناسان برای تهران معادل ۴۰ میلیون تومان محاسبه شده است.

اکنون دولت به دنبال افزایش نهایتاً ۲۰ درصدی دستمزد در سال آینده است. در اینصورت دریافتی کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی در محدوده ۱۰ میلیون تومان خواهد بود که باز هم اختلاف عجیبی با هزینه‌های زندگی در کشور خواهد داشت. فعالان کارگری می‌گویند همین حالا هم رقم دستمزد در نهایت هزینه‌های یک هفته تا ۱۰ روز یک خانواده کارگری یا بازنشسته تأمین اجتماعی را پوشش می‌دهد. منابع کارگری معتقدند اگر قرار باشد سال آینده حداقل دستمزد کارگران به رقم خط فقر امسال برسد، باید در سال آینده دستمزدها بیش از ۲۰ درصد نسبت به امسال افزایش پیدا کند.

در همین رابطه عبدالله وطنخواه فعال کارگری پیشتر به خبرنگاری «ایلنا» گفته بود که «کارگران دو یا سه بار زیر خط فقر زندگی می‌کنند و دیگر با روزی ۸ یا حتی ۱۲ ساعت کار کردن نمی‌توانند سفره‌ی خانواده‌ی خود را تأمین کنند»، ارائه‌ی پیشنهاد افزایش ۱۸ و ۲۰ درصدی حقوق‌ها در سال آینده از سوی دولت، نشانه‌هایی از بدتر شدن اوضاع است آنگونه که به قول وطنخواه «خرید نان و تخم مرغ هم برای مزدبگیران دشوار خواهد شد؛ به عبارتی فرد شاغل باید هفته‌ای ۵۰ یا ۶۰ ساعت کار کند تا فقط اجاره خانه بدهد و نان خالی بخرد و به خانه برسد...»



گذشته افزایش داشته تأکید کرد که این روند، موجب شده تا «دستمزد واقعی کارگران» از همان ابتدا تا کنون نصف شود. عیدعلی کریمی دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین نیز به خبرنگاری «ایلنا» گفته در نتیجه نامناسب بودن دستمزد، نیروهای فعال از کار در واحدهای تولیدی اجتناب می‌کنند و در نتیجه به اتباع بیگانه رجوع شده که تبعات اجتماعی و سیاسی خواهد داشت.

این فعال کارگری افزوده که نیروی کار به خاطر حقوق‌های هفت و هشت میلیونی که کفاف زندگی را نمی‌دهد، مجبور می‌شود برای کارگری به کشورهای همسایه برود و در نتیجه در داخل، واحدهای تولیدی با بحران روبه‌رو خواهند شد.

علی رضایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز با تأیید عدم تمایل نیروی کار به استخدام گفته که «خالی شدن برخی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و حتی ادارات از نیروهای کاربلد، حاصل تورم عجیب و غریب و افزایش اندک حقوق این افراد و گرایش آنها به مشاغل کاذب است. به معنای واقعی کلمه فضای تولید خالی از کارگر شده است.» به گفته این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی حقوق و دستمزد باید براساس واقعیت‌های جامعه باشد، در غیر این صورت، اگر کارگر و کارمند، انگیزه کافی نداشته باشند، موجب نارضایتی شده و باعث می‌شود که شخص به کارش دل نبندد و به مشاغل کاذب برگردد.

او تأکید کرده که «در سال‌های اخیر، خیلی از کارگران و کارمندان، کار اصلی خود را رها کردند و سر از کارهای کاذب و حتی دلالی درآوردند.»

علی رضایی معتقد است که کارگر و کارمند وقتی می‌بیند در خرج زندگی روزمره خود مانده، مجبور است، فکر اساسی برای خود بردارد. خالی شدن برخی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و حتی ادارات از برخی نیروهای کاربلد، حاصل تورم عجیب و غریب و افزایش اندک حقوق این افراد است. این روند، ضربه‌ای مهلک به اقتصاد کشور است و از طرفی، مسیر اقتصاد غیرمولد، پررنگ‌تر از همیشه خواهد شد.

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی «وقتی کارگران در فضای کارگاه و کارخانه به اندازه کافی درآمد نداشته باشند ترجیح می‌دهند وارد مشاغلی شوند که درآمدی متناسب با تورم داشته باشند، همین موضوع باعث رشد مشاغل کاذب و از سوی دیگر ضربه به فضای تولید می‌شود.»

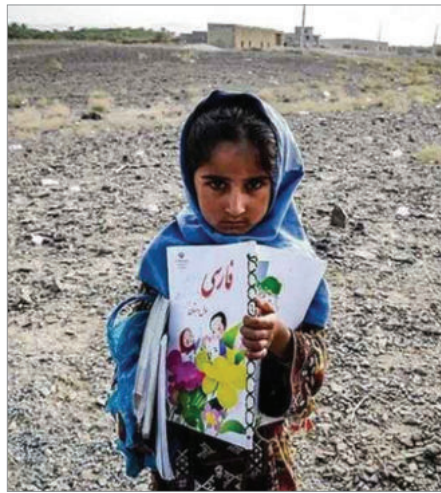
به گفته این فعال کارگری «دولت معمولاً با اعدادی حول و حوش اقدام پیشنهادی بودجه به نشست‌های مزدی شورایی عالی کار می‌آید؛ کارگران نیز توان چانه‌زنی آزادانه و قدرتمند ندارند؛ در چنین شرایطی افزایش ۲۰ درصدی مستمری بازنشستگان و ۱۸ درصدی حقوق شاغلان، نشانه‌ای از تلاش هرچه بیشتر برای حقوق‌زدایی از طبقه‌ی کارگر و سلب حداقل‌های قانونی‌ست و وقتی این اعداد لایحه‌ی بودجه را کنار افزایش سن و سابقه بازنشستگی قرار می‌دهیم، تازه خوب متوجه می‌شویم که چه خوابی برایشان دیده‌اند...» عبدالله وطنخواه تأکید کرده بود که «اگر حداقل مزد و مستمری را در سال جاری حدود ۹ میلیون تومان در نظر بگیریم، با افزایش ۲۰ درصدی پیشنهادی دولت، رقم دستمزد سال آینده به ۱۱ میلیون تومان هم نمی‌رسد؛ امروز خط فقر به خصوص در کلانشهرها حداقل ۲۵ میلیون تومان است و حالا اگر فرض کنیم -فرض تقریباً محال- که هزینه‌های زندگی و خط فقر تا سال بعد ثابت می‌ماند، با افزایش ۲۰ درصدی، مزد و مستمری ۱۱ میلیون تومانی، فقط ۴۴ درصد خط فقر (درواقع خط فقر امسال) خواهد بود.»

اینهمه در حالیست که پیش‌بینی کارشناسان اقتصادی نیز نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ به دلیل شیوه بودجه‌نویسی دولت و افزایش کسری بودجه، تورم و گرانی افزایش بیشتری نسبت به امسال خواهد داشت.

یکی از عوارض فاصله زیاد میان دستمزد کارگران و هزینه‌های زندگی، فرار اقشار کارگری از بازار کار رسمی و اشتغال در مشاغل کاذب و یا مهاجرت کاری به کشورهای همسایه است. این موضوع تولید و صنعت را نیز در ایران تحت تأثیر قرار داده و کارفرمایان زیادی برای تأمین کارگر دچار مشکل هستند. اولیاء علی‌بیگی دبیر اجرایی خانه کارگر استان کرمانشاه در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» از وضعیت معیشتی کارگران ابراز نگرانی کرده و گفته که «حقوق دریافتی کارگران در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، کفاف مخارج ۱۰ روز زندگی آن‌ها را می‌دهد.»

اولیاء علی‌بیگی با بیان اینکه «تورم و مشکلات موجود در جامعه» علاوه بر «کاهش امید به آینده و سخت‌تر شدن زندگی برای کارگران»، باعث افت راندمان کاری شده، افزوده که «نتیجه وضعیت کنونی، کندی توسعه چرخ اقتصاد» است. این فعال کارگری همچنین با اشاره به اینکه حداقل دستمزد در سال جاری فقط ۲۰ درصد نسبت به سال

ترک تحصیل دختران به دلیل عدم دسترسی به امکانات آموزشی؛ شکاف جنسیتی در اشتغال



● فقر و نبود امکانات هم سبب بازماندن کودکان از تحصیل می‌شود و هم آمار ورود به دانشگاه و دسترسی به آموزش عالی، و همچنین ورود به بازار کار را تحت تأثیر قرار داده است.

● رضا امیدی جامعه‌شناس «سه عامل فقر، دسترسی نداشتن به مدرسه و معلولیت» را عامل بازماندن از تحصیل کودکان عنوان کرده است.

● معصومه پازوکی معاون وزیر آموزش و پرورش مدتی پیش اعلام کرده بود که حدود ۳۰ هزار نفر از آمار کل بازماندگان از تحصیل، کودکانی هستند که به دلیل محرومیت امکان رفتن به مدرسه را ندارند.

معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده با اشاره به بالاتر بودن آمار ترک تحصیل دختران نسبت به پسران گفته یکی از دلایل اصلی این موضوع عدم دسترسی دختران به امکانات آموزشی است.

انسیه خزعلی معاون رئیس جمهوری اسلامی در امور زنان و خانواده گفته در استان‌ها جنسیت دانش‌آموزانی که ترک تحصیل می‌کنند با یکدیگر متفاوت است؛ در برخی استان‌ها دختران بیشتر ترک تحصیل کرده‌اند و در بعضی از استان‌ها آمار پسران بیشتر است. بنابراین بر اساس مطالعاتی که صورت گرفته، بازماندگی از تحصیل منحصر به یک جنس نیست و خیلی وقت‌ها می‌بینیم که در مواردی ترک تحصیل پسران به دلایل مختلف بیشتر هم بوده است.

معاون ابراهیم رئیسی تأکید کرده در مورد ترک تحصیل دختران بیشترین عامل مربوط به دسترسی نداشتن به امکانات آموزشی است.

او توضیح داده که «به عنوان نمونه در مناطق روستایی در صورتی که چند روستای نزدیک به هم هستند، شرایطی را باید فراهم کرد که دختران به روستای مرکزی یا شهر مجاور مراجعه کنند و لازم است در خصوص این دختران هزینه خوابگاه و حمل و نقل را تسهیل کنیم که به چنین دلایلی از تحصیل باز نمانند.» معاون رئیسی در امور زنان و خانواده همچنین مدعی شده «در سفرهایی که به استان‌های مختلف کشور داریم، یکی از مباحث مورد تأکید بحث دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل است و یکی از بودجه‌هایی که تصویب می‌شود، در راستای بازماندگان و ترک تحصیل کنندگان است.»

آمار بالاتر ترک تحصیل در میان دختران نسبت به پسران به ویژه در استان‌های محروم‌تر مانند سیستان و بلوچستان به دلیل عدم دسترسی به امکانات آموزشی بیشتر نیز مطرح شده بود. معصومه پازوکی معاون وزیر آموزش و پرورش مدتی پیش اعلام کرده بود که حدود ۳۰ هزار نفر از آمار کل بازماندگان از تحصیل، کودکانی هستند که به دلیل محرومیت امکان رفتن به مدرسه ندارند.

معاون وزیر آموزش و پرورش گفته بود بر این اساس وقتی آمار بازماندگان از تحصیل را واقعی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که تعداد به آن صورت تکان‌دهنده نیست!

رضا امیدی جامعه‌شناس نیز «سه عامل فقر، دسترسی نداشتن به مدرسه و معلولیت» را عامل بازماندگی از تحصیل کودکان عنوان کرده است. این جامعه‌شناس توضیح داده که «اولین عامل، فقر است. این مسئله در ایران بسیار هم جدی است. فقر همان عامل بازماندگی موقت از تحصیل است، هم بازماندگی دائمی. بازماندگی موقت به این معنا که شواهد زیادی وجود دارد که در خانواده‌های فقیر و با توجه به شرایط متفاوت استان‌ها، تعداد زیادی از کودکان به‌ویژه پسران در مزارع و گلخانه‌ها کار می‌کنند. برای مثال در برخی استان‌ها که برداشت محصول در فصل پاییز صورت می‌گیرد، می‌بینیم که علی‌رغم ثبت‌نام کودکان در مدارس، حدود دو یا سه ماه به مدرسه نمی‌روند.» به گفته رضا امیدی «عامل دوم، دسترسی به مدارس است. گزارش‌هایی مختلفی از در دسترس نبودن مدرسه داریم؛ به‌ویژه در مناطقی که پراکندگی جمعیت دارند.»

او افزوده که «سومین عامل، معلولیت است. معلولیت چه در دوران ابتدایی چه مقاطع بالاتر یک مسئله جدی است که با آن مواجه هستیم. حذف رفت‌وآمد رایگان باعث شده که خانواده بسیاری از افرادی که دارای معلولیت هستند، نتوانند این هزینه را تأمین کنند. در نتیجه ریزش در میان آنها بسیار زیاد است.» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم امسال در گزارش از بازماندگی تحصیل بیش از ۹۰۰ هزار کودک در ایران طی سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ خبر داد. جزئیات این گزارش نشان می‌دهد که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ تعداد بازماندگان از تحصیل حدود ۷۴۸ هزار نفر بودند. در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ اما تعداد آنها ۹۱۱ هزار و ۲۷۷ نفر رسید. به عبارتی طی ۶ سال بیش از ۲۱ درصد افزایش داشت. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه میزان بازماندن از تحصیل با سطح رفاه خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد، اعلام کرده که بیشترین میزان بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان بوده است. در استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۸ درصد از دانش‌آموزان از تحصیل بازمانده‌اند.

معصومه نجفی پازوکی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته که «در حوزه ابتدایی ۱۶۰ هزار دانش‌آموز به عنوان بازمانده از تحصیل معرفی شدند؛ پس لازم است که برای سایر دانش‌آموزان نیز نسبت به کیفیت آموزشی، دقت ویژه شود.»

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش همچنین از تفاوت کیفیت آموزشی در مناطق شهری و روستایی خبر داده و گفته بود که «نرخ تکرار پایه در حوزه معاونت آموزش ابتدایی را پایه اول تمام مدارس به خصوص مدارس روستایی است. مدارس روستایی، ۷۱ درصد از افرادی که شامل تکرار پایه شدند را تشکیل می‌دهند، پس اگر بخواهیم فرصت یادگیری عادلانه ایجاد کنیم، لازم است تا توجه ویژه به روستاها داشته باشیم.»

منظور از «تکرار پایه» همان مردودی یا رفوزگی است که به گفته این مقام وزارت آموزش و پرورش، بیشترین رفوزگی را دانش‌آموزان روستایی و به ویژه کلاس اولی‌ها تشکیل می‌دهند! در حالی که کودکان بسیاری به دلایل مختلف از جمله فقر و معلولیت از تحصیل محروم هستند، وزیر آموزش و پرورش به دنبال پیوند مدارس و مساجد است. رضامراد صحرایی از همان ابتدا که تصدی این وزارتخانه را به عهده گرفت بر حضور روحانیون در مدارس تأکید داشت. او در مصاحبه‌های بسیاری بر این دغدغه خود تأکید کرده است. برخی از کارشناسان حوزه آموزش، اما می‌گویند این روند می‌تواند به آموزش عمومی در کشور آسیب وارد کند. فقر و نبود امکانات در حالی سبب بازماندن کودکان از تحصیل می‌شود که حتی آمار ورود به دانشگاه و دسترسی به آموزش عالی، و همچنین ورود به بازار کار را نیز تحت تأثیر قرار داده و در نهایت سبب تعمیق شکاف جنسیتی اشتغال به زیان زنان می‌شود.

پیشتر منصور کیکانیان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی چندی پیش آمارهایی از سهم مدارس و دهک‌های اجتماعی در رتبه‌های زیر ۳ هزار کنکور منتشر کرد که نشان از عمق نابرابری آموزشی در ایران دارد. این آمارها می‌گوید، دهک اول، دوم و سوم که از آنها به عنوان کم‌برخوردار یاد می‌شود، تنها ۲ درصد از صندلی دانشگاه‌های معتبر را به خودشان اختصاص دادند و دهک ۸، ۹ و ۱۰ که برخوردارترین هستند، توانستند ۸۰ درصد از ۳ هزار رتبه اول کشور در کنکور را داشته باشند. در این میان سهم دانش‌آموزان مدارس غیردولتی ۸۰ درصد بود. آمارهای اشتغال نیز نشان از شکاف جنسیتی در حوزه کار و نرخ پایین‌تر اشتغال زنان از مردان دارد. آمارها نشان می‌دهند که در پاییز سال جاری، نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله در ۲۶ استان سیستان و بلوچستان بالای ۲۰ درصد است. بین نرخ برای مردان جوان در ۱۴ استان بالای این نرخ است.

در همین رابطه وبسایت «اگو ایران» در یک گزارش نوشته که در این گزارش استان سیستان و بلوچستان بالاترین نرخ بیکاری مردان جوان و استان کهگیلویه و بویراحمد بالاترین سطح این نرخ را برای زنان جوان دارند. در این گزارش آمده که در سوی دیگر این طیف، برای سه استان کشور از هر ۱۰۰ زن شاغل، حداکثر ۹ زن مشغول فعالیت صنعتی بوده است. طی تابستان جاری در استان ایلام ۷.۳ درصد از جمعیت زنان شاغل، به فعالیت صنعتی پرداخته‌اند. یعنی در این استان از هر ۱۰۰ شاغل ۷ نفر در بخش صنعت کار می‌کردند. استان کرمان با سهم ۷.۹ درصدی و استان کهگیلویه و بویراحمد با سهم ۹.۲ درصدی دو استان دیگری هستند که کمترین سهم اشتغال در صنعت را برای گروه بانوان رقم زده‌اند.

برهمنی اساس اعلام شده است که در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سمنان و چهارمحال و بختیاری نرخ بیکاری زنان جوان بالاتر از سایر استان‌های کشور است. برای مردان جوان نیز در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر بالاترین نرخ بیکاری را ثبت کرده‌اند. آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار نشان می‌دهد که نرخ بیکاری مردان جوان در پاییز سال جاری ۱۷/۵ درصد و این نرخ برای زنان در کل کشور ۲۸/۹ درصد بوده است.

بنزین ۸۰۰۰ تومانی در راه است؟

اینکه کارت جایگاهدار در جایگاه‌ها موجود است و مردم می‌توانند از کارت جایگاهدار استفاده کنند اما در سیستم و بلوچستان کارت سوخت جایگاهدار جمع‌آوری شده است. محمد سرگزی تأکید کرده که «باید سهمیه مردم سیستم و بلوچستان بازگردانده شود در غیر این صورت زندگی و معیشت مردم دچار مشکل می‌شود».

جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته نتوانسته در زمینه تولید و توزیع بنزین نیز مانند بسیاری دیگر از بخش‌های اقتصاد، اقدامات موثری انجام دهد. نتیجه این کم‌کاری، ایجاد ناترازی در بنزین بوده و مدت‌هاست که تولید بنزین در کشور خیلی کمتر از میزان مصرف است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در یک گزارش ناترازی بنزین در ایران را ۱۰ میلیون لیتر در روز برآورد و اعلام کرد که ایران سالانه سه میلیارد دلار بابت کسری بنزین زیان می‌بیند. این رقم معادل درآمد ایران از صادرات نفت طی یک ماه است.

این گزارش تأکید کرده بود که با تداوم وضعیت کنونی ایران در ۱۰ سال آینده باید ۲۵ میلیارد دلار، معادل نیمی از ظرفیت صادرات نفت را برای واردات بنزین هزینه کند؛ رقمی بزرگ که تأمین آن از توان حکومت خارج است.

ایران در حالیکه با منابع سرشار نفت می‌توانست یکی از بزرگترین تولیدکنندگان بنزین در جهان باشد حالاً در تأمین نیاز داخلی نیز ناتوان است و به واردکننده بنزین تبدیل شده است. در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز موضوع واردات بنزین و گازوئیل به طور رسمی گنجانده شده است. وبسایت «بازار» گزارش داده مسئولان وزارت نفت از واردات بنزین به عنوان تهاوت فرآورده‌های نفتی یاد می‌کنند و آمار رسمی از میزان واردات ارائه نمی‌دهند، با این وجود برآورد می‌شود که در سال جاری چیزی بالغ بر حداقل یک میلیارد دلار صرف تأمین بنزین وارداتی شده است و پیش‌بینی می‌شود این رقم برای سال آینده از مرز ۲ میلیارد دلار عبور کند.

همچنین اعلام شده که نمایندگان در جریان بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه، برای واردات بنزین به کشور از طریق خرید و یا تهاوت سقف ریالی تعیین کردند.

مالک شریعتی نایب نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در واکنش به گنجانده شدن منابعی برای واردات بنزین و گازوئیل در لایحه بودجه، در شبکه ایکس‌نوشت: «آنچه هشدار می‌دادم و می‌گفتمتد نکو، در بودجه ۱۴۰۳ آمد؛ واردات بنزین و گازوئیل. چقدر؟ فقط ۸۰ هزارمیلیارد تومان از منابع عمومی تبصره ۴/ از منابع هدفمندی نیز در تبصره ۸۵ پیش‌بینی شده. به جای مدیریت مصرف در خودروها، برای خودروهای پرمصرف و طبقات برخوردار، از جیب محرومین بنزین وارد می‌کنیم.» در نهایت به نظر می‌رسد دولت دیر یا زود افزایش قیمت بنزین را در دستور کار قرار خواهد داد. در همین رابطه علی سرزعی اقتصاددان معتقد است که «اگر افزایش قیمت بنزین که امری گریزناپذیر است امسال انجام شود بسیار بهتر از سال بعد است؛ زیرا امسال انتظارات تورمی پایین است و افزایش قابل توجه بنزین نمی‌تواند اثرات تورمی شدیدی داشته باشد.» علی سرزعی افزوده که «این نگرانی هست که سال بعد انتظارات تورمی بالاتر باشد و افزایش قیمت بنزین حتی به مقدار متوسط یا کم انتظارات تورمی را با شدت بیشتری بالا برد. حتی اگر دولت جسارت افزایش قیمت بنزین به اندازه زیاد در سال جاری را ندارد، بهتر است افزایش جزئی را اجرا کند تا فضای ذهنی برای افزایش بعدی در سال بعد ایجاد شود.»



ماه بازگشته را تأیید کرد و از مردم خواست «هیچ نگرانی برای کارت سوخت نداشته باشند.» اینهمه در حالیست که بسیاری از تحلیلگران معتقدند کاهش سهمیه بنزین آزاد در کارت‌های سوخت، مقدمه‌ای برای افزایش قیمت بنزین است. کاهش سهمیه بنزین اما با واکنش نمایندگان استان سیستم و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی روبرو شده است. آنها با اشاره به وسعت استان و عدم وجود سیستم حمل و نقل عمومی کارآمد، می‌گویند کاهش سهمیه سوخت بنزین آزاد به معنای ایجاد بازار سیاه بنزین است چون حتی سهمیه پیشین سوخت نیز برای رفت‌وآمد بسیاری از شهروندان کافی نبوده است. معین‌الدین سعیدی نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی گفته که «مردم در استان سیستم و بلوچستان به نقطه‌ای رسیده‌اند که می‌گویند ما حاضر هستیم لیتری ۵ هزار تومان پول بنزین بدهیم، اما بنزین سالمی به دست ما برسد این‌ها باعث تذکر دیروز و امروز بنده در مجلس شده است.» نماینده سیستم و بلوچستان با بیان اینکه کاهش سهمیه سوخت، مصوبه ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور است، گفته «اگر بنا است سهمیه بنزین مردم کاهش پیدا کند حداقل کارت سوخت آزاد در جایگاه‌ها قرار گیرد تا مردم از سوخت آزاد استفاده کنند.»

نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «هم دیروز تذکر دادم هم امروز تذکر دادم شما می‌دانید فاصله‌ها در سیستم و بلوچستان بسیار زیاد است و مردم روستاها تا بخواهند به شهر بیایند باید مسافت طولانی را طی کنند متأسفانه در سایر نقاط کشور هم اگر کاهش سهمیه داریم، مردم می‌توانند بنزین آزاد بزنند و با استفاده از کارت بنزین آزاد و می‌توانند آنچه نیاز دارند را از این کارت‌ها تأمین کنند.»

محمد سرگزی دیگر نماینده سیستم و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی هم گفته که «با وجود تنها ۱۰۰ لیتر سهمیه آزاد و ۶۰ لیتر یارانه‌ای در حالی که سیستم حمل و نقل عمومی و سی‌ان‌جی در استان وجود ندارد، شرایط برای مردم به شدت سخت خواهد شد.» نماینده مردم سیستم و بلوچستان افزوده که «در دیگر نقاط کشور هم جایگاه سی‌ان‌جی وجود دارد و هم

● خبرگزاری «ایلنا»: جمع‌بندی دولتی‌ها در فصل بهار به این صورت بود که بنزین نرخ سوم با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان عرضه شود.

● هفته گذشته دولت بدون اعلام قبلی و بطور ناگهانی سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی یا همان نرخ آزاد در کارت‌های سوخت شخصی را از ۱۵۰ لیتر به ۱۰۰ لیتر کاهش داد.

● پس از انتشار خبر کاهش سهمیه بنزین آزاد، علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت در چند گفتگو ادعا کرد دولت هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت سوخت ندارد.

دولت در حالی چند روز پیش سهمیه بنزین آزاد در کارت‌های سوخت را کاهش داد که اکنون برخی گزارش‌های غیررسمی حکایت از برنامه دولت برای تعیین نرخ سوم بنزین به قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان دارد.

در هفته‌ای که گذشت دولت بدون اعلام قبلی و بطور ناگهانی سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی یا همان نرخ آزاد در کارت‌های سوخت شخصی را از ۱۵۰ لیتر به ۱۰۰ لیتر کاهش داد. همچنین ذخیره سهمیه بنزین ۱۵۰۰ تومانی که تا پیش از این، ۹ ماه و به‌میزان حداکثر ۵۴۰ لیتر بود، از این پس به ۶ ماه و حداکثر ۳۶۰ لیتر کاهش یافت.

در حالی که مدت‌هاست حذف یارانه بنزین و افزایش قیمت آن مطرح است، به عقیده بسیاری از کارشناسان اقدام اخیر دولت به عنوان مقدمه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ارزیابی شده است.

اکنون گزارش‌های غیررسمی از یک نرخ سوم برای بنزین با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان خبر می‌دهند. خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده که «دولت بعد از دو گام حفظ بنزین سهمیه‌ای و محدودیت بنزین ۳۰۰۰ تومانی در نظر دارد تا با ایجاد یک نرخ سوم مصرف بنزین بیشتر از سهمیه (مجموع یارانه‌ای و آزاد) را به نرخ گران‌تری به پرمصرف‌ها عرضه کند.»

در ادامه این گزارش آمده که «جمع‌بندی دولتی‌ها در فصل بهار به این صورت بود که بنزین نرخ سوم با قیمت هر لیتر ۸۰۰۰ تومان عرضه شود تا پرمصرف‌هایی که بیشتر از سهمیه یارانه و سهمیه آزاد در نظر گرفته شده به ازای هر خودرو مصرف دارند، مصرف مازاد خود را به نرخ ۸۰۰۰ تومان تهیه کنند.» بر اساس گزارش «ایلنا» آنچه تا کنون سبب شده دولت افزایش قیمت بنزین را به طور رسمی انجام ندهد، نگرانی بابت مشارکت مردم در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی است که اسفندماه امسال برگزار می‌شود. همچنین دولت در سال آینده در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم قرار خواهد گرفت و با توجه به اثرات افزایش قیمت بنزین بر گرانی کالاها و تشدید مشکلات معیشتی مردم، تا کنون در دولت جمع‌بندی مشخصی برای زمان افزایش قیمت بنزین وجود نداشته است.

مقامات دولتی اما در اظهاراتی ضدونقیض افزایش قیمت بنزین را تکذیب می‌کنند. پس از انتشار خبر کاهش سهمیه بنزین آزاد، علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت در چند گفتگو ادعا کرد دولت هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت سوخت ندارد.

جلیل سالاری نسب مدیرعامل شرکت تولید و پخش فرآورده‌های نفتی در گفتگو با شبکه خبر صدا و سیما هرگونه تغییر در سهمیه و نرخ بنزین را تکذیب کرد و گفت قرار نیست هیچ تغییر دیگری در میزان سهمیه‌ها و یا قیمت بنزین در سال جاری داشته باشیم. او اما کاهش ۵۰ لیتری سهمیه سوخت سه هزار تومانی و دوره ذخیره سوخت سهمیه‌ای به حالت عادی پیش از کرونا، یعنی شش

پدیده خودکشی نوجوانان دانش آموز و بی‌اعتنایی وزارتخانه آموزش و پرورش



نظام آموزشی کارایی لازم را ندارد و قادر به ساختن یک انسان کارآمد، هدفمند و امیدوار نیست. صرفاً در حیطه ظاهر عمل کرده و سعی می‌کند که یک انسان مطیع و غیرمطالبه‌گر و غیرمنطبق با فطریات انسانی و روح قوانین بشری و الهی را تربیت کند. متأسفانه متولیان آموزش و پرورش، سالهاست که زحمت شنیدن نقدهای علمی و کارشناسانه را هم به خود نمی‌دهند. مشکلات اقتصادی، فرونشست طبقه متوسط و اثرات اجتماعی و عاطفی ناشی از آن، ناکارآمدی آموزش و پرورش در تامین فضای آموزشی، تامین مشاور برای مدارس، پولی و طبقاتی شدن آموزش، همه زنجیروار عامل ایجاد دومینوی خودکشی دانش آموزان بوده است. دیروز ایلام، امروز سنندج و فردا...

این مطلب با اشاره به نگاه ایدئولوژیک رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نوشته که در هفته اخیر رضا مراد صحرایی به اجرای «طرح محراب» در مدارس اشاره کرده است و آن رابه مثابه «یکی از مهم‌ترین اقدامات وزارت آموزش و پرورش» دانسته است.

در ادامه این پرسش‌ها طرح شده که آیا مراد صحرایی چقدر به عدم دسترسی دانش‌آموزان ایرانی به مکان آموزشی اشراف دارد که در صدد اجرای چنین طرح‌هایی برآمده است؟ آیا طرح محراب نیاز به مکان آموزشی ندارد؟ آیا ایشان و مدیران کل ایشان آماری رسمی و دقیق از دانش‌آموزان کار، دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل، دانش‌آموزان ترک‌تحصیل دارند؟ یا همانند اخبار ضد و نقیض آبان ماه ۱۴۰۲، وجود کلاس بدون معلم را تکذیب می‌کردند، اما در برابر مصداق‌های کلاس فاقد معلم که رسانه‌ای می‌شد سکوت می‌کردند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تأکید کرده که جهت برون رفت از این بحران آموزش و پرورش باید از نیروهای متخصص در حوزه روانشناسی و مشاوره بهره گرفته، و با شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر، همچون مددکاری اجتماعی بتوانند با مداخله بهنگام این بحران را مدیریت کنند. این امر با افزایش آگاهی و دانش مسئولین به مسائل روز در حوزه آموزش و علوم تربیتی دانش‌آموزان میسر می‌شود.

حقوق بشر در ایران، گزارش داد که پردیس ساکن محله حاجی‌آباد سنندج بوده و با حلق آویز کردن با روستری در اتاقش به زندگی خود پایان داده است.

خبرگزاری «هرانا» افزوده که این نوجوان دانش‌آموز «برای کمک به خانواده در تامین هزینه‌های زندگی، در کنار تحصیل قالبیابی می‌کرد».

اواخر دی‌ماه نیز یسنا شجاعی دانش‌آموز مقطع ششم دبستان در یاسوج به دلیل مشکلات اقتصادی به زندگی خود پایان داد. از یسنا دست‌خطی به جا مانده بود که نوشته بود: «دیگر از زندگی سیر شده‌ام».

روز یکشنبه هفدهم دی‌ماه نیز یک دانش‌آموز یازده ساله در تهران از طریق حلق آویز کردن به زندگی خود پایان داده بود. در پی افزایش خودکشی دانش‌آموزان، کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در مطلبی از «سونامی خودکشی دانش‌آموزان» نوشت.

در این مطلب آمده بود که هفته گذشته جزئیات خودکشی «یسنا» ۱۲ ساله در یاسوج که در نامه‌ای با ادبیاتی کودکانه نوشته بود، از زندگی سیر شده و خواهر کوچکش را به زن عمویش سپرده بود، رسانه‌ای شد.

در ادامه آمده که متأسفانه این هفته سونامی خودکشی به سنندج رسید که منجر به مرگ پردیس کریمی دانش‌آموز و کودک کار ۱۴ ساله شد. پردیس، در یکی از روستاهای حاشیه سنندج زندگی می‌کرد، که فاقد مکان آموزشی، متوسطه اول، برای تحصیل بوده، و باید مسافتی طولانی را جهت رسیدن به یک مکان آموزشی دولتی طی می‌کرد. این دانش‌آموز برای تامین هزینه‌های تحصیل مجبور به کار در کارگاه قالبی‌بافی بوده است. فقر اقتصادی و نبود امکانات آموزشی از عوامل و فاکتورهای اصلی مرگ این کودک کار ۱۴ کار سنندجی می‌باشد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نوشته که سونامی خودکشی دانش‌آموزانی همچون یسنا از ایلام و پردیس از سنندج، جامعه را دچار شوک کرده ولی متأسفانه، واکنش اصولی از جانب مدیران ارشد آموزش و پرورش دیده نشده است؟ آگاهان به حوزه تعلیم و تربیت با تحلیل‌های درست و منطبق با واقعیت‌های روز اعلام کرده‌اند، که این

● آمار خودکشی نوجوانان در ایران رو به افزایش است و طی روزهای گذشته دست‌کم چهار نوجوان دانش‌آموز دیگر در شهرهای مختلف جان خود را به دلیل خودکشی از دست داده‌اند.

● در پی افزایش خودکشی دانش‌آموزان، کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در مطلبی از «سونامی خودکشی دانش‌آموزان» نوشت.

● شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تأکید کرده که جهت برون رفت از این بحران آموزش و پرورش باید از نیروهای متخصص در حوزه روانشناسی و مشاوره بهره گرفته، و با شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر، همچون مددکاری اجتماعی بتوانند با مداخله بهنگام این بحران را مدیریت کنند.

پدیده خودکشی دانش‌آموزان در ایران همچنان ادامه دارد. روز پنجشنبه نیز یک دختر دانش‌آموز ۱۵ ساله ساکن مهاباد خودکشی کرد و جان باخت. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران در مطلبی با اشاره به «سونامی» خودکشی دانش‌آموزان به نگاه ایدئولوژیک وزیر آموزش و پرورش و بی‌اعتنایی این وزارتخانه به مشکلات دانش‌آموزان اعتراض کرده است.

به گزارش وبسایت «کردپا» هاوژین مصطفی پور دانش‌آموز ۱۵ ساله ساکن مهاباد روز پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ خودکشی کرد و جانباخت.

این گزارش علت خودکشی این نوجوان را «اختلافات خانوادگی» عنوان کرده و نوشته که این دانش‌آموز با پرتاب خود از آپارتمان ۵ طبقه بلافاصله جان خود را از دست داد.

آمار خودکشی نوجوانان در ایران رو به افزایش است و طی روزهای گذشته دست‌کم چهار نوجوان دانش‌آموز دیگر در شهرهای مختلف جان خود را به دلیل خودکشی از دست داده‌اند. فرزانه قادری اقدم هفده ساله ساکن پیرانشهر نیز روز چهارشنبه چهارم بهمن ماه خودکشی کرد و جان باخت.

پردیس کریمی چهارده ساله و ساکن سنندج نیز روز روز سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه خودکشی کرد و جان خود را از دست داد. خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان

سربازان هم به جرگه بهشت اجباری بچه‌دار شدن پیوستند



● نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادات شورای نگهبان در لایحه برنامه هفتم توسعه، مصوبه قبلی خود را درباره معافیت سربازان متاهل اصلاح کردند که مقرر شد مشمولان بالای ۳۵ سال سن و دارای ۲ فرزند یا بیشتر از خدمت وظیفه عمومی معاف شوند.

با هدف سیاست‌افزایش جمعیت که توسط جمهوری اسلامی تبلیغ می‌شود، مشمولان بالای ۳۵ سال و دارای دو فرزند یا بیشتر از خدمت وظیفه عمومی معاف شدند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادات شورای نگهبان در لایحه برنامه هفتم توسعه، مصوبه قبلی خود را درباره معافیت سربازان متاهل اصلاح کردند که مقرر شد مشمولان بالای ۳۵ سال سن و دارای ۲ فرزند یا بیشتر از خدمت وظیفه عمومی معاف شوند.

همچنین «ادامه تحصیل مشمولین مقطع دیپلم و بالاتر و طلاب حوزه علمیه در خارج از کشور، مطابق قانون خدمت وظیفه عمومی مجاز است و دستورالعمل نحوه و شرایط صدور معافیت تحصیلی آن توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزشی پزشکی و شورای عالی حوزه‌های علمیه تدوین و اجرایی می‌گردد.»

پیش از این در جلسه صبح یکشنبه هشتم بهمن تصویب شده بود که این معافیت برای متاهلین بالای ۳۰ سال و دارای دو فرزند یا بیشتر باشد. در ارتباط با پیشبرد انواع و اقسام سیاست‌های تطمیعی و تبلیغی برای افزایش جمعیت و بچه‌دار شدن، چند ماه پیش دولت سیزدهم، وزارت راه و شهرسازی را مکلف کرد تا به اسم حمایت از خانواده و تحقق «جوانی جمعیت» در سال ۱۴۰۲، یک قطعه زمین یا واحد مسکونی به صورت رایگان به خانواده‌های دارای چهار فرزند و بیشتر که فرزندان آنها زیر ۲۰ سال سن دارند، اختصاص دهد. طرحی که تبلیغات زیادی نیز بر روی آن انجام شد و دولت سیزدهم از آن به عنوان بخشی از برنامه جوانی جمعیت یاد کرد اما به نظر می‌رسد اکنون دولت با مشکل کمبود زمین مواجه شده و به دنبال تغییراتی در این طرح است تا با این ترفند شکل جامعه آماری مورد نظر، یعنی خانواده‌های دارای چهار فرزند و بیشتر که سن آنها زیر ۲۰ سال است، کوچک‌تر کند. بر همین اساس، دولت در ماده ۱۰ لایحه اصلاحی دو فوریتی قانون بودجه درخواست کرده عبارت «دارای چهار فرزند و بیشتر زیر ۲۰ سال» به عبارت «صاحب فرزندان چهارقلو و بیشتر متولد سال ۱۴۰۰ به بعد» اصلاح شود! از سوی دیگر هادی عباسی معاون وزیر راه و شهرسازی ادعا کرده بود: «در قانون جوانی جمعیت وزارت راه و شهرسازی مکلف شده به خانوارهای دارای سه فرزند یا بیشتر که متولد ۲۴ آبان ۱۴۰۰ به بعد هستند، ۲۰۰ متر مربع زمین به صورت رایگان واگذار کند.»

به گفته وی البته این خانوارها باید هزینه آماده‌سازی زمین را پرداخت کنند. این هزینه به صورت قسط با دو سال تنفس و طی شش سال دریافت خواهد شد.

از سوی دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی با افزایش سقف قرض‌الحسنه ازدواج، فرزندآوری و ودیعه یا خرید یا ساخت مسکن به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان، مبلغ وام ازدواج را برای سال ۱۴۰۳ با حدود ۶۵ درصد افزایش به ۲۵۰ میلیون تومان برای دختران زیر ۲۳ سال و پسران زیر ۲۵ سال و ۳۰۰ میلیون تومان برای سایرین با بازپرداخت ۱۰ ساله تعیین کردند. همچنین تسهیلات قرض‌الحسنه فرزندآوری در سال آینده

به ازای فرزند اول ۴۰ میلیون تومان، به ازای فرزند دوم ۸۰ میلیون تومان، به ازای فرزند سوم ۱۲۰ میلیون تومان، به ازای فرزند چهارم ۱۵۰ میلیون تومان و به ازای فرزند پنجم و به بعد ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود.

فاصله ۵ ساله بین ازدواج تا فرزندآوری زوجین

از سوی دیگر خبرگزاری «تسنیم» ۷ بهمن به نقل از رئیس مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت ادعا کرد: «در سال جاری روند نزولی نرخ رشد باروری متوقف شده است که یکی از علل آن را می‌توان اجرای قانون جوانی جمعیت دانست.» صابر جباری با بیان اینکه الان نرخ باروری کلی حدود ۱/۶۵ است که این عدد باید بر اساس قانون برنامه هفتم طی ۵ سال به عدد ۲/۵ برسد گفت: «آمارها نشان می‌دهد که فاصله بین ازدواج و تولد نخستین فرزند در زوجین ایرانی ۴ تا ۵ سال است. در زمان حاضر میانگین سن ازدواج دختران ایرانی ۲۳/۵ و پسران ۲۷ سال است.»

در سرمقاله ۹ بهمن روزنامه «هم‌میهن» نیز به موضوع فرزندآوری و ناکامی سیاست‌های دولتی اشاره شده است. در بخشی از این مطلب آمده است: «دولت در دو سال گذشته، ده‌ها هزار میلیارد تومان پول بی‌زبان مردم را بطور مستقیم یا غیرمستقیم صرف مسئله فرزندآوری کرده است ولی آمار فرزندآوری نه تنها هیچ پیشرفتی نداشته، بلکه عقبگرد هم داشته است. در هشت سال دوره احمدی‌نژاد، فرهنگ مثلاً فرزندآوری به شدت تبلیغ می‌شد، حتی برای ایران جمعیت ۱۵۰ میلیون هم تعیین کردند و کلی امتیازات برای این کار دادند، ولی دریغ از یک تغییر جدی.»

در ادامه این سرمقاله آمده است: «چرا دیگران می‌توانند فرزندآوری کنند و شما نمی‌توانید؟ بعلاوه شما که روحانی هستید و در دهه ۶۰ ازدواج کرده‌اید، چرا فقط دو فرزند دارید، در حالی که آن زمان رشد جمعیت در اوج و ۳/۹ درصد بود؟ آیا ممکن است تعداد فرزندان اعضای کابینه خود را اعلام کنید تا معلوم شود که چه نسبتی با فرهنگ فرزندآوری دارند؟ فرزندان شما چه تعداد فرزند آورده‌اند؟ آیا حاضرید زمینه چنین مطالعه‌ای را فراهم کنید؟» جمهوری اسلامی در حالی به خاطر اهداف ایدئولوژیک خود به دنبال افزایش جمعیت است که مردم هیچ علاقه‌ای

به این تبلیغات نشان نمی‌دهند. دولت حتی نتوانسته برای زوج‌های نابارور که قصد فرزندآوری دارند، امکانات فراهم کند بطوری که نرخ رحم اجاره‌ای تا ۹۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. قیمت رحم اجاره‌ای از ۴۰ میلیون تومان آغاز و تا ۹۰۰ میلیون تومان هم افزایش می‌یابد. زوج اجاره‌کننده رحم جدا از مبلغ کلی، باید ماهیانه نیز ۴ تا ۷ میلیون تومان به اجاره‌دهنده رحم پرداخت کنند.

خدمات بیمه درمانی برای ناباروری آنقدر ناچیز و بی‌خاصیت است که با وجود جمعیت بیش از سه میلیون نفری زوج‌های نابارور تنها سه هزار پرونده برای بهره‌مندی از این بیمه تشکیل شده است.

از سوی دیگر مرکز رصد جمعیت کشور اعلام کرد که آمار ثبتی رویدادهای حیاتی از ابتدای سال تا اول مردادماه نشان می‌دهد که کل ولادت کشور در این بازه زمانی ۳۳۸ هزار و ۶۸۴ نفر بوده که از این میزان، ۱۷۵ هزار و ۷۴۰ ولادت مربوط به پسران و ۱۶۲ هزار و ۹۴۴ ولادت دیگر مربوط به دختران است. جزییات داده‌های مرکز رصد جمعیت کشور نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ یک میلیون و ۷۵ هزار و ۲۳۱ رویداد ولادت در کشور به ثبت رسیده که به نسبت سال ۱۴۰۰ این آمار ۳/۷ درصد کاهش داشته بطوری که آمار ولادت در سال ۱۴۰۰ یک میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۱۲ نفر بوده است. همچنین در ۴ ماهه اول سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۳۸ هزار و ۶۸۴ تولد در کشور به ثبت رسیده که این میزان به نسبت مدت مشابه سال گذشته که ۳۴۲ هزار و ۸۳ مورد بوده، یک درصد کاهش را نشان می‌دهد.

در سال ۱۴۰۱ میانگین سن مادران در اولین فرزندآوری ۲۷/۳ سال بوده است. مقدار این شاخص در مناطق شهری ۲۸/۱ سال و در نقاط روستایی ۲۴/۴ سال بوده است. در این سال میانگین سن پدر در اولین فرزندآوری برابر با ۳۲ سال بوده است. میانگین سن پدر برای مناطق شهری برابر با ۳۲/۶ سال و برای نقاط روستایی برابر با ۲۹/۸ سال است. جمهوری اسلامی سال‌هاست با اصرار علی‌خامنه‌ای برنامه‌ها و تبلیغاتی برای افزایش جمعیت اجرا کرده اما مطلقاً مورد استقبال قرار نگرفته و رشد جمعیت روند منفی خود را ادامه داده است.

گمای نظام سلامت قابل احیا نیست

بیمارستان‌های ورشکسته و بیماران ناتوان از پرداخت هزینه‌ها

پیش‌بینی بود و همه دستگاه‌ها از جمله وزارت بهداشت نیز در جریان بودند که در خرداد و تیر با افزایش کمبود دارو مواجه می‌شویم.»

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز گفته بود که در پی عملکرد نامطلوب دولت، شرکت‌های دارویی به فعالیت در ایران پایان داده و سرمایه و کسب و کار خود را به ترکیه منتقل می‌کنند.

در همین ارتباط محمد عبده زاده رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران در خردادماه امسال از کمبود بیش از ۲۰۰ قلم دارو در کشور خبر داده بود.

رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران با ارائه این آمار توضیح داده بود که علت عمده این کمبود عدم تأمین به‌موقع ارز و ریال و عدم قیمت‌گذاری به‌موقع و پرداخت نشدن به‌موقع تسهیلات به شرکت‌های دارویی و مشکلات حواله ارز بوده است.

محمدعلی محسنی بندپی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز با انتقاد از عملکرد دولت در رابطه با مدیریت بخش دارویی کشور گفته بود که در پی عملکرد نامطلوب دولت شرکت‌های دارویی به فعالیت در ایران پایان داده و سرمایه و کسب و کار خود را به ترکیه منتقل می‌کنند.

مشکلات نظام سلامت در ایران تنها به کمبود دارو و تجهیزات پزشکی ختم نمی‌شود و چند سالیست که موج مهاجرت نیروهای متخصص در نظام سلامت از جمله پزشکان و پرستاران روند چشمگیری داشته است.

در همین ارتباط عضو شورای عالی نظام پزشکی ایران در خردادماه گفته بود که با ادامه روند کنونی ایران ناچار به واردات پزشک و دندانپزشک از کشورهای اطراف می‌شود اما پزشکان و دندانپزشکان خارجی «حداقل دو هزار دلار» حقوق می‌خواهند.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور نیز همان ماه در کنگره سالیانه جراحان عمومی، با هشدار نسبت به مهاجرت شغلی و مهاجرت به خارج کشور از سوی جامعه پزشکی، خالی شدن کشور از پزشکان را جدی خوانده و گفته بود: «پزشکان از حرفه‌ای که برای آن تربیت شده‌اند دست می‌کشند تا در «خارج از حوزه پزشکی» یا در بخشی دیگر از این حوزه فعالیت کنند. وی همچنین افزود «بعضی‌ها شوخی شوخی با جامعه پزشکی کشتی می‌گیرند ولی جدی جدی کشور از حضور پزشکان خالی می‌شود.»

عوض حیدرپور متخصص بیهوشی و استاد دانشگاه مهرماه در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» با ارائه آمار ۱۰ هزار نفری از مهاجرت کادر پزشکی از کشور در هر سال گفت «عدد و رقم‌های مهاجرت وحشتناک است، ما هر هفته که سراغ یکی از همکاران را می‌گیریم با خبر می‌شویم مهاجرت کرده است.»

در این میان مهاجرت کادر درمان آماری تکانه‌دهنده را به خود اختصاص داده است و بسیاری از کارشناسان معتقدند که این روند نظام درمان ایران را در آینده نزدیک با بحران‌هایی جدی روبرو خواهد کرد. شهلا خسروی مشاور وزیر بهداشت و درمان جمهوری اسلامی نوزدهم شهریورماه به خبرنگاری «ایسنا» گفته بود که به «۱۲ هزار ماما» در بخش درمان و «۸ هزار ماما» برای بخش بهداشت نیاز است.



نمی‌توان انکار کرد که کیفیت خدمات درمانی در تمام بیمارستان‌ها رو به کاهش است علاوه بر اینکه بیمارستان‌های خصوصی در خطر ورشکستگی قرار گرفته‌اند.»

از سوی دیگر هشدار درباره کمبود و تجهیزات پزشکی نیز از مدت‌ها پیش مطرح شده اما دولت برای حل آن اقدامی انجام نداده است. فروردین امسال محمد رئیس‌زاده رئیس کل نظام پزشکی در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی درباره پیامدهای حذف ارز ترجیحی دارو و تجهیزات پزشکی از قانون بودجه سال ۱۴۰۲ هشدار داده بود.

با اینهمه در حالی که کمبود و گرانی دارو وضعیتی بحرانی در کشور ایجاد کرده و ماه‌هاست که کمبود اقلام دارویی خرساز شده است، وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در مهرماه با فراقکتی درباره مشکلات مردم در تأمین دارو، ادعای صادرات دارو از ایران به ۴۰ کشور دنیا را مطرح کرد. فعالان صنعت دارو اما معتقدند مشکلاتی که در تأمین ارز و مواد اولیه دارند تولید دارو در کشور را با بحران روبرو کرده است. در همین رابطه روز گذشته کیانوش عزیزی عضو هیئت مدیره شرکت داروسازی گفت که بزرگترین مشکل صنعت داروسازی در حال حاضر تأمین نقدینگی است و بانک‌ها همکاری لازم را با شرکت‌های دارویی ندارند.

در یکی از گزارش‌ها درباره کمبود دارو، داروهای آسپریتین و سرزیم چهار ماه است کمیاب و برای بیماران مبتلا به گوچر یا گوشه مشکل‌ساز شده است. بیماری گوچر یا گوشه (Gaucher)، یک اختلال ارثی است که تجزیه لیپید را دچار مشکل کرده و موجب انباشت چربی در بافت و سلول‌های مختلف بدن می‌شود.

کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در خردادماه با ارائه گزارشی از عملکرد دستگاه اجرایی در حوزه مدیریت تجهیزات پزشکی و دارویی اعلام کرد که بحران دارو همچنان ادامه دارد.

در همین ارتباط رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران گفته بود که «کمبودهای دارویی از قبل قابل

● سخنگوی اسبق وزارت بهداشت و درمان کشور «بیمارستان‌ها به یک بخش ورشکسته اقتصادی تبدیل شده و نمی‌توانند هزینه‌های استاندارد خدمات خود را از محل بودجه دولتی، بیمه و پرداختی بیمار تأمین کنند.»

● بحران در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها آنقدر جدیست که پزشکان و متخصصان ایرانی درباره «بازگشت به طب و جراحی منسوخ» به دلیل بحران اقتصادی در بخش درمان هشدار می‌دهند.

نظام سلامت در جمهوری اسلامی چند سالی است که در حالت اغما بسر می‌برد؛ این دوران که در سال‌های اخیر آسیب‌های مهلکی به بدنه نظام سلامت وارد کرده است. به گفته سخنگوی اسبق وزارت بهداشت و درمان کشور «بیمارستان‌ها به یک بخش ورشکسته اقتصادی تبدیل شده و نمی‌توانند هزینه‌های استاندارد خدمات خود را از محل بودجه دولتی، بیمه و پرداختی بیمار تأمین کنند.»

کیانوش جهانپور با بیان این مطلب به وبسایت «رکنا» گفت: «با توجه به اینکه تعرفه خدمات درمانی واقعا مشکل‌ساز بلکه مصیبت‌زا شده، قاعدتاً بخش دولتی سواى ضعفا و نواقص مدیریتی در مقایسه با بخش دولتی می‌تواند داشته باشد خود تعرفه است که مشکل‌ساز شده و بیمارستان‌ها به یک بخش ورشکسته اقتصادی تبدیل شده و نمی‌توانند هزینه‌های استاندارد خدمات خود را از محل بودجه دولتی، بیمه و پرداختی بیمار تأمین کنند.»

وی یکی از مشکلات نظام سلامت را «نظام تعرفه‌گذاری در خدمات درمانی» دانست و افزود: «قاعدتاً با تعرفه‌های فعلی بسیاری از مشکلات و مصیبت‌های نظام سلامت نه تنها رفع نمی‌شود بلکه رو به افزایش است.»

به گفته جهانپور، مدت‌هاست که در ایران مردم ناتوان از پرداخت هزینه درمان هستند، بسیاری از اقلام دارویی نایاب و کمیاب شده و پزشکان از نبود تجهیزات و امکانات پزشکی با مشکل برای پیشبرد مراحل درمان بیماران و انجام عمل‌های جراحی هستند.

از سوی دیگر بحران در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها آنقدر جدیست که پزشکان و متخصصان ایرانی درباره «بازگشت به طب و جراحی منسوخ» به دلیل بحران اقتصادی در بخش درمان هشدار می‌دهند.

روزنامه «اعتماد» در تیرماه سال جاری طی گزارشی به نقل از شماری از پزشکان، متخصصان و مسئولان درمانی در کشور، علت اصلی وضعیت کنونی را «بی‌پولی» بیمارستان‌ها و مراکز درمانی پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی موسوم به «ارز ترجیحی» اعلام کرده‌اند.

دکتر احمد میر جراح عمومی و رئیس هیئت مدیره بیمارستان «جم» در تهران به «اعتماد» گفته بود که بسیاری از عمل‌های جراحی در ایران به دلیل نبود تجهیزات مورد نیاز یا زمان طولانی برای تهیه‌ی آنها به سختی انجام می‌شود.

به گفته رئیس هیئت‌مدیره بیمارستان «جم» با ادامه گرانی قیمت تجهیزات پزشکی و بی‌پولی بیمارستان‌ها برای به‌روزرسانی زیرساخت‌ها، باید منتظر افت شدید کیفیت خدمات درمانی بود.

این پزشک جراح تاکید کرده بود: «با وضعیتی که امروز از توان مالی بیمارستان‌های دولتی و خصوصی شاهدیم،

کارگران گروه ملی فولاد اهواز دوباره اعتصاب کردند گفته بودند می آیند!



می‌جنگیم، می‌جنگیم»، «سفره ما خالیه، ظلم و ستم کافیه» و «اگر مشکل حل نشه، اهواز قیامت میشه» از شعارهای کارگران معترض است.

چهار تشکیل صنفی «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه»، «گروه اتحاد بازنشستگان»، «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری» و «کارگران بازنشسته خوزستان» نیز یک هفته پس از آغاز دور پیشین اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد با صدور بیانیه‌ای از آن حمایت کرده بودند.

مهرماه امسال نیز ۱۷ کارگر گروه ملی فولاد که در اعتراضات پیشین این مجتمع صنعتی حضور داشتند در دادگاه محاکمه و به شلاق و زندان و جریمه نقدی محکوم شدند.

پس از آغاز اعتصاب کارگران در دی‌ماه، گروه تلگرامی «صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد» در متنی درباره این اعتراضات نوشته بود که «اگر فقط یک‌بار زندگی می‌کنیم، می‌خواهیم کارگران رزمنده‌ای باشیم که زندگی با شرافت را به جای ذلت و بردگی برگزینیم. بگذار شانه به شانه برادرانی حرکت کنیم که به حقوقشان و خانواده‌هایشان عشق می‌ورزند.»

در ادامه این متن آمده بود که «می‌خواهیم فرزندانمان با ظنین عدالت‌طلبی ما به وجد آیند. بگذار مبارزانی باشیم که در چشمان طبقه کارگر برق جوشش و پوییش می‌اندازند.» این نهاد صنفی تأکید کرده بود که «تازه آغاز راهیم؛ نبردی دشوار که وسوسه تسلیم در آن راه ندارد. گفته بودیم می‌آییم؛ این آغاز راه است!»

آغاز دور دوم اعتصاب کارگران تنها سه هفته پس از پایان دور پیشین اعتصاب نشان می‌دهد کارگران این مجتمع بزرگ صنعتی تصمیم گرفته‌اند برای رسیدن به خواسته‌هایشان ایستادگی کنند و همانطور که در بیانیه ماه گذشته اعلام کرده بودند خود را در «نبردی دشوار» می‌بینند که «وسوسه تسلیم در آن راه ندارد.»

در پاسخگویی به مطالبات را توهین به شخصیت و شعور کارگران ارزیابی کردند.

این بیانیه تأکید کرده بود که «امروز مسئولین با وقت‌کشی و موکول کردن نتیجه مذاکرات به جلسه‌ای دیگر، به شخصیت و شعور کارگر توهین کردند، که مطمئناً مجموع این توهین‌ها بی‌جواب نخواهد ماند.»

این بیانیه افزوده که «کارگران شرکت گروه ملی در طول این دو سال به اندازه کافی از خود حسن نیت نشان دادند و اگر مسئولین استانی و کشوری متوجه حسن نیت کارگر نشدند، یا با حسن نیت میانه‌ای ندارند یا حسن نیت کارگر را نشانه‌ای از ترس می‌دانند که در مورد دوم بارها ثابت کردیم ترس در قاموس کارگری که برای نان با فولاد گذاخته می‌جنگد جایگاهی ندارد.»

در ادامه آمده که «به کسانی که در برابر وقت‌کشی بانک ملی بهانه حسن نیت را علم می‌کند اعلام می‌کنیم که حسن نیت برای یکبار است و اگر این عمل کوتاه آمدن در مقابل سوءنیت طرف مقابل چندین بار تکرار شود عنوان حماقت پیدا می‌کند نه حسن نیت.»

مالکیت گروه ملی فولاد اهواز در سال‌های گذشته و طی روند «خصوصی‌سازی» چند بار دست به دست شد و اکنون مدیریت گروه ملی صنعتی فولاد ایران در دست بانک ملی ایران است.

کارگران گروه ملی فولاد ماه گذشته و از اول دی‌ماه نیز اعتصاب کردند. این اعتصاب بیش از یک هفته بطور انجامید و با وعده مدیریت شرکت و مسئولات استانی برای پاسخگویی به خواسته‌های کارگران پایان یافت.

این اعتصاب از روز شنبه دوم دی‌ماه به دلیل ممنوعیت ورود و مسدود شدن کارت‌های کارگران این مجتمع و همچنین اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل آغاز شد و بطور پیوسته در طول هفته ادامه داشته است.

«ما کارگران آهنیم ریشه ظلم را می‌کنیم»، «درد بر کارگر، مرگ بر ستمگر»، «ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد

این اعتصاب در چهار روز گذشته تداوم داشته و گستردگی شمار کارگران اعتصاب‌کننده سبب تعطیل شدن خطوط تولید در این مجتمع صنعتی بزرگ شده است.

کانال تلگرامی «صدای مستقل کارگران فولاد اهواز»: این اعتصاب تا شنبه هفتم بهمن‌ماه، ادامه خواهد داشت و هیچگونه فعالیتی اعم از تولید، تخلیه مواد اولیه و نیز بارگیری محصول صورت نخواهد گرفت.

مالکیت گروه ملی فولاد اهواز در سال‌های گذشته و طی روند «خصوصی‌سازی» چند بار دست به دست شد و اکنون مدیریت گروه ملی صنعتی فولاد ایران در دست بانک ملی ایران است.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز از روز سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه اعتصاب کردند. این اعتصاب در حالی وارد چهارمین روز شده که به گزارش منابع کارگری خطوط تولید کارخانه متوقف شده است.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز از روز سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها، اجرائشدهن طرح طبقه‌بندی مشاغل و محقق‌نشدن دیگر مطالبات صنفی اعتصاب کردند.

این اعتصاب تا روز پنجشنبه برای سومین روز تداوم داشته و گستردگی شمار کارگران اعتصاب‌کننده سبب تعطیل شدن خطوط تولید در این مجتمع صنعتی بزرگ شده است. خبرگزاری «ایلنا» با انتشار خبر این اعتصاب، نوشته منابع خبری کارگری شرکت گروه ملی فولاد اهواز از آغاز دوباره اجتماعات کارگران این شرکت در اعتراض به عدم اجرای طبقه‌بندی مشاغل برخلاف وعده‌های داده شده خبر دادند.

بر اساس این گزارش، قرار بوده است که طبقه‌بندی مشاغل کارکنان این شرکت در حقوق دی‌ماه کارگران منعکس شود اما اخبار حاکی از عدم اجرای این طرح با وجود قول مدیران مجموعه تا پایان دی‌ماه بوده است.

کانال تلگرامی «صدای مستقل کارگران فولاد اهواز» نیز اعلام کرده که این اعتصاب تا فردا، شنبه هفتم بهمن‌ماه، ادامه خواهد داشت و هیچگونه فعالیتی اعم از تولید، تخلیه مواد اولیه و نیز بارگیری محصول صورت نخواهد گرفت.

این کانال تلگرامی گزارش داده که در صورت عدم اقدام موثر مدیریت در اجرای طرح، روزشنبه در مورد چگونگی و شکل ادامه اعتصاب تصمیم‌گیری جمعی خواهد شد.

بر اساس اعلام منابع کارگری در مجتمع فولاد اهواز، روز شنبه مدیریت شرکت تقاضای دو روز مهلت کرده بود که با پایان این مهلت در روز دوشنبه، مجدداً مدیریت شرکت یک روز دیگر نیز فرصت خواست که در نتیجه و با توجه به عدم جدیت کارفرما و مدیرعامل در اجرایی شدن طرح مذکور و وقت‌کشی‌های مستمر، تصمیم به اعتصاب گرفته شد.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز عصر روز پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه و در پایان سومین روز از اعتصاب خود در بیانیه‌ای با انتقاد از «نگاه برده‌داری» مسئولان استانی، بانکی و شرکتی در استان خوزستان به کارگران، «وقت‌گشی» مدیران

«یونیفرم ما» انیمیشن کارگردان ایرانی نامزد دریافت اسکار شد



● «یونیفرم ما» انیمیشن هفت دقیقه‌ای یگانه مقدم نامزد دریافت جایزه اسکار برای بهترین انیمیشن کوتاه شد. این انیمیشن توانسته بود در جشنواره «انیمایو» در جزایر قناری اسپانیا جایزه بزرگ هیئت داوران و جایزه بهترین ساخته رسانه‌های ترکیبی را به دست آورد.

● جمهوری اسلامی فیلم «نگهبان شب» ساخته رضا میرکریمی را برای حضور در بخش فیلم‌های غیرانگلیسی به آکادمی اسکار معرفی کرده بود که به بخش نهائی راه نیافت.

احمد رأفت - «یونیفرم ما» انیمیشن هفت دقیقه‌ای یگانه مقدم نامزد دریافت جایزه اسکار برای بهترین انیمیشن کوتاه شد. این انیمیشن روایت داستان یک زن جوان ایرانی است که دوران تحصیل و الزام رعایت حجاب اجباری را در روپوش دخترانه مدارس ایران و از میان چروک‌ها و درزهای لباس قدیمی خود به یاد می‌آورد. این اثر ترکیبی از تکنیک‌های دو بعدی و استاپ‌موشن است.

این انیمیشن کوتاه در جشنواره «انیمایو» که در جزایر قناری اسپانیا برگزار می‌شود و یکی از جشنواره‌های معتبر انیمیشن اروپا به حساب می‌آید، توانسته بود دو جایزه مهم را از آن خود سازد. «یونیفرم ما» جایزه بزرگ هیئت داوران در بخش بهترین انیمیشن کوتاه بین‌المللی و همچنین جایزه بهترین ساخته رسانه‌های ترکیبی را در این جشنواره اسپانیائی به دست آورده بود. در وبسایت این جشنواره اسپانیائی، «یونیفرم ما» اثری با کیفیت فوق‌العاده» توصیف شده که توانسته به نحوی «استثنائی» تکنیک‌های مختلف انیمیشن را ترکیب کند.

جشنواره «انیمایو» تنها جشنواره انیمیشن در اسپانیا است که مورد تأیید آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار قرار دارد و برندگان بخش‌های انیمیشن کوتاه بین‌المللی و انیمیشن کوتاه اسپانیائی‌زبان این امتیاز را به دست می‌آورند که در رقابت اسکار شرکت کنند. در جشنواره امسال «انیمایو» بیش از دو هزار انیمیشن کوتاه از ۸۰ کشور جهان شرکت داشتند که توسط هیئت داوران مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت ۶۰ اثر منتخب به مرحله نهائی رسیدند.

رقبای «یونیفرم ما» در بخش انیمیشن کوتاه اسکار امسال عبارتند از «نامه‌ای به یک خوک»، «نود و پنج حس»، «پوست کلفت»، و «جنگ تمام شد! با الهام از موسیقی جان و یوکو» هستند. آکادمی اسکار سوم بهمن فهرست نامزدهای دریافت این جوایز در سال ۲۰۲۲ را اعلام کرد. در بخش فیلم‌های داستانی بلند «اوپنایمر» به کارگردانی کریستوفر نولان در ۱۳ رشته در صدر قرار دارد. «باربی» که در سال ۲۰۲۳ با ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار پرفروش‌ترین فیلم بود در ۸ رشته نامزد دریافت مجسمه طلای اسکار است.

جمهوری اسلامی فیلم «نگهبان شب» ساخته رضا میرکریمی را برای حضور در بخش فیلم‌های غیرانگلیسی به آکادمی اسکار معرفی کرده بود که البته به بخش نهائی راه نیافت. فیلم رضا میرکریمی در حالی توسط هیئت انتخاب جمهوری اسلامی از میان سه نامزد نهائی برای رقابت اسکار معرفی شد که بعد از نخستین نمایش در جشنواره «فجر» دو سال پیش، در هیچ جشنواره خارجی حضور نداشته و به همین دلیل نمی‌توانست هیچ شانس برای حضور در مرحله

دریای مازندران می‌میرد از بس که جان ندارد

● موسسه تحقیقات آب: «از ابتدای امسال تا کنون سطح تراز آب دریای خزر ۲۵ سانتی‌متر کاهش یافته که این میزان کاهش بیشتر ناشی از روند گرمایش زمین است که کشورمان را هم درگیر کرده است.»

● «سطح تراز آب دریای خزر (مازندران، کاسپین) در چند سال اخیر در مجموع حدود نیم متر کاهش داشته است؛ ۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب دریای خزر در اثر کاهش سطح تراز از بین رفته است.»

● «با توجه به روند افزایش دما کاهش سطح تراز آب دریای خزر تداوم خواهد داشت، سال‌های آینده مشکلات این کاهش سطح تراز بیشتر نمایان می‌شود و کاهش بر روی فعالیت‌های دریایی، آبیان دریای خزر و زندگی مردم اثرگذار است.»

دریای مازندران یا کاسپین (خزر) کهن‌ترین و بزرگ‌ترین دریاچه جهان اندک اندک در حال آب رفتن و کوچک شدن است. این حقیقت هولناک بار دیگر از سوی رئیس موسسه تحقیقات آب مطرح شده است.

محمدرضا کاویان‌پور در نشست خبری نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی آب و فاضلاب گفت: «از ابتدای امسال تا کنون سطح تراز آب دریای خزر ۲۵ سانتی‌متر کاهش یافته که این میزان کاهش بیشتر ناشی از روند گرمایش زمین است که کشورمان را هم درگیر کرده است.»

وی با بیان اینکه سطح تراز آب دریای مازندران در چند سال اخیر در مجموع حدود نیم متر کاهش داشته است، افزود: «۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب دریای خزر در اثر کاهش سطح تراز از بین رفته است.»

رئیس موسسه تحقیقات آب با بیان اینکه با توجه به روند افزایش دما کاهش سطح تراز آب دریای خزر تداوم خواهد داشت، اضافه کرد: «سال‌های آینده مشکلات این کاهش سطح تراز بیشتر نمایان می‌شود و کاهش بر روی فعالیت‌های دریایی، آبیان دریای خزر و زندگی مردم اثرگذار است.»

وی با بیان اینکه تغییر اقلیم از سال ۱۸۵۰ میلادی آغاز و از سال ۱۹۰۰ روند رشد آن بیشتر شده است، گفت: «تغییر اقلیم در ایران از سال ۱۳۸۰ بطور جدی آغاز شده است.» کاویان‌پور با اشاره به اینکه «سال گذشته ۳/۱ درجه افزایش دما داشتیم و امسال نیز در نقاط مختلف بین یک تا ۴ درجه افزایش دما داریم» تأکید کرد: «این افزایش دما اثر مستقیم روی منابع آبی دارد و سبب کاهش این منابع می‌شود.» جدا از مشکل آلودگی‌های نفتی، پلاستیکی و... در بستر دریای مازندران، برخی کارشناسان تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین را دلیل این کاهش سطح تراز آب این بزرگ‌ترین دریاچه جهان می‌دانند.

از جمله محسن موسوی خوانساری، کارشناس حوزه آب نیز ۷ آذر در مورد تغییرات اقلیمی دریای خزر در گفتگو با خبرنگاری ایسنا عامل اصلی کاهش تراز آب دریای

نهائی و نامزدی اسکار داشته باشد.

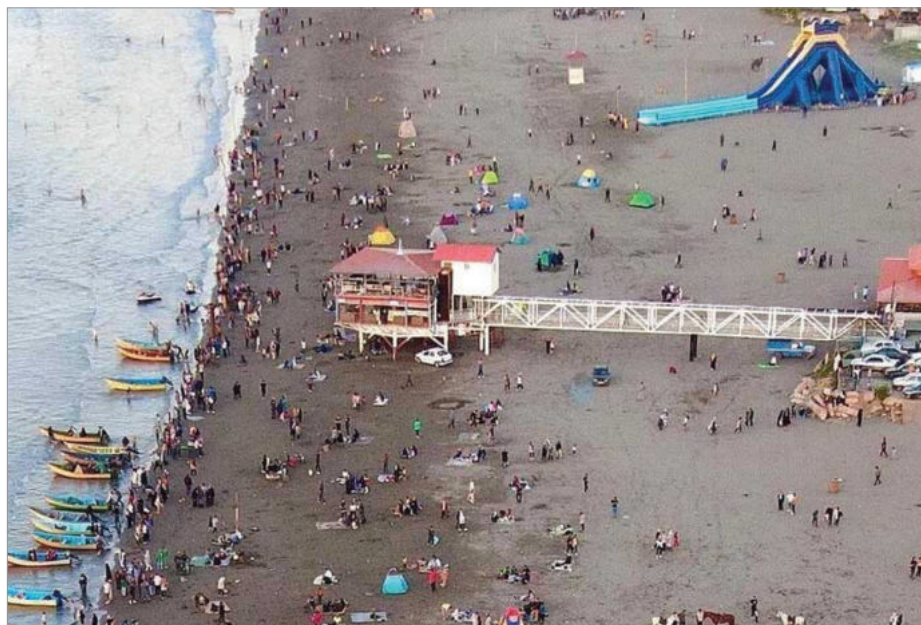
راند فریدزاده سخنگوی کمیته انتخاب نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار، با تأیید این واقعیت که در یک سال گذشته و پس از آغاز خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی»، حضور بین‌المللی سینمای ایران در جشنواره‌های مهم محدود و مسدود بوده است گفت که هیئت انتخاب فیلمی را انتخاب کرد که «رنگ و بوی فرهنگ ایران» را داشته باشد. جشنواره‌های مهم سینمایی جهان در یک سال گذشته هیچ فیلم ساخته شده در جمهوری اسلامی با رعایت مقررات و قواعد سانسور را نپذیرفته و تنها فیلم‌های زیرزمینی که مخفیانه داخل ایران ساخته شده‌اند و یا کارهای سینماگران ایرانی مقیم خارج از کشور را میزبان بودند.

سازندگان فیلم‌های زیرزمینی که بدون مجوز وزارت ارشاد در ایران ساخته می‌شوند، در چند ماه گذشته با برخوردهای امنیتی گسترده مواجه شده‌اند.

علی احمدزاده کارگردان فیلم «منطقه بحرانی» که جایزه «یوزپلنگ طلایی» جشنواره لوکارنو را به دست آورد، ممنوع‌الخروج شد زیرا نپذیرفته بود که این فیلم را از جشنواره خارج کند.

علی عسگری، یکی از دو کارگردان فیلم «آبه‌های زمینی»، تنها فیلم ایرانی که در بخش رقابتی «نوعی نگاه» جشنواره کن به نمایش درآمد، بعد از بازگشت به ایران ممنوع‌الخروج شد. مریم مقدم و بهتاش صنایی‌ها که آخرین کار آنها با عنوان «کیک محبوب من» به جشنواره آینده برلین راه یافته است نیز هنگام سفر به پاریس برای انجام آخرین مراحل تکنیکی فیلم ممنوع‌الخروج شدند و پاسپورت آنها در فرودگاه توقیف شد.

در یک سال گذشته، همچنین تعدادی از مشهورترین سینماگران ایرانی به دلیل مخالفت با حجاب اجباری و یا انتقاد از برخورد حکومت ایران با معترضان، احضار، بازداشت یا ممنوع‌الخروج شدند و علیه سه بازیگر زن هم احکام قضایی صادر شد.



اینهمه در حالست که غلامرضا مرجبا نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ۱۲ مهرماه در مورد رژیم حقوقی دریای کاسپین به وبسایت تجارت نیوز گفته بود: «اگر بخواهیم رژیم حقوقی دریای خزر را که در دولت روحانی امضا شد بپذیریم همان ۱۳ درصد هم به ما نمی‌رسد. شاید هم کمتر از ۱۱ درصد به ما برسد. ما قدرت سیاسی و نظامی داریم. اگر اراده کنیم می‌توانیم ۲۰ درصد را جدا کنیم. اما نظمان این است که بر اساس گفتگو پیش برویم و کار به آنجا به نکشد.»

را گرفتار خواهد کرد. دریای کاسپین با وسعتی بیش از ۶۰۰ هزار کیلومتر با اما و اگر در پرداخت حقایق مواجه است و گفته می‌شود که مسیر رود ولگا به این دریا بسته می‌شود. رودی که حیات این دریا تا حد زیادی در گرو پرداخت شدن حقایق از این رود است. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ۱۶ امرداد با اشاره به کاهش تراز آب دریای خزر، اعلام کرده بود ورودی‌های دریاچه از سوی کشورهای همسایه، به ویژه از رودخانه ولگا بسته شده است.

خزر را گرمایش هوا و تغییر اقلیم دانسته که موجب افزایش تبخیر آب شده است.

وی نیز با بیان اینکه تراز آب دریای خزر مرتب در حال کاهش است تأیید رده بود: «در سال‌های اخیر ۵/۱ متر تراز آب دریای خزر کاهش یافته است.»

در مورد کاهش تراز آب دریای مازندران پیشتر رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در ۶ شهریورماه ادعا کرده بود: «پنج کشور در مدیریت دریای خزر مشارکت دارند و می‌توان گفت که هیچ کشوری مقصر کاهش تراز آب دریای خزر نیست.» وی گفته بود که کشورها در روال عادی در آبخیزداری، بهره‌برداری خود را انجام می‌دهند.

رودخانه ولگا در روسیه از جمله مهم‌ترین منابع تأمین آب دریای کاسپین است که سهم ۸۵ درصدی در تأمین این آب دارد. از نخستین کسانی که موضوع کاهش سطح تراز آب این دریا را به خاطر پرداخت نشدن حقایق آن و بسته شدن رود ولگا اعلام کرد و تقصیر را گردن روسیه انداخت، علی سلاجقه رئیس سازمان محیط‌زیست بود.

سلاجقه در این زمینه تغییرات اقلیمی، کاهش ورودی‌های حوضه آبخیز به خصوص رودخانه ولگا و افزایش تبخیر را باعث کاهش تراز آب در دریای مازندران دانسته بود.

خبرگزاری تسنیم نیز ۲۰ امرداد امسال از رسیدن تراز آب این دریا به پایین‌ترین میزان در ۳۰ سال اخیر خبر داده و نوشته بود: «تراز اکولوژیک دریای خزر در طول عمر این دریا بطور طبیعی نوسانات سینوسی داشته و همواره طی چندین سال تراز آب خزر افزایش و در ادامه طی چندین سال روند کاهشی را طی کرده است اما طی دو دهه اخیر روند کاهش تراز آب خزر طولانی‌تر شده و شدت کاهش تراز آب به ویژه در سال‌های اخیر شدت یافته به طوری که تنها در سال ۱۴۰۱، تراز آب ۲۶ سانتی‌متر کاهش یافت! در مجموع از سال ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۱ که روند کاهش تراز آب شروع شده، حدود ۲ متر از سطح آب کاهش یافته و به کمترین میزان در ۳۰ سال اخیر رسیده است.»

در این گزارش همچنین آمده بود: «سطح دریای خزر به صورت فزاینده‌ای پایین‌تر می‌آید و شتاب کاهش آب در حال افزایش است، با توجه به اینکه آب‌های بخش روسیه و ترکمنستان خزر، کم‌عمق است، با افت ۹ متری آب حدود ۲۴ درصد از مساحت سطح خزر کوچک خواهد شد و اگر ۱۸ متر آب افت کند، ۳۴ درصد از سطح این دریاچه خشک خواهد شد. ورودی‌های دریای خزر از سوی کشورهای همسایه بسته شده است مخصوصاً ورودی رود ولگا. از طرفی میزان بارش در کل حوضه آبریز دریای خزر کاهش یافته است. در برخی آمار و اطلاعات اعلام شده که قریب به یک متر در ۴-۵ سال اخیر دریا عقب‌نشینی داشته است.» همچنین مطالعات نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۷ بحث پس‌روی آب دریای خزر آغاز شده و این رویداد تا سال ۲۰۵۰ نیز ادامه پیدا می‌کند. اسماعیلی، عضو هیأت علمی منابع آب دانشگاه گیلان، در این زمینه به شهروند گفته است که «این پس‌روی تنها در محدوده مرزهای آبی ایران نیست و این اتفاق در روسیه نیز در حال رخ دادن است زیرا سرعت تبخیر به دلیل گرم شدن زیاد افزایش داشته و در صورت ادامه پیدا کردن این روند ۲۰ تا ۲۵ درصد مساحت خزر در بخش شمالی که سواحل روسیه را شامل می‌شود، کاهش پیدا خواهد کرد.»

آب دریای مازندران هر ۲۵ سال عقب‌نشینی و سپس پیشروی می‌کند. اما طی پنج سال گذشته که وارد دوره پیشروی آب دریا شده‌ایم، آب دریا همچنان پس‌روی می‌کند. اگر این روند عقب رفتن آب دریای مازندران ادامه پیدا کند، پیامدهای جدی فرونشست در چند سال آینده این منطقه

ناترازی آب با زبان دراز!

علی خامنه‌ای: ناترازی در آب، سوخت و برق مانع کارهای بزرگ شده است!



© کیهان لندن کارتون‌های بهنام محمد

مدیرکل اسبق اتباع وزارت کشور: مهاجرین افغانستانی به دلیل منع قانونی، سرمایه‌های خود را به قطر و ترکیه بردند



می‌شوند تاکید کرده بود: «نکته اساسی این است که ما با خطر بزرگتری روبرو هستیم که باید در این زمینه حساس باشیم.»

وی گفته بود: «ما هر سال بین ۲۰ تا ۵۰ سرمایه‌گذار افغانستانی داشتیم اما در یک سال و نیم اخیر ۲۸۰ سرمایه‌گذار افغانستانی وارد ایران شده‌اند.»

به گفته سلیمی «این تقاضاها شامل تقاضاهایی برای سرمایه‌گذاری ۳۰۰ هزار دلار تا ۲۰ میلیون دلار را تشکیل می‌دهد. اغلب پیشنهادات رسیده به سرمایه‌گذاری در حوزه بسته‌بندی مواد غذایی در ایران مرتبط است. از حبوبات تا رب گوجه‌فرنگی. در حقیقت این کالاها در افغانستان خریدار دارد و در نتیجه سرمایه‌گذار افغانستانی می‌آید و در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کند و مواد غذایی ما را هم صادر می‌کند که این مسئله برای ما مهم است.»

وی اضافه کرده بود: «بخش پرتقاضای دیگر نیز به گروه ساختمانی و مصالح ساختمانی مرتبط است. پیش از این تقاضا برای حضور در صنعت سیمان و سرمایه‌گذاری در این بخش بالا بود اما با کند شدن عملیات عمرانی در افغانستان، حجم تقاضا در این بخش کاهش یافته است.»

سلیمی افزایش شمار مهاجران از ایران را «خطر بزرگی» دانسته و تاکید کرده بود: «ما با کمبود آشکار نیروی کار روبرو هستیم و این مسئله واقعی است که مهاجران افغانستانی به نوعی جایگزین مهاجران ایرانی می‌شوند که از کشور می‌روند. بسیاری از صاحبان صنایع به ما می‌گویند ما بطور آشکار با کمبود نیروی کار روبرو هستیم و اگر مهاجران افغانستانی را به کار نگیریم، ولو غیرقانونی دچار مشکل می‌شویم.»

با اینهمه در حالی که رییس سازمان مهاجرت ایران در ۱۵ مهرماه نشست مدارک هویتی مهاجران افغانستانی را بزرگترین مشکل آنها عنوان کرده بود، رئیس کانون سردفتران و دفترباران ۱۰ مهرماه اعلام کرده بود که اتباع بیگانه اراضی و املاک کشور را به راحتی با سند عادی خرید و فروش می‌کنند، در حالی که سند رسمی دارای تشریفات قانونی ویژه است و به راحتی نمی‌شود به آن تعرض کرد.

استان‌ها به نقل از صولت مرتضوی وزیر کار گفته بود که پنج میلیون شغل در ایران در انحصار مهاجران است.

البته مشخص نیست که آمار نقل‌شده دقیقاً ۵ میلیون بوده یا آمار ۴/۵ میلیونی معاون وزیر را باید مورد نظر قرار داد. «فراز» می‌نویسد: «پاسخ اما هرچه باشد از میزان اشتغال بالای اتباع نسبت به جمعیت آنها حکایت دارد.»

در همین ارتباط مدیرعامل بانک ملی ۴ بهمن‌ماه از راه‌اندازی شعب ویژه اتباع خارجی خبر داده است. به گفته ابوالفضل نجارزاده مدیر عامل بانک ملی ایران این بانک آمادگی دارد تا «شعب ویژه اتباع» را راه‌اندازی کند.

ابوالفضل نجارزاده البته افزوده که قرار است یکی از شعبه‌های موجود به آنها اختصاص پیدا کند: «در استان‌های پرجمعیت طی هفته‌های آتی یکی از شعب بانک ملی ایران به شعب اتباع تغییر می‌یابد تا در نهایت احترام به مهاجرین خدمات ارائه شود.»

از سوی دیگر، معاون وزیر کار از اشتغال غیرقانونی ۳ میلیون اتباع خارجی در ایران خبر داده است. به گفته معاون وزیر کار مطابق مصوبه شورای عالی امنیت ملی در ۱۵ استان اشتغال اتباع خارجی ممنوع است. حدود ۱/۵ میلیون نفر از اتباع خارجی پروانه کار داشته و حضور قانونی دارند ولی جمعیت افراد فاقد پروانه دو برابر این رقم برآورد می‌شود. در همین ارتباط مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری کرمانشاه نیز در آذر ماه اعلام کرد: «در حال حاضر با دستورالعمل ابلاغی از شورای عالی امنیت ملی، حضور، اسکان و اشتغال اتباع افغانستان در ۱۶ استان کشور و از جمله کرمانشاه ممنوع است.»

استان‌هایی که بطور کامل برای اقامت شهروندان افغان ممنوع هستند، عبارتند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان.

با اینهمه سلیمی رئیس انجمن سرمایه‌گذاری خارجی ۱۵ مهرماه در گفتگو با وبسایت خبرآنلاین با اعلام اینکه شمار مهاجران افغانستانی تا حدود هشت میلیون تخمین زده

● «مهاجرین سرمایه‌های نقدی بسیاری با خود به کشور آوردند اما به دلیل منع قانونی که در ثبت املاک و سرمایه‌ها برای اتباع داریم نتوانستند در کشور وارد جریان‌های اقتصادی شوند بنابراین به کشورهای همسایه، مانند قطر و ترکیه مهاجرت کردند و سرمایه‌هایشان را آنجا سرمایه‌گذاری کردند.»

● به گفته معاون وزیر کار مطابق مصوبه «شورای عالی امنیت ملی»، «در ۱۵ استان اشتغال اتباع خارجی ممنوع است. حدود ۱/۵ میلیون نفر از اتباع خارجی پروانه کار داشته و حضور قانونی دارند ولی جمعیت افراد فاقد پروانه دو برابر این رقم برآورد می‌شود.» این در حالیست که جمعیت مهاجران افغانستانی در ایران بین ۵ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

مدیرکل اسبق اتباع وزارت کشور با اشاره به موج ورود شهروندان افغانستان که از تیرماه ۱۴۰۰ به ایران سرازیر شده‌اند گفت: «این مهاجرین سرمایه‌های نقدی بسیاری با خود به کشور آوردند اما به دلیل منع قانونی که در ثبت املاک و سرمایه‌ها برای اتباع داریم نتوانستند در کشور وارد جریان‌های اقتصادی شوند بنابراین به کشورهای همسایه، مانند قطر و ترکیه مهاجرت کردند و سرمایه‌هایشان را آنجا سرمایه‌گذاری کردند.»

صادق رضادوست با اشاره به تغییر سیاست‌های مهاجرتی به وبسایت «رکنا» گفت: «برای جذب سرمایه‌های خارجی باید مشوق‌هایی در نظر بگیریم. کشور ترکیه برای جذب سرمایه‌های خارجی با دریافت ۴۰۰ هزار دلار اقامت و تابعیت کشور خود را به مهاجرین می‌دهد و برای آنها پاسپورت ترکیه‌ای صادر می‌کند. ضمن اینکه در دوره‌ای اجازه خرید املاک به اتباع داد و سرمایه هنگفتی از این راه به جریان اقتصادی خود تزریق کرد.»

وی با بیان اینکه مسئولین با بررسی‌های مجدد قوانین مهاجرت و سرمایه‌گذاری اتباع می‌توانند از فرار سرمایه‌های خارجی پیشگیری کنند و در راستای توسعه کشور گام بردارند افزود: «ضمن اینکه این مهاجرین می‌توانند برای کشور فرصت باشند نه تهدید. پیش‌بینی ورود این حجم از مهاجر در کشور وجود نداشت و حضور آنان به افزایش تورم دامن‌زده است. ساماندهی اتباع باید فوراً در دستور کار قرار بگیرد.» این در حالیست که آمارهای وزارت کار درباره جمعیت اتباع شاغل برابر با پنج سال اشتغالزایی دولت در ایران است و معلوم نیست این سرمایه‌دارانی که صادق رضادوست از آنها صحبت می‌کنند چه میزان از این مهاجرین را تشکیل می‌دهند و با کدام موانع قانونی روبرو شده‌اند که سرمایه‌های خود را به کشورهای دیگر برده‌اند.

روزنامه اینترنتی «فراز» ۴ بهمن در این زمینه نوشت: «۴/۵ میلیون شغل در ایران در اختیار اتباع خارجی است. این را معاون اشتغال وزارت کار گفته و تاکید کرده که از این تعداد فقط ۱/۵ میلیون نفر اتباع مجاز هستند و باقی به شکل غیرمجاز در ایران کار و اقامت دارند.» این آمار در حالی ارائه شده که تا مهر امسال وزیر کشور تاکید داشت که کل جمعیت اتباع خارجی در کشور ۵ میلیون نفر است و حالا مشخص شده که آنها فقط ۵ میلیون شغل در اختیار دارند و جمعیت‌شان به ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد.»

شهریورماه امسال نیز نماینده بوشهر در شورای عالی

پایتخت در تسخیر ساختمان‌های نایمن

پنج مرحله هشدار آتش‌نشانی در مورد نایمنی بیمارستان «گاندی»

وظیفه تعیین سهم مقصران بر عهده قوه قضاییه است. او گفته بود: «مالک ساختمان، شهرداری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیشترین ارتباط را با ساختمان پلاسکو و نگهداری و ایمنی آن داشتند که قبل از ریزش ساختمان می‌توانستند بهتر عمل کنند؛ قصور بقیه سازمان و دستگاه‌ها در رده پایین‌تری قرار دارد.»

از آن پس بود که آمارهایی تکانه‌دهنده درباره ساختمان‌های نایمن پایتخت ارائه شد. آمارها نشان می‌دهد در تهران حداقل ۷۵ ساختمان نا ایمن وجود دارد که برخی بیمارستان‌ها و اماکن دولتی نیز در این لیست قرار دارند، ۵۰ درصد از ساختمان‌های دولتی که در تهران وجود دارند تأییدیه سازمان آتش‌نشانی را ندارند.

قدرت‌الله محمدی مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در اینباره گفته که «۱۲۹ مالکین ساختمان رو سه نوبت به سازمان آتش‌نشانی دعوت کردیم و تذکرات لازم را به آنها دادیم و خروجی این پیگیری منجر به کاهش تعداد این ساختمان‌های پرخطر از لحاظ حریق از ۱۲۹ به ۷۵ ساختمان شده است.»

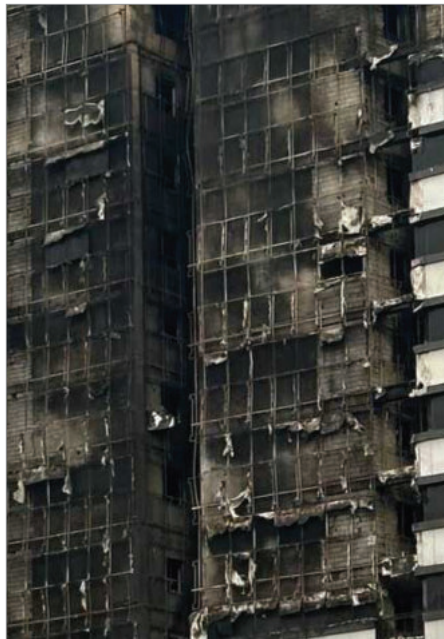
او افزوده که «۷۵ ساختمان مانند پاساژ ناهید، پاساژ فجر، شرکت ژال در خیابان شریعتی، ساختمان هرمزان در سعادت‌آباد، مجتمع تجاری بوستان در پونک و برخی پاساژهای بازار بزرگ تهران از جمله گرند هتل، ساختمان‌هایی هستند که بنا به دلایل مختلفی هنوز ایمن‌سازی نشده‌اند. در این ۷۵ ساختمان نا ایمن، متأسفانه بیمارستان و اماکن دولتی وجود دارند و لازم به ذکر است که ۵۰ درصد از ساختمان‌های دولتی که در تهران وجود دارند تأییدیه سازمان آتش‌نشانی را ندارند.»

تیرماه ۱۳۹۹ نیز انفجاری در مرکز جراحی محدود سینای مهر شمیران (سینا اطهر) در خیابان شریعتی تهران رخ داد که موجب کشته شدن ۱۵ زن و ۴ مرد شد.

بعد از این حادثه بود که جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفته بود که «طبق مستند ۴ بار اخطار داده‌ایم البته اینکه سه یا چهار بار اخطار داده‌ایم تفاوتی در اصل ماجرا ندارد و کم کاری دیگر نهادهای نظارتی را در ان امر نمی‌توان گردن تعداد اخطارها انداخت چرا که اگر حتی یک بار به این ساختمان اخطار داده می‌شد نهادهای مرتبط و اجرایی باید به این موضوع ورود می‌کردند که متأسفانه در این مورد هیچ نهادی ورود نکرده بود.»

پیشتر غلامعباس ترکی معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور نیز اعلام کرده بود که «برای هر یک از ساختمان‌های نایمن در دادستانی تهران پرونده تشکیل شده است و اقدامات قضایی با همکاری سازمان پیشگیری و مدیریت شهرداری تهران و سازمان آتش‌نشانی در جریان است. انتشار اسامی ساختمان‌های نایمن در تهران به صورت شفاف و با ذکر موارد نایمنی از نظر دادستانی منع قانونی ندارد.»

در فهرست اسامی که اعلام شده، نام مراکز درمانی و بیمارستان‌های مختلفی در پایتخت وجود دارد. بیمارستان‌های «رسول اکرم»، «امام خمینی»، «لولوگر»، «طرفه»، «سینا»، «بوعلی»، «شهدای یافت آباد»، «فیاض بخش» از جمله بیمارستان‌هایی هستند که اخطارهای ایمنی دریافت کردند.



تصویری از ساختمان سوخته‌ی بیمارستان گاندی تهران

می‌شود؛ موضوع بعدی هم سازه است که همه بیمارستان‌ها از این نظر مورد بازدید قرار می‌گیرند.

مدیر بحران منطقه ۶ شهرداری تهران افزوده که «هر ساختمان که از نظر ایمنی یا سازه شرایط نامتعادلی داشته باشد در کمیته بررسی و با حضور شهردار منطقه تشکیل جلسه می‌دهیم؛ همچنین اخطارهای لازم و متعدد به آنها داده می‌شود.»

این مقام شهرداری تهران همچنین گفته «در کنار بیمارستان‌ها دیگر مراکز درمانی، پزشکی، ساختمان پزشکان و رادیولوژی در این لیست قرار دارند چون ایمنی و امنیت و تاب آوری مراکز درمانی به خصوص بیمارستان‌ها برای مدیریت بحران خیلی مهم است.»

ایمنی ساختمان‌های بزرگ در پایتخت سالهاست از سوی مقامات مختلف شهری مطرح می‌شود اما تا کنون نه مالکان و نه مقامات اجرایی اراده‌ای برای ایمن‌سازی و رفع خطر در این ساختمان‌ها نداشتند و جان شهروندان را با تهدید روبرو کرده‌اند.

در آتش‌سوزی روز پنج‌شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۵ ساختمان ۵۴ ساله پلاسکو، اولین آسمان‌خراش خاورمیانه و اولین برج بلند در تهران فرو ریخت. این ساختمان ۳ ساعت و نیم در آتش سوخت و یکی از اولین فادهای معماری مدرن در ایران به کلی نابود شد.

تحقیقات دو ماهه کمیته ویژه حقیقت‌یاب که به دستور حسن روحانی رئیس‌جمهوری وقت تشکیل شد، دستگاه‌های دولتی، شهرداری، مالک و بهره‌برداران ساختمان را در این حادثه دخیل دانسته و همچنین گزارش این کمیته حاکی از فقدان پارامترهای ۸گانه فرماندهی بحران در این حادثه بود. البته مقصر اصلی این حادثه از سوی کمیته حقیقت‌یاب اعلام نشد و محمدتقی احمدی رئیس این کمیته گفته بود که سهم تقصیر سازمان‌ها در این گزارش مشخص نشده و

● ساعاتی بعد از آتش‌سوزی بیمارستان «گاندی» سخنگوی آتش‌نشانی اعلام کرد که پنج بار به بیمارستان گاندی اخطار نایمن بودن داده شده بود.

● آمارها نشان می‌دهد در تهران حداقل ۷۵ ساختمان نایمن وجود دارد که برخی بیمارستان‌ها و اماکن دولتی نیز در این لیست قرار دارند.

● بیمارستان‌های «رسول اکرم»، «امام خمینی»، «لولوگر»، «طرفه»، «سینا»، «بوعلی»، «شهدای یافت آباد»، «فیاض بخش» از جمله بیمارستان‌هایی هستند که اخطارهای ایمنی دریافت کرده‌اند.

بیمارستان «گاندی» تهران در حالی پنجشنبه گذشته دچار آتش‌سوزی شد که مشخص شده مقامات این بیمارستان بارها هشدار نایمنی درباره ساختمان دریافت کرده‌اند اما نسبت به ایمن ساختن و رفع خطرات اقدامی انجام ندادند. بیمارستان «گاندی» تهران غروب پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دچار آتش‌سوزی گسترده شد و یک بلوک این بیمارستان در آتش سوخت. این آتش‌سوزی مهیب خسارت جانی در بر نداشت اما خسارت مالی هنگفتی به بار آورده است. همزمان با عملیات مهار آتش‌سوزی مشخص شد این بیمارستان پیش از این هشدارهایی درباره ایمنی دریافت کرده اما نسبت به آن بی‌اعتنا بوده است.

دکتر پدram عسگری رئیس هیئت مدیره بیمارستان «گاندی» شامگاه پنجشنبه در حالی که همچنان بیمارستان در آتش می‌سوخت در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» گفته بود از صبح جمعه ششم بهمن‌ماه بررسی علت حادثه آغاز می‌شود. همزمان اما مهدی خسروانی مدیر بحران منطقه ۶ شهرداری تهران که در محل آتش‌سوزی حضور داشت به خبرنگاران گفت که «بیش از این سه جلسه با مسئولان بیمارستان گاندی در خصوص ایمنی داشتیم.»

او با تأکید بر اینکه «مدیریت بحران تهران جلسات زیادی با مدیران بیمارستان گاندی داشت و اخطارهای لازم صادر شده بود» گفت که «بیمارستان‌های دی، شریعتی و اکثر بیمارستان‌های مناطق مرکزی تهران حداقل سه اخطار را دریافت کرده‌اند» و «روند ایمن‌سازی برای جلوگیری از بروز حوادث باید با سرعت بیشتری انجام شود.»

جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی نیز همان شب اعلام کرد که پنج بار به بیمارستان گاندی اخطار نایمن بودن داده بودیم؛ «آخرین اخطار مربوط به آبان ماه امسال است. اما متأسفانه به این اخطارها توجهی نشده بود. ببینید بیمارستان محلی است که افراد توان‌یاب در آن حاضر می‌شوند. بنابراین باید اصول ایمنی در آن کاملا و حتی بیشتر از اماکن دیگر مورد توجه باشد، نه اینکه به اخطارهای ایمنی بی‌توجهی کنند.»

روز گذشته و با گذشت ۲۴ ساعت از حادثه آتش‌سوزی بیمارستان «گاندی» مهدی خسروانیا ارائه آماری گفت که «به حدود ۴۰ بیمارستان خصوصی و دولتی بزرگ مثل بیمارستان «امام خمینی» و «شریعتی» که در سطح منطقه هستند، هشدار داده‌ایم؛ هر کدام حداقل سه اخطار را دریافت کرده و با مسئولان آنها جلسات متعددی برای حل مشکلاتشان برگزار کرده‌ایم.

مهدی خسروانی گفته سیستم ایمنی حریق مختص آتش‌نشانی است و بازدید این بخش توسط کارشناسان آنها انجام

تورم در دی ماه هم افزایش یافت؛ تورم ماهانه به ۶/۲ درصد رسید



جاری از هدف گذاری ۳۰ درصدی برای نرخ تورم ۱۲ ماهه در پایان سال جاری گفته بود اما با توجه به اینکه تنها دو ماه تا پایان سال باقی مانده، دستیابی به این هدف بسیار دور از دسترس به نظر می‌رسد. علینقی مشایخی اقتصاددان در توصیف شرایط اقتصادی ایران در سرمقاله شماره روز، شنبه هفتم بهمن ماه، روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته است: «تورم نزدیک به ۴۰ درصد و بیکاری زیاد است؛ قدرت خرید طبقه متوسط و پایین جامعه کم شده است و کاهش آن ادامه دارد؛ سرمایه‌گذاری ناخالص ملی به قیمت ثابت در دهه گذشته رو به کاهش بوده؛ نرخ ارز افزایش داشته است و خروج سرمایه‌های مادی و انسانی از کشور زیاد است.»

این اقتصاددان درباره چرایی وجود آمدن شرایط فعلی نوشته است: «شرایط فعلی حاصل سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های خارجی و سیاست‌های داخلی، فرهنگی و اجتماعی طی چند دهه گذشته بوده است. این وضعیت نامطلوب از آسمان به ما نازل نشده، بلکه نتیجه تصمیمات و سیاست‌های دولت‌هاست.»

در سرمقاله «دنیای اقتصاد» با طرح این پرسش که «چرا در چهار دهه گذشته سیاست‌های اعلامی که براساس دانش اقتصاد، تجارب کشورهای موفق و شرایط کشور تنظیم می‌شد اعمال نشده است؟» آمده که «دو دسته افراد در سیاست‌های اعمال شده موثر بوده‌اند. دسته اول مدیران ارشدی هستند که هدفشان بهبود وضع کشور است و در آن جهت تلاش کرده و تصمیمات عملی اتخاذ می‌کنند اما مسائل پیچیده اقتصادی را ساده‌انگارانه حل می‌کنند.»

در ادامه آمده که «دسته دوم که مانع اعمال سیاست‌های اصلاحی بر مبنای دانش اقتصادی می‌شوند کسانی هستند که از وجود رانت‌های اقتصادی نفع می‌برند. این افراد کسانی هستند که با مراکز تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع و تقسیم رانت ارتباط دارند. این عده برای ادامه شرایطی که رانت وجود دارد فضا سازی می‌کنند، تلاش می‌کنند، تصمیم‌گیران را از تصمیم بر مبنای علم اقتصاد می‌ترسانند، به طرفداران اصلاح سیاست‌ها انگ می‌زنند و حتی ممکن است تهدید کنند.»

بنابراین اگر دولت با برنامه‌ای حساب شده و کارشناسی بتواند بازار مسکن را سامان بدهد و از رقابت در بازار اجاره بکاهد، همچنین از سوی دیگر نیز عرضه را بطور نسبی در این حوزه افزایش دهد، همراه با کنترل تورم در بازار اجاره و مسکن شاید بتوان از صعود ماهانه تورم عمومی نیز جلوگیری کرد. از سوی دیگر جدول شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کشور در دی ماه نیز نشان می‌دهد که سرفه مردم بیش از گذشته کوچکتر شده است. بر اساس این جدول تورم گوشت قرمز ۹۴/۵ درصد، تورم ماهی ۶۲/۸ درصد و در کل تورم خوراکی‌ها ۴۸/۱ درصد شده است.

قابل توجه اینکه تازه‌ترین به روزرسانی بانک جهانی از «شرایط امنیت غذایی» در جهان نشان می‌دهد که ایران با تورم مواد غذایی حدود ۴۱ درصدی در میان ۱۰ کشور با بالاترین تورم‌های مواد غذایی در جهان قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش آرژانتین با تورم مواد غذایی ۲۵۱ درصدی در صدر این لیست قرار گرفته است و پس از آن لبنان و ونزوئلا به ترتیب با تورم‌های ۲۲۰ و ۱۷۳ سه کشور با بالاترین نرخ تورم غذا هستند. افزایش تورم در دی ماه امسال در حالیست که برخی کارشناسان با تأکید بر اینکه تورم اقتصاد ایران به «هسته سخت» رسیده است، معتقدند در حال حاضر تورم کمترین نوسان ممکن را طی می‌کند اما در ماه‌های پیش‌رو بار دیگر افزایش تورم با سرعت بیشتری ادامه می‌یابد و ارقام افزایش تورم بزرگتر خواهند شد.

در مقابل اما تیم اقتصادی دولت رئیسی در ادعاهایی بی‌اساس و حتی متناقض با آمارهای نهادهای دولتی، از جمله مرکز آمار ایران، بر کاهش تورم اصرار دارند.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی ماه گذشته با مقایسه تورم آذرماه با فروردین ماه امسال مدعی شده بود که دولت در کاهش تورم موفق بوده است.

ابراهیم رئیسی نیز هفتم دی ماه در اجلاس سراسری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدعی شده بود دولت روند تورم را کاهش کرده و این کاهش هم ادامه‌دار خواهد بود.

محمد رضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی نیز در ابتدای سال

● خانوارهای کشور دی ماه امسال بطور میانگین ۳۸/۵ درصد بیشتر از دی ماه سال قبل برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● تورم بخش مسکن طی این یک ماه ۳/۱ درصد افزایش داشته و همچنین تورم نقطه به نقطه مسکن نیز ۴۱ درصد شده است.

● تیم اقتصادی دولت رئیسی با ادعاهایی بی‌اساس و حتی متناقض با آمارهای نهادهای دولتی، از جمله مرکز آمار ایران، بر کاهش تورم اصرار دارند.

مرکز آمار ایران گزارش مربوط به تورم در دی ماه امسال را منتشر کرده که نشان از تداوم روند افزایشی تورم در کشور دارد. آمارهای ارائه شده از تورم ماه گذشته نشان می‌دهد گوشت با ۹۴/۵ درصد صدزشتین تورم مواد خوراکی بوده و تورم بازار مسکن نیز چه نسبت به سال گذشته و چه نسبت به ماه گذشته افزایش یافته است.

به گزارش مرکز آمار ایران در دی ماه شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور به عدد ۲۲۲/۷ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۲/۶ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۳۸/۵ درصد افزایش و در دوازده ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۴۳/۶ درصد افزایش داشته است.

منظور از تورم نقطه به نقطه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل می‌باشد. طبق گزارش مرکز آمار ایران، در دی ماه تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳۸/۵ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور دی ماه امسال بطور میانگین ۳۸/۵ درصد بیشتر از دی ماه سال قبل برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل می‌باشد. در دی ماه امسال، تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲/۶ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۲/۴ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۲/۷ درصد بوده است. همچنین در دی ماه نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۴۳/۶ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰/۸ واحد درصد کاهش یافته است.

نرخ تورم سالانه کشور در دی ماه ۱۴۰۲ در حالی ۴۳/۶ درصد اعلام شده است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۴۰/۶ درصد برای دهک اول، تا ۴۵/۲ درصد برای دهک دهم است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۴/۶ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۴/۱ واحد درصد) ۰/۵ واحد درصد افزایش داشته است.

همچنین جزئیات گزارش مرکز آمار ایران درباره تورم دی ماه نشان می‌دهد تورم بخش مسکن طی این یک ماه ۳/۱ درصد افزایش داشته و همچنین تورم نقطه به نقطه مسکن نیز ۴۱ درصد شده است.

تورم ماهانه اجاره عددی برابر با تورم مسکن داشته و همان ۳/۱ درصد برآورد شده است. در بازه نقطه به نقطه و سالانه نیز این بازار روندی نزدیک به مسکن داشته و به ترتیب تورم آن ۴۰/۹ و ۳۹ درصد ثبت شده است.

وبسایت «تجارت نیوز» با اشاره به آمارهای تورم بخش مسکن در ماه گذشته نوشته بررسی جزئی‌تر داده‌های مرکز آمار ایران از تورم نشان می‌دهد، ضریب اهمیت و سهم تورم مسکن و اجاره در شاخص کل تورم به ترتیب معادل ۳۳/۹ و ۳۳/۶ درصد است. این گزاره می‌تواند حاکی از آن باشد که وزن سنگین مسکن و اجاره در تورم عمومی یکی از عوامل رشد این شاخص، موتوری محرک برای آن در دی ماه ۱۴۰۲ بوده است.

مستأجران سرگردان در بازار گران اجاره؛ وام بی خاصیت و ناکارآمد ودیعه مسکن

به گفته او شیوه معمول و متعارف حمایت یارانه‌ای از مستأجران کم‌درآمد در دنیا، پرداخت یارانه‌های ماهانه اجاره مسکن معادل بخشی از اجاره بهایی است که خانوارهای کم‌درآمد هر ماه پرداخت می‌کنند. به عنوان مثال سوابق کشور آمریکا در این زمینه نشان‌دهنده در نظر گرفتن یارانه‌های ماهانه اجاره بها برای گروه‌های کم‌درآمد این کشور متناسب با سطح درآمد و اجاره بهای قید شده در قراردادهای آن هاست. در کشورهای اروپایی نیز سیاست‌هایی از قبیل ساخت مسکن‌های حمایتی برای واگذاری آن‌ها به مستأجرهای نیازمند با اجاره بهای یارانه‌ای از سوی حکومت‌های ملی، محلی یا بخش خصوصی (در ازای حمایت‌های موثر)، اجرا شده و می‌شود.

این کارشناس افزوده که «با توجه به گسترش فقر و افزایش دامنه بحران اجاره‌نشینی و تورم اجاره به دهک‌های متوسط، لازم است حمایت‌ها علاوه بر گروه‌های کم‌درآمد شامل گروه‌های متوسط و متوسط رو به پایین نیز بشود. در چنین شرایطی، لازم است مابه‌التفاوت اجاره بهای پرداختی خانوارها با سطح بهینه هزینه اجاره بها در سبد هزینه‌ای آن‌ها در قالب سیاست‌های حمایتی، تأمین شود.»

اینهمه در حالیست که تورم بازار اجاره‌بها همچنان در فصل زمستان که فصل جابجایی مستأجران نیست ادامه دارد. گزارش‌ها نشان می‌دهد افزایش قیمت واحدهای اجاره‌ای در دی‌ماه هم ادامه داشته و دست‌کم ۱۰ درصد بر قیمت‌ها افزوده شده است. وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به وضعیت مستأجران با توجه به پیش‌بینی افزایش اجاره‌بهای مسکن در سال جدید پرداخته است.

در این گزارش آمده که تحلیلگران بازار مسکن معتقدند بازار مسکن هیچ‌گاه براساس قانونی که در راستای تعیین نرخ اجاره از سوی دولت وضع می‌شود، حرکت نمی‌کند. بلکه ملاک تعیین قیمت اجاره مسکن نرخ تورمی است که مردم در جامعه احساس می‌کنند. با وجود آنکه رکود عمیقی در این بخش حاکم است، قیمت‌ها همچنان بالا می‌رود و این در حالی است که قیمت‌های جدید هیچ تناسبی با توان خرید مردم ندارد. حسین عبده تیریزی کارشناس اقتصادی در گفتگو با «اقتصاد ۲۴» با اشاره به اینکه افزایش گردش نقدینگی در اقتصاد با قدرت نقدینگی مردم در ارتباط است گفته است: بازگشت قیمت‌ها در بازار مسکن به سوی کاهش تورم نیازمند جبران تورم پیش‌خور شده است، یعنی اینکه علاوه بر تقویت قدرت مالی مردم به عنوان متقاضیان اصلی این بازار باید شرایط در بازار مسکن به سمت خروج از رکود در معاملات بازگردد.

هادی سرخوش فعال بازار مسکن هم گفته که «هنوز بازار جابجایی‌های پایان سال آغاز نشده، اما رشد ۱۰ درصدی اجاره‌بها در دی‌ماه بسیار نگران‌کننده شده است. این فعال بازار مسکن افزوده که «امسال شرایط اجاره مسکن بسیار سخت‌تر شده بطوری که صاحبخانه‌ها به دنبال اجاره مسکن خود با پیش‌کمت و اجاره بالا هستند. به دلیل نبود تضمین تثبیت سود بانکی، کمتر صاحب‌خانه‌ای مبلغ پیش‌اجاره را مطالبه می‌کند چراکه دریافت اجاره ماهانه برای آن‌ها مقرون به صرفه‌تر است.

به گفته هادی سرخوش، مبلغ پیش‌اجاره خانه هر ماه بی‌ارزش‌تر از ماه قبل می‌شود و در نهایت در زمان یکسال بیش از ۱۰ درصد از ارزش پول کاسته می‌شود و این برای مردم خیلی زیاد و نگران‌کننده است.



می‌روند. بی‌خانم‌های در حال گسترش است و اتوبوس‌خوابی، پارک‌خوابی و چادرخوابی از نتیجه آثار افسارگسیختگی قیمتی در بازار اجاره مسکن ایران است.

دولت از چند سال پیش با ادعای کمک به مستأجران کم‌درآمد، وام بانکی تحت عنوان وام ودیعه مسکن را رونمایی کرد. این وام اما مانند دیگر وام‌های بانکی نتوانست به هدف خود دست پیدا کند. بهره بالا و اقساط سنگین ماهانه وام ودیعه با درآمدهای ناچیز مستأجرانی که باید همزمان با قسط بانک، اجاره‌بهای مسکن را هم در کنار دیگر هزینه‌های زندگی پرداخت کنند تناسبی ندارد.

براساس ابلاغ بانک مرکزی، سقف این وام برای شهر تهران به ۲۰۰ میلیون تومان، مراکز استان‌ها ۱۵۰ میلیون تومان و سایر شهرها ۱۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. مدت زمان بازپرداخت این تسهیلات نیز ۵ ساله و نرخ سود آن براساس مصوبه شورای پول و اعتبار ۲۳ درصد است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی به ناکارآمدی وام ودیعه مسکن پرداخته و نوشته که این وام دو نقطه ضعف اساسی و بزرگ دارد. ضعف اول این تسهیلات به «قدرت پوششی» ناچیز در برابر اجاره‌بها به‌ویژه در تهران و کلان‌شهرها مربوط است. توان‌سنجی وام ودیعه براساس دسته‌بندی شهرها به ۴ گروه نشان می‌دهد، بالاترین قدرت، معادل ۵۰ درصد مبلغ اجاره است. اما ضعف بزرگ به «قسط ماهانه» وام برمی‌گردد که تقریباً برابر «اجاره‌بهای ماهانه» است. این گزارش همچنین نوشته که با توجه به برآورد سطح اجاره بهای پیشنهادی واحدهای مسکونی بر مبنای رهن کامل هر مترمربع، این وام در شهر تهران ۲۰ مترمربع، در کلان‌شهرها ۳۷ مترمربع، در مراکز استان‌ها ۴۲ مترمربع و در سایر شهرها ۵۰ مترمربع از اجاره بهای واحدهای مسکونی را پوشش می‌دهد.

فردین یزدانی کارشناس بازار مسکن درباره وام ودیعه اجاره گفته که «این وام، نه تنها به لحاظ سطح پوشش دهی بلکه از نظر نحوه و سازوکاری که برای آن تدارک دیده شده است، یک وام متعارف نیست.»

● تورم اجاره‌بهای مسکن در پنج سال اخیر با سرعت بیشتری افزایش یافته بطوری که برای تمام خانوارهای شهری از ۲۵/۱ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۵۸/۶ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

● بهره بالا و اقساط سنگین ماهانه وام ودیعه با درآمدهای ناچیز مستأجرانی که باید همزمان با قسط بانک، اجاره‌بهای مسکن را هم در کنار دیگر هزینه‌های زندگی پرداخت کنند تناسبی ندارد.

● فردین یزدانی کارشناس بازار مسکن: با توجه به گسترش فقر و افزایش دامنه بحران اجاره‌نشینی و تورم اجاره به دهک‌های متوسط، لازم است حمایت‌ها علاوه بر گروه‌های کم‌درآمد شامل گروه‌های متوسط و متوسط رو به پایین نیز بشود.

تازه‌ترین آمارها از وضعیت بازار اجاره نشان می‌دهد طی سال گذشته تورم نقطه به نقطه اجاره‌بها به بیشترین حد خود در پنج سال گذشته رسیده و کم‌هزینه‌ترین خانوارها تورم بیشتری را در اجاره مسکن نسبت به پرهزینه‌ترین خانوارها داشته‌اند. وبسایت «اگو ایران» در گزارشی به تورم اجاره‌بها طی یک سال گذشته پرداخته و نشان داده خانوارهای مستأجر در دهک‌های مختلف درآمدی چه میزان برای اجاره خانه هزینه کرده‌اند.

بر اساس این گزارش داده‌ها نشان می‌دهند تورم اجاره‌بهای مسکن یعنی تغییرات هزینه آن در یک سال نسبت به سال قبل در پنج سال اخیر با سرعت بیشتری افزایش یافته است. بطوری که برای تمام خانوارهای شهری از ۲۵.۱ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۵۸/۶ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

در این گزارش آمده که رشد نقطه به نقطه اجاره‌بهای مسکن در این سال یعنی تغییرات آن نسبت به سال قبل از سال ۱۳۹۷ حاکی از این است که این هزینه بطور کلی افزایش یافته است. اما افزایش آن برای خانوارهای کم‌برخوردار بیش از افزایش آن برای خانوارهای برخوردارتر بوده است. و این یعنی تورم اجاره مسکن را کم‌برخوردارها بیشتر حس کرده‌اند.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی «اگو ایران» دهک‌هایی که پایین‌ترین وضعیت رفاهی را دارند از سال ۱۳۹۸ تورم بیشتری را در رابطه با اجاره‌خانه نسبت به خانوارهای دهک دهم که پردرآمدترین دهک هستند تجربه کرده‌اند. بطوری که در سال ۱۴۰۱ تورم اجاره‌بهای مسکن در دهک اول ۵۴/۹ درصد و در دهک دهم برابر با ۵۸.۶ درصد بوده است. با این حال در فاصله سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ سرعت رشد تورم اجاره‌بها برای دهک دهم بیش از دهک اول بوده است. این گزارش افزوده که اعداد بودجه خانوار متوسط هزینه‌ای که یک خانوار شهری در ایران در سال گذشته برای اجاره مسکن پرداخته برابر با ۴۳ میلیون و ۶۱۶ هزار تومان در سال بوده است.

کمترین هزینه سالانه برای اجاره‌بهای مسکن را خانوارهای شهری دهک اول برابر با ۱۳ میلیون و ۱۶۳ هزار تومان و بیشترین آن را خانوارهای دهک دهم به مبلغ ۱۱۶ میلیون و ۴۲۰ هزار تومان پرداخته‌اند.

افزایش تورم هزینه اجاره‌بها در حالیست که بسیاری از اقشار کم‌درآمد توان تأمین هزینه اجاره را ندارند و این موضوع سبب پدیده‌هایی چون زندگی هم‌زمان دو خانواده مستأجر در یک واحد کوچک آپارتمانی شده است. بسیاری از مستأجران وسائل خود را در کانکس‌های اجاره‌ای انبار کرده و به ناچار به خانه والدین یا یکی از اعضای خانواده

ایران بیش از دیگر کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی است؛ مهاجرت ۸۰۰ هزار نفر از استان‌های مرکزی و جنوبی به استان‌های شمالی



سایر کشورها برای سازگاری با تبعات تغییر اقلیم برنامه‌ریزی کنند.

او با اشاره به مسئولیت وزارتخانه‌های مختلف در کاهش اثرات تغییرات اقلیم و کاهش سرعت مشکلات ناشی از آن، گفته که وظیفه اصلی تولید و توزیع سوخت‌های فسیلی به عنوان عامل اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورمان برعهده وزارت نفت است، بنابراین این وزارتخانه می‌تواند نقش مهمی را در کاهش انتشار آلاینده‌ها ایفا کند که در بلندمدت به کم شدن آثار سوء ناشی از تغییرات اقلیمی کمک خواهد کرد، اما در حوزه سازگاری با تبعات تغییر اقلیم، دستگاه‌هایی مانند وزارتخانه‌های نیرو، کشاورزی و صمت مهمترین وظیفه را برعهده دارند که باید بیشترین توان خود را بر مدیریت منابع آب و انرژی و اصلاح زیرساخت‌ها و روش‌های اجرایی بگذارند تا پیامدهای ناشی از تغییرات اقلیمی در کشورمان به حداقل برسد.

بهزاد لایقی معاون توسعه پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات جوی سازمان هواشناسی کشور نیز روز گذشته در هفتمین کنفرانس بین‌المللی تغییر اقلیم در تهران گفته پیامدهای تغییر اقلیم از سواحل شمال کشور با کاهش تراز سطح آب دریای خزر تا جنوب کشور با خشکسالی، سیل و توفان‌های گردوخاک قابل مشاهده است.

بهزاد لایقی افزوده که مهاجرت، افزایش شهرنشینی، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، تخریب سرزمین، آلودگی هوا، کاهش دسترسی به آب سالم و ده‌ها مثال دیگر از پیامدهای تغییر اقلیم در کشورهای درحال توسعه است. همانطور که کارشناسان اعلام کرده‌اند اثرات تغییر اقلیم بسیار گسترده است و از محیط زیست و اقتصاد، تا سلامت شهروندان را هدف قرار می‌دهد.

آمارها نشان می‌دهد خشکسالی در ایران وارد چهارمین سال شده و منابع آب تجدیدپذیر کشور که یک دهه پیش ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بود امسال به حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است.

هاشم امینی مدیر عامل آب و فاضلاب کشور آذرماه امسال گفته بود که «در حال گذراندن چهارمین سال پیاپی

رئیس مرکز ملی تغییر اقلیم سازمان محیط زیست افزوده که «متأسفانه ما در حوزه تغییر اقلیم در حال حرکت به سمت یک فروچاله هستیم و اگر سازگاری نداشته باشیم با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌های موجود آسیب جدی متوجه کشور خواهد شد.»

او همچنین با اشاره به وقوع بیش از ۳۰۰ سیلاب در کشور از ابتدای دهه ۹۰ تا کنون، گفته این سیلاب‌ها یکی از مهمترین اثرات تغییر اقلیم در کشور هستند. به گفته این مقام سازمان محیط زیست، کشور در شرایط اقلیمی متفاوت اعم از خشکسالی و ترسالی، بارش شدید و عدم بارش همواره دچار غافلگیری می‌شود.

داریوش گلعلی‌زاده گفته یکی از چالش‌های اساسی ایران در حوزه تغییر اقلیم را بحث تأمین انرژی تجدیدپذیر دانسته است. در همین حال سحر تاجبخش رئیس سازمان هواشناسی ایران تأکید کرده ایران به دلیل فرسوده و ناپایدار بودن زیرساخت‌ها و تغییر کاربری عرصه‌های طبیعی بیش از کشورهای خاورمیانه و متوسط جهانی تحت تأثیر تغییر اقلیم بوده است.

به گفته سحر تاجبخش منطقه خاورمیانه و کشورهای در حال توسعه این منطقه از جمله ایران، عراق و عربستان، بیشتر از متوسط جهانی تحت تأثیر تبعات تغییر اقلیم به‌ویژه مخاطرات جوی ناشی از این پدیده قرار دارند. در این میان با توجه به این که زیرساخت‌های شهری و عمرانی در بسیاری از نقاط کشورمان فرسوده و ناپایدار است و بخش زیادی از عرصه‌های طبیعی کشور با مساله تغییر کاربری اراضی مواجه شده، آثار مخرب تغییرات اقلیمی، ایران را بیش از سایر کشورها درگیر خود کرده است. این پیامدها را در چند سال گذشته در تشدید فرونشست زمین، افزایش رخدادهای پدیده‌های حدی از جمله سیل‌های ویرانگر، رشد بیابان‌زایی و بیشتر شدن گرد و غبار مشاهده کرده‌ایم.

رئیس سازمان هواشناسی افزوده که وقتی ایران بیشتر از متوسط جهانی و حتی بیش از سایر کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر آثار سوء تغییرات اقلیمی قرار گرفته است، طبیعتاً تصمیم‌سازان ارشد کشورمان باید بیشتر از مسئولان

● در بیش از یک دهه اخیر ۵۰۰ گونه جانوری در جهان به دلیل تغییرات اقلیمی از دست رفته و نزدیک به ۶۰۰ گونه دیگر در معرض انقراض است.

● رئیس مرکز ملی تغییر اقلیم سازمان محیط زیست: در حوزه تغییر اقلیم در حال حرکت به سمت یک فروچاله هستیم و اگر سازگاری نداشته باشیم آسیب جدی متوجه کشور خواهد شد.

● معاون سازمان هواشناسی کشور: پیامدهای تغییر اقلیم از سواحل شمال کشور با کاهش تراز سطح آب دریای خزر تا جنوب کشور با خشکسالی، سیل و توفان‌های گردوخاک قابل مشاهده است.

آخرین آمارهای سازمان محیط زیست نشان می‌دهد طی دو سال اخیر ۸۰۰ هزار نفر از استان‌های مرکزی و جنوبی کشور به دلیل تغییرات اقلیمی به استان‌های شمالی مهاجرت کرده‌اند. رئیس سازمان هواشناسی اعلام کرده ایران به دلیل فرسوده و ناپایدار بودن زیرساخت‌ها و تغییر کاربری عرصه‌های طبیعی بیش از کشورهای خاورمیانه و متوسط جهانی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارد.

داریوش گلعلی‌زاده رییس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست با ارائه آماری تکانه‌دهنده گفته در دو سال اخیر ۸۰۰ هزار نفر از استان‌های مرکزی و جنوبی کشور به دلیل تغییرات اقلیم به استان‌های شمالی مهاجرت کردند.

او که در حاشیه هفتمین کنفرانس بین‌المللی تغییر اقلیم در تهران سخن می‌گفت افزوده که در بیش از یک دهه اخیر ۵۰۰ گونه جانوری را در جهان به دلیل تغییر اقلیم از دست دادیم و نزدیک به ۶۰۰ گونه دیگر در معرض انقراض است و ما در کشور نیازمند ذخیره موثر و مفید بانک ژنی در کشور هستیم.

این مقام مسئول همچنین گفته تغییر اقلیم مانند آلودگی هوا یک «مسئله» نیست بلکه یک «چالش جدی» برای کشور محسوب می‌شود که نیازمند توجه جدی به آن در سیاستگذاری‌های کلان کشور هستیم.

توقیف یک کشتی با پرچم استرالیا در خلیج فارس توسط نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



شناور توقیف شده در بندر بوشهر / عکس: همشهری

شده با حکم قانون در حال تحویل به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی استان بوشهر است. وی با بیان اینکه این چندمین شناور توقیفی سوخت قاچاق در خلیج فارس است افزود: «این شناور از زمان سوخت‌گیری در رصد اطلاعاتی قرار داشت و پس از ورود به محدوده عملیاتی منطقه دوم نیروی دریایی سپاه پاسداران توقیف شد... نیروی دریایی سپاه با به‌کارگیری ابزارهای شناسایی به‌روز، تمام تحرکات در خلیج فارس تحت رصد و پایش قرار دارد.»

کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران گزارش دادند این کشتی حامل پرچم استرالیا بود. بر اساس تصاویری که روزنامه «همشهری» منتشر کرده این شناور چندان بزرگ نیست. اشاره‌ای هم به نام و مشخصات آن نشده است.

سپاه پاسداران با همراهی ارتش در برخی مأموریت‌ها بر تحرکات خود در آب‌های منطقه افزوده است. این تحرکات با تشدید موشک‌پرانی حوثی‌ها به کشتی‌های خارجی در دریای سرخ و باب‌المندب همزمان شده است. با وجود استقرار ناوهای متعلق به «نیروهای ائتلاف» در آبراه‌های بین‌المللی تهدیدات و حملات علیه کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها بیشتر شده است.

جمهوری اسلامی ادعا می‌کند حوثی‌ها مستقل عمل می‌کنند و از تهران دستور نمی‌گیرند اما مقامات نظامی و امنیتی غرب مدام گزارش می‌دهند که رژیم ایران مستقیم در حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها دخالت دارند.

● **سردار پاسدار حیدر هنزبان مجرد فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه ادعا کرد «این کشتی با پرچم یک کشور اقیانوسیه حامل دو میلیون لیتر گازوئیل قاچاق» بود که «با اشراف کامل و رصد اطلاعاتی رزمندگان دریادل» توقیف شد.**

● **کشتی ۱۴ خدمه دارد که تبعه دو کشور آسیایی هستند اما اشاره‌ای به تابعیت و مبدأ و مقصد آنها نشده است.**

● **همچنین اعلام شد که «محموله سوخت قاچاق کشف شده با حکم قانون در حال تحویل به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی استان بوشهر است.»**

● **کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران گزارش دادند این کشتی حامل پرچم استرالیا بود.**

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز یکشنبه هشتم بهمن‌ماه یک کشتی خارجی را در خلیج فارس نزدیک بندر بوشهر توقیف کرد.

سردار حیدر هنزبان مجرد فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه ادعا کرد «این کشتی با پرچم یک کشور اقیانوسیه حامل دو میلیون لیتر گازوئیل قاچاق» بود که «با اشراف کامل و رصد اطلاعاتی رزمندگان دریادل» توقیف شد.

کشتی ۱۴ خدمه دارد که تبعه دو کشور آسیایی هستند اما اشاره‌ای به تابعیت و مبدأ و مقصد آن نشده است. همچنین اعلام شد که «محموله سوخت قاچاق کشف

خشکسالی در کشور هستیم و علی‌رغم پیش‌بینی‌های سازمان هواشناسی، مبنی بر بارش‌های نرمال و فرانرمال، متأسفانه شاهد کاهش بارش‌ها در پاییز امسال بوده‌ایم.» هاشم امینی با بیان اینکه «کاهش بارش‌ها نگرانی‌ها در حوزه منابع آب کشور را افزایش داده» گفته که «منابع آب تجدیدپذیر کشور که حدود ۱۰ سال قبل، ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بود، امسال به حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب رسیده است.»

مدیر عامل آب و فاضلاب کشور افزوده که «بیان منفی در سفره‌های آب زیرزمینی و کاهش میزان بارش‌ها، شرایط تأمین پایدار آب را به چالش می‌کشد؛ هرچه منابع آب سطحی کاهش یابد، برداشت از منابع آب زیرزمینی افزایش می‌یابد و با تشدید بیان منفی سفره‌های زیرزمینی، شاهد افزایش فرونشست‌ها نیز در نقاط مختلف خواهیم بود.»

آمارهای دیگر منتشر شده نشان از گسترش پیامدهای تغییر اقلیم در ایران است. هفته گذشته علی بیت‌الهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و شهرسازی اعلام کرد: «میزان فرونشست در سواحل مازندران در حالی به ۹ سانتیمتر در سال رسیده که در ۵ سال گذشته فرونشست در این منطقه صفر بوده. در ۵ سال گذشته اصلاً با پدیده فرونشست در این استان مواجه نبودیم و به تدریج این رشد فرونشست به استان گیلان هم سرایت می‌کند.»

او با اشاره به اینکه آب دریا که عقب می‌رود، سطح آب زیرزمینی پایین می‌آید و یک بالانسی با آب اشباع‌شده ایجاد می‌کند اضافه کرد: «وقتی آب عقب‌رفت داشته باشد یعنی آب سطح دریا پایین رفته و با پایین رفتن سطح آب دریا، سطح آب زیرزمینی نوار ساحلی پایین می‌رود و از آنجاکه نوار ساحلی محیط ریزدانگی است اثر ملموس بر روی سطح زمین می‌گذارد و فرونشست را ایجاد می‌کند.»

بیت‌الهی با بیان اینکه تمام ساختمان‌های واقع در نوار ساحلی مازندران و بندر امیرآباد در معرض خطر هستند، گفت: «البته به سمت ارتفاعات امکان فرونشست وجود ندارد چون جنس لایه‌های زمین در این منطقه از سنگ است و در محیط سنگی فرونشست وجود ندارد اما به سمت محدوده‌های خاکی و نرم ساحلی با پایین رفتن آب، فرونشست شدیدتر می‌شود و این موضوع تنها به یک بندر و یک ناحیه محدود نمی‌شود.»

احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور نیز ماه گذشته با اشاره به کمبود جدی بارش برف در پاییز و زمستان جاری گفته «ارتفاعات کشور تقریباً عاری از برف است؛ این در حالیست که عامل جوشش چشمه‌ها برف است و اگر برف نباشد، سطح آب رودخانه‌ها به سرعت فروکش خواهد کرد. امسال علاوه بر کم‌بارشی و خشکسالی، با کم‌برفی نیز مواجهیم که دلیل آن وجود هوای گرم است.»

این در حالیست که بسیاری از تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور نیز در معرض خشکی قرار دارند. ابتدای بهمن‌ماه مدیرکل حفاظت محیط زیست استان فارس اعلام کرد که از ۱۴ تالاب استان، شش تالاب هم‌اکنون بطور کامل خشک هستند. او افزوده دو تالاب از شش تالاب خشک‌شده یعنی «پریشان» و «کافتَر» که روزگاری از تالاب‌های آب شیرین و منشأ حیات و رونق منطقه بودند، به شدت خشک شده‌اند؛ به گونه‌ای که در شرایط موجود و با مدیریت‌های سرزمینی فعلی نمی‌توان به احیا و حیات دوباره آنها امید داشت.

هرچند اغلب مقامات به بارش کم و خشکسالی به عنوان عامل خشکی دریاچه‌ها و تالاب‌ها اشاره دارند اما علت اصلی چنین شرایطی سدسازی‌های غیراصولی و غیرکارشناسی جمهوری اسلامی است.

«بحران قدرت خرید» در ایران؛ اقشار متوسط هم در تله فقر گرفتار شده‌اند



بر اساس این گزارش نرخ تورم سالانه برای این گروه کالایی، در بازه زمانی یک ساله معادل ۷/۹۱ درصد است که نشان می‌دهد سیاستگذاری یک سال گذشته دولت در این حوزه، به‌طور یکپارچه و استمراری، سفره مردم را هدف قرار داده است و تحولات قیمتی در بازه زمانی یک‌ساله را به هیچ وجه نمی‌توان نوسانات کوتاه‌مدت قلمداد کرد و باید آن را فرآورده و محصول نهایی سیاست‌های دولت بنامیم. این گزارش افزوده تغییرات تورم نقطه به نقطه این کالاها هم نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت در حالی که در افق بلندمدت از کنترل اوضاع در این زمینه کارگر نیفتاده و نابهینه و غیرکارا بوده، بلکه در برابر نوسانات ماهانه و کوتاه‌مدت نیز ناکارآمد بوده است و نتوانسته ثبات را به بازار بازگرداند. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه این گروه کالایی با عبور از سطح ۴/۹۵ درصد، اثبات مدعی گزاره پیشین است. در این میان حامیان دولت رئیسی همچنان مدافع سیاست‌های اقتصادی دولت هستند. روزنامه «کیهان» چاپ تهران بدون در نظر گرفتن آمارهای اقتصادی ارائه شده از سوی نهادهای زیرمجموعه دولت مدعی شده دشمنان مشکلات کشور را بزرگنمایی می‌کنند!

در این مطلب آمده که «دشمنان در خارج و عوامل آنان در داخل تلاش می‌کنند با بزرگنمایی برخی مشکلات اقتصادی و معیشتی و حتی فرهنگی و اجتماعی سبب ناامیدی مردم به آینده و دلسرد کردن آنان از شرکت در انتخابات بشوند. در حالی‌که راه حل مشکلات، انتخابات است و برای رفع مشکلات هم باید در انتخابات شرکت کرد.»

روزنامه «کیهان» در ادامه نوشته که «از ابتدای انقلاب تا امروز هیچ‌کس و هیچ گروه یا حزبی از تحریم انتخابات سود نبرده است. بلکه خودشان ضرر کرده‌اند. امروز ایران را که به قول شهید سلیمانی حرم است باید با شرکت فعال در انتخابات و حضور در پای صندوق‌های رای برای برداشتن گام‌های بلندتر قوی کرد.»

مسعود بختیاری گفته سیاست‌های دولت تولیدکنندگان مواد غذایی را برای صادرات کالا با مشکلاتی روبرو کرده و در بازار داخلی نیز تولیدات آنها خریداری ندارد. این فعال صنفی گفته دولت در پرداخت تسهیلات خرد به تولیدکنندگان، اصناف و بازاریان رفتاری انقباضی در پیش گرفته و از سوی دیگر با اعمال سیاست‌های سختگیرانه‌ای همچون رفع تعهد ارزی، صادرات را با چالش مواجه کرده است، این امر کاهش صادرات و سرریز شدن محصولات به بازار داخل و در ادامه تشدید رکود را سبب شده است. عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران افزوده مشکل در صادرات در حالیکه از آنسو بازار داخل نیز قدرت خرید این اقلام را ندارد و تولیدکننده با توجه به هزینه تمام‌شده تولید کالا نمی‌تواند برای جذب تقاضا از قیمت خود بکاهد، در چنین شرایطی تولیدکننده نیز ناچار به کاهش تولید است. بحران خانوارها برای تأمین مواد غذایی تنها شامل اقلامی مانند گوشت و میوه نیست و حتی در مورد غلات و نان به عنوان قوت غالب شهروندان نیز وجود دارد. وبسایت «جهان صنعت» در گزارشی با عنوان «کودتا علیه مصرف خانوار» به این موضوع پرداخته و نوشته نان و غلات که ستون فقرات تأمین کالری مورد نیاز برای دهک‌های فقیر و کم‌درآمد کشور را شکل می‌دهند و از ابتدای سال جاری با کنترل‌گری بیشتر دولت روبه‌رو بوده‌اند و با ۳/۴۸ درصد رشد تورمی نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، آزر خطر را به صدا درآورده‌اند.

«جهان صنعت» در ادامه به دیگر کالاهای خوراکی اشاره کرده و نوشته در گروه فرآورده‌های گوشتی اوضاع به مراتب وخیم‌تر بوده و نرخ تورم این گروه کالایی نزدیک به ۱۲۰ درصد بیشتر از نرخ تورم کل کشور است و عملاً به معنای حذف این ارقام کالایی از سفره ۴ الی ۷ دهک درآمدی کشور است.

● علیرضا حیدری کارشناس اقتصادی: برخی اقشار اساساً مصرفی ندارند و مصرف گروه‌هایی از جامعه به صفر رسیده یا به شدت کاهش یافته است.

● مسعود بختیاری عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران از رکود شدید حاکم بر بازار مواد غذایی خبر داده و گفته این رکود ناشی از کاهش قدرت خرید خانوارها است.

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران بدون در نظر گرفتن آمارهای اقتصادی ارائه شده از سوی نهادهای زیرمجموعه دولت مدعی شده دشمنان مشکلات کشور را بزرگنمایی می‌کنند!

آمارها در حالی از تداوم تورم در اقتصاد ایران طی دی‌ماه امسال گزارش داده‌اند که یک کارشناس اقتصادی از پدیده «بحران قدرت خرید» خبر داده و گفته دهک‌های متوسط هم گرفتار تله فقر شده‌اند.

علیرضا حیدری کارشناس اقتصادی درباره گرفتار شدن بخش زیادی از جمعیت کشور در «تله فقر» گفته که برخی کالاها در دسته کالاهای ضروری قرار می‌گیرند و با نسبت به افزایش قیمت مقاوم‌تر هستند: «یعنی مابه‌ازای هر میزان قیمتی که افزایش پیدا کند، حساسیت برای مصرف آن کالا قابل توجه نیست مانند کالاهای سلامت‌محور و خوراکی است که مردم به هر قیمتی این کالای ضروری را مصرف می‌کنند. اما امروز شرایط به گونه‌ای شده که متأسفانه اثر قیمتی مصرف‌کننده را وادار به تعدیل مصرف کرده است. به این نقطه حساس «بحران قدرت خرید» گفته می‌شود.»

این کارشناس اقتصادی افزوده در این نقطه، مصرف‌کننده تلاش می‌کند سطح مصرف خود را برای برخی کالاها کاهش ندهد. اما وقتی در این شرایط قرار می‌گیرد و متوسط سرانه مصرف کاهش پیدا می‌کند یعنی برخی اقشار اساساً مصرفی ندارند و مصرف گروه‌هایی از جامعه به صفر رسیده یا به شدت کاهش یافته اما از سوی دیگر گروهی هم بیشتر از سرانه مصرف دارند و این خود به معنای تهدید غذایی است. به گفته علیرضا حیدری، سال به سال دهک‌های درآمدی بالاتری گرفتار «تله فقر» می‌شوند بطوری که می‌بینیم که دهک‌های متوسط هم در حال کوچک کردن سبد غذایی خانوار هستند و خانوار دهک‌های کم درآمد تا متوسط تحت فشار هستند.

او معتقد است طبقات مزد بگیر طی یک سال به صورت مستمر کاهش قدرت خرید را تجربه می‌کنند و این کاهش قدرت خرید خود را در حوزه معیشت، سلامت، آموزش و مشهودتر از همه در حوزه مسکن نشان داده بطوری که سابقه نداشته محل سکونت طبقات اجتماعی به دلیل کاهش قدرت خرید اینطور مشهود تغییر کند و به شهرهای اقماری سرزمین اصلی مهاجرت کنند.

در این میان، تیم اقتصادی دولت رئیسی معتقد است توانسته تورم را مهار کند و کاهش دهد اما اعداد و ارقام مرکز آمار ایران چنین ادعایی را رد می‌کنند. آخرین گزارش مرکز آمار ایران از دی‌ماه نشان می‌دهد که تورم همچنان در روندی افزایشی قرار دارد. همانطور که علیرضا حیدری گفته یکی از آثار افزایش پی در پی تورم «کاهش قدرت خرید» خانوارها است که دیگر نه تنها اقشار کم‌درآمد بلکه اقشار متوسط را نیز در بر گرفته است.

در همین رابطه مسعود بختیاری، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران، از رکود شدید حاکم بر بازار مواد غذایی خبر داده و گفته این رکود ناشی از کاهش قدرت خرید خانوارها

بازارهای مختلف ایران تحت تأثیر قیمت بالای ارز توقف معاملات و افزایش قیمت‌ها

با نرخ دلار افزایش پیدا می‌کند. این کالای سرمایه‌ای دیگر خیلی از فرمول عرضه و تقاضا تبعیت نمی‌کند که بگوییم با داغ شدن تنور بازار قیمت‌ها رشد کرده است. خبر کاهش ارزش پول ملی بطور خاص بازار خودرو را دچار تنش و تشنج می‌کند.»

گزارش‌ها از بازار مسکن نیز نشان از خیز این بازار برای افزایش قیمت‌ها به دلیل افزایش قیمت ارز دارد. وبسایت «خبرآنلاین» گزارش داده که با افزایش نرخ دلار در این روزها، قیمت مسکن نیز افزایش یافته و به نظر می‌رسد پس از یک سال رکود، بازار مسکن در حال خروج از این وضعیت قرار دارد. در هفته‌های اخیر، دلار رفتاری متفاوت نسبت به گذشته از خود نشان داده و این امر باعث شده است که بازار معاملات مسکن در تهران از حالت خواب زمستانی خارج شود.

این گزارش افزوده که از همان روزی که نرخ دلار در سال ۹۷ دچار نوسان شد، شاهد افزایش چشمگیر نرخ مسکن نیز بودیم و قیمت‌ها دچار جهش ناگهانی شد. از همان روز معلوم شد که دلار، بازیگر مهمی در بازار مسکن است. در این چند ماه که نرخ دلار ثابت بود، شاهد ثبات بازار مسکن بودیم. اما با افزایش نرخ دلار در هفته‌های اخیر، دوباره ثابت شد که نرخ این شاخص بر بازار ملک و املاک، اثر زیادی می‌گذارد. طی همین یک هفته گذشته، بازار مسکن تغییر وضعیت داده و به نظر می‌آید که از رکود سنگینی که درگیرش بود، خارج شده است. همچنین برخی خریداران مردد، دوباره به بازار برگشته‌اند و تقاضای خرید بیشتر شده است.

افزایش قیمت مسکن اگر چه سبب اندکی تحرک در بازار خرید و فروش شده اما یکی از عوارض آن، افزایش قیمت اجاره‌بها است. این در حالیست که پیشتر و در دی‌ماه امسال نیز گزارش‌ها از افزایش اجاره‌بها حکایت داشت؛ موضوعی که مستأجرانی که غالباً حقوق‌بگیر هستند را در سال جدید دچار بحران‌های جدیدی در زمینه اجاره خانه خواهد کرد.

در شرایطی که افزایش قیمت ارز به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر بازارهای مختلف اثرگذار است، روزنامه «اطلاعات» در مطلبی نوشته «گفتمان دولت در مواجهه با رشد اخیر قیمت ارز مانند گذشته زنگار زده و رنگ و رو رفته بوده و مورد پذیرش جامعه قرار نمی‌گیرد.»

در ادامه این مطلب آمده که «دوری گفتمان ارزی دولت از واقعیت‌های کف اقتصاد و پیوند دادن آن با موضوعات ایدئولوژیک، شعاری و تریبونی فقط آب به آسیاب دشمن می‌ریزد و البته لخنه پرمعنی افکار عمومی را هم به دنبال دارد و باعث کاهش قیمت ارزشمندی می‌شود و می‌بینیم که نشده است.»

روزنامه «اطلاعات» افزوده که درنهایت هم، راه حل کنترل نرخ این روزهای بازار ارز که می‌دانیم ریشه‌ای روانی و ذهنی دارد، از آرامش بخشی به جامعه از طریق بیان صادقانه واقعیت‌ها به مردم و پرداختن به آرام کردن اذهان، به جای تحریک و سخن‌گویی طلبکارانه می‌گذرد؛ البته راه حل کاهش پایدار قیمت ارز از تن دادن به مکانیسم بازار و تک‌نرخ شدن آن می‌گذرد و چه خوب که دولت سیزدهم فرمان را به این سو بچرخاند یا دست کم قصدش را اعلام کند.



گزارش «تسنیم» خواستار دخالت وزارت صمت در بازار لوازم خانگی شده و نوشته «وزارت صنعت باید به این موضوع ورود پیدا کند که در بازار راکد براساس کدام استدلال تولیدکننده می‌خواهد افزایش قیمت را اعمال نماید، مگر تولیدکننده منابع ارزی خود را از بازار آزاد تأمین می‌کند که با هر نوسان قیمتی خواستار تغییر قیمت در محصولات خود است؟!»

همچنین بازار موبایل که طی هفته‌های گذشته متأثر از روند صعودی قیمت‌ها در بازار ارز با افزایش قیمت‌ها روبرو بود طی دو روز گذشته قفل شده و بر اساس گزارش‌ها معامله خاصی در این بازار صورت نمی‌گیرد.

در برخی بازارهای دیگر از جمله بازار اتومبیل موج افزایش قیمت آغاز شده است. کارشناسان بازار اتومبیل رشد قیمت‌ها در این بازار را ناشی از افزایش قیمت دلار می‌دانند؛ روندی که با نزدیک شدن به پایان سال چندان دور از انتظار نبود.

بر اساس گزارش‌ها قیمت انواع اتومبیل داخلی طی دو روز تا ۱۰ میلیون افزایش داشته است. افزایش قیمت‌ها در اتومبیل‌های خارجی شیب بیشتری داشته بطوری که قیمت ام‌وی‌ام X2۲ دنده‌ای اسپرت در عرض یک روز ۳۰ میلیون تومان گران‌تر شده و روی کانال ۸۰۰ میلیون تومان معامله می‌شود. جک S۳ اتوماتیک از ابتدای روز توانست ۵۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته باشد و با نرخ یک میلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان خرید و فروش شود.

مرتضی شجاعی کارشناس بازار اتومبیل در گفتگو با وبسایت «اقتصاد» ۲۴ درباره افزایش قیمت‌ها در بازار اتومبیل گفته «همانطور که ثابت ارز در ماه‌های گذشته بازار را به ثبات رسانده بود حالا با بالا رفتن تنش‌ها در بازار دلار قیمت کارخانه‌ای افزایش شدید پیدا کرده است. خودرو نیز درست یا غلط یک کالای سرمایه‌ای قلمداد شده و دارد متناسب

● خبرگزاری «تسنیم» با اشاره به توقف معاملات در بازار لوازم خانگی نوشته کسبه معتقدند افزایش نرخ دلار عاملی شده است تا تولیدکنندگان بر طبل گرانی بکوبند و خواستار افزایش قیمت باشند.

● بازار موبایل که طی هفته‌های گذشته متأثر از روند صعودی قیمت‌ها در بازار ارز با افزایش قیمت‌ها روبرو بود طی دو روز گذشته قفل شده و بر اساس گزارش‌ها معامله خاصی در این بازار صورت نمی‌گیرد.

● افزایش قیمت مسکن متأثر از افزایش قیمت دلار، اگرچه سبب اندکی تحرک در بازار خرید و فروش شده اما یکی از عوارض آن، افزایش قیمت اجاره‌بها است.

شوک ناشی از افزایش قیمت ارز و رسیدن دلار به مرز ۶۰ هزار تومان به دیگر بازارهای کشور نیز سربایت کرده است. برخی بازارها مانند لوازم خانگی و موبایل با توقف خرید و فروش روبرو شده و برخی دیگر مانند بازار اتومبیل با موج افزایش قیمت روبرو شده‌اند.

روز سه‌شنبه دهم بهمن‌ماه قیمت ارز در بازار آزاد ایران رکوردهای تازه‌ای ثبت کرد و قیمت هر دلار آمریکا به بیش از ۵۹ هزار تومان رسید. پوند بریتانیا یک رکورد تاریخی در تاریخ اقتصاد ایران ثبت کرد و به بیش از ۷۳ هزار تومانی رسید. درهم امارات، کانال ۱۶ هزار تومانی را فتح کرده و یورو در آستانه ورود به کانال ۶۴ هزار تومانی قرار گرفت.

یک روز پس از رسیدن دلار به مرز ۶۰ هزار تومان و در حالی که دولت اقداماتی برای کاهش قیمت ارز را آغاز کرده، گزارش‌ها از توقف معاملات در برخی بازارها و شروع افزایش قیمت در برخی بازارهای دیگر، متأثر از افزایش قیمت ارز، حکایت دارد.

وبسایت «خبرآنلاین» نیز در گزارشی از نوسانات بازار ارز نوشت که سه‌شنبه دهم بهمن روز مهمی در بازار ارز محسوب می‌شود چرا که پیشروی قیمت‌ها به سمت سد مقاومتی سوم یعنی شصت هزار تومان، فضای بازارهای مختلف را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بازار لوازم خانگی از جمله بازارهایی است که با توقف معاملات همراه شده است. خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح امروز، چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲، در گزارشی به رکود شدید در این بازار اشاره کرده است.

این گزارش مدعی شده که کسبه معتقدند افزایش نرخ دلار عاملی شده است تا تولیدکنندگان بر طبل گرانی بکوبند و خواستار تغییرات قیمتی در انواع محصولات خود باشند البته هنوز تغییرات قیمتی در بازار لوازم خانگی توسط تولیدکنندگان اعمال نشده است اما فعلاً فروش متوقف شده است.

خبرگزاری «تسنیم» نوشته است: «مشخص نیست تولیدکنندگان چه زمانی می‌خواهند فروش کالا را مجدداً آغاز کنند اما نکته اینجاست بازار شب عید نیازمند کالاست و در این شرایط معلوم نیست تولیدکنندگان براساس کدام منطق به دنبال افزایش قیمت هستند.»

این گزارش افزوده که «هم‌اکنون بررسی بازار لوازم خانگی نشان از آن دارد که کمتر معامله‌ای در بازار صورت می‌گیرد و همه به قسطی‌فروشی گرایش پیدا کرده‌اند.»

درآمد گردشگری ترکیه در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۵۴ میلیارد دلار رسید

خبرگزاری «آنا تولی» روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه گزارش داد درآمد گردشگری ترکیه در سال ۲۰۲۳ به ۵۴/۳ میلیارد دلار رسیده که نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۲ حدود ۱۶/۹ درصد افزایش پیدا کرده است. بر اساس اداره آمار ترکیه، در سال ۲۰۲۳ بیش از ۵۷ میلیون توریست به ترکیه سفر کردند. بر اساس داده‌های سازمان جهانی گردشگری، مجموع گردشگران ورودی به ایران در سال ۲۰۲۳ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ بیش از شیوع کرونا ۳۷ درصد کاهش پیدا کرده است؛ محدودیت‌های اسلامی، حجاب اجباری، ممنوعیت نوشیدن مشروبات الکلی و گروگانگیری شهروندان خارجی توسط حکومت از جمله دلایل بی‌میلی توریست‌ها برای سفر به ایران است.

تخریب منازل مسکونی شهروندان بلوچ توسط نیروهای نظامی و مأموران بنیاد مسکن در غفوراباد زاهدان

به گزارش «کمپین فعالین بلوچ»، چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲، نیروهای نظامی و مأموران بنیاد مسکن ساعت ۴ صبح به منازل شهروندان بلوچ در روستای غفور آباد شهرستان زاهدان هجوم برده و با خشونت و فحاشی سرپناه آنها را خراب کردند. به گزارش این کمپین، منازل اهالی این روستا ثبت شده و آنها سال‌هاست در این منطقه سکونت دارند.

محمد رضا شاه پهلوی: «سه ماه پس از خروج مردم تأسف خواهند خورد»

در سالگرد وقوع انقلاب اسلامی در ایران کاربران در شبکه‌های اجتماعی جمله‌ای از محمد رضا شاه پهلوی را که روزنامه فرانسوی «فیگارو» در دی‌ماه ۱۳۵۷ از وی نقل کرده بود به اشتراک می‌گذارند: «سه ماه پس از خروج مردم تأسف خواهند خورد». روزنامه «آیندگان» چهارشنبه

قردانی شاهزاده رضا پهلوی از تلویزیون «منوتو»

شاهزاده رضا پهلوی با ارسال یک پیام ویدئویی و همچنین نامه‌ای رسمی از شبکه تلویزیونی «منوتو» قردانی کرد. شاهزاده رضا پهلوی در پیام خود می‌گوید: «تلویزیون منوتو نزدیک به ۱۴ سال پیام‌آور امید به زندگی عشق به میهن و شادی به خانه‌های ملت ایران بود. ترکیب میهن‌پرستی و مردم‌دوستی مدیریت و دست‌اندرکاران منوتو با درایت حرفه‌ای آنان در تولید و ارائه برنامه‌ها، مجموعه‌های کم‌نظیر از تولیدات رسانه‌ای را برای هم‌میهنان ما خلق کرد. حملات متعدد عوامل رژیم تبهکار جمهوری اسلامی به این تلویزیون و کارگزارانش نشان‌دهنده عمق تأثیرگذاری منوتو است. شخصاً از خدماتی که این مجموعه حرفه‌ای به کشورمان ایران کرد سپاسگزارم و بسیار علاقمندم که این تیم خوب را همچنان در کوشش و تداوم کنشگری رسانه‌ای برای آزادی کشورمان ایران ببینم.»

«منوتو» در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد

۳۱ ژانویه ۲۰۲۴ برابر با ۱۱ بهمن ۱۴۰۲ شبکه تلویزیونی «منوتو» به پخش ماهواره‌ای خود پایان داد و در وبسایت‌اش اعلام کرد که همچنان در شبکه‌های اجتماعی فعال خواهد بود.

این شبکه که پس از سال‌ها استقرار جمهوری اسلامی در ایران و داشتن انحصار رسانه‌ای در داخل، فصل جدیدی در تلویزیون‌های «فارسی‌زبان» خارج کشور گشود، نزدیک به ۱۴ سال توانست رابطه‌ای نزدیک با مردم در داخل کشور برقرار کند و نه تنها بازتاب مسائل و مشکلات و تمایلات و آرزوهای آنها برای امروز و فردا باشد بلکه با ساخت برنامه‌های شاد و تفریحی، دردهای زندگی اقتصادی و اجتماعی آنها را کمی التیام بخشد و مهم‌تر از همه با مستندها و گفتگوهای متعدد، مخاطبان‌ش، به ویژه نسل‌های

سناتور تام کاتن: تا بایدن بُردل در قدرت است رژیم ایران به ما می‌خندد

سناتور تام کاتن تأکید دارد رژیم ایران تا وقتی بایدن بُردل در قدرت است به ما می‌خندد. به گزارش «نیوزمکس» کاتن در برنامه «Hugh Hewitt's podcast» تأکید کرد که رژیم ایران و گروه‌های تروریستی وابسته به آن از رئیس جمهور «ضعیف و بزدل» سوء استفاده می‌کنند. وی گفت: «بایدن به رژیم ایران به چشم یک حکومت عادی نگاه می‌کند. او خیال می‌کند اگر به آنها امتیاز بدهد و با آنها مباحثات کند رژیم ایران دست از تنش‌آفرینی بر می‌دارد و خاورمیانه آرام می‌شود... اما اینطور نیست. جمهوری اسلامی ۴۵ سال است که دشمن آمریکا است». سناتور کاتن در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «ما باید دوره ۱۱ ساله‌ی شکست اوپاما- بایدن را کاملاً معکوس کنیم و رژیم ایران را به همان شکلی که هست ببینیم، دشمنی شیطانی که نمی‌توان آن را مهار کرد؛ تنها در درازمدت می‌توان آن را شکست داد. این باید سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی باشد.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:

روس‌ها پای جمهوری اسلامی را به جنگی کشانده‌اند که هیچ منفعتی ندارد

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با سایت «جماران» که دوشنبه دهم بهمن ماه منتشر شد گفته «روس‌ها پای ما را به جنگی کشانده‌اند که هیچ منفعتی برای ما ندارد چون دید راهبردی به تحولات دنیا نداریم، ایران به عنوان یکی از طرفین بسیاری از تنش‌ها مطرح می‌شود، در حالیکه ربطی به ما ندارند.»

مادر نیکا شاکرمی:

اگر فرزند شما را نیروهای حکومت شیعه اسلامی کشته بود چه می‌کردید؟



نسرین شاکرمی، مادر نیکا شاکرمی از جانب‌اختگان جنبش ملی روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه با انتشار تصویری از دخترش در استوری اینستاگرام خود نوشت:

«اگر فرزند شما توسط نیروهای حکومت شیعه اسلامی کشته می‌شد، شما چه می‌کردید آیا همچنان به زندگی خود به روال قبل ادامه می‌دادید؟»



جوان را با سرزمین و میهن خود و خدمتگزاران و خائنانش بیشتر آشنا سازد.

«منوتو» بر اساس آنچه توسط مبتکران و مدیرانش مطرح شده، در پی آنست تا بتواند نوتر و مؤثرتر به خانه‌های مردم برگردد و از مخاطبان خواسته تا همچنان گزارش‌های خود را به تلگرام و واتساپ این شبکه ارسال کنند.



۲۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ متن گزارش روزنامه فیگارو را درباره وقایع ایران منتشر کرد. خبرنگار این روزنامه می‌نویسد: «پادشاه ایران باور دارد کمونیست‌ها نقش اساسی بازی می‌کنند آنها هسته‌های سازمانی خود را تشکیل داده‌اند و شروع به استقرار مکانی کرده‌اند که خمینی برایشان تدارک دیده است و خود را آماده می‌کنند تا مانند شیاطین در آن لحظه مناسب از صندوق بیرون بجهند.»

کشته شدن سه فرمانده ارشد حماس در بیمارستان توسط کوماندوهای اسرائیلی در پوشش پزشک، پرستار و معلول

نیروهای ویژه اسرائیل در یک عملیات سری ۱۰ دقیقه‌ای در پوشش پزشک، پرستار، معلول و بیمار، یکشنبه شب نهم بهمن‌ماه به بیمارستان «ابن سینا» در جنین (کرانه باختری) رفتند و «محمد جلمنه» یکی از فرماندهان ارشد حماس و دو فرمانده دیگر این گروه تروریستی را «خنثی کردند». وزارت خارجه اسرائیل گزارش داده این سه فرمانده حماس قصد انجام عملیات تروریستی داشتند و در بیمارستان مخفی شده بودند.

حمله پهلادی به حيفا توسط شبه نظامیان عراقی وابسته به «سپاه قدس»

منابع خبری حکومتی در ایران و منابع فلسطینی ادعا می‌کنند که بندر حيفا در اسرائیل روز سه‌شنبه ۱۱ بهمن‌ماه هدف حملات پهلادی «گروه‌های مقاومت عراق» قرار گرفته است. پایگاه خبری «نور نیوز» وابسته به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» متن بیانیه «مقاومت اسلامی عراق» درباره این حمله را منتشر کرد. در این بیانیه شبه نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق مسئولیت حمله به حيفا را پذیرفتند و گفته‌اند این حملات تا توقف جنگ در غزه ادامه پیدا می‌کند.

به مناسبت ۲۷ ژانویه روز جهانی یادبود هولوکاست

شاهزاده رضا پهلوی طی پیامی کوتاه در «ایکس» با انتشار عکسی از حضور خود و بانو یاسمین در موزه یادبود قربانیان هولوکاست در اسرائیل طی سفرشان در آوریل ۲۰۲۳ به آن کشور نوشت: «من و یاسمین به همراه هم‌میهن‌مان و به ویژه



«پسرم رفتار و آرایش زنانه داشت، اورا گشتم!» در تبریز بی‌آبرو شده بودیم!

وبسایت خبری «رکتا» دهم بهمن‌ماه در گزارشی نوشت یک پدر در شهر تبریز پسر جوان خود را به دلیل اینکه موهای پایش را می‌زد و آرایش غلیظ داشت و موهای سرش را رنگ می‌کرد و رفتار زنانه داشت کشته است. وی به پلیس گفته «پارسا با افرادی بسیار ناباب دوست شده بود و کارهای بسیار زشت و بدی نیز از آنان یاد گرفته بود و چند وقت از خانه فرار کرد». پدر فرزندگش عنوان کرده رفتارهای پسرش روز به روز بدتر می‌شد و تحمل آن از حد توانش خارج بود: «می‌توانستم در میان فامیل و دوست و آشنا سر خود را بالا بگیرم؛ همه با انگشت نشان‌مان می‌دادند؛ بی‌آبرو شدیم. تصمیم گرفتیم خودم و او را خلاص کنم تا از زیر بار اینهمه فکر و خیال و مشکلات رهایی یابم.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به اعدام زندانیان سیاسی و کشتن سربازان آمریکایی:

جمهوری اسلامی همزمان علیه مردم ایران و جهان اعلام جنگ کرده است

جمهوری اسلامی سحرگاه دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲ چهار زندانی سیاسی دیگر، پژمان فاتحی، وفا آذربار، محسن مظلوم و محمد فرامرزی را با وجود اعتراضات داخلی و خارجی، اعدام کرد و نام شماری دیگر از زندانیان سیاسی مانند مجاهد کورکور و رضا رسایی و عباس دریس در صف قتل‌های فراقضایی رژیم به چشم می‌خورد. همزمان گروه‌های نیابتی حکومت اسلامی در زمین و هوا و دریا به ناامنی دامن زده و با دمیدن در آتش جنگ، از کشتار مردم غیرنظامی و نظامیان کشورهای دیگر از جمله سربازان آمریکایی پروایی ندارند. در همین ارتباط، شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که ۹ بهمن‌ماه منتشر شده، بار دیگر تأکید کرده است: «جمهوری اسلامی همزمان علیه مردم ایران و جهان اعلام جنگ کرده است.»



تظاهرات در سمیرم؛ مردم خواستار لغو حکم اعدام فاضل و مهران بهرامیان هستند

کسبه و بازاریان در شهرستان سمیرم در استان اصفهان سه‌شنبه دهم بهمن دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار لغو حکم اعدام دو برادر به اسم فاضل و مهران بهرامیان هستند. در تجمع مردم سمیرم شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند. اعتصاب کسبه در این شهرستان روز چهارشنبه ۱۱ بهمن‌ماه نیز ادامه یافت. ویدیوهای مربوط به تجمع اعتراضی اهالی سمیرم با تأخیر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. جمهوری اسلامی فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان را به دروغ متهم به قتل یک مأمور حکومتی کرده است. آن‌هم در حالی که در ۲۵ آبان سال گذشته مراد بهرامیان یک عضو دیگر این خانواده را با شلیک مستقیم کشته است! در سرکوب وحشیانه‌ی مردم سمیرم در جریان خیزش ملی، در همان روز دو شهروند دیگر به نام علی عباسی و مسلم هوشنگی نیز با گلوله مأموران امنیتی کشته شدند.

مادر سیاوش محمودی:

خون دل خوردم تا بزرگ شوی به این راحتی از خونت نخواهم گذشت

لیلا مهدوی، مادر سیاوش محمودی از جانباختگان خیزش ملی روز چهارشنبه ۱۱ بهمن‌ماه در استوری اینستاگرام خود با انتشار تصویری از مزار فرزندش نوشت: «خون دل خوردم تا بزرگ شوی به این راحتی از خونت نخواهم گذشت. یک جان دارم آن هم فدای راه پسر و میهنم.»

حکم حبس و تبعید و ممنوعیت‌های مجید توکلی تأیید شد

همسر #مجید_توکلی در «ایکس» خبر داد که حکم قضائی علیه این فعال سیاسی مبنی بر حبس و تبعید و ممنوعیت فعالیت اجتماعی تأیید شده است.



جامعه یهودیان ایران سوگوار شش میلیون یهودی قربانی هولوکاست هستیم. باشد که خاطره‌شان یادآور این باشد که هرگز در برابر شرّ ساکت نمانیم.» از سال ۲۰۰۵ هربار در ۲۷ ژانویه یاد قربانیان هولوکاست در سراسر جهان گرامی داشته و با اجرای مراسم مختلف کشتار میلیون‌ها یهودی یادآوری می‌شود تا شاید جهان دیگر شاهد چنین جنایاتی بر اساس تفاوت انسان‌ها نباشد.

این رژیم در جنگش علیه مردم ایران، ساعتی قبل چهار زندانی دیگر را اعدام کرد. و در اعلام جنگش با جهان، سه سرباز آمریکایی را در اردن از طریق تروریست‌های نیابتی خود کشت و ده‌ها تن دیگر را زخمی کرد. برای این معضل، تنها یک راه حل وجود دارد: کمک به ملت ایران در مبارزه‌شان برای رهایی از رژیم اسلامی، و پایان دادن به جنگ و درگیری.»

مریم تابنده نوشته است: «به موجب نامه اطلاعات، مجید به دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت لیبرال بوده، لذا با عنایت به تمامی موارد، حکم شعبه ۳۶ تجدید نظر مبنی بر ۵ سال حبس تعزیری، ۲ سال تبعید و عدم حضور در فضای مجازی، عیناً تأیید می‌گردد.» وی خطاب به مقامات قضائی و امنیتی نوشته: «امید دخترم را ناامید کردید. دست مریزاد.»

KAYHANLIFE



SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | ۴۵ سال پس از ورود خمینی به تهران و چند حقیقت در یک تصویر